

پهر اقتصاد کرمان

- فصل نامه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان
- سال سوم ● شماره ۶ ● بهار و تابستان ۱۳۹۹ ● ۱۸ هزار تومان



کسب و کار در مسیر ناهموار

این راه نه راهی است که هموار توان کرد؟!

با مطالبی درباره فضای کسب و کار، صنعت و معدن، آب و کشاورزی، گردشگری و صنایع دستی، بازرگانی و خدمات

گفت وگوا دکترا «یدالله موحد»
رئیس کل دادگستری استان کرمان

**علل و عوامل فساد
وراههای برون رفت از آن**

گفت وگوا «بهروز آگاه»
باغدار پسته و دست اندرکار تولید و تجارت پسته

**بزرگترین خدمت دولت ایران
به صنعت پسته آمریکا**

گفت وگوا دکترا «علیرضا شکیبایی»
عضو هیئت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان

**غلبه تفکر روزمرگی
بر برنامه ریزی**



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمانشاه



www.otagh-bazargani.com



sepehr@kccim.ir



۰۳۴-۳۲۴۸۳۳۷۸



۱۰۰۰۳۴۳۲۴۴۱۰۵۸



Kccima

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



● طبیعت خنجر بافت - کرمان ● عکاس: صادق فر ●

روایت

امام علی (علیه السلام):

آن گونه که یاری می کنی، یاری می شوی.

(غررالحکم و دررالکلم، ح ۷۲۰۹)

از بیانات رهبر معظم انقلاب

ضرورت برداشت موانع

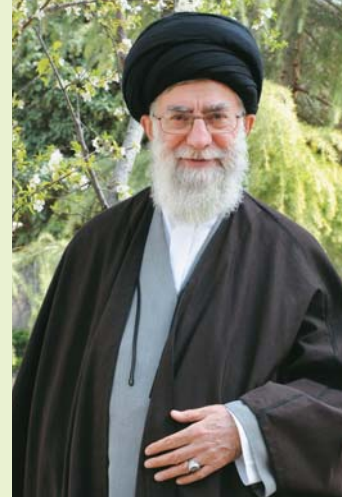
پیچ و خم‌های اداری در اعطای مجوزها

یک مطلب دیگر که جزو موانع تولید است و خوشبختانه حالا در گزارش‌هایی که آقایان دادید اشاره‌ای به این هم شده، مسئله مجوزها است که حالا می‌گویید زمانش کم شده؛ [این] خیلی مهم است. مجوزها واقعا پیچ‌وخم‌های اداری عجیب و غریبی دارد؛ حالا گفتند ۷۲ روز، [اما در] مواردی خیلی بیش از ۷۲ روز مجوزها مشکل پیدا می‌کرده. خوب بایستی روی این زمینه کار کرد؛ مسئله تسهیلات بانکی و از این قبیل به نظر من بایستی به این توجه کرد؛ برداشت موانع.

هدایت نقدینگی به سمت تولید

این مسئله هدایت نقدینگی را من یک‌بار دیگر هم در مرکز عمومی گفتم، خصوصی هم به مسئولان مکرر گفته شده که ما این نقدینگی موجود را به سمت تولید هدایت کنیم. البته من در سال ۹۷ در همین جلسه هیئت دولت و هفته دولت گفتم که یک هیئت شبانه‌روزی متخصص معین بکنید که بنشینند روش‌های مدیریت نقدینگی را جست‌وجو [کنند]؛ این نقدینگی موجود باید مدیریت بشود و هدایت بشود به سمت تولید که این کار آسانی نیست، کار مشکلی است، روش‌های ویژه‌ای لازم دارد؛ من گفتم یک هیئتی بنشینند و این کار را انجام بدهند. من نمی‌دانم این هیئت تشکیل شده یا نشده؛ به هر حال اگر نشده، باز هم زمان باقی است و ان‌شاءالله این کار انجام بگیرد تا اینکه نقدینگی موجود سرازیر بشود به سمت قسمت واقعی اقتصاد و به تولید برسد.

(سخنرانی در جلسه هیئت دولت / ۲ شهریورماه ۱۳۹۹)



فصل نامه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان
دارای پروانه انتشار (شماره ثبت ۷۹۸۳۷) از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
سال سوم | شماره ششم | بهار و تابستان ۱۳۹۹

سپهر اقتصاد

با نوشتارها و گفتارهایی از: یدالله موحد/ علیرضا شکیبایی / سوده مقصودی / محمدعلی دهقان / محمدحسین قربانی / محمدامین عبدالله‌نژاد / سیدحسین موسوی / بتول علیرزاده / عبدالرضا تحصینی / مهدی حسینی‌نژاد / رضا ضیایی / علیرضا سعیدی / مسعود رضایی‌زاده / نادیا انجم‌شعاع / حسین مهربانی‌بش‌آبادی / بهروز آگاه / شاپور کوهستانی / سیدمحمدرضا ترابی موسوی / جهانبخش بهزاد‌نژاد / محمدحسین اکبری / محدثه حسینی‌نیا / عقیل سیستانی / عباس فهیمی / نادر علی‌دادی سلیمانی / سیدمهدی طیب‌زاده / سعید ایرانمنش / رضا سنجری / محمدرضا حیدری‌پور / علی نقوی / محمد مددی‌زاده / هادی نمره صلواتی‌پور / رضا اسماعیلی‌پور / امیرحسین نوریان	<p>صاحب امتیاز: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان / رئیس شورای سیاست‌گذاری: سیدمهدی طیب‌زاده / مدیرمسئول: سیدمحمدعلی گلاب‌زاده / سردبیر: ذبیح‌الله کرمی / دبیر تحریریه و مدیر اجرایی: فرزانه زاهدی / تحریریه: ریحانه حسن‌زاده / طراحی گرافیک و صفحه‌آرایی: آتلیه گرافیک (پرانتز) / طراحی نام‌واره: محمدرضا هاشمی‌نژاد</p> <p>نشانی: کرمان، میدان آزادی، ابتدای بلوار جمهوری اسلامی، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان / کدپستی: ۷۶۱۹۶۵۳۴۹۸ / صندوق پستی: ۴۷۱-۷۶۱۷۵ / تلفن: ۰۳۴-۳۲۴۴۲۳۲۴ / دورنگار: ۰۳۴-۳۲۴۸۳۳۷۴ / ایمک: ۱۰۰۳۴۳۲۴۴۱۰۵۸ / پیامک: @Kccima / www.otagh-bazargani.com / sepehr@kccim.ir</p> <p>«سپهر اقتصاد کرمان» در ویرایش و اصلاح مطالب رسیده، آزاد است. مطالب منتشرشده در فصل‌نامه، رأی و نظر نویسندگان آن‌هاست و لزوماً نظر «سپهر اقتصاد کرمان» نیست.</p> <p>برای چاپ آگهی در «سپهر اقتصاد کرمان»، با ما تماس بگیرید: ۰۳۴-۳۲۴۴۲۳۲۴</p>
--	--

بازرگانی و خدمات

- ۱۱۶ | گفت‌وگو با «سیدمهدی طبیب‌زاده»
رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و
کشاورزی کرمان؛ مثلث پایداری صادرات
- ۱۱۹ | چشم‌انداز اثرگذاری تحریم‌های
اقتصادی بر روابط تجاری جمهوری اسلامی
ایران در سال ۱۳۹۹
- ۱۲۲ | اوراسیا، پنجره‌ای رو به توسعه
صادرات استان
- ۱۲۴ | غفلت از ظرفیت‌های صنایع کوچک
و به رسمیت نشناختن شرکت‌های مدیریت
صادرات
- ۱۲۷ | گفت‌وگو با مدیریت شرکت پایانه
صادراتی گلشن‌آرای ارم؛ پایانه صادراتی
منطقه جنوب استان کرمان
- ۱۳۰ | نگرشی مختصر بر صنعت حمل‌ونقل و
لجستیک در ایران
- ۱۳۸ | نقش دانشگاه در اقتصاد استان
- ۱۴۰ | نیروی انسانی باکیفیت رفتار مولد دارد
- ۱۴۳ | آسیب‌شناسی صادرات در شرایط امروز

رویدادها

- ۱۴۵ | مروری بر گزیده اخبار
تفاهم‌نامه احداث ۱۲۰ مدرسه در استان
کرمان امضا شد/ راهکارهای توسعه تجارت
کرمان با عمان، عراق و سوریه بررسی شد/
مشکلات بانکی فعالان کشاورزی استان
با حضور مدیرعامل بانک کشاورزی ایران
بررسی شد/ وعده‌های وزیر کشاورزی در
کرمان: راه‌اندازی شورای راهبردی صادرات
و صندوق‌های حمایتی پسته و خرما/
سیدمهدی طبیب‌زاده: دستورالعمل تأمین
نقدینگی فعالان اقتصادی حوزه کشاورزی
استان تدوین می‌شود/ مشکلات مربوط به
بازگشت ارز حاصل از صادرات سال ۹۷ برخی
از فعالان اقتصادی بررسی شد/ و...
- ۱۵۶ | معرفی کتاب

- ۵۸ | گفت‌وگو با دکتر «مسعود رضایی‌زاده»
معاون پارک علم و فناوری استان کرمان؛ تشکیل
استارت‌آپ‌ها بر مبنای اصول تفکر طراحی
- ۶۵ | اقتصاد منهای نفت

آب و کشاورزی

- ۷۰ | ضرورت توجه به سیاست‌های توسعه
پایدار کشاورزی در راستای تقویت اقتصاد سبز
- ۷۴ | گفت‌وگو با «بهروز آگاه» باغدار پسته
و دست‌اندرکار تولید و تجارت پسته؛
بزرگ‌ترین خدمت دولت ایران به صنعت
پسته آمریکا
- ۸۲ | ضرورت اتخاذ استراتژی و تدوین
برنامه اقدام پایدار جهت تجاری‌سازی
محصولات کشاورزی جنوب استان کرمان
- ۸۴ | گفت‌وگو با «سیدمحمدرضا ترابی
موسوی» عضو هیئت نمایندگان و رییس
کمیسیون کشاورزی اتاق کرمان؛ کشاورزی در
بند نهاده و در قید بازار بین‌المللی
- ۸۸ | اهمیت ملی و بین‌المللی تولید
محصولات جنوب استان کرمان
- ۹۰ | طعم شیرین خرما؛ کام تلخ فعالان
- ۹۴ | کشاورزی هوشمند به آب؛ راه‌حلی برای
بحران آب چالش‌های اقتصادی

گردشگری و صنایع دستی

- ۱۰۰ | گفت‌وگو با «عقیل سیستانی» رئیس
کارگروه فرش و صنایع‌دستی کمیسیون
گردشگری، فرش و صنایع‌دستی اتاق کرمان؛
تصمیمات سطحی و مقطعی؛ گویی قالی
کم‌ارزش‌ترین کالای کشور است!
- ۱۰۵ | دره راگه؛ استان کرمان، شهرستان
رفسنجان، روستای ناصریه
- ۱۰۹ | مینوی جهان، بصره کرمان

فضای کسب‌وکار

- ۱۰ | گفت‌وگو با دکتر «یدالله موحد» رئیس
کل دادگستری استان کرمان؛ علل و عوامل
فساد و راه‌های برون‌رفت از آن
- ۱۴ | گفت‌وگو با دکتر «علیرضا شکیبایی»
عضو هیئت‌علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان؛
غلبه تفکر روزمرگی بر برنامه‌ریزی
- ۱۹ | گفت‌وگو با دکتر «سوده مقصودی»،
دانشیار دانشگاه شهید باهنر کرمان؛
شایستگی؛ لیاقت و صلاحیت
- ۲۲ | گفت‌وگو با دکتر «محمدعلی دهقان»
عضو هیئت‌علمی دانشگاه ولی‌عصر (عج)
رفسنجان؛ شرط بالندگی بخش خصوصی؛
نظارت کافی و دخالت حداقلی دولت
- ۲۶ | گفت‌وگو با دکتر «محمدحسین قربانی»
مشاور مالیاتی اتاق بازرگانی کرمان؛ عدالت
مالیاتی؛ اصلاح ساختاری قانون مالیات‌ها و
هدفمند شدن معافیت‌ها
- ۲۹ | کمای بخش خصوصی
- ۳۱ | راه‌حل‌های عملی برای عبور از موانع و
چالش‌های اقتصادی
- ۳۵ | در باب جایگاه مشاوره در فرایند توسعه
سرمایه‌گذاری؛ در جست‌وجوی فانوس

صنعت و معدن

- ۴۰ | گفت‌وگو با دکتر «عبدالرضا تحسینی»
فعال اقتصادی و رئیس مرکز آموزش
مدیریت صنعتی استان کرمان؛ صنایع غذایی
و معدنی؛ مزیت رقابتی استان کرمان
- ۴۳ | گفت‌وگو با «مهدی حسینی نژاد»
رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت
استان کرمان؛ کرمان ۱۴۰۰ یکی از قطب‌های
بزرگ فولادی کشور خواهد بود
- ۴۶ | اکوسیستم کارآفرینی شهر بابک چگونه
کار می‌کند؟
- ۵۲ | طرح شهید احمدی‌روشن؛ ارتباط
نخبگان دانشگاهی با جامعه و صنعت



شرکت صنایع مس شهید باهنر



بزرگترین تولید کننده

محصولات نیمه تمام مس و آلیاژهای مس

در خاورمیانه

www.csp.ir



تلفن:

۰۳۴-۳۱۲۲۷۹۹۹

فاکس:

۰۳۴-۳۱۲۲۷۹۰۰



آدرس:

(کرمان - کیلومتر ۱۲ بزرگراه آیت الله هاشمی رفسنجانی (کرمان-باغین))

فرهنگ؛ فاکتور نامرئی فضای کسب و کار

◆ **سیدمهدی طیب‌زاده**

رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان



را کم‌رنگ نموده است. در نتیجه فاصله و شکافی عمیق بین سرمایه‌گذار و کارگزاران دولتی ایجاد کرده است. در واقع موانع فرهنگی درک مفهوم جمله «کارآفرینان پیش‌قراولان توسعه جامعه هستند» را سخت کرده و در نتیجه باعث شده نتیجه اقداماتی مثل مقررات زدایی، بهبود فرایندها و... به‌طور واقعی عملیاتی نشود. ما معتقدیم هیچ جامعه‌ای توسعه فیزیکی پیدا نمی‌کند مگر این‌که توسعه در ذهن مردم آن جامعه اتفاق بیفتد؛ به عبارت بهتر؛ اول توسعه در مغزها، فکرها و دیدها اتفاق می‌افتد و نهایتاً آدم‌های به لحاظ برنامه‌ای و فکری توسعه یافته، در مراحل تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری فضایی پیش‌رونده برای کسب‌وکارها و جامعه ایجاد می‌کنند. به نظر می‌رسد باید مطالعات عمیقی در مورد سهم فاکتورهای فرهنگی در تعیین وضعیت نهایی اقتصاد یک کشور و جامعه‌شناسی ویژگی‌هایی مثل سخت‌کوشی یا تنبلی، مطالبه‌گر بودن یا نبودن، خودخواهی یا دیگر خواهی، ریسک‌پذیری یا محتاط بودن و امثال آن انجام شود. باید دید کشورهای توسعه یافته چه فرهنگی را بر محیط حاکم کرده‌اند تا به توفیق بیشتر برسند؟ ما معتقدیم بزرگ‌ترین رمز موفقیت برنامه‌ها، وجود نیروی انسانی توسعه یافته، معتقد و باورمند است. آن‌چنان که می‌توان گفت «فرجام هر مسئله تفسیر این دو حرف است: عاقل به دنبال راه؛ غافل پی بهانه». در نهایت سؤال اصلی این است که انسان‌های توسعه یافته چه ویژگی‌هایی دارند؟ ارکان مختلف یک جامعه در پرورش انسان‌های توسعه یافته چه نقش و وظایفی بر عهده دارند؟ و چگونه می‌توان از توسعه انسان‌ها به توسعه جوامع رسید؟ به نظر می‌رسد یافتن پاسخ این سؤالات در بلندمدت می‌تواند سرنوشت یک جامعه را تغییر دهد. ◆◆

بیش از نیمی از سال ۱۳۹۹ گذشته است؛ سالی که دولت و بخش خصوصی حول یک محور مشخص یعنی «جهش تولید» در تلاشند تا این مهم فقط در حد شعار نماند و عمیقاً در تصمیم‌گیری‌ها، تصمیم‌سازی‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات مسئولان رخنه کند، محوری که همه معتقدیم لازمه توسعه اقتصادی کشور است. به نظر می‌رسد به نقطه‌ای رسیده‌ایم که می‌توان با بررسی عملکرد شش ماه نخست سال مشخص کرد تا چه حد به این هدف نزدیک شده‌ایم، علل عدم انطباق‌های احتمالی چیست و چه بازنگری و هدف‌گذاری‌های جدیدی باید در دستور کار قرار بگیرد تا در پایان سال شاهد تحقق نتایج بهتری باشیم. مسئله و دغدغه همیشگی ما این بوده که چرا با وجود این همه پتانسیل و ظرفیت‌های بالایی که در کشور و به‌طور خاص استان کرمان وجود دارد خروجی و بهره‌وری درخور و شایسته‌ای برداشت نمی‌شود. قطعاً یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌های تحقق «جهش تولید»، بهبود فضای کسب‌وکار است و سال‌هاست مراجع و منابع معتبر دنیا و کشور از میزان تأثیر آن بر وضعیت اقتصادی کشورها سخن می‌گویند، اما چرا این همه صحبت در مورد کسب‌وکار به بهبود جدی منجر نمی‌شود؟ از نظر بنده دلیل اصلی این است که تسهیل فضای کسب‌وکار هنوز تبدیل به یک باور جدی نشده است. در واقع تأثیر فاکتورهای فرهنگی موضوعی است که کمتر مورد توجه و مطالعه قرار گرفته است. فرهنگ اشتباهی که علاوه بر این‌که باعث شده فعالان اقتصادی کمتر به دنبال ریسک‌پذیری، توسعه‌طلبی، مطالبه‌گری و سخت‌کوشی حرکت کنند، همچنین در بدنه اجرایی سازمان‌ها نیز رخنه کرده و توجه به ارزش و قداست مفاهیمی چون کارآفرینی، اشتغال‌زایی، توسعه‌نگری و سرمایه‌گذاری

جای خالی تعامل و مدیریت کارا

سیدمحمدعلی گلابزاده
مدیرمسئول



آن به «هدایت نقدینگی به سمت تولید» یاد نمودند تا آن زمان که سودجویان از خدا بی‌خبر حتی با فروش خانه و امکانات دیگرشان، به خرید و زندانی کردن ارز و نیز نقدینگی مبادرت می‌کنند و زیان و ضررهای چندجانبه‌ای به تولید، کسب‌وکار، اقتصاد و بازرگانی و حفظ استقلال ملی می‌زنند، چه انتظاری میتوان داشت؟ یادش به خیر مهدی آگاه اقتصاددان صاحب‌نظر که می‌گفت: «پدرم همواره مرا و جامعه را از درآمد بی‌زحمت که در گردش چرخ‌های اقتصاد نقشی ایفا نکند منع می‌کرد و به کسب‌وکارهایی چون بنگاه‌داری، معامله‌گری و دریافت درصد، روی خوش نشان نمی‌داد و آن را بلای جان جامعه می‌دانست.»

از سوی دیگر دولت اعلام می‌کند که بسیاری از صادرکنندگان، ارز خود را باز نگردانده‌اند و صادرکنندگان نیز از ضوابط دست‌وپاگیر برای صادرات و واردات ناله و شکوه دارند که باز هم ردپای عدم تعامل را می‌توان دید. در این‌که وقتی گرهی به کار می‌افتد، دشواری‌ها سلسله‌وار می‌شوند شکی نیست، اما در این میان مدیریت بحران چه معنایی پیدا می‌کند و جایگاه آن کجاست؟ امروز به مدیرانی نیاز داریم که بتوانند کشتی اقتصاد و کسب‌وکار را در میان طوفان حوادث هدایت کنند و این همان اصلی است که در برخی زمینه‌ها، جایش را خالی می‌بینیم.

جان کلام این‌که تا دو اصل تعامل و مدیریت کارساز و آشنا با بحران، یک‌جا جمع نشوند، گره مشکلات هر روز بیشتر خواهد شد و از یک‌سو کسب‌وکار حالش ناخوش می‌ماند و از سوی دیگر بر نارضایتی جامعه سردرگم افزوده می‌شود. بدیهی است آن‌چه در این مختصر آمد نگاهی گذرا به موضوع اخیر است و کارشناسان و اصحاب اندیشه، نظرات دقیق‌تری عرضه کرده‌اند که در این مجموعه تقدیم حضورتان می‌شود تا چه قبول افتد چه در نظر آید. ♦♦

اینکه «کسب و کار»، مسائل، مشکلات و ناهمواری‌هایی دارد و از حال خوشی برخوردار نیست بسی روشن و آشکار است و نیازی به بحث و گفت‌وگو ندارد، آن‌سوی موضوع، نیز گروهی که با اصحاب کسب‌وکار در ارتباط هستند و مایحتاج‌شان از این رهگذر تأمین می‌شود، بدحال‌تر و ناراضی‌تر.

در اینکه دشواری‌های اخیر ناشی از ستمگری‌های آمریکا و دشمنی‌های بدخواهان نظام است شکی نیست، اما همه این دشواری‌ها را نمی‌توان در این راه جستجو کرد و از امور داخلی غافل ماند. صاحب‌نظران امر اقتصاد بر این باورند که دو عامل اصلی در این راه وجود دارد، نخست مدیریت ناتوان که با عرضه راه‌حل‌های خلق‌الساعه و کارشناسی نشده، بر گره دشواری‌ها می‌افزایند و دیگر عدم تعامل جامعه و کاستن از بار مشکلات.

کسب‌وکار امروز ما ثابتی از متغیر ارز شده است، آن‌گونه که نگاه همه حرفه‌ها به فراز و فرود قیمت ارز است، این اصل نه تنها شامل کالاهای وارداتی و یا کالاهایی است که مواد اولیه آن‌ها از خارج تأمین می‌شود، بلکه حتی شمول آن به کسب‌وکارهایی که هیچ ارتباطی با مسئله اخیر ندارند، نیز کشیده شده است. بی‌گمان محدودیت‌های فروش نفت و بازگرداندن مطالبات از کشورهای دیگر، یکی از عوامل تعیین‌کننده است، اما در این میان، عدم تعامل و تقابل برخی که بدون هر گونه نیازی اقدام به خرید ارز کرده و آن را وسیله‌ای برای کسب‌وکار قرار داده‌اند تأثیر بسزایی دارد، ارقامی از دلار و ارزهای دیگر که در دست این گروه محترک است، به هزاران میلیون می‌رسد که اگر این مقدار در چرخه کسب‌وکار صحیح قرار می‌گرفت حال و روزمان بسیار به از این بود، این همان نکته ارزشمندی است که رهبری نیز در جلسه هیئت دولت عنوان کردند و از

از دنیا بیاموزیم

◆ ذبیح‌الله کرمی
سردبیر



و مسائل مبتلا به بر دوش آنها گران می‌کند، مراجعه نمایم و طی یک پژوهش بر مبنای اصول علمی به واکاوی نظرات آنان بپردازم، شاید که در کنار انبوه گزارشات مربوط به تنگناها و مشکلات تولید و تجارت و نقدها و تحلیل‌ها به کار رفع گرفتاری‌های آنان بیاید و تأثیری هر چند اندک در گشایش مشکلات کسب‌وکارهای ایشان بگذارد.

امروز اما با گذشت زمانی بیش از دو دهه، همان مشکلات و موانع که فعالان اقتصادی در تجارت خارجی استان به عنوان چالش‌های سد راه برشمرده و مطالبه حل آنها را داشته‌اند کماکان و بی‌کم و کاست پابرجا بوده و همچنان حل آنها مورد تقاضای فعالان این عرصه از اقتصاد است. مهم فهم مسئله است؛ به گمانم فهم مسئله وجود ندارد وگرنه در زمانی به درازای عمر پنج برنامه پنج ساله چگونه می‌شود که همه مسائل امر مهمی چون صادرات که تجربه علمی دنیا ثابت کرده است که توسعه اقتصادی کشورها در دنیای امروز بدون توسعه تجارت خارجی میسر نیست، در چنبره بی‌توجهی که نه، بلکه ندانم‌کاری بر جای مانده است؟

در موضوع مهم‌ترین امر اقتصاد یعنی عرصه تولید، اگر چه بویژه در سه دهه اول از روزگار یاد شده، امکانات، تسهیلات و یارانه‌هایی چون زمین، مساعدت‌های مالی و غیره به عنوان حمایت از تولید داده شده است و امروز نیز جسته و گریخته وجود دارد، اما بخش تولید بویژه صنعت طرفی برنیسته است، زیرا حمایت‌های غیرهدفمند در سایه بروکراسی و گیربندهای متغیر قانونی و غیر قانونی سلیقه‌ای و سایر چالش‌های موجود مثنوی هفتاد من کاغذ، هرگز راه‌گشا نخواهد بود. مگر نه اینکه تولیدکنندگان می‌گویند از خیر حمایت گذشته‌ایم، دولت گیربندها را باز کند. اگر تولید فزونی یابد آنگاه اشتغال، صادرات، واردات، پرداخت

در یکی از واپسین روزهای دومین سال از دهه شصت در جلسه‌ای در استانداری کرمان در جمع گروهی از مسئولان اقتصادی و تنی چند از عاملان اقتصادی حوزه تولید و تجارت فرش دستباف شرکت کردم که به بررسی مسائل و مشکلات این صنعت دیرین می‌پرداخت. از این جلسه تا جلسات زیاد دیگری در آن دهه و دهه‌های بعدی تا به امروز همچنان همان مسائل و مشکلاتی که در آن جلسه در مورد تولید و بازار قالی بر شمرده شد، به عنوان مسائل و مشکلات سد راه تولید و تجارت قالی فهرست می‌شود که نه تنها حل نشده بلکه حتی مواردی اضافه و پاره‌ای موارد تشدید هم شده است. در گذر این سال‌ها نه تنها در بهبود این کسب‌وکار دیرین خطه کرمان نتیجه‌ای به دست نیامده بلکه قدم به قدم بازار فرش تا حدودی زیادی به رقبا واگذار شد. این سوال تاریخی بر ذهنم فشار می‌آورد چگونه است در استانی که زمانی سلطان فرش جهان را به بازار جهانی فرش معرفی کرده و حتماً در سایر نقاط کشور نیز در طول چند دهه، نشد که در ریز مسائل و مشکلات سد راه تولید و تجارت قالی اندکی تعدیل حاصل آید؟

و در میانه دهه هفتاد به روزگاری که در مسئولیت سازمان بازرگانی استان کرمان بودم به مدد سبقه شغلی مطالعاتی و پژوهشگری در دانشگاه، بر آن شدم مطالعه‌ای علمی در باب مسائل و مشکلات صادرکنندگان استان با همراهی عده‌ای از همکاران پرتلاش خود انجام دهم، اگرچه در باب این مسائل چه در سطح کشور و چه در سطح استان‌ها در جلسات، سخنرانی‌ها و همایش‌ها مطالبی مطرح و ارائه می‌شد که هر کدام در جای خود قابل اعتنا بوده و باید مورد توجه قرار می‌گرفت.

در این پیمایش بر آن شدم به کسانی که عملاً دست‌اندرکار بازرگانی خارجی بوده و سنگینی عملیات صادرات و واردات

مالیات، تجمیع سرمایه‌های پراکنده داخلی و کسب‌وکارها متناسب با آن رشد خواهد کرد و در معیشت مردم گشایش حاصل می‌شود. ترویج به طور جد فرهنگ متری حمایت واقعی و هدفمند از تولید و کارآفرینی و حمایت قانونی از بخش خصوصی و صاحبان کسب‌وکارها موضوعی است که متأسفانه در حد قابل توجهی مغفول است؛ موضوعی که همیشه بر آن تأکید می‌شود، اما در عمل معطل است و شده آرزوی برجای مانده. آرزوی این‌که عملاً بپذیریم که عمل به علوم تجربه شده بشری در زمینه اقتصاد تنها راه نجات اقتصاد کشور است. کشوری سرشار از ذخایر غنی خدادادی و منابع انسانی باهوش، خلاق، جستجوگر، بالیمان، همراه، امیدوار، امتحان پس داده و در انتظار فراهم شدن محیط و فضای در خور لحظه‌های کار و تلاش تا امتداد بی‌نهایت حیات این مرز و بوم و آرزوی درخشندگی تولیدات ایران در سبد مصرف جامعه جهانی. امروز و حتماً دیروز نیز این قانون جهانی اقتصاد است که حرکت آن در فضای رقابتی ضامن توسعه آن است.

غالب علمای اقتصاد بر این باورند که کناره‌گیری سیاست از تجارت و اقتصاد، یگانه راه نجات اقتصادی کشور از بن بست‌هاست.

انتظار این است که کار اقتصاد به مردم واگذار شود و البته دولت ثبات ایجاد کرده، نظارت کند و مدیریت نماید تا توانمندسازی اقتصادی را در جامعه عملی سازد. البته یادمان باشد دولت بنگاهداری بیش از ۸۰ درصدی عرصه اقتصاد کشور است و به این ترتیب بدیهی است که نمی‌توان از قدرت سیاسی انتظار داشت که از خیر دخالت در اقتصاد بگذرد. کدام بنگاهداری است که از اداره امور بنگاه خود صرف‌نظر کند؟ واقعیت این است که در شرایطی می‌توان انتظار این مهم را داشت که امر خصوصی‌سازی واقعی محقق شود.

به نظر می‌رسد که اقتصاد از اولویت برخوردار نیست و در تصمیم‌گیری‌ها به گونه علمی به آن توجه نمی‌شود و بی‌هدف و به روزمرگی همچنان برخوردار از انباشت سیاست‌های غلط اقتصادی دچار بیماری است و در غیاب روابط بین‌المللی مناسب در تجارت خارجی و به دور از توان آزمایش خود در بازارهای رقابتی جهان سر در لاک گرفتار خود فرو برده است.

متأسفانه تاکنون نتوانسته‌ایم توانمندی‌های تولیدی کشور را عملی ساخته و از ظرفیت‌های تجاری و صادراتی آن به شایستگی بهره‌برداری نماییم؛ چون که درگیر چالش‌های جدی هستیم، چالش‌هایی که به شکل تاریخی درآمده و در تمام ادوار گذشته از آن‌ها به عنوان سد راه تولید و تجارت یاد گردیده و درخواست حل آن‌ها شده است، اما به اندازه کافی به رفع این موانع و چالش‌ها اهتمام نشده است. ای کاش در اندیشه رونق تولید آن هم تولید رقابتی و نیز توسعه صادرات با دسترسی به خدمات مناسب تولیدی و تجاری و با وصل به بازارهای خارجی، مسیر هموار شود.

نقطه عطف توسعه تولید و تجارت در گرو بهبود فضای کسب‌وکار است و تا زمانی که این مهم حاصل نشود، برنامه‌های رشد و توسعه جستارهای بی‌ربطی خواهد بود و نمی‌توان به تولید در کلاس جهانی و آنگاه به صادرات رسید. بیایید موفقیت‌های جهانی را مرور کنیم و یاد بگیریم. ای کاش دولت با مشارکت ملی و تقویت سرمایه اجتماعی، امید اجتماعی را در جامعه افزایش دهد. بدون شک مدیریت متری اقتصاد و بهبود شرایط زندگی یکی از مهم‌ترین عوامل افزایش امید در جامعه است. باشد که با امید به الطاف الهی و اعتماد متقابل دولت و مردم، کشورمان در مسیری هموار به دستاوردهای درخشان اقتصادی نائل شود. ♦♦

فضای کسب‌وکار



گفت‌وگو با دکتر «یدالله موحد» رئیس کل دادگستری استان کرمان؛ علل و عوامل فساد و راه‌های برون‌رفت از آن / گفت‌وگو با دکتر «علیرضا شکیبایی» عضو هیئت‌علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان؛ غلبه تفکر روزمرگی بر برنامه‌ریزی / گفت‌وگو با دکتر «سوده مقصودی»، دانشیار دانشگاه شهید باهنر کرمان؛ شایستگی؛ لیاقت و صلاحیت / گفت‌وگو با دکتر «محمدعلی دهقان» عضو هیئت‌علمی دانشگاه ولی‌عصر (عج) رفسنجان؛ شرط بالندگی بخش خصوصی؛ نظارت کافی و دخالت حداقلی دولت / گفت‌وگو با دکتر «فمحمدحسین قربانی» مشاور مالیاتی اتاق بازرگانی کرمان؛ عدالت مالیاتی؛ اصلاح ساختاری قانون مالیات‌ها و هدفمند شدن معافیت‌ها / کمای بخش خصوصی / راه‌حل‌های عملی برای عبور از موانع و چالش‌های اقتصادی / درباب جایگاه مشاوره در فرایند توسعه سرمایه‌گذاری؛ در جست‌وجوی فانوس



گفت‌وگو با دکتر «یدالله موحد» رئیس کل دادگستری استان کرمان

علل و عوامل فساد و راه‌های برون‌رفت از آن

در مورد علت‌ها و عامل‌های ایجاد فساد اقتصادی و مبارزه با آن با دکتر یدالله موحد رئیس کل دادگستری استان کرمان گفت‌وگو کرده‌ایم. او ضمن اشاره بر این‌که فساد با تعریفی که در قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی از آن ارائه شده، یک عارضه خطرناک برای جامعه بشری و حکومت‌هاست؛ به این معنا که این بیماری، خاص یک منطقه یا کشور و حتی مربوط به یک مقطع زمانی معینی نیست و همواره گریبان‌گیر جوامع بشری بوده، لیکن شدت و ضعف دارد، کشور و استان ما هم از این قاعده مستثنی نیست، می‌گوید: نکته مهم این است که این بیماری در حالت اپیدمی و به‌عبارتی فساد ساختاری و سازمان‌یافته بسیار خطرناک خواهد بود و می‌تواند موجودیت نظام سیاسی حاکم و حتی جامعه را تهدید و به مخاطره بیندازد و یا حداقل، موانع زیادی را در مسیر رشد و توسعه کشور فراهم ساخته و لطمات و آسیب‌های جدی را وارد سازد. معالوصف با این تلقی از کارکرد زیان‌آور فساد، عقل و منطق حکم می‌کند در همه سطوح و لایه‌های حاکمیتی و اجتماعی و با اراده ملی و جمعی مبارزه همه‌جانبه و فراگیری با این پدیده با اولویت پیشگیری و انسداد منافذ فساد در ساختار اداری کشور با قوت بیشتری برنامه‌ریزی و عملیاتی شود. اینک به مطالعه پاسخ وی به سؤالات سپهر اقتصاد کرمان دعوت می‌شوید.

و یا فعالیت‌های اقتصادی خود به اجزاء و عوامل اجرایی حاکمیت مراجعه کنند، این وضعیت فساد انگیز خواهد بود. کاهش تصدی‌گری و افزایش سیاست‌گذاری و نظارت دولت بر امور اقتصادی کشور موجب کاهش فساد خواهد شد، به تعبیری دیگر یک رابطه مستقیم بین فساد و میزان مداخلات دولت در شئون اقتصادی کشور وجود دارد. این تعبیر که دخالت دولت در بازار آزاد از جمله سرچشمه‌های

◆ ریشه‌های ساختاری فساد اقتصادی در کشور کدامند؟

به‌طور کلی در هر جامعه عوامل فساد، متعدد و از تنوع برخوردارند و یکی از عوامل مهمی که موجب توسعه فساد خواهد شد، این است که دولت به نحو گسترده و فراگیر در اقتصاد دخالت کند. این‌که تمام امتیازات اقتصادی در حیطه اقتدار و اختیارات دولت واقع شوند و مردم هم مجبور باشند برای امرار معاش



و وظایف و اختیارات سازمانی و روش‌ها و رویه‌های آن در امور مرتبط با مردم و اصولاً ساده‌سازی تشکیلات اداری و جریان امور تأثیر بسزایی در کاهش فساد دارد.

بالاخره یکی از عوامل مهم که تأثیر عمده‌ای در فساد اداری دارد معنویت‌گریزی و ضعف باورهای دینی مرتکبان فساد در نظام اداری کشور است و طبق فرمایش امام صادق (ع) که می‌فرمایند «حب الدنيا رأس کل خطیئه» اگر ایمان به اصول و ارزش‌های اخلاقی کارکنان تزلزل یا تنزل یابد و اخلاق دینی در ساختار اداری کشور از قوت و جایگاه لازم برخوردار نباشد یقیناً سایر عوامل در پیش‌گیری از فساد توفیق قطعی را نخواهند داشت.

دولتی بودن اقتصاد در ایران و عدم توجه جدی به سیاست‌های کلی اصل ۴۴ از عوامل اصلی ایجاد فساد می‌باشد که با ابلاغ این سیاست‌ها، شرکت‌های دولتی و نهادها حاضر به همراهی نبوده که در این شرایط به دلیل وجود مدیران ذی‌نفوذ دولتی مقادیر عمده‌ای از منابع ملی که از مجرای دولتی تخصیص می‌یابند مورد سوءاستفاده واقع می‌شوند. عوامل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نیز می‌توانند در بروز فساد مؤثر باشند. در عرصه سیاسی نیز تمرکز قدرت باعث می‌شود که زمینه فساد آماده شود و در چارچوب اجتماعی هم همین قضیه است. همچنین از عوامل مهم فسادآور در کشور وابستگی درآمد دولت به نفت است، عدم آگاهی مردم نسبت به پیامدهای منفی فساد و نحوه وقوع و مبارزه با آن مهم‌ترین علت اجتماعی گسترش فساد می‌باشد. همچنین اقتصاد زیرزمینی و وجود رانت در اقتصاد کشور به سبب انحصاری بودن بازار و نبود سیستم رقابتی دلایل موجه‌ای برای ایجاد فساد هستند.

فساد است اغراق‌آمیز نیست و حکایت از واقعیت داشته، مصادیق و پرونده‌های مفاسد اقتصادی هم دلالت بر این حقیقت دارند.

ناکارآمدی، عامل یا زمینه دیگر رشد فساد است و به تعبیری دیگر زیستگاه فساد ناکارآمدی سازمانی چه از لحاظ مدیریت، تدبیر، اقدام و چه به لحاظ نظارت است. ضعف در این حوزه‌ها فساد را تغذیه و فرهنگ آن را نهادینه می‌کند.

البته در این عرصه، از ناکارآمدی قوانین هم نباید غافل شد، زیرا قانون مناسب، جامع و روشن که زمینه تفسیر و تأویل نداشته باشد، اگر در اختیار مدیری بصیر و با فراست قرار گیرد می‌تواند از بروز بسیاری از مفاسد پیشگیری نماید.

بالعکس قوانین غیرشفاف و مبهم، متعارض، غیرقابل انعطاف و یا انعطاف‌پذیری افراطی قوانین به مفسدان فرصت بهره‌برداری و توجیه فساد را می‌دهند.

از جمله دلایل فساد می‌توان به دریافت‌های حداقلی کارکنان اداری و اختلاف فاحش آن با درآمدهای حاصل از خدمات دولتی به بخش خصوصی اشاره کرد که این امر حتی کارکنان سالم را که در زندگی خود با مشکلات مالی دست و پنجه نرم می‌کنند آلوده و ترغیب به فساد می‌کند.

اگر این اختلاف ترمیم شود و دریافتی کارکنان در سطوح معقول و مناسب افزایش یابد فقط کارکنان زیاده‌طلب در معرض فساد خواهند بود، در غیر این صورت فقر کارکنان عامل فساد خواهد شد و چون نظام اداری کشور جذابیت مالی ندارد، افراد شایسته و توانمند انگیزه کمتری برای استخدام در نهادهای حاکمیتی پیدا کرده و نظام اداری کشور مبتلا به ناکارآمدی خواهد شد.

رشد بی‌قاعده یا غیرمتعارف جمعیت اداری کشور عامل دیگری برای بروز فساد است و با شکل‌گیری یک شبکه گسترده از کارکنان و مستخدمان دولتی، علاوه بر این که لطمات جدی بر بهره‌وری وارد می‌سازد نظامات اداری را پیچیده‌تر و مداخلات در شئون مختلف مردم را توسعه داده و لاجرم زمینه فساد را گسترش خواهد داد.

پیچیدگی و غیرمأنوس بودن سازمان‌های دولتی که آشنایی با ساختار و فرایندهای اداری و گردش امور در آن را برای مردم دشوار می‌سازد و ناگزیر مراجعان برای اشراف و کسب اطلاعات لازم از این‌گونه سازمانی، متحمل هزینه‌هایی خواهند شد، پیچیدگی سازمانی زمینه فساد را فراهم و آن را تسهیل خواهد کرد.

همان‌گونه که در قانون ارتقای سلامت نظام اداری تأکید شده است، اطلاع‌رسانی به مراجعان راجع به تشکیلات

- ناکارآمدی،
- عامل یا زمینه
- دیگر رشد فساد
- است و به تعبیری
- دیگر زیستگاه
- فساد ناکارآمدی
- سازمانی چه از
- لحاظ مدیریت،
- تدبیر، اقدام و
- چه به لحاظ
- نظارت است.
- ضعف در این
- حوزه‌ها فساد را
- تغذیه و فرهنگ
- آن را نهادینه
- می‌کند.

◆ راهکارهای مناسب برای شناسایی فساد پذیران در سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی و نیز بخش خصوصی چیست؟

یکی از ابعاد مهم مقابله با فساد توسط قوه قضاییه مربوط به مفاصد اقتصادی در سایر نهادها و ارگان‌های دولتی، اعم از اداری و بانکی است. یقیناً نقش قوه قضاییه در این زمینه تأثیرگذار بوده است و مجلس با تصویب قوانین مختلف و دولت و قوه قضاییه با هماهنگی و هم‌افزایی تلاش قابل‌توجهی در راستای مبارزه با فساد صورت داده‌اند که نتایج خوبی هم حاصل شده است، اما نتیجه مطلوب و موردنظر بنا به دلایل مختلفی به دست نیامده و بایستی روند مبارزه با فساد با قوت بیشتری استمرار پیدا کند تا ریشه این بلیه در کشور خشکانده شود.

بخش‌های مالی و پولی، بخش‌هایی هستند که عمدتاً نگاه‌های فساد می‌باشند و بی‌توجهی به این مراکز موجب ایجاد فساد می‌گردد. نظارت و مراقبت دقیق دستگاه‌ها در این خصوص می‌تواند مؤثر باشد. غیر از موارد معمول از راهکارهای مناسب دیگر برای شناسایی فساد پذیران در سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی و نیز در بخش خصوصی می‌توان به تقویت بیشتر سازمان بازرسی و فعال نمودن نهادهای مدنی و همچنین افزایش حمایت از اطلاع‌دهندگان فساد اشاره نمود.

◆ انگیزه مبارزه با فساد در کشور چگونه می‌تواند تقویت شود؟

اصلاحات ساختاری از طریق اقداماتی چون برخورد با موارد فساد، شفاف‌سازی عملکرد دولت علی‌الخصوص شفاف‌سازی عملکرد مالی آن می‌تواند راهگشا باشد. در گام بعد اصلاح قوانین و مقررات از طریق اقداماتی همچون شفاف‌سازی فرایندها در دستور کار قرار گیرد و مکمل این اقدامات نیز افزایش میزان نظارت بر عملکرد دولت در این خصوص و جلب مشارکت عمومی و تقویت نقش نظارتی رسانه‌ها می‌باشد.

◆ ضعف‌های جدی کارکردی در سازوکارهای نظارتی در حوزه مبارزه با فساد چیست؟

در سنوات گذشته و متعاقب فرمان هشت ماده‌ای مقام معظم رهبری به سران سه قوه در سال ۱۳۸۰ و به‌عنوان یک سرفصل تاریخی در روند مبارزه با مفاصد اقتصادی، قوانین مختلفی از جمله قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد و قانون مبارزه با پولشویی به تصویب رسیده است و ساختارهای مختلفی در کنار سازمان‌های

نظارتی ایجاد و دستورالعمل‌هایی صادر و تدابیر متنوع در زمینه مقابله با فساد اتخاذ و عملیاتی شده‌اند، با این وجود هر از چندگاهی در کشور شاهد مصادیق و مواردی از کشف فسادهای مالی قابل توجه هستیم.

به‌رغم این‌که دستگاه‌های نظارتی و قوه قضاییه اهتمام جدی در رسیدگی قاطع و بدون اغماض به پرونده‌های فساد داشته، وضعیت موجود دلالت بر این دارد که اقدامات گذشته به‌طور قطعی اثربخش نبوده، لذا بایستی رویه‌ها و روش‌های مقابله‌ای مورد بازنگری و اصلاح قرار گیرند. تجربه نشان داده است که اطلاع‌رسانی، شفاف‌سازی و مستندسازی فرایندها در نظام مالی و اداری کشور با وجود الزامات قانونی از کیفیت لازم برخوردار نیست و کارآمدی مؤثری برای دستیابی به سلامت اداری و جلوگیری از فساد ندارد.

علاوه بر این در بسیاری از حوزه‌ها از جمله در حوزه بانکی و مؤسسات مالی و اعتباری، کشور از ضعف نظارت فراگیر و اثربخش رنج می‌برد و مهم‌ترین مصادیق فساد هم در این بخش محقق شده است.

از جمله ضعف‌های جدی کارکردی در مبارزه با فساد، نبود شایسته‌سالاری در انتخاب مدیران می‌باشد. عامل دیگر عدم حمایت از افشاگران فساد و آسیب‌پذیری آنان می‌باشد. بی‌توجهی به دولت الکترونیک و استقرار خدمات آن نیز از ضعف‌های مهم به شمار می‌رود.

◆ نهادهای مدنی چگونه می‌توانند مانع گسترش قانون‌گریزی و فساد شوند؟ برای تقویت نظام نظارتی مدنی چه پیشنهاداتی ارائه می‌نمایند؟

نقش حساس این سازمان‌ها به اعتبار داوطلبانه و مستقل بودنشان بر هیچ‌کس پوشیده نیست. مشارکت دادن مردم در مبارزه با فساد، به اعتبار مسئله محور بودن مردم و حساس بودن آن‌ها نسبت به فقر و فساد و تبعیض است. نهادهای مدنی می‌توانند در مقام مشورتی با نهادهای مسئول مبارزه با فساد و حاکمیت نقش مؤثری داشته باشند. وقتی سرمایه اجتماعی در جامعه نباشد اعتماد متقابل از بین می‌رود و وقتی نهادهای مدنی فعال نباشد طبیعتاً جامعه به سمتی می‌رود که بتواند مورد سوءاستفاده قرار گیرد و امکان فساد در آن افزایش پیدا می‌کند.

◆ به نظر شما دستگاه قضایی در مبارزه با فساد اقتصادی به چه نکات مهمی برای تأثیرگذاری اقدامات خود باید توجه کند؟

رویکرد دستگاه قضایی در زمینه مقابله با فساد ابعاد و

در این عرصه، از
ناکارآمدی قوانین
هم نباید غافل
شد، زیرا قانون
مناسب، جامع

و روشن که زمینه
تفسیر و تأویل
نداشته باشد، اگر
در اختیار مدیری
بصیر و با فراست
قرار گیرد می‌تواند
از بروز بسیاری از
مفاصد پیشگیری
نماید.

بالعکس قوانین
غیرشفاف و
مبهم، متعارض،
غیرقابل انعطاف و
یا انعطاف‌پذیری
افراطی قوانین به
مفسدان فرصت
بهره‌برداری و
توجیه فساد را
می‌دهند.

سلامت و سرعت تحقیقات و دادرسی‌های قضایی و همچنین اجرای احکام و تبادل اطلاعات قضایی با مردم برداشته است، استفاده کارآمد از فن‌آوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی است.

طراحی و راه‌اندازی شبکه ملی عدالت طی فازها و پروژه‌های متعدد آغاز شده و در حال حاضر خدمات اداری در بخش‌های مالی و استخدامی و همچنین مکاتبات و به‌ویژه امور دفتری شعب قضایی مکانیزه شده است. راه‌اندازی دفاتر خدمات قضایی الکترونیکی از دو سال قبل در مراکز استان‌ها و بهره‌برداری از سامانه ثنا، برای ابلاغ الکترونیکی اوراق قضایی و دریافت شناسه قضایی که برای عموم مردم گام‌های بلندی برداشته و زمینه بسیاری از مفاسد را زائل کرده است.

قوه قضائیه در سطح کلان و به‌طور خاص در استان کرمان در حوزه استفاده از تکنولوژی‌های نوین پیشگام است و این اقدام می‌تواند از طریق نظارت قضایی، ارتقاء سلامت و اطمینان بخشی و اعتمادسازی به روند اجرایی امور قضایی و کاهش آسیب‌ها کمک شایان توجهی داشته باشد.

استقرار خدمات دولت الکترونیک در نظام اداری کشور بسیار با کندی پیش می‌رود و ایران جایگاه ضعیفی از حیث دولت الکترونیک در منطقه و دنیا دارد. همچنین همکاری بین دستگاهی بسیار ضعیف است؛ لذا در صورت الکترونیکی شدن خدمات آن‌ها، کار جزیره‌ای باعث بازماندن مجاری سوءاستفاده و ایجاد فساد می‌گردد. ♦♦



لایه‌های مختلفی دارد و قوه قضائیه یک نگاه درون‌سازمانی دارد و به سلامت دستگاه قضایی کشور اهمیت می‌دهد و برای آن تشکیلات نظارتی و حفاظتی و انتظامی طراحی و فعال نموده و در کنار آن برای ارتقاء فرهنگ دینی و استوارسازی اخلاق قضای اسلامی، ساختار معاونت فرهنگی قوه قضائیه تأسیس و در حال فعالیت در درون سازمان قضایی کشور است.

در استان کرمان نیز واحدهای نظارتی مستمراً با تیزبینی و پیمایش و بازرسی‌های مستمر و بررسی گزارشات و شکایاتی که واصل می‌گردد، اقدامات ارزشمندی برای صیانت از سلامت کارکنان و قضات و مقابله با مفاسد انجام داده‌اند و می‌توان گفت قاطبه قضات و کارکنان شریف دادگستری استان عناصر خدوم، متدین و پرتلاش به‌رغم محدودیت‌ها و مشکلات و تراکم کاری که با آن مواجه هستند، تلاش فوق‌العاده در جهت ارائه کمی و کیفی خدمات قضایی به مردم نجیب استان دارند.

قوه قضائیه نه فقط به اعمال مجرمانه مفسدین اقتصادی رسیدگی می‌کند بلکه قصورها و عدم انجام وظایف قانونی را نیز تحت تعقیب قرار می‌دهد. سازمان بازرسی و ضابطین قوه، مراجع قضایی خصوصاً دادستان‌ها باید نسبت به شناسایی گلوگاه‌های فساد در جهت دفاع از حقوق عامه و پیشگیری از وقوع جرم اقدام نمایند. توجه به اصلاح، ارتقا و تکمیل قوانین نیز بسیار مؤثر می‌باشد.

♦♦ یک برنامه خوب ضدفساد باید در برگیرنده چه مراحل باشد؟

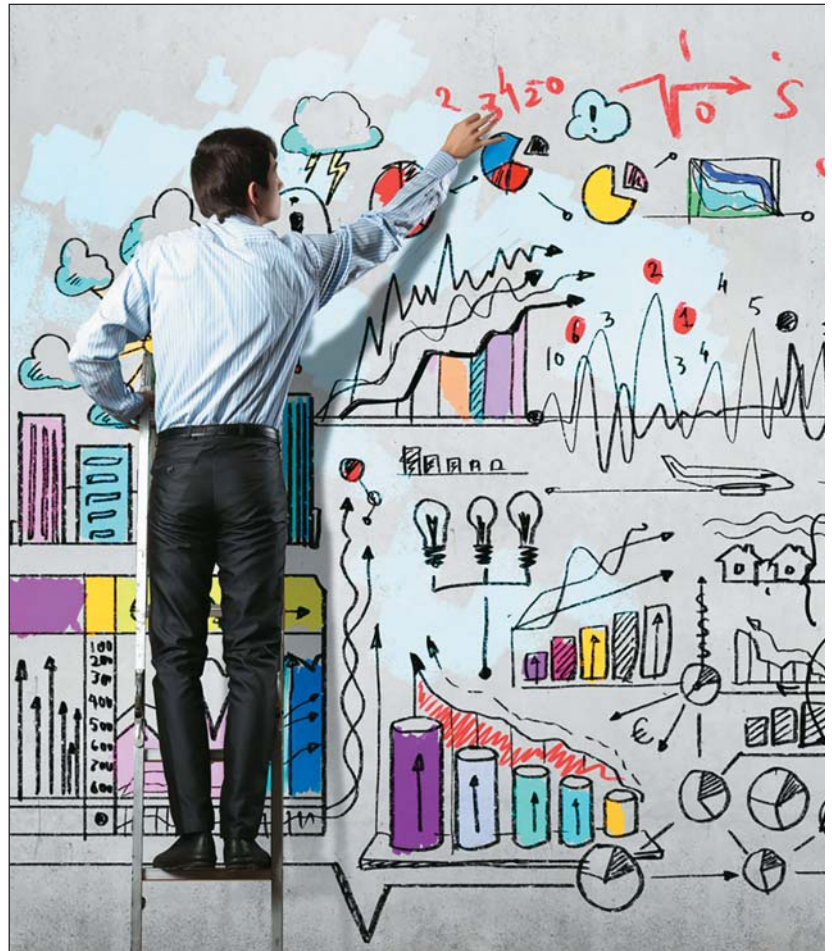
در وهله اول پیشگیری مدنظر می‌باشد که تحقق این امر منوط به شناسایی گلوگاه‌های فساد با همکاری دستگاه‌های اجرایی و نظارتی است. در گام بعد شفاف‌سازی فرایند تصمیم‌گیری است که بایستی تحت رصد و بررسی دستگاه‌ها و نهادهای نظارتی باشد. گام سوم ارتقای انضباط مالی دولت و سالم‌سازی فعالیت‌های آن می‌باشد. گام چهارم ارتقای نقش عموم مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد در مبارزه با فساد است و گام آخر برخورد سریع و قاطع دستگاه قضائیه در برخورد با مفسدین اقتصادی است.

♦♦ دولت الکترونیک می‌تواند به رفع مشکل فساد کمک کند چندین سال پیش گفته می‌شد که استان کرمان به‌عنوان پایلوت دولت الکترونیک انتخاب شده است. استقرار دولت الکترونیک در کشور و نیز عملکرد استان کرمان را در تناسب با کشور چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به‌طور کلی قوه قضائیه گام مؤثری که در راستای شفافیت،

نظام برنامه‌ریزی کارآمد، این است که بتواند در برنامه‌ریزی سطوح مختلف بخشی، منطقه‌ای و ملی تعارض‌ها را نیز حل نماید. این در حالی است که کشور ما در این عرصه به‌شدت درگیر تعارض است. دکتر علیرضا شکیبایی دانشیار اقتصاد دانشگاه شهید باهنر کرمان در گفت‌وگو با سپهر اقتصاد کرمان، ضمن اشاره به مسئله بالا می‌گوید کشور ما هم مانند دیگر نقاط جهان به اقتصاد مختلط نیاز دارد. چالش اصلی ما اقتصاد مبتنی بر برنامه یا اقتصاد آزاد نیست، بلکه چالش اصلی، اقتصاد دولتی است؛ در کشور ما سهم دولت در اقتصاد ۸۰ درصد و سهم بخش خصوصی ۲۰ درصد است. یکی از راهبردهای اقتصاد مقاومتی که به‌عنوان سیاست‌گذاری‌های کلان در کشور مطرح است، گسترش سهم اقتصاد مردمی یا اقتصاد بخش خصوصی است. او با توضیح در مورد چگونگی تأثیر افزایش یا کاهش نرخ ارز تجارت خارجی ایران اظهار می‌کند که ثابت ماندن نرخ ارز، پیشنهاد مناسبی در جهت افزایش صادرات و کاهش واردات در کشور است. دکتر شکیبایی مسئله تورم در کشور را محصول رشد نقدینگی می‌داند و بر موضوع مشکلات ساختاری از جمله بهره‌وری پایین و نیز مسئله تحریم‌ها و بحران کرونا به‌عنوان موجبات تجربه رشد منفی اقتصاد صحه می‌گذارد و می‌گوید که تحمل تحریم‌های نفتی و بانکی نسبت تاب‌آوری ایران را در مقایسه با دیگر کشورها بالاتر برده است.

او معتقد که سیستم اقتصادی کشور باید در اختیار اقتصاددانان باشد و در اداره آن بایستی دانش اقتصادی حاکم باشد. وی در مورد استان کرمان اظهار می‌دارد که اقتصاد استان کرمان شدیداً متکی بر منابع بوده و از بهره‌وری پایینی برخوردار است که باید به سمت اقتصاد بهره‌ور و متکی بر محصول آن‌هم دانش‌بنیان حرکت کند. از شما دعوت می‌شود تا در ادامه مشروح این گفت‌وگو را مطالعه نمایید.



گفت‌وگو با دکتر «علیرضا شکیبایی» عضو هیئت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان

غلبه تفکر روزمرگی بر برنامه‌ریزی

نرسیده‌اند، تردیدی به وجود آمد که نظام برنامه‌نویسی کشور تغییر و به‌عنوان راه‌حل، برنامه‌ریزی‌های Core Planning برنامه‌های هسته‌ای یا برنامه‌های پروژه محور مطرح شود تا جایگزین این موضوع باشند. دوم این‌که ما در نظام ملی کشور، موفق به حل تعارض بین برنامه‌های ملی، بخشی و منطقه‌ای نشده‌ایم؛ به عبارتی با برنامه‌ریزی جهت توسعه یک منطقه به برنامه‌ها در سطح ملی آسیب‌زده می‌شود و یا برنامه توسعه در بخش اقتصادی به برنامه ملی خدشه وارد می‌کند. نظام برنامه‌ریزی کارآمد، این است که بتواند در

◆ به نظر شما چرا وصول به اهداف تعیین‌شده در

برنامه‌های توسعه کشور، محقق نشده است؟ عدم وصول به اهداف موردنظر و تحقق برنامه‌ها در کشور را در چهار موضوع می‌توان توضیح داد، اول این‌که نظام برنامه‌ریزی کشور از بُعد مبانی نظری، روش برنامه‌نویسی و اجرای برنامه‌ها دچار چالش‌هایی است. در گذشته نظام برنامه‌ریزی کشور بر اساس برنامه‌های جامع بوده است. برنامه‌های زیرجامع نیز ابزارها و سازوکارهایی لازم داشتند که محقق نشده است، با توجه به این‌که برنامه‌ریزی‌های جامع اجرا نشده و یا به عبارتی به نتیجه

به عبارتی به سمت اقتصاد متکی بر محصول برویم نه اقتصادی که بر منابع و خام فروشی متکی است. موضوع توجه به بهره‌وری و اقتصاد دانش‌بنیان راه‌حل‌های هستند که علاوه بر رشد اقتصادی، رشد اقتصادی پایدار را نتیجه می‌دهند. این در حالی است که اتکا بر منابع، رشد اقتصادی پایداری را نتیجه نداده است. تجربه قبلی ما در اتکا بر منابع در بخش کشاورزی است که عواقب آن بحران آب و خشک‌سالی بوده است. قطعاً بخشی از رشد اقتصادی متکی بر سیاست‌های کلان ملی از جمله سیاست‌های پولی، ارزی و مالیاتی است و استان نمی‌تواند به آن‌ها ورود کرده و اقدامی انجام دهد. در بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات در استان توجه به اقتصاد دانش‌بنیان و توسعه آن و حرکت به سمت ارتقاء و بهره‌وری ضروری است.

اقتصادها در دوران گذشته متکی بر منابع بوده است، به این صورت که عوامل تولید به بنگاه اقتصادی وارد شده و با ترکیب، محصول جدید ایجاد می‌شد و عمده ارزش افزوده ایجاد شده متکی بر منابع بودند. به عبارتی منابع را تغییر شکل داده و به صورت کالا یا محصول به فروش می‌رساندند. تولید این چنین محصولاتی با وجود صرف منابع زیاد، ارزش افزوده کمی ایجاد می‌کنند، اما امروزه اقتصادها به سمت کاهش سهم منابع و در عوض افزایش سهم دانش در ایجاد ارزش افزوده حرکت کرده‌اند؛ برای مثال یک گرم دارو به مبلغ پنج میلیون تومان را در نظر بگیرید ممکن است مواد اولیه به کار رفته در یک گرم از این دارو ۱۰۰۰ تومان هم نباشد و در واقع اختلاف بین ۱۰۰۰ تومان و پنج میلیون تومان، دانش و فناوری به کار رفته در محصول است. به چنین محصولاتی «دانشی» گفته می‌شود؛ بنابراین اقتصادی دانش‌بنیان است که سهم منابع در آن ناچیز و سهم دانش بالا باشد. مقایسه اقتصاد متکی بر دانش و اقتصاد وابسته به منابع با این مثال روشن است که بیست تن محصول کشاورزی تولید شده در ازای یک گوشی موبایل پنجاه گرمی! به عبارتی «بیست تن منابع در برابر ۵۰ گرم دانش»؛ بنابراین نیاز امروز کشور ما حرکت به سمت تولیدات دانش‌بنیان است و اقتصاد دانش‌بنیان می‌تواند در محصولات دارویی، الکترونیکی، صنعتی، کشاورزی، معدن و حتی آموزش عالی وارد شود.

◆ اگر کشور به سمت کاهش جدی برنامه‌نویسی و اقتصاد آزاد برود، واقعاً چه اتفاقی می‌افتد؟
نظام اقتصادی مبتنی بر برنامه یا نظام مبتنی بر اقتصاد آزاد در هیچ جای دنیا به تنهایی وجود ندارد.



عین برنامه‌ریزی برای سطوح مختلف بخشی، منطقه‌ای و ملی، تعارض بین این‌ها را نیز حل نماید. به نظر می‌رسد کشور ما در این عرصه به شدت تعارض داشته و همین موجب می‌شود که منافع و منابع کشور هدررفته و همدیگر را خنثی کنند؛ برای مثال بخش اقتصادی حوزه‌های کشاورزی و صنعت را در نظر بگیرید که اخذ تصمیمی جهت بهبود در بخش صنعت، خسارت‌ها و اثرات منفی در بخش کشاورزی را نتیجه می‌دهد.

موضوع سوم این‌که در کشور ما یک مشکل تاریخی وجود دارد که متأسفانه اعتقادی به برنامه‌ریزی وجود ندارد و نظام برنامه‌ریزی در کشور مقبول نیست. بیشتر تصمیمات بر اساس روزمرگی، مصلحت‌اندیشی و به عبارتی «هر چه پیش آید، خوش آید» گرفته می‌شود و به برنامه‌ریزی به صورت کارشناسی و بلندمدت‌نگری که پایه‌های یک نظام برنامه‌ریزی را شکل می‌دهند، توجه نمی‌شود. معمولاً مسئولان سیاسی کشور ما هم از این گروه هستند که بیشتر به مسائل اقتصادی به دید اورژانسی و یا عبارتی بحران نگاه می‌کنند و نتیجه آن غلبه تفکر روزمرگی بر برنامه‌ریزی است.

موضوع آخر این است از آنجایی که اقتصاد ایران متکی بر منابع نفتی است و درآمدهای نفتی تحت تأثیر عوامل بیرونی از جمله قیمت نفت، تحریم‌ها و شوک‌های خارجی است، با توجه به وجود سوء مدیریت در داخل نتوانسته‌ایم این مسئله را حل کرده و مورد استفاده قرار دهیم و این مسئله تبدیل به چالش شده است.

◆ استان برای خلاصی از چالش رشد اقتصادی پائین چه باید بکند؟

استان کرمان یکی از استان‌هایی است که شدیداً متکی بر منابع بوده و از بهره‌وری پایینی برخوردار است. نظر بنده این است کم‌کم به سمت اقتصاد بهره‌ور حرکت کرده و

- ▼ ما در نظام ملی
- کشور، موفق
- به حل تعارض
- بین برنامه‌های
- ملی، بخشی
- و منطقه‌ای
- نشده‌ایم؛
- به عبارتی با
- برنامه‌ریزی
- جهت توسعه
- یک منطقه به
- برنامه‌ها در سطح
- ملی آسیب‌زده
- می‌شود و یا
- برنامه توسعه در
- بخش اقتصادی
- به برنامه ملی
- خداشه وارد
- می‌کند. نظام
- برنامه‌ریزی
- کارآمد، این است
- که بتواند در عین
- برنامه‌ریزی برای
- سطوح مختلف
- بخشی، منطقه‌ای
- و ملی، تعارض
- بین این‌ها را نیز
- حل نماید.

کلیه اقتصادهای دنیا، اقتصادهای مختلط هستند. اقتصاد مختلط یعنی اقتصاد بخشی از جامعه مبتنی بر برنامه و بخشی دیگر مبتنی بر بازار است. کشور ما هم به اقتصاد مختلط نیاز دارد، اما مسئله حرکت اقتصاد از برنامه‌ای به اقتصاد آزاد اگر در جای خودش باشد، مشکلی ندارد؛ چون که چالش اصلی ما اقتصاد مبتنی بر برنامه یا اقتصاد آزاد نیست، بلکه اقتصاد دولتی است؛ به عبارتی چالش اصلی میزان سهم دولت و بخش خصوصی در اقتصاد است، در کشور ما سهم دولت در اقتصاد نزدیک به ۸۰ درصد و سهم بخش خصوصی ۲۰ درصد است. لذا لازم است در اقتصاد سهم بخش دولتی کاهش و به سمت افزایش سهم بخش خصوصی یا اقتصاد مردمی حرکت نماید. یکی از راهبردهای اقتصاد مقاومتی که به‌عنوان سیاست‌گذاری‌های کلان در کشور مطرح است، گسترش سهم اقتصاد مردمی یا اقتصاد بخش خصوص است.

نکته بسیار مهم این است که امروزه علم اقتصاد تعیین می‌کند که چه مواردی در حوزه اقتصاد دولتی و چه مسائلی در حوزه اقتصاد خصوصی مدیریت شود؛ برای مثال در هیچ جای دنیا مدیریت نهادهایی مانند آموزش و پرورش یا بخش بهداشت و درمان در حوزه اقتصاد آزاد نیست، علم اقتصاد تأکید به مدیریت این دو مجموعه در حوزه اقتصاد دولتی را دارد. از طرفی دیگر مدیریت نهادهایی مانند صنایع خودروسازی و الکترونیک به‌هیچ‌وجه توصیه نمی‌شود که در حوزه اقتصاد دولتی مدیریت شوند، اما در کشور ما برعکس عمل شده است، مدارس غیرانتفاعی، خصوصی شده‌اند و صنعت خودروسازی صد درصد دولتی است. اینجا همان تناقضی است که باید برطرف گردد؛ بنابراین نمی‌توان گفت اقتصاد آزاد مطلقاً خوب یا بد است! اقتصاد آزاد در فعالیتهای صنعتی بسیار خوب و در فعالیتهای پشتیبانی مانند آموزش و پرورش و بهداشت و درمان خوب نیست. بحران بیماری کرونا مثالی است که نشان داد بخش خصوصی نتوانست کمک زیادی در بحث کنترل یا مدیریت بیماری کند. در مواردی هم که لازم شد دولت ورود کرد و در واقع مردم از دولت توقع داشتند و دارند که در حوزه بهداشت و درمان به کمک آن‌ها بیایند. در مجموع این که علم اقتصاد محدودیت‌های هر فعالیتی را مشخص کرده و بر اساس آن برنامه‌ریزی صورت می‌گیرد.

◆ بر اساس علم و تجربه افزایش نرخ ارز باعث افزایش صادرات می‌شود، پس چرا افزایش قیمت ارز تأثیری بر صادرات کالاهای غیرنفتی کشورمان نداشته است؟
در اقتصاد ایران نه علم و نه تجربه این موضوع را که

با افزایش نرخ ارز، صادرات افزایش پیدا می‌کند، تأیید نمی‌کند. این موضوع تبلیغ رسانه‌ای است. اقتصاددانان ایرانی می‌دانند که با افزایش نرخ ارز، صادرات افزایش پیدا نمی‌کند! تجربه هم این مسئله را نشان می‌دهد؛ در ایران در سال‌های ۷۱، ۹۱، ۹۷ و ۹۸ نرخ ارز به صورت جهش‌گونه‌ای افزایش پیدا کرده است؛ اما این موضوع تأثیری بر صادرات نداشته است. علت آن این است که در کشورهایی افزایش نرخ ارز، منجر به افزایش صادرات می‌شود که کالاها اولاً صنعتی و ثانیاً با فناوری بالا تولید شوند. بازار کالاهای صنعتی و کشاورزی ما حساس به نرخ ارز نیستند، بنابراین ما نباید انتظار داشته باشیم که با افزایش نرخ ارز، صادرات افزایش پیدا کند. اتفاقاً در ایران هر زمان که نرخ ارز باثبات، بدون نوسان و پیش‌بینی پذیر است، صادرات افزایش پیدا کرده است. از سال ۸۲ تا ۹۰ که ثبات نرخ ارز وجود داشته و حجم صادرات غیرنفتی در سال ۸۲ که از پنج میلیارد دلار به ۵۰ میلیارد دلار در سال ۹۰ رسیده است، تأیید این مسئله است. از طرفی در ایران از سال ۹۱ نوسان نرخ ارز وجود داشته و بالاترین جهش نرخ ارز در سال ۹۸ تجربه شده است؛ این در حالی بود که صادرات محصولی مانند پسته به جای افزایش، کاهش پیدا کرد.

در مورد واردات هم در ایران به همین شکل است. صاحب‌نظران معتقدند که با افزایش نرخ ارز، واردات کاهش پیدا می‌کند، اما در ایران برعکس است، با افزایش نرخ ارز، قاچاق کالا افزایش پیدا کرده است. در مجموع کسانی که با این تصور که در ایران افزایش نرخ ارز باعث افزایش صادرات و کاهش واردات می‌شود، می‌خواهند کشور را مدیریت اقتصادی کنند در اشتباه هستند. همان‌طور که قبلاً هم گفته شد علت علمی این موضوع، کسش‌ها هستند؛ کسش صادرات و واردات نسبت به تغییر نرخ ارز است که در ایران هیچ‌کدام از این‌ها نسبت به هم کسش ندارند؛ بنابراین ثابت ماندن نرخ ارز، پیشنهاد مناسبی در جهت افزایش صادرات و کاهش واردات در کشور است.

◆ مسئله تورم طی دهه‌های گذشته تبدیل به یک معضل شده است، چرا نتوانسته‌ایم این مشکل را حل کنیم؟
رشد نقدینگی از دلایل و در واقع ریشه اصلی و پایه‌ای تورم در اقتصاد کشور است. از ابتدای تاریخ اقتصادی کشور تا ۵ سال گذشته رشد نقدینگی تا عدد ۴۰۰ هزار میلیارد تومان رسید، اما از پنج سال اخیر نقدینگی در کشور از ۴۰۰ هزار میلیارد تومان به ۲ هزار هزار میلیارد تومان افزایش پیدا

استان کرمان یکی

از استان‌هایی

است که شدیداً

متکی بر منابع

بوده و از بهره‌وری

پایینی برخوردار

است. نظر بنده

این است کم‌کم

به سمت اقتصاد

بهره‌ور حرکت

کرده و به عبارتی

به سمت اقتصاد

متکی بر محصول

برویم نه اقتصادی

که بر منابع و

خام فروشی

متکی است.

موضوع توجه به

بهره‌وری و اقتصاد

دانش بنیان

راه حل‌های

هستند که علاوه

بر رشد اقتصادی،

رشد اقتصادی

پایدار را نتیجه

می‌دهند.

سال ۲۰۲۰ در جهان کاهش رشد اقتصادی، کاهش تقاضای جهانی، کاهش مصرف انرژی، کاهش قیمت نفت، کاهش اشتغال در حمل‌ونقل و هتلداری و به‌تبع آن افزایش نرخ بیکاری را داشته است.

تغییر رویکرد دولت‌ها از بخش بهداشت و درمان خصوصی به عمومی و افزایش هزینه‌های دولتی بخش درمان از احتمالات پسا کرونایی است. بهبود کیفیت محیط‌زیست به دلیل کاهش مصرف انرژی و حمل‌ونقل، استفاده از فن‌آوری‌های نوین و جهش در استفاده از کسب‌وکارهای دیجیتال از جمله فرصت‌های پیش روی پسا کرونایی است.

اقتصاد ایران هم شبیه به اقتصاد جهانی، تحت تأثیر مشکلات و فرصت‌های پسا کرونایی قرار می‌گیرد. یکی از کانال‌های تحت تأثیر کرونا نفت است که البته تحمل تحریم‌های نفتی و بانکی، نسبت تاب‌آوری ایران را در مقایسه با دیگر کشورها بالاتر برده است.

◆ یک سؤال در مورد استان کرمان، به نظر شما استان کرمان تاکنون در انتخاب فرصت‌های متناسب با وضعیت خود برای سرمایه‌گذاری چگونه عمل کرده است؟ همچنین تفاوت یا تطابق رفتاری استان با استان‌های پیشرفته در این باب را چگونه می‌بینید؟

رتبه استان کرمان در مقایسه با استان‌های دیگر از بُعد شاخص‌های اشتغال، رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری بین ۱۰ تا ۱۳ است. البته با اشاره به این نکته که مشکلات استان کرمان عمومی همه استان‌هاست با این حال استان کرمان خوب عمل کرده است و در جایگاه بعد از برخی از استان‌ها از جمله تهران، اصفهان، خوزستان، خراسان رضوی و آذربایجان شرقی قرار می‌گیرد. توجه به جایگاه استان بسیار ضروری است چرا که اگر به این نتیجه برسیم که در جایگاه خوبی نیستیم ممکن است تصمیمات اشتباهی گرفته شود و یا برعکس.

به نظر بنده در دوره اخیر، استان کرمان اگر اثرات منفی هم پذیرفته است، ناشی از عملکرد اقتصاد ملی است تا عملکرد خود استان. مگر این‌که نگاه منطقه‌ای داشته و روی بخش خاصی کار کند. ولی در مجموع استان کرمان در دوره اخیر در حوزه‌های صنعت مس و سنگ‌آهن گل‌گهر، هواپیمایی ماهان و صنعت خودروسازی رشد کرده است. در حوزه کشاورزی اعم از بخش شمال و جنوب، جهت‌های مثبت را نشان می‌دهد؛ این در حالی است که سایر استان‌ها ممکن است در وضعیت بدتری قرار گیرند. از طرفی مسئله رتبه تصمیمات سیاسی در استان است که

کرده است، بنابراین از لحاظ علمی تورم هم افزایش پیدا خواهد کرد. مسئله دیگری که وجود دارد، اصلاح قیمت است؛ به عبارتی علاوه بر نقدینگی که خود آن علامت‌های مختلفی دارد و اینجا جای بحث در مورد آن نیست، تغییر نرخ ارز که موجب تغییر قیمت‌ها می‌شود نیز بر تورم اثر دارد؛ برای مثال زمانی که دلار چهار برابر می‌شود باید قیمت‌ها هم به همان نسبت تغییر پیدا کرده و اصلاح شوند. البته دولت و بانک مرکزی با ابزارهایی که دارند به راحتی می‌توانند نقدینگی را کنترل کنند ولی در پنج سال گذشته یا نتوانستند یا نتوانستند این کنترل صورت گیرد و نتیجه آن رشد روزبه‌روز نقدینگی است.



در دنیا

تصمیم‌گیری‌های

مهم اقتصادی

توسط

کارشناسان

خبره اقتصادی

انتخاب می‌شود نه

تفکر مهندسی.

متأسفانه

انتقاداتی که از

سوی اساتید،

کارشناسان و

فعالان اقتصادی

انجام شده،

چندان تأثیر

نداشته است؛

دلیل آن این است

که در کشور،

زمانی که تصمیم

اشتباه گرفته

می‌شود و بحران

و چالش‌هایی

مانند تورم،

افزایش نرخ ارز و

... ایجاد می‌گردد

و به اصطلاح

زمانی که «چرم

را آب می‌برد»

سراغ کارشناسان

اقتصادی می‌آیند.

◆ تحلیل شما از مقایسه روند تولید ناخالص داخلی کشور با روند عدالت اجتماعی آن چیست؟

مشکلات ساختاری در گذشته از جمله بهره‌وری و بازدهی پایین، اثر منفی مسئله تحریم‌ها در دو سه سال اخیر بر تولید و اخیراً هم بحران بیماری کرونا، هر سه این عوامل موجب شده است که در کوتاه‌مدت تولید ناخالص کشور رشد منفی را تجربه کند و پیش‌بینی می‌شود در دو سال آینده رشد تولید ناخالص به عددی بین صفر تا منفی ده درصد برسد و نتایج آن موجب بیکاری گسترده و افزایش تورم شده و از طرف دیگر تورم‌های شدید موجب تشدید نابرابری اجتماعی در جامعه خواهد شد.

◆ کشورمان چگونه می‌تواند در شرایط اپیدمی و پسا اپیدمی کوئید ۱۹ آسیب‌پذیری اقتصاد خود را کمتر کرده و تاب‌آوری آن را افزایش دهد؟

پاندمی ویروس کرونا پس از گذشت ۹ ماه جهان و کشورمان را تحت تأثیر قرار داده، راهبردها و سیاست‌های کلی را با تغییر اساسی روبرو کرده، چشم اندازه‌های دیگری را روبروی جهان قرار داده، هزینه‌های سنگینی را بر دولت‌ها و مردم تحمیل نموده است. تشخیص صحیح بحران، چابکی و سرعت عمل در اقدام منجر به کاهش آسیب‌های آن خواهد شد، در عین حال می‌تواند فرصت‌آفرین باشد و بستر را برای ورود به نسل چهارم اقتصاد صنعتی که همان انقلاب دیجیتال است، فراهم نماید. به‌طورقطع در کوتاه‌مدت و میان‌مدت، صنعت گردشگری، هتلداری، حمل‌ونقل آسیب جدی خواهند دید که در صورت اقدام سریع می‌توان بخشی از آن را جبران کرد.

صنایع پزشکی و کسب‌وکارهای اینترنتی و دیجیتال فرصت شکوفایی خواهند داشت. برآیند این دو، اثر بر رشد اقتصادی و اشتغال را مشخص خواهد کرد. پیش‌بینی‌ها در

در کشور در دوره‌های اخیر به ویژه چند سال گذشته، کارشناسان و اساتید اقتصادی در تصمیم سازی اقتصادی مشارکت نداشته و بیشتر تصمیمات اقتصادی به صورت سیاسی اتخاذ شده و نتیجه آن هم ایجاد بحران‌های حال حاضر در کشور است. همان‌طور که سیستم پزشکی تحویل پزشکان و متخصصان این امر است، سیستم اقتصادی کشور هم باید در اختیار اقتصاددانان باشد. دنیا، دنیای کارشناسی و علمی است و در اداره امور اقتصادی باید دانش اقتصادی حاکم باشد و همه افراد جامعه هم چه به نفع و چه به ضررشان باشد باید این حاکمیت را تمکین کنند. نکته‌ای که وجود دارد این است که کسانی که فعال اقتصادی هستند اگر دانش اقتصادی نداشته باشند، نمی‌توانند مشاوران خوبی برای اقتصاد کشور باشند. به نظر بنده در کشور ما بیشتر مهندسی تصمیمات اقتصادی را گرفته‌اند تا اقتصاددانان! نگاه مهندسی یک نگاه پیمانکاری و پروژه‌ای است و این نوع نگاه به کارایی و اثربخشی، رشد اقتصادی، تورم و بیکاری توجه نمی‌کند. به همین دلیل است که در کشور ما شب و روز پروژه عمرانی ایجاد می‌شود، ولی اثربخشی لازم را ندارد و ریشه در این دارد که نگاه اقتصادی پشت‌کار نیست و اگر هم نگاه اقتصادی باشد، ظاهر کار و ظاهرسازی است.

در دنیا تصمیم‌گیری‌های مهم اقتصادی توسط کارشناسان خبره اقتصادی اتخاذ می‌شود نه تفکر مهندسی. متأسفانه انتقاداتی که از سوی اساتید، کارشناسان و فعالان اقتصادی انجام شده، چندان تأثیر نداشته است؛ دلیل آن این است که در کشور، زمانی که تصمیم اشتباه گرفته می‌شود و بحران و چالش‌هایی مانند تورم، افزایش نرخ ارز و... ایجاد می‌گردد و به اصطلاح زمانی که «چرم را آب می‌برد» سراغ کارشناسان اقتصادی می‌آیند؛ شبیه اتفاقی که در سال ۹۸ افتاد و در سال ۹۹ در حال رخ دادن است. البته در حال حاضر بانک مرکزی نگاه منطقی‌تری نسبت به دوران قبل که اقتصاددانان نقشی در اداره امور اقتصادی کشور ایفا نمی‌کردند، داشته است. بعد از بحران تورم و افزایش نرخ ارز، اقتصاددانانی در رأس بانک مرکزی و یا وزارت اقتصاد و دارایی قرار گرفتند از جمله وجود آقای همتی فر و وزیر فعلی اقتصاد.

ما باید بپذیریم که این مسئله یک جریان مداومی باشد و به محض این‌که شرایط بهتر شد یک بانک دار را به‌عنوان رئیس کل بانک مرکزی و یا یک تاجر را در رأس وزارت اقتصاد و دارایی نگماریم؛ این‌ها مناسب نیستند و خطر ایجاد کرده و خواهند کرد. ♦♦

بالتر از سایر استان‌هاست و به عبارتی استانی سیاسی است و نکته دیگر این‌که در استان کرمان نسبت به سایر استان‌ها به‌جز در بخش کشاورزی، بخش خصوصی قدرتمندی به‌خصوص در حوزه صنعت وجود ندارد.

♦♦ گویی در حوزه اقتصاد، در سعی و خطا ماندگار شده‌ایم و از دانسته‌ها و تجارب داخلی و نیز الگوها و راه‌حل‌های مناسب جهانی ایده نمی‌گیریم. چرا؟

موضوع اساسی که در حوزه سیاست‌گذاری وجود دارد این است که سیاست‌گذاری‌ها چگونه در کشور انجام می‌شود؟ چرا در کشور از تجارب دنیا استفاده نمی‌شود؟ برعکس در برنامه‌های کشور ایران، مسئله رویکرد جهانی، تعامل فعال با دنیا و استفاده از دانش دنیا مورد توجه قرار گرفته است و تا حدودی به این اهداف رسیده‌ایم. در مجموع عرض بنده در وهله اول استفاده از تجارب دنیا نیست بلکه ما باید به مسائل اقتصادی با دید کارشناسی و بلندمدت نگاه کنیم و به تبع آن جهت رسیدن به رویکرد کارشناسی، مطالعات بین‌المللی و استفاده از تجارب دنیا نیاز است، ولی تا زمانی که با دید روزمرگی و سیاسی نگاه شود، نمی‌توان از الگوهای جهانی استفاده نمود.

♦♦ چگونگی اداره امور اقتصادی کشور سال‌های سال است که با انتقادات گسترده از سوی اساتید دانشگاه‌ها از داخل و خارج از کشور، فعالان اقتصادی و برخی مسئولان روبه‌رو بوده است. شما چه ارزیابی از کیفیت غالب این انتقادات و نیز اثربخشی آن‌ها دارید؟





گفت‌وگو با دکتر «سوده مقصودی»، دانشیار دانشگاه شهید باهنر کرمان

شایستگی؛ لیاقت و صلاحیت

خانم دکتر «سوده مقصودی»، دانشیار دانشگاه شهید باهنر کرمان در گفت‌وگو با سپهر اقتصاد با اشاره به مهارت‌های فرد شایسته می‌گوید که تا رسیدن به شایسته‌سالاری راه طولانی در پیش داریم و نخبگان ما در جایگاه واقعی خود قرار نمی‌گیرند؛ او معتقد است که ساختارهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه ما به گونه‌ای است که نخبگان برای اصلاح وضع موجود در عمل راه به جایی نمی‌برند، چرا که جامعه تاب اصلاحات را ندارد و شرایط فرهنگی نه تنها به نخبگان سیاسی بلکه فرصت خدمت به نخبگان در غیر سیاسی‌ترین مسندها را هم نمی‌دهد. در ادامه به مطالعه این گفت‌وگو دعوت می‌شوید.

◆ شما چه تعریفی از شایسته‌سالاری دارید؟

به نظر من شایستگی یعنی داشتن توانایی، اختیار، مهارت، دانش، لیاقت و صلاحیت. در واقع شایستگی‌ها شامل دانش، مهارت‌ها، ویژگی‌های شخصیتی، علایق، تجارب و توانمندی‌ها در یک شغل یا نقش خاص است که باعث می‌شود فرد در سطحی بالاتر از حد متوسط در انجام وظیفه و ایفای مسئولیت خویش به موفقیت دست یابد.

نظام شایسته‌سالاری نظامی است که در آن مزایا و موقعیت‌های شغلی تنها بر اساس شایستگی و نه بر مبنای جنسیت، طبقه اجتماعی، قومیت و یا ثروت به افراد داده می‌شود. شایسته‌سالاری دیدگاهی است که بر اساس آن، افراد از طریق نظام آموزشی و با تلاش فراوان استعدادها را شکوفا می‌کنند و در نهایت، فارغ از جنسیت، طبقه اجتماعی، قومیت و یا ثروت، برای تصدی مناسب یک شغل، فقط بر اساس شایستگی است. شایسته‌سالاری یعنی به‌کارگیری مناسب‌ترین افراد در مناسب‌ترین جایگاه در سازمان.

◆ به نظر شما برای عهده‌دار شدن مسئولیت‌های خاص، چه مهارت‌هایی مورد نیاز است؟

مهارت‌های مدیریتی و سرپرستی: مدیری شایسته است

که فنون برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی و هماهنگی مناسب کار، نیروها و امکانات سازمان، سرپرستی و هدایت امور سازمانی، گروهی و فردی، درک موقعیت و به‌کارگیری سبک مدیریت مناسب، هدف‌گذاری دقیق و مشخص فردی و گروهی، پیگیری، بررسی و کنترل مسائل و امور مهم، آگاهی از تشکیلات، قوانین و رویه‌های اداری و مالی سازمان را داشته باشد؛ بنابراین، داشتن مهارت‌های مدیریتی و سرپرستی، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های فرد شایسته است.

مهارت‌های تصمیم‌گیری: مدیران باید دارای مهارت تصمیم‌گیری به‌موقع، قاطع و همراه با دقت، توجه به اهداف و استراتژی‌ها، دیدگاه‌ها و وضعیت سازمان و هماهنگی با بخش‌های دیگر سازمان در تصمیم‌گیری، به اجرا گذاشتن سریع تصمیمات اتخاذ شده و اثربخشی تصمیم‌های گرفته شده باشند.

خلاقیت و نوآوری: خلاقیت برای بقای هر سازمانی لازم و ضروری است. به همین دلیل، فردی شایسته است که بتواند با ارائه طرح‌ها و راه‌حل‌های خلاقانه برای حل مسائل و بهبود وضع موجود، با موقعیت‌های جدید و کارهای دشوار و چالش‌برانگیز، رویارویی کند.

مهارت‌های رهبری: برقراری ارتباط مناسب با دیگران، ایجاد

می‌کند، لذا شایستگی او بر اساس تخصصش زیر سؤال می‌رود؛ مانند این‌که آیا فلان مدیر عضو فلان حزب و گروه است یا خیر، اما فرد شایسته در یک سازمان و یا یک شرکت خصوصی به‌واسطه توجه به سود و سرمایه شرکت قاعدتاً بایستی متخصص باشد.

◆ برای تحقق نظام شایسته‌سالاری در کشورمان چه سیاست‌هایی باید اتخاذ شود؟

به نظر بنده تا رسیدن به شایسته‌سالاری راه طولانی در پیش داریم؛ چون اخلاق و پیش‌زمینه‌های فرهنگی توسعه و شایسته‌سالاری را نداریم و نخبگان ما در جایگاه خود قرار نمی‌گیرند، بلکه با غرض‌ورزی و حسادت از گود خارج می‌شوند. ساختار اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ایران به‌گونه‌ای است که نخبگان عملاً برای اصلاح وضع موجود راه به‌جایی نمی‌برند؛ چرا که جامعه تاب اصلاحات را نداشته و دست به نخبه‌کشی می‌زند. به این مطلب در کتاب «جامعه‌شناسی نخبه‌کشی» علی‌رضا قلی به‌خوبی اشاره شده است. هر چند جامعه هدف این کتاب ادوار گذشته تاریخ سیاسی این کشور را به تصویر می‌کشد که چگونه افرادی چون امیرکبیر و مصدق با وجود شایستگی از دستیابی به اهداف توسعه‌طلبانه‌شان بازماندند، اما در شرایط کنونی هم راوی تراژدی تلخی است که شرایط فرهنگی جامعه نه‌تنها به نخبگان سیاسی، بلکه حتی فرصت خدمت به نخبگان در غیرسیاسی‌ترین مسندها را هم نمی‌دهد و با توجه به بافت جامعه و دلواپسی‌های موجود، افراد به فرار از کشور سوق پیدا می‌کنند نه ماندن و سازندگی. یکی دیگر از موانع شایسته‌سالاری این است که مدیران ما در ایران به جای این‌که انتقادپذیر بوده و به توسعه سازمانشان بیندیشند، بیشتر مایل‌اند کارکنانشان تملقشان را بگویند تا عیب‌کار را هویدا نمایند. تفاوت عمده نخبگان و شایستگان در ایران و غرب این است که تأثیرگذاری نخبگان غرب بیشتر به دلیل هوش و دکاوتشان بوده، اما تأثیرگذاری نخبگان ایرانی نه به دلیل هوش، بلکه به دلیل منشأ خانوادگی، زمین‌داری‌های ملوک‌الطوایفی و وابستگی به سیاست و قدرت حاکمه بوده است. بالطبع این رویه روحیه رقابت و مشارکت در یک سازمان را برمی‌تابد و تملق و چاپلوسی و فرمان‌برداری و تابعیت را برمی‌انگیزاند. در چنین فرهنگی مردم حاکم را همه‌کاره می‌دانند و از پذیرش مسئولیت سر باز می‌زنند. قطعاً این امر نه باعث شایسته‌سالاری که موجب مدیریت غیر مؤثر و مطیع خواهد شد و توسعه و تولید را به تأخیر خواهد انداخت.

◆ تأکید می‌شود که ریشه ایجاد و تشدید فساد در عدم استقرار نظام شایسته‌سالاری در اداره امور است، به نظر شما شیوه

انگیزش در زیردستان در جهت اهدا ف سازمان، تأیید، ترغیب و تشویق کار خوب، راهنمایی، حمایت و فراهم آوردن زمینه رشد افراد، نفوذ در دیگران و جلب احترام آنان نسبت به خود، از جمله مهارت‌های رهبری است که فرد شایسته باید داشته باشد.

مهارت‌های فنی: این مهارت، توانایی استفاده از دانش خاص و بهره‌مندی از فنون و منابع مختلف در فعالیت‌های اجرایی، داشتن مهارت‌های فنی در مدیریت سطوح پایین به دلیل ماهیت سرپرستی و مشکل‌گشایی آن اهمیت بسیاری دارد.

مهارت‌های ادراکی و روابط انسانی: مهارت انسانی یعنی مهارت ایجاد ارتباط صریح، آزاد، منصفانه و بدون حب و بغض و همراه با اطمینان متقابل نسبت به دیگران که اساس کار مدیریت است.

مهارت‌های گفتگو و مذاکره: سخنران و شنونده خوبی بودن هنر است. از این روی، باید برای درک نظر و موضع دیگران برای انجام مذاکرات سازنده و مؤثر در درون و بیرون سازمان تلاش کرد.

مهارت‌های اطلاعاتی: مدیران و افراد شایسته باید توان گردآوری، انتشار و به‌کارگیری به‌موقع اطلاعات صحیح مربوط را در امور و مانند برنامه‌ریزی، پیش‌بینی و قضاوت داشته باشند.

مهارت کامپیوتری: توانایی استفاده از کامپیوتر در انجام امور و وظایف، از الزام‌های ضروری دنیای جدید است. راضی نشدن به وضع موجود و تلاش برای خودسازی، پذیرش چالش‌های شغل جدید، وجود زمینه لازم برای رشد و کسب مهارت بیشتر در موارد فوق است.

◆ موانع استقرار نظام شایسته‌سالاری در کشور کدام‌اند؟

مهم‌ترین موانع برقراری اصل شایسته‌سالاری عبارت‌اند از: تبار سالاری (خویشاوند سالاری)، جناح‌بازی و باندبازی، نداشتن روش‌های قانونمند در نظام استخدام، فراهم نبودن بستر مناسب برای پرورش افراد شایسته و فقدان احزاب سیاسی کارآمد. فقدان روش‌های قانونمند در نظام استخدامی و کم‌رنگ بودن فرهنگ شایسته‌سالاری از مهم‌ترین موانع استقرار نظام شایسته‌سالاری در سازمان‌هاست؛ البته این موانع از زمانی به زمان دیگر و از جامعه‌ای به جامعه دیگر ممکن است متفاوت باشند یا شدت تأثیرگذاری هرکدامشان کمتر و بیشتر شود.

◆ هر بخش دارای مشخصه‌های خاص خود می‌باشد. لذا باید در هر بخش تعریف خاصی از شایسته‌سالاری داشته باشیم، به نظر شما تعریف شایسته‌سالاری در ارگان‌ها، سازمان‌ها و نهادهای حکومتی با شرکت‌ها و نهادهای بخش خصوصی چه تفاوت‌هایی دارد؟

به نظر من در نظام‌های سنتی، مدیر شایسته یا کارمند شایسته ممکن است فردی باشد که رئیس و اهداف سازمان را برآورده

مهم‌ترین موانع
برقراری اصل
شایسته‌سالاری
عبارت‌اند از:
تبار سالاری
(خویشاوند
سالاری)،
جناح‌بازی
و باندبازی،
نداشتن روش‌های
قانونمند در
نظام استخدام،
فراهم نبودن
بستر مناسب
برای پرورش
افراد شایسته و
فقدان احزاب
سیاسی کارآمد.
فقدان روش‌های
قانونمند در
نظام استخدامی
و کم‌رنگ
بودن فرهنگ
شایسته‌سالاری
از مهم‌ترین موانع
استقرار نظام
شایسته‌سالاری در
سازمان‌هاست.



بر علیه آن‌ها اقدامات انضباطی و تنبیهی صورت گرفته است. شفافیت بین‌الملل چین در سال ۲۰۰۶ با نمره ۳/۳ در جایگاه هفتم قرار داشته و هم‌رتبه کشورهای برزیل، عربستان سعودی، مصر و هندوستان قرار گرفته است.

◆ توضیحات تکمیلی؟

تا به امروز در ایران برنامه‌های بسیاری برای مبارزه با فساد طراحی شده و به اجرا درآمده، اما در این رابطه موفقیت اندکی حاصل گردیده است که برخی از دلایل اصلی ناموفق بودن این برنامه‌ها عبارت‌اند از: ۱. مجازات نشدن سوءاستفاده‌کنندگان و شرکت‌کنندگان در فساد اداری، ۲. پولکی بودن و خودفروختگی افراد و مقامات اداری در آن بخش‌هایی از ساختار سیاسی و اداری که باید - به اصطلاح - با فساد اداری مبارزه کنند، ۳. وجود کارکرد مثبت فساد اداری برای نخبگان اداری و گروه‌های متنفذ و قدرتمند اقتصادی که در عمل به‌صورت نهادی برای توزیع مجدد درآمدها به سود این نخبگان عمل می‌کند، ۴. نظام‌مند نبودن و عدم استمرار برنامه‌ها و نظارت دستگاه‌های دولتی و حکومت‌های مختلف در رابطه با مبارزه علیه فساد اداری، ۵. تأکید بر تنبیه و مجازات متخلفان به‌جای تأکید بر رویه‌های پیشگیرانه از بروز فساد از جانب مسئولان ذی‌ربط. برای حذف یا کاهش فساد اداری در نظام اداری و سطح جامعه، نیازمند برنامه‌هایی اساسی و همه‌جانبه هستیم که با تأثیر بر فرهنگ عمومی جامعه و ابعاد آن فرهنگ سازمانی (به‌عنوان پدیده‌ای که به‌طور مستقیم از فرهنگ جامعه تأثیر می‌پذیرد)، پیش‌گیری از بروز فساد اداری را هدف قرار دهد، به‌جای آن‌که از طریق طراحی رویه‌های تنبیهی و پس از وقوع با آن مبارزه کند. فرهنگ سازمانی از کارکردهای گوناگونی برخوردار است و می‌تواند با معرفی الگوی رفتاری مطلوب به کارکنان، رفتار آنان را کنترل کند و منجر به تثبیت شیوه‌های مطلوب انگیزش رفتار کارکنان شود و در آن‌ها نوعی تعهد و احساس مسئولیت نسبت به چیزی به وجود آید که آن چیز، بیش از منافع شخصی فرد است که پیامد و نتیجه آن کاهش آثار و نشانه‌های فساد در کلیه سطوح جامعه می‌باشد. ◆◆

بهبود مبارزه با فساد با توجه به رویه‌های مبارزه در کشورهای موفق در این مورد چیست؟

کشور هنگ‌کنگ از جمله کشورهای موفق در مبارزه با فساد شناخته می‌شود. شاید این موفقیت مدیون یک نهاد تخصصی مبارزه با فساد به نام کمیسیون مستقل ضد فساد هنگ‌کنگ (ایکاک) است که در سال ۱۹۷۴ پایه‌گذاری شد. تأسیس چنین دستگاه‌هایی تنها راه کاهش فساد گسترده محسوب می‌شوند چرا که نهادهای غیرتخصصی برای انجام این وظیفه بسیار ضعیف ارزیابی شده‌اند. معمولاً این کشور در آمار سازمان شفافیت بین‌الملل (از ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹) با نمره‌های بین ۸ تا ۹ در مرتبه دهم تا پانزدهم قرار گرفته است. دفتر بازرسی اقدامات فاسد (CPIB) دستگاهی مستقل است که هدف آن جلوگیری از فساد در بخش‌های عمومی و خصوصی سنگاپور می‌باشد. این دفتر، مسئول حفاظت از سلامت اداری در بخش عمومی و تشویق معاملات بدون فساد در بخش خصوصی است. همچنین این دفتر مسئولیت نظارت بر تخلفات مقامات بخش عمومی و گزارش این‌گونه موارد به ادارات دولتی مربوطه و دستگاه‌های عمومی برای انجام اقدامات انضباطی است. همچنین وظیفه اصلی این دفتر تحقیق در رابطه با فساد تحت عنوان مجری سند جلوگیری از فساد است، این سند اختیارات تحقیق در رابطه با هرگونه تخلف را می‌دهد تا در یک جریان تحقیق و تفحص درستی آن روشن شود. روی هم‌رفته سنگاپور در بررسی‌های سازمان شفافیت بین‌الملل در چند سال گذشته (سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸) در رتبه کشورهای پاک (با نمره ۹/۴ و ۹/۵) رتبه‌های بین ۴ تا ۶ قرار دارد. در کشور چین وزارت بازرسی مسئولیت بازرسی کلیه بخش‌های تابعه شورای دولتی و کارمندان آن‌ها، روسای حکومت‌های محلی، مقامات شرکت‌های دولتی و نهادهایی که مستقیماً زیر نظر حکومت‌های محلی قرار دارند و توسط سازمان‌های دولتی انتخاب می‌شوند را دارد. وزارت بازرسی در صورت لزوم می‌تواند مواردی را که جزو حوزه اختیارات دستگاه‌های بازرسی پایین‌تر نیز قرار دارد، مورد بازرسی قرار دهد. مسئولیت اصلی وزارت بازرسی کل کشور، نظارت و بررسی اجرای سیاست‌ها، قوانین، مقررات، برنامه‌های توسعه‌ای اقتصادی و اجتماعی و دیگر قوانین و تصمیمات شورای دولتی توسط کلیه سازمان‌ها و کارمندان تابعه شورای دولتی، استانداران و معاونین آن‌ها و شهرداران و معاونین آن‌ها در سراسر کشور می‌باشد. وظیفه دیگر این نهاد بازرسی و رسیدگی به موارد نقض قوانین دولتی، احکام و دستورات انضباطی توسط دستگاه‌های دولتی و کارمندان آن‌ها و رهبران حکومت‌های محلی و تنبیه و مجازات نامبردگان بر اساس جرائم ارتكابی و رسیدگی به فرجام‌های کارمندان دستگاه‌های اداری، دولتی و سایر افرادی است که توسط دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی

برای حذف یا کاهش فساد اداری در نظام اداری و سطح جامعه، نیازمند برنامه‌هایی اساسی و همه‌جانبه هستیم که با تأثیر بر فرهنگ عمومی جامعه و ابعاد آن فرهنگ سازمانی (به‌عنوان پدیده‌ای که به‌طور مستقیم از فرهنگ جامعه تأثیر می‌پذیرد)، پیش‌گیری از بروز فساد اداری را هدف قرار دهد، به‌جای آن‌که از طریق طراحی رویه‌های تنبیهی و پس از وقوع با آن مبارزه کند.

گفت‌وگو با دکتر «محمدعلی دهقان» عضو هیئت‌علمی دانشگاه ولی‌عصر (عج) رفسنجان

شرط بالندگی بخش خصوصی؛ نظارت کافی و دخالت حداقلی دولت



مسئولان و سیاست‌گذاران کشور با وضع قوانین و سیاست‌هایی برای افزایش تولید در جهت ثبات اقتصادی و در نتیجه رشد اقتصادی گام‌هایی برداشته‌اند. در این مسیر برنامه‌های مختلفی نوشته و تصویب شده است، اما اجرای این برنامه‌ها تا چه اندازه راهگشا بوده است؟ موضوعی است که باید به آن پرداخته شود. در این خصوص با آقای دکتر محمدعلی دهقان عضو هیئت‌علمی دانشگاه ولی‌عصر (عج) رفسنجان و معاون سابق هماهنگی امور اقتصادی استانداری کرمان، گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

تا تولیدکننده در هر بخشی که هست بتواند با اعتماد به آینده و ثبات قوانین به بحث تولید بپردازد و مسائل جانبی آن‌ها را گرفتار نکند.

به این ترتیب مهم‌ترین عامل حفظ تولید و افزایش آن، بحث ثبات اقتصادی، سیاسی و قوانین در کشور است. البته شاخص ذکرشده یک شاخص کشوری است. در مبحث تولید، شاخص‌هایی در سطح استانی و جزئی‌تر هستند که بر

◆ به نظر شما مهم‌ترین عوامل ایجادکننده شرایط شکل‌گیری تولید کدامند؟ تحلیل شما از چگونگی فراهم بودن مؤلفه‌های موردنظر در استان چیست؟

ثبات سیاسی، اقتصادی، قوانین و آئین‌نامه‌ها از عواملی هستند که می‌توانند به شکل‌گیری و توسعه تولید کمک نمایند. با توجه به این‌که اکثر این عوامل تحت نفوذ استان نیستند؛ بنابراین لازم است که کشور تصمیماتی را اتخاذ نماید



البته نمی‌توان دولت را سرزنش کرد. ممکن است با توجه به مسائل و مشکلات خاص از جمله تحریم، دولت در بعضی موارد ورود کرده باشد، اما در واقع به‌عنوان نمونه؛ یک تولیدکننده پسته باید با بازار جهانی رقابت کرده و عواملی مانند گمرک، برگشت پول، ارز نیما و ... نباید مانعی باشند که جلوی رقابت تولیدکننده با بازار جهانی را بگیرد. چرا که تولید وابسته به عرضه و تقاضاست و زمانی که تقاضا برای تولیدکننده پایین بیاید و یا ورود به بازار جهانی با وضع قوانینی بسته یا سخت شود، یعنی تقاضا پایین آمده است. از طرفی دیگر موارد مصرف محصولات تولیدی در کشور محدود است و در مواردی باید تا ۷۰ درصد تولیدات به بازارهای بین‌المللی راه یابند. زمانی که دولت با ایجاد سیاست‌هایی مانع صادرات شود، بازارهای جهانی به روی ما بسته می‌شود، به نظر بنده اگر کلیه سیاست‌های تولید در اختیار بخش خصوصی باشد، این مسائل را حل خواهد کرد. طبیعی است که اگر امروز تولید تخم‌مرغ در بازار توجیه اقتصادی ندارد، تولیدکننده آن را تولید نمی‌کند.

دخالت دولت در تولید، یکی از بزرگ‌ترین سدهایی است که باید برداشته شود تا تولید اقتصادی شود؛ باید نظاره‌گر باشد، در عین حال که می‌تواند بسیاری از زیرساخت‌ها را برای تولیدکنندگان فراهم نماید. به طور کلی در تولید کار باید کاملاً در اختیار تولیدکننده و یا همان بخش خصوصی قرار بگیرد و در این صورت است که نتیجه آن اقتصادی خواهد شد.

◆ در پی رسیدن به جهش تولید چه سیاست‌های اقتصادی مؤثر و البته متفاوت از گذشته، باید اتخاذ گردد و در پی عملی شدن آن بود؟
اگر به‌صورت خاص به کلمه تولید و انواع آن نگاه کنیم، تولید متنوع است از جمله محصولات کشاورزی، صنعتی، معدنی و حتی خدمات. همه این موارد مقوله‌های جداگانه‌ای هستند و در بعضی از آن‌ها نیاز داریم که جهش داشته باشیم و بعضی دیگر ممکن است نیاز باشد که تولید نزولی باشد. در مجموع هر چه تولیدات کشور بالاتر رود ثبات اقتصادی کشور را نتیجه خواهد داد و موجب کاهش نرخ بیکاری خواهد شد. همان‌طور که مستحضرید بیانات مقام معظم رهبری در طول سال‌های گذشته با نام‌گذاری سال‌ها و اصراری که در بحث



تولید استان اثر دارند ولی نقش آن‌ها به اندازه نقش ثبات اقتصادی، سیاسی و قوانین نیست.

◆ تولیدکنندگان به شکل غالب، تولید را در کشور برخوردار از منطق اقتصادی نمی‌دانند، چه باید کرد تا تولید به لحاظ اقتصادی معنادار شود؟

دخالت دولت در تولید، یکی از بزرگ‌ترین سدهایی است که باید برداشته شود تا تولید اقتصادی شود؛ به عبارتی دولت باید نظاره‌گر باشد، در عین حال که می‌تواند بسیاری از زیرساخت‌ها را برای تولیدکنندگان فراهم نماید. به طور کلی در تولید کار باید کاملاً در اختیار تولیدکننده و یا همان بخش خصوصی قرار بگیرد و در این صورت است که نتیجه آن اقتصادی خواهد شد.

تولید داشته‌اند، با این هدف که تولیدات در کشور بالا رود، بسیار مؤثر بوده است.

در بحث تولید در بخش صنعت باید ظرفیت واحدهای موجود را به حداکثر رساند تا بتوان جهشی در آن ایجاد کرد. همچنین شناسایی گلوگاه‌هایی از زنجیره که باعث کاهش تولید شده و برطرف کردن کمبودها می‌تواند جهت تحقق جهش تولید مؤثر باشد. گاهی اوقات نیاز است که زنجیره تولید و ارزش کامل شود تا بتوان یک کالایی را از صفر تا صد در منطقه تولید کرد و مسائل مربوط به زنجیره تأمین را برطرف کرد؛ برای مثال تولید فولاد در منطقه به مرحله‌ای رسیده که از صفر تا صد، از خاک معدنی گرفته تا نیازهای مختلفی از جمله تأمین شمش، نورد تیر آهن و ... پوشش داده می‌شود. در شرایط فعلی به دلیل نیازهای تکنولوژیکی به خارج از کشور و وضعیت تحریم و ارتباطات خارجی شاید در خیلی از موارد کشور نتواند به فکر تأسیس واحدهای تولیدی جدید باشد که بهتر است نارسایی‌های موجود در بخش‌های صنعتی برطرف شود. در بخش کشاورزی نیز توجه به محصولات استراتژیک ضروری است، فرض کنید برای مثال برای تولید گوشت به فرآورده‌های کشاورزی نیاز است که باید از خارج وارد شوند. با توجه به این‌که به این فرآورده‌ها نیاز ضروری است؛ بنابراین باید به این بخش بیشتر توجه کرد. تولید محصولی مانند هندوانه در شرایطی که نیاز به مصرف آب زیاد دارد، بهینه نیست و توقعی در جهش تولید آن نخواهد بود؛ چرا که در تحقق امر جهش تولید باید تولیدات مقرون به‌صرفه باشد و منابع کشور از بین نرود؛ بنابراین زمانی که از جهش تولید حرف به میان می‌آید باید اهداف و شاخص‌ها مشخص باشد تا بتوانیم تولید را افزایش دهیم و حداکثر استفاده را بنماییم.

◆ با توجه به شناختی که از اقتصاد استان دارید، به نظر شما تا چه حد تولید صادرات محور دستور کار و برنامه مسئولان استان بوده و تا چه حد موفق بوده‌اند و نیز تا چه حد ظرفیت تولید در حوزه‌های مختلف در بحث صادرات در استان کرمان وجود دارد؟

استان کرمان در زمینه تولیدات صادرات محور ظرفیت‌های بسیار خوبی دارد. برای محصولات صادراتی کشاورزی، بازارهای خوبی وجود دارد؛ هر چند که شرایط خاص زمانی مانند شیوع بیماری کرونا ممکن است وقفه ایجاد کند، اما برای برنامه‌ریزی درازمدت در زمینه محصولاتی که صادرات محور هستند باید کیفیت تولید بالا رود تا به درجه پذیرش برای کشورهای اروپایی و کشورهای اطراف برسیم؛ برای مثال بخشی از محصولات کشاورزی به کشورهای بسیار خاص که

کیفیت بالای تولید را نیاز ندارند، صادر می‌شود و زمانی که مرزهای همین کشورها بر روی ما بسته شود بخش زیادی از محصولات ما بلاتکلیف می‌ماند.

در مجموع در استان جهت تولید محصولات صادراتی، توانایی‌ها و استعداد های بالقوه‌ای وجود دارد، اما باید به این نکته توجه شود که در این زمینه باید کیفیت‌ها را بالا ببریم تا مشتریان خود را در خارج از کشور داشته باشیم.

◆ در سند برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کرمان پیش‌بینی شده است که در پی تحصیل رشد ۸/۵ درصدی، میزان ۵/۷ درصد آن از محل سرمایه‌گذاری جدید و ۲/۸ درصد بقیه از محل افزایش بهره‌وری به دست آید، در مورد کسب شاخص‌های فوق به تفکیک منابع دولتی و سایر منابع توضیح دهید؟

در اینجا نیز لازم است به بحث اول برگردیم که سرمایه‌گذاری‌های جدید نیاز به ثبات اقتصادی و سیاسی دارند. اگر ثبات اقتصادی ایجاد شود این شاخص دور از دسترس نیست، اما با وضعیتی که ثبات اقتصادی نداریم، سرمایه‌گذار گریز است؛ به عبارتی سرمایه‌گذار نمی‌داند که باید با دلار ۲۰ هزار تومان، ۲۵ هزار تومان یا ۱۵ هزار تومان کار کند؟ و مدام نرخ دلار بالا و پایین می‌رود؛ بنابراین سرمایه‌گذار نمی‌تواند ریسک کرده و سرمایه خود را در تولید هزینه کند. به جای آن سرمایه خود را در بخش‌های دیگر بازار سرمایه‌گذاری می‌کند تا سود بیشتری نسبت به تولید، به دست آورد؛ زیرا در شرایط اقتصادی ناپایدار، شرایط سرمایه‌گذاری در جایی به غیر از تولید بیشتر در دسترس است.

در بسیاری از کشورهایی که ثبات اقتصادی پایدار وجود دارد، سود بانکی در حد یک یا زیر یک درصد است و مردم تمایلی به سپرده‌گذاری در بانک ندارند، اما در کشور ما در شرایط حاضر با وجود سود بانکی بیست درصد، باز هم سرمایه‌گذاران تمایلی به سرمایه‌گذاری در بانک نداشته و در بازارهایی مثل بازار خودرو، طلا، مسکن و بورس سرمایه‌گذاری می‌کنند و سودی بالاتر از بیست درصد را به دست می‌آورند؛ بنابراین در شرایطی که ثبات اقتصادی نیست، تولید هم نمی‌تواند افزایش پیدا کند. البته امیدواریم ثبات اقتصادی ایجاد شود. در بحث افزایش بهره‌وری اگر تولید به دست بخش خصوصی باشد، بخش خصوصی مجبور است راهکارهایی را ارائه و بهره‌وری را افزایش دهد، اما تا زمانی که اقتصاد یا تولید در انحصار دولت باشد یا دولت روی این‌ها بیش از حد سایه بیندازد، افزایش بهره‌وری را نمی‌توان از دولت انتظار داشت؛ بنابراین هر چه به سمت بخش خصوصی پیش برویم، بخش خصوصی با هدف افزایش سود به سمت افزایش بهره‌وری پیش خواهد رفت.

در بحث افزایش

بهره‌وری اگر تولید

به دست بخش

خصوصی باشد،

بخش خصوصی

مجبور است

راهکارهایی را

ارائه و بهره‌وری

را افزایش دهد،

اما تا زمانی که

اقتصاد یا تولید

در انحصار دولت

باشد یا دولت

روی این‌ها بیش از

حد سایه بیندازد،

افزایش بهره‌وری را

نمی‌توان از دولت

انتظار داشت؛

بنابراین هر چه

به سمت بخش

خصوصی پیش

برویم، بخش

خصوصی با هدف

افزایش سود به

سمت افزایش

بهره‌وری پیش

خواهد رفت.

نگرفته و همواره موانعی بر سر راه ایجاد شده است؛ برای مثال دولت با توجه به شرایط زمان به یک‌باره از یک کالا به صورت تخصیص ارز ارزان‌قیمت حمایت می‌کند و یا حمایت خود را قطع می‌کند، این تغییرات ناگهانی باعث به هم ریختن تمامی محاسبات تولیدشده و نقشه راه در این شرایط عملیاتی نیست.

در مجموع مجراهای غیرطبیعی که در کشور وجود دارد موجب شده‌اند که نتوان پیش‌بینی کرد که تولیدات به چه شکل انجام شوند. در واقع دلیل آن این است که سیستم ضمانت اجرایی ندارد؛ بنابراین در این شرایط نمی‌توان نقشه راه طرح‌ریزی کرد؛ برای مثال تولید مرغ را در نظر بگیرید، نهاده‌های دامی با ارز ۴۲۰۰ تومان وارد می‌شود، یعنی یارانه‌ای نزدیک به ۲۰ هزار تومان برای هر دلار توسط دولت هزینه می‌شود، اما این یارانه توسط واسطه‌ها جذب شده و به تولیدکننده نمی‌رسد و در نهایت مرغ با قیمت مثلاً کیلوئی ۱۸ هزار تومان به دست مصرف‌کننده می‌رسد، در حالی که قیمت آن در کشورهای همسایه ۱/۲ دلار است؛ یعنی این میزان هزینه‌ای که دولت می‌کند بسیار بیشتر از اثری است که در قیمت مرغ می‌گذارد. این‌ها پارازیت‌هایی هستند که در مسیر تولید قرار می‌گیرند و باعث می‌شوند که تولید در مسیر واقعی خود قرار نگیرد یا اگر برنامه‌ای هم نوشته می‌شود، عملیاتی نشود.

در مجموع عرض بنده این است که باید قوانین ما ثبات داشته باشد و مجلس جدید در بحث تغییر قوانین به‌خصوص قوانین اقتصادی مربوط به تولید، با مطالعه و وسواس زیاد ورود کرده چرا که لغو یا ایجاد یک قانون باعث ایجاد بی‌ثباتی در کشور و اقتصاد خواهد شد. اگر هم تغییراتی صورت می‌گیرد با تغییر در جزئیات قوانین باشد نه اصل قانون که سی سال است در کشور اجرا می‌شود. ان‌شاءالله که مجلس به‌عنوان یک نهاد قانون‌گذار، دولت به‌عنوان نهادی که لایحه تصویب می‌کند، هر دو با مطالعه کافی و کامل در مباحث صادرات، اقتصاد و تولید ورود کرده و دچار روزمرگی نشده یا برای حل مسئله امروز، قانونی تصویب نکنند تا فردا عملیاتی نشود. برای مثال با بالا رفتن قیمت محصولی در حال حاضر، قانونی را تصویب نکنند که فوری قیمت محصول پایین آمده، بدون اینکه به عواقب این کار و ضرباتی که به بخش‌های دیگر وارد می‌شود، توجه کنند. فقط به این دلیل که کار، کارشناسی نبوده است. امیدواریم که تصمیماتی که دولت و مجلس اتخاذ می‌کنند کارشناسی شده و عمیق باشند و نظارت دولت کافی ولی دخالت آن در مسائل اقتصادی به حداقل برسد تا بخش خصوصی بتواند به بالندگی برسد. ♦♦

مسئله بورس هم جای تأمل دارد و در مجموع فعالیت خوبی است و می‌تواند بخش‌های تولیدی را تقویت نماید و ان‌شاءالله جنبه‌های کاذب آن کنار رفته و بورس به کمک تولید رود تا شاخص‌های اقتصادی استان که در برنامه ششم قول داده‌شده، محقق شوند.

♦♦ در راستای بهره‌گیری از ظرفیت سرمایه‌های اجتماعی به‌ویژه جلب و تعمیق مشارکت نخبگان، وضعیت استان کرمان را چگونه ارزیابی می‌نمایید؟ برای تحقق و تقویت این مهم چه راهکارهایی پیشنهاد می‌کنید؟

به نظر بنده در استان فعالیت‌های خوبی برای بهره‌گیری حداکثری از نخبگان صورت گرفته، دلیل آن این است که مراکز رشد، شرکت‌های دانش‌بنیان و استارت‌آپ‌ها روزبه‌روز فعال‌تر می‌شوند و نمود نخبگان در این مراکز اتفاقات خوبی است که در استان روی می‌دهد و می‌توان بستری فراهم نمود تا حداکثر استفاده را از نخبگان داشته باشیم.

♦♦ چرا نتوانسته‌ایم برای تولید یک نقشه راه مشخص طراحی و اجرا کنیم؟

به نظر بنده یک سری از مواد اولیه و نیازهای تولید به شکل‌های غیرطبیعی در اختیار تولیدکننده قرار گرفته و قرار می‌گیرد؛ برای مثال آبی که در اختیار یک تولیدکننده بخش کشاورزی از جمله تولیدکننده پسته قرار می‌گیرد را در نظر بگیرید، آب یک سرمایه ملی است در حالی که تولیدکننده با یک قیمت خیلی کم و حتی مجانی از آن استفاده می‌کند. تولیدکننده از قیمت واقعی تولید اطلاعی ندارد چرا که با یک سری امکانات مجانی و ارزان‌قیمت به تولید رسیده است. اگر تولیدکننده بخواهد شبیه همین تولید را در یک کشور خارجی انجام دهد باید چند برابر هزینه آب، برق و ... را بپردازد؛ بنابراین تولید در شرایط طبیعی انجام نمی‌شود و این امر باعث می‌شود که تولید در کشور در وضعیت مناسب چرخه خود قرار نگیرد و در این وضعیت نمی‌توان نقشه راه تعیین کرد. اگر تولیدکننده برای هر مترمکعب آبی که از خلیج فارس آورده می‌شود سه تا چهار دلار هزینه پرداخت می‌کند، آن وقت ارزش واقعی آب به دست می‌آید و آب با قیمت واقعی به دست تولیدکننده می‌رسد و به‌تبع آن تولیدکننده برای این که چه محصولی و به چه میزان تولید کند، برنامه‌ریزی می‌کند و به تولید ادامه می‌داد.

در کشور ما انواع نقشه‌ها و برنامه‌ها وجود دارد، از جمله برنامه‌های «توسعه» که سال‌هاست در کشور طرح و تصویب می‌شود، اما با توجه به شرایطی که کشور داشته و اقدامات نابجایی مانند سوبسیدهای نامناسب، در مسیر طبیعی قرار

در کشور ما
انواع نقشه‌ها و
برنامه‌ها وجود
دارد، از جمله
برنامه‌های
«توسعه» که
سال‌هاست
در کشور طرح و
تصویب می‌شود،
اما با توجه به
شرایطی که کشور
داشته و اقدامات
نابجایی مانند
سوبسیدهای
نامناسب، در
مسیر طبیعی قرار
نگرفته و همواره
موانعی بر سر راه
ایجاد شده است.

در باب مالیات و مسائل مبتلابه این حوزه، با آقای دکتر محمدحسین قربانی مشاور مالیاتی اتاق بازرگانی کرمان گفت‌وگو کرده‌ایم. او ضمن برشمردن ضعف‌های هفت‌گانه نظام مالیاتی کشور، عدم مدیریت مسئله فرار مالیاتی را یکی از مهم‌ترین ضعف‌های ساختاری در نظام مالیات می‌داند. وی می‌گوید بیش از ۶۰ هزار میلیارد تومان فرار مالیاتی در کشور وجود دارد. در استان کرمان نیز بیش از ۵۰۰ پرونده فرار مالیاتی در دست است. آقای دکتر قربانی معتقد است که الگوی حکمرانی در نظام مالیاتی کشور دچار ضعف جدی است، درحالی‌که یکی از ملزومات مهم اصلاح عملکرد نظام اقتصادی کشور، اصلاح نظام مالیاتی است. او یادآوری می‌کند که در شرایط تداوم شیوع ویروس کرونا و رکود در تولید و تجارت، فعالان اقتصادی که قرار است مالیات بدهند در شرایط دشواری قرار دارند و تحقق درآمد ۱۹۸ هزار میلیارد تومانی که ۴۱ درصد درآمدهای بودجه را شامل می‌شود به‌سادگی نخواهد بود. برای تحقق درآمدهای مالیاتی باید به سراغ فراریان و معافیت‌های مالیاتی رفت تا فشار بیشتری به فعالان اقتصادی، کارگران و کارمندان وارد نشود. آقای دکتر قربانی می‌گوید نیمی از اقتصاد ایران مالیات نمی‌دهد و به همین دلیل نسبت درآمدهای مالیاتی دولت در ایران بسیار کمتر از کشورهای دیگر است. متوسط نرخ مالیات در ایران حدوداً ۴۴ درصد است که از نرخ‌های بالا در دنیا محسوب می‌شود، البته ۴۱ درصد تولید ناخالص داخلی کشور از پرداخت مالیات معاف است. مشروح این گفت‌وگو در زیر قابل مطالعه است.



گفت‌وگو با دکتر «محمدحسین قربانی» مشاور مالیاتی اتاق بازرگانی کرمان

عدالت مالیاتی؛ اصلاح ساختاری قانون مالیات‌ها و هدفمند شدن معافیت‌ها

◆ مهم‌ترین موانع نهادی و ساختاری در نظام مالیاتی کشور

چه هستند؟

یکی از مهم‌ترین ضعف‌های ساختاری نظام مالیاتی ایران، عدم توجه و مدیریت مسئله فرار مالیاتی است. علاوه بر این ضعف‌های ساختاری نظام مالیاتی را می‌توان به هفت گروه زیر تقسیم نمود:

- توهم مالیاتی،
- معافیت‌های مالیاتی،
- اندازه دولت،

- ساختار مالیات‌ستانی،

- هزینه‌های بالای وصول مالیات،

- عدم نظارت دقیق،

- عدم شفافیت و نبود بانک اطلاعات جامع.

◆ اصلاحات در نظام مالیاتی کشور درگیر چه موانعی است؟

با توجه به اهم برنامه‌های موجود جهت توسعه نظام مالیاتی کشور از جمله: پیاده‌سازی و استقرار نظام مالیاتی هوشمند، قانون دائمی مالیات بر ارزش افزوده و مبارزه با

◆ ارزیابی شما از تأثیر سیاست‌های اقتصادی و مالیاتی بر عملکرد نظام مالیاتی کشور چیست؟

در رابطه با مسئله مطرح‌شده، به عنوان مثال می‌توان اثرات برخی از سناریوها از جمله کاهش حجم اقتصاد زیرزمینی، کاهش نرخ تورم و افزایش نرخ‌های مالیاتی را بر عملکرد نظام مالیاتی مورد بررسی قرار داد که در صورت اجرای هر کدام از موارد فوق به تنهایی موضوع تلاش مالیاتی با درآمد مالیاتی چندان تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد، اما با اعمال تمام موارد فوق و موارد مشابه می‌توان میزان تلاش مالیاتی را حتی به ۱۰۰ درصد در سال‌های آینده رساند و این موضوع به این معنی است که با در نظر گرفتن موارد فوق می‌توان به وصول تمامی مالیات‌های موردنظر دولت امیدوار بود.

◆ به نظر شما نظرات و پیشنهادات بخش خصوصی در جهت اصلاح نظام مالیاتی تا چه اندازه دقیق، کارشناسی و کارساز است؟ چرا به این دسته پیشنهادات توجه کافی نمی‌شود؟

پیشنهادات مطرح‌شده از سوی تشکل‌های بخش خصوصی از جمله اتاق بازرگانی کاملاً کارشناسی بوده و با صرف زمان زیاد و استفاده از کارشناسان مجرب واصل می‌گردد، لیکن عمدتاً از سوی دولت موردتوجه قرار نمی‌گیرد که شاید یکی از دلایل، نادیده گرفتن بخش خصوصی بوده و این که دولت بخش خصوصی را مقابل خود می‌بیند نه در کنار خود.

◆ مطالعات نشان می‌دهد که از طرفی سیستم مالیاتی مناسب به حکمرانی خوب بستگی دارد و از طرف دیگر نظام مناسب مالیاتی موجب ترویج حکمرانی خوب می‌شود. واقعاً چه موانع و مشکلاتی مانع از تحقق این ارتباط و تأثیرگذاری متقابل به شکل مناسب شده است؟

الگوی حکمرانی در نظام مالیاتی کشور دچار ضعف جدی است. یکی از ملزومات اصلاح عملکرد نظام اقتصادی کشور اصلاح نظام مالیاتی است که لازمه این امر، اصلاح حکمرانی مالیاتی است؛ به طور مثال، مالیات بر عایدی سرمایه قبل از برقرار کردن مالیات بر مجموع درآمد آثار مثبت خود را از دست خواهد داد. مالیات بر عملکرد باید بر درآمد خالص شرکت‌ها و مالیات بر ارزش افزوده بر مصرف‌کننده تمرکز داشته باشد تا بهترین نتیجه حاصل شود. مورد دیگری که در اینجا می‌توان به آن اشاره کرد تعارض منافی است که در هیئت‌های حل اختلاف مالیاتی وجود دارد که دستگاه مالیات‌ستان در دعاوی مالیاتی، خود رسیدگی‌کننده می‌باشد که بالطبع نتایج مطلوبی به دنبال نخواهد داشت. اصلاح این‌گونه موارد قطعاً موجب بهبود سیستم مالیاتی می‌گردد.



فرار مالیاتی با تمرکز بر تراکنش‌های بانکی، چالش‌های زیر نیز وجود دارد که بعضاً نیازمند همکاری و تعاملات فرا دستگاهی است:

- گسترده بودن معافیت‌ها و مشوق‌های مالیاتی،
- سنتی بودن فرایند مالیات‌ستانی،
- بالا بودن هزینه‌های وصول و تمکین مالیات به جهت فقدان نظام حسابرسی مبتنی بر ریسک،
- بالا بودن حجم پرونده‌های مالیاتی،
- توسعه‌نیافتگی فرهنگ مالیاتی در کشور.

◆ دولت چگونه می‌تواند به تمایل مردم برای مشارکت مستمر و نهادینه اجتماعی کمک کند؟

اگر پرداخت مالیات باعث زندگی بهتر و رفاه بیشتر مردم گردد، تمایل مردم برای پرداخت مالیات و مشارکت بیشتر بالا خواهد رفت؛ ضمن این که برخوردهای آمرانه و نامناسب مأموران مالیاتی نیز در این زمینه مؤثر بوده و این‌گونه رفتارها موجب کاهش مشارکت مردم می‌گردد.

◆ فرار مالیاتی در استان کرمان چه میزان است؟ این شاخص در کشور چقدر است؟ چرا در این زمینه تصمیم و اقدام قاطع صورت نمی‌گیرد تا مسئله فرار مالیاتی برای یکبار حل شود؟

با توجه به اینکه ۷۵ درصد فعالان اقتصادی کرمان دغدغه‌ی مالیاتی و بانکی دارند، تقریباً بیش از ۵۰۰ پرونده فرار مالیاتی در استان وجود دارد، اما با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، فرار مالیاتی در کشور بیش از ۶۰ هزار میلیارد تومان است. اقداماتی در خصوص برخورد با فرار مالیاتی انجام‌شده است، اما کافی نبوده و به نظر پیش‌بینی مجازات‌های سنگین در این خصوص و برخورد بدون اغماض و تبعیض، برخی از مشکلات را حل خواهد کرد.

- ▼ اگر پرداخت مالیات باعث زندگی بهتر و رفاه بیشتر مردم گردد، تمایل مردم برای پرداخت مالیات و مشارکت بیشتر بالا خواهد رفت؛ ضمن این که برخوردهای آمرانه و نامناسب مأموران مالیاتی نیز در این زمینه مؤثر بوده و این‌گونه رفتارها موجب کاهش مشارکت مردم می‌گردد.

◆ در سال ۱۳۹۹ اتکای بودجه دولت به درآمد مالیاتی است. حالا این مسئله مطرح است که در اقتصادی که در رکود است در حالی که فعالیت‌های اقتصادی مولد کاهش پیدا کرده و بیکاری تشدید شده است تا چه اندازه می‌توان به درآمدهای مالیاتی حاصله اطمینان داشت و بر روی آن حساب باز کرد؟ ضمناً اگر ممکن است در این مورد چگونگی وضع موجود در استان کرمان را تشریح فرمایید.

با توجه به سهم عمده مالیات در منابع درآمدی بودجه و تداوم شیوع ویروس کرونا، لازم است اقداماتی در راستای تحقق حداکثری درآمدهای مالیاتی در سال ۱۳۹۹ بعمل آید. فعالان اقتصادی که قرار است مالیات بدهند در شرایط دشواری قرار دارند. رکود در تولید و تجارت شرایط را برای افزایش فشار مالیاتی به فعالان اقتصادی دشوار ساخته است به همین دلیل تحقق درآمد ۱۹۸ هزار میلیارد تومانی که ۴۱ درصد درآمدهای بودجه را شامل می‌شود به سادگی نخواهد بود. برای تحقق درآمدهای مالیاتی باید به سراغ فراریان و معافیت مالیاتی رفت تا فشار بیشتری به فعالان اقتصادی، کارگران و کارمندان وارد نشود. این وضعیت برای کل کشور وجود دارد و قاعدتاً استان کرمان نیز از این قاعده مستثنی نخواهد بود.

◆ معافیت‌های مالیاتی را چه اندازه دارای منطق اقتصادی می‌دانید؟

نیمی از اقتصاد ایران مالیات نمی‌دهند؛ به همین دلیل نسبت درآمدهای مالیاتی دولت در ایران بسیار کمتر از کشورهای دیگر است. این که درآمدهای مالیاتی دولت کم است، الزاماً به این معنا نیست که نرخ مالیات در ایران پایین است. متوسط نرخ مالیات در ایران حدوداً ۴۴ درصد است که از نرخ‌های بالا در دنیا محسوب می‌شود. یکی از مشکلات نظام مالیاتی ایران، معافیت‌های گسترده است. گزارش دفتر تحقیقات و مطالعات سازمان امور مالیاتی نشان می‌دهد ۴۱ درصد تولید ناخالص داخلی کشور از پرداخت مالیات معاف است. معافیت‌ها در ایران را می‌توان به ۴ دسته تقسیم کرد:

- معافیت‌هایی که برای حمایت از برخی فعالیت‌های اقتصادی وضع شده و منطق توسعه‌ای دارد، مثل معافیت بخش کشاورزی،
- معافیت‌ها با هدف تشویق سرمایه‌گذاری در مناطق جغرافیایی خاص که هدف آن‌ها تمرکززدایی و توزیع عادلانه ثروت است؛ مثل معافیت واحدهای تولیدی معدنی مناطق محروم،
- معافیت حقوق کارگران و کارکنان که برای حمایت از طبقات آسیب‌پذیر اعمال می‌شود.

- معافیت‌هایی که بر برخی نهادهای خاص اختصاص دارد که در بسیاری موارد منطق اقتصادی آن‌ها روشن نیست یا منطقی که در زمان وضع معافیت وجود داشته دیگر اعتبار ندارد مثل برخی نهادها که زمانی برای امور خیریه و حمایت از اقشار محروم ایجاد شده‌اند، اما هم‌اکنون وارد فعالیت اقتصادی گسترده شده‌اند و کماکان معاف هستند.

◆ به نظر شما در نظام مالیاتی موجود که شدیداً بیمار است، بخش خصوصی و سیستم حکومتی هر کدام چه سهمی در این بیماری‌زایی دارند؟

هر دو در این معضل سهیم هستند. همان‌طور که پیشتر گفته شد، وجود معافیت‌های کلی، ضعف در ضمانت‌های اجرایی، ضعف در زیرساخت‌های مالیاتی، عدم وجود پایگاه جامع اطلاعات مؤدیان و عدم ارتباط اطلاعاتی و آماری میان تشکیلات اجرایی از جمله ضعف‌های دولت در فرایند مالیات‌ستانی است. از سوی دیگر وضعیت نامطلوب تمکین مالیاتی و فرارهای مالیاتی سهم بخش خصوصی از بیماری نظام مالیاتی می‌باشد.

◆ چنانچه توضیحات تکمیلی و پیشنهادهایی دارید؟ بفرمایید.

مسئله مهمی که باید به آن پرداخته شود، دادرسی مالیاتی است. با توجه به وصول بخش عمده‌ای از درآمدهای مالیاتی از طریق هیئت‌های حل اختلاف مالیاتی و نارضایتی کلی در بین مؤدیان مالیاتی از این بابت وجود دارد، این قسمت نیازمند توجه ویژه است. از جمله مشکلات هیئت‌ها، تشکیل جلسات بدون حضور کلیه اعضا و صدور اجرای قرارهای متعدد می‌باشد. مورد اول خلاف مفاد آیین دادرسی بوده و اجرای قرار نیز چون توسط مأموران سازمان انجام می‌شود و عمدتاً نظرات مأموران قبلی مورد تأیید مجدد قرار می‌گیرد، فاقد نتیجه مطلوب است. به همین دلیل استفاده از ظرفیت جامعه حسابداران رسمی، جامعه مشاورین مالیاتی و کانون کارشناسان رسمی دادگستری جهت اجرای قرارهای رسیدگی بایستی مورد توجه قرار گیرد که از بروز تعارض منافع جلوگیری شود.

در پایان امید است ضمن ریشه‌کن شدن ویروس منحوس کرونا و رونق اقتصادی، با اصلاح موارد ساختاری قانون مالیات‌ها و هدفمند شدن معافیت‌ها، شاهد عدالت مالیاتی در همه سطوح و پرداخت مالیات از سوی مؤدیان با رضایت‌مندی کامل و تحقق کامل درآمدهای پیش‌بینی شده در بودجه‌های سالانه و در نهایت رشد و اعتلای کشور عزیزمان باشیم. ◆◆

مسئله مهمی
که باید به آن
پرداخته شود،
دادرسی مالیاتی
است. با توجه
به وصول
بخش عمده‌ای
از درآمدهای
مالیاتی از طریق
هیئت‌های حل
اختلاف مالیاتی
و نارضایتی کلی
در بین مؤدیان
مالیاتی از این
بابت وجود دارد،
این قسمت
نیازمند توجه
ویژه است. از
جمله مشکلات
هیئت‌ها، تشکیل
جلسات بدون
حضور کلیه اعضا
و صدور اجرای
قرارهای متعدد
می‌باشد.



کمای بخش خصوصی

شاخص چه در سطح بین‌المللی و مقایسه با دیگر کشورها و چه در سطح ملی برای استان کرمان در مقایسه با سایر استان‌ها شرایط مساعدی ندارد و بیشتر دوره‌ها وضعیت استان کرمان از میانگین کشور نامساعدتر بوده است، تا این‌که در بهار ۹۹، استان کرمان در جایگاه سه استان آخر از نظر محیط کسب و کار کشور قرار گرفت؛ به‌طوری‌که استان ما تنه به تنه استان تهران در جایگاه ۲۹ کشور قرار دارد. از طرفی فعالان اقتصادی از عملکرد دستگاه‌های اجرایی در فضای کسب و کار راضی نیستند؛ غیرقابل‌پیش‌بینی بودن قیمت‌ها، برداشت سلیقه‌ای کارشناسان از قوانین و مقررات، مالیات‌های غیرمنصفانه و قوانین دست و پاگیر، سرمایه‌گذاران را به زانو درآورده است. علت این افول بسیار چشمگیر را می‌توان در سه عامل دید: یک) شیوع ویروس کرونا، دو) غیرقابل‌پیش‌بینی بودن قیمت‌ها، سه) تصمیم‌گیری‌های خلق‌الساعه.

محمد امین عبدالله نژاد

کارشناس آمار مرکز مطالعات اتاق کرمان



کشتی آسیب‌دیده اقتصاد ایران در خطر غرق شدن است و مسئولان ما از عملکرد عالی دستگاه‌های خود می‌گویند. محیط کسب و کار به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های مورد رصد سرمایه‌گذاران برای راه‌اندازی یک کسب و کار در کشور و استان‌ها است. این شاخص به بررسی مجموعه عواملی می‌پردازد که از بیرون فعالیت‌های اقتصادی بر عملکرد آن تأثیر دارند و کاملاً خارج از کنترل مدیر بنگاه اقتصادی است. به بیان ساده‌تر می‌توان گفت شاخص محیط کسب و کار، روشی برای ارزیابی عملکرد دستگاه‌های اجرایی از نگاه فعالان اقتصادی است. وضعیت این

شیوع ویروس کرونا، اقتصاد جهان را با مشکلات جدی مواجه کرده؛ به طوری که اکثر کسب‌وکارهای کوچک را تعطیل نموده و تنها در طی مدت سه ماه اقتصاد جهان ۳ درصد کوچک‌تر شده است و پیش‌بینی می‌شود این مقدار به ۶ درصد نیز برسد. اقتصاد بخش خصوصی ایران نیز به شدت در حال افول است. کسب‌وکارها هر چه سعی کرده‌اند از مکافات تحریم، رکود، تورم و دلار ۱۵ هزارتومانی و... جان سالم به در برند، در این بحران، حس می‌کنند که در یک باتلاق در حال فرو رفتن هستند. نبود مشتری، کمبود مواد اولیه، بسته شدن مرزها، ترس و اضطراب نیروی کار از واگیری ویروس کرونا و ده‌ها دلیل دیگر، باعث شده است در این شرایط بحرانی سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی کاملاً گیج شده و در کما به سر برده و برای سرپا نگاه داشتن کسب‌وکار خود و تأمین نیروی کار از هیچ تلاشی دریغ نمایند.

هم‌زمان با بحران ویروس کرونا در فروردین‌ماه، جهش یک‌شبه قیمت ارز به ۲۵ هزار تومان نیز مزید بر علت شد؛ به طوری که در روزهایی که تمام بازارهای کشور در حالت نیمه تعطیل بودند، جهش یک‌شبه نرخ ارز، ارزش سرمایه در گردش بنگاه‌های اقتصادی را دقیقاً در زمانی که کسب‌وکارها بالاجبار تعطیل شده بودند، نصف کرد و بنگاه‌های اقتصادی را در منجلاب بحران مالی فرو برد. تازه این اول ماجرا است؛ تصمیم‌گیری‌های خلق‌الساعه مسئولان کشور و استان در اسفند و فروردین‌ماه، حکم تیر خلاص برای فعالان اقتصادی داشت. مرزها بسته شدند، مواد اولیه در بازار پیدا نمی‌شد، حمل‌ونقل کشور دچار بحران شد، کسب‌وکارها بالاجبار تعطیل شدند و دستور قرنطینه سراسری کشور صادر شد. همه این اتفاقات دست در دست همدیگر داد تا بخش خصوصی کشور به حالت کما برود. البته دولت با ارائه برنامه‌های حمایتی خود سعی نمود جلوی ورشکستگی بنگاه‌ها و بیکاری کارگران را حتی‌الامکان بگیرد، ولی نوش دارو بعد از مرگ سهراب چه فایده! آن‌هم نوش داروی چینی!

در راستای اجرای فصلی طرح پایش محیط کسب‌وکار، هر فصل با چندین کارآفرین و کارفرما در ارتباط هستیم، در طول مدت فعالیت خود، فصل بهاری شبیه بهار ۹۹ تجربه نکرده‌ام و استیصال، نگرانی و استرسی که در ذهن، روان و رفتار مدیران کسب‌وکارها می‌بینم، وصف‌ناشدنی است. به هر حال همه ما سوار کشتی اقتصاد ایران هستیم و کشتی‌مان سوراخ شده است. از سال‌ها قبل از چند جا سوراخ شده بود و نشستی داشت، اما تاکنون وصله و تعمیرش می‌کردیم و می‌گذشتیم؛ اما اکنون سوراخش

بزرگ‌تر و مهیب‌تر است و نگرانی ما بیشتر شده است. کشتی اقتصاد و جامعه ما اکنون، مثل کشتی تایتانیک شده، قبلاً با مشکلات و بحران‌های قبلی، آن‌ها که در طبقات پایین بودند و مشکلات مالی بیشتری داشتند و قشر آسیب‌پذیر بودند، بیشتر وضعیت را حس می‌کردند و درد می‌کشیدند، اما حالا آب به طبقات وسطی رسیده است، آن‌هایی که کسب‌وکارهای متوسط دارند، حس غرق شدن دارند و مشکل را لمس می‌کنند و گرفتارند! البته تصور می‌کنم آن‌ها که طبقات بالای کشتی هستند، بعضی‌هایشان هنوز چیز زیادی حس نکرده‌اند. آن‌ها می‌دانند که کشتی مشکل دارد و سوراخ شده، اما هنوز فاصله زیادی تا تهدید وضعیت خود می‌بینند.

با تمام توصیفات و شرح حالی که در بالا اشاره شد، لیکن معتقدم این کشتی، عاقبت تایتانیک را نخواهد داشت. این سوراخ کشتی هم بالاخره تعمیر خواهد شد، کشتی ایران، جامعه ایرانی و اقتصاد ایرانی، ترمیم خواهد شد و گرچه با شرایطی جدید و وضعیتی متفاوت، اما دوباره روی آب خواهد آمد و به سمت جلو حرکت خواهد کرد. جامعه، فرهنگ و اقتصاد در هر شکلی، خودش را بهینه می‌کند و از نو می‌سازد، گرچه ما ضربه‌های مهلکی دریافت کرده‌ایم، گرچه اقتصاد ما ظرف چند ماه آینده در بخش خصوصی، زبان‌های چند هزار میلیارد تومانی خواهد دید، گرچه سرمایه اجتماعی بیش‌ازپیش افول خواهد کرد، اما این بحران نیز به هر شکل می‌گذرد و کسب‌وکارها نیز باید بعد از آن با نوزایی و بازسازی به حیات خود ادامه دهند. در شرایط کنونی فضای کسب‌وکار کل کشور حال خوبی ندارد و این موضوع در استان کرمان بسیار نامساعدتر است. با توجه به تجربه اجرای ۵ سال طرح پایش محیط کسب‌وکار، می‌توان عمده مشکلات فضای کسب‌وکار استان را در آموزش نادرست کارشناسان و مأموران دولتی و سرمایه‌گذاران، عدم وجود دستگاه نظارتی قدرتمند و همچنین عدم توجه به رضایت ارباب‌رجوع دانست. چنانچه بتوان هدف اصلی بهبود محیط کسب‌وکار را این ۴ معضل اصلی قرار داد، می‌توان تا حد زیادی جایگاه محیط کسب‌وکار استان را از قعر جدول نجات داد و رضایت نسبی در ذهن فعالان اقتصادی از مساعد بودن محیط کسب‌وکار استان را ایجاد کرد.

در پایان امید است که هر چه زودتر با لطف خدا، کمک کارکنان خدمت‌په‌داشتی و درمانی و همچنین همیاری مردم و مسئولان، بحران‌های گریبان‌گیر فعالان اقتصادی کشور برطرف شود و بخش خصوصی با جانی تازه بتواند به ایفای نقش شایسته خود در اقتصاد کشور بپردازد. به امید آن روز. ♦♦

تصمیم‌گیری‌های

خلق‌الساعه

مسئولان کشور و

استان در اسفند و

فروردین‌ماه، حکم

تیر خلاص برای

فعالان اقتصادی

داشت. مرزها

بسته شدند،

مواد اولیه در بازار

پیدا نمی‌شد،

حمل‌ونقل کشور

دچار بحران

شد، کسب‌وکارها

بالاجبار تعطیل

شدند و دستور

قرنطینه سراسری

کشور صادر شد.

همه این اتفاقات

دست در دست

همدیگر داد تا

بخش خصوصی

کشور به حالت کما

برود. البته دولت

با ارائه برنامه‌های

حمایتی خود

سعی نمود جلوی

ورشکستگی بنگاه‌ها

و بیکاری کارگران

راحتی‌الامکان

بگیرد، ولی نوش

دارو بعد از مرگ

سهراب چه فایده!

راه حل های عملی برای عبور از موانع و چالش های اقتصادی

سیدحسین موسوی

مدیرعامل شرکت بازرگانی معراج سبز کویر



کشورمان به آرامش دست می یابد، پس باید بین المللی فکر کرد. باید چندین شعبه از بانک های دنیا در کشور ما شعبه داشته باشند تا توسعه اقتصادی چشمک بزند، الان ۱۸۰ هوپیمای ما بخاطر یک قطعه جزئی زمین گیر هستند. باید با دنیا حرف زد. همین اکنون ۱۶ کشور در جهان در حال ساخت نیروگاه هسته ای هستند که هیچ

عدم درک سیاست گذار از مفاهیم اقتصادی باعث شده است که در شرایط مختلف راهکار مناسب اتخاذ نگردد و همین ناکارآمدی عامل ماندگاری مشکلات اقتصادی در ایران عزیز است.

اقتصاد کشور در همه این دوران بزرگترین ضربه را از کیفیت پایین سیاست گذاری چشمیده است؛ به این معنی که سیاست گذار به جهت درک پایین از مفاهیم اقتصادی (همان عدم وجود شایسته سالاری در کشور) در شرایط سخت نتوانسته سیاست گذاری درستی داشته و اقتصاد را به چالش کشانده است.

اگر ساختارهای اقتصادی توسط مدیران کاردان به درستی اجرا گردد، می توان در شرایط سخت هم با اتخاذ تصمیمات دشوار از چالش عبور کرد.

در حقیقت می توان با تجهیز قوای کارشناسی در کشور، سیاستمداران را نسبت به عواقب تصمیمات آنها آگاه کرد و قبل از روبرو شدن با چالش ها از مشکلات عبور کنیم، ولی متأسفانه امروز منافع عده ای در حفظ وضع موجود است، به همین جهت از کارشناسان تقاضای تعیین اولویت نمی کنند، در نتیجه دولت ها در مقابل چالش ها فاقد نظریه بوده و به «ایدئولوژی» به جای نظریه کارشناسی عمل می کنند.

در بدنه سیستم تصمیم سازی و تصمیم گیری نه درک چندانی از محدودیت (زمان، منابع مادی و ...) و نه تصویر درستی از مسئولیت (قدرت خرید مردم - مشکلات تولید - عدم درک مسائل مهم و ...) وجود دارد.

متأسفانه افعال مسئولان و متصدیان کشور ما توسعه ای نبوده و نیست. فرمول های توسعه یافتگی قابلیت گوگل شدن دارند و نیاز به جلسه و امثالهم ندارند. اگر ما بتوانیم بین المللی بشویم آنگاه اقتصادمان به شکوفایی و



سروصدایی هم ندارند.

حکمرانی خیلی مهم است، اگر سیاست خارجی ما با ساختارهای اجتماعی در کشور هماهنگ بود خیلی کارها به انجام می‌رسید. تأسیس نیروگاه هسته‌ای با نابودی اسرائیل جور در نمی‌آیند.

استقلال یعنی از شعاری بودن به عملیاتی شدن برسیم، یعنی جراحی جدی در اندیشه‌های مردم. دستیابی به پیشرفت اقتصادی باید محور اصلی حکمرانی باشد و سیاست‌های داخلی و بین‌المللی برحول همین محور تدوین گردد. مسئولان باید دستیابی به اقتصاد آزاد و رقابتی و دانش‌بنیان را به‌عنوان چهارچوبی که پیش‌نیاز رشد اقتصادی است موردنظر قرار دهند.

شکل‌دهی به یک دیدگاه سازگار و علمی برای مدیریت اقتصاد کشور در چهارچوب روابط و مسائل، بین بخش خصوصی با حاکمیت و ایجاد انسجام در مواضع و مطالبات اعضای اتاق، از مهم‌ترین اهداف اقتصادی اتاق باید باشد.

متأسفانه در طول چهار سال اخیر مداوم در حال آزمون و خطا هستیم، از طرف دیگر سیاست‌گذاری‌ها عمده‌تاً کوتاه‌مدت است و همین امر موضوع مشکلات ساختاری و بلندمدت اقتصاد ایران را لاینحل باقی گذاشته است. غلبه نگاه دولت‌محور، تورم قوانین و مقررات، بوروکراسی پیچیده و دست و پاگیر، عقب‌افتادگی فرایندهای اداری، مداخلات گسترده دولت در همه‌جا، بی‌ثباتی و تغییرات مکرر آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌ها، عدم تعامل با دنیا و تعدد نهادهای تصمیم‌گیر و غیر پاسخگو در دولت است که انبوه مشکلات ساختاری بلندمدت و لاینحل ماندن آن‌ها را به بار آورده است.

موانع و منابع راه‌حل‌های مشکلات اقتصادی:

۱- فقدان نگاه جامع صادرات محور و نیز نبود متولی واحد، در بخش صادرات منشاء بروز مشکلات و از موانع بخش‌های صنعت، معدن و تجارت است، زیرا تصمیم‌گیری در زمینه صادرات بسیار زیاد است ولی چون متولی آن را نداریم پاسخگویی در برابر این تصمیمات وجود ندارد. برای حل این معضل باید جایگاه سازمان توسعه و تجارت که متولی صادرات کشور تلقی می‌شود باز تعریف شود.

۲- بی‌توجهی به تولید نوآورانه مانع توسعه اقتصادی در کشور می‌باشد. امروز جایگاه اول اقتصادی جهان در اختیار برندهایی است که تولید نوآورانه دارند، اما در ایران بی‌توجهی به این موضوع یکی از موانع توسعه

اقتصادی محسوب می‌شود. فعالان بخش اقتصادی باید برندسازی را جدی بگیرند.

۳- بی‌توجهی دولت‌ها به ظرفیت زنان، کشور را از مسیر توسعه باز می‌دارد. یکی از مهم‌ترین معیارهای ارزشمندی و شاخص‌های توسعه هر کشور توجه به فعالیت زنان در عرصه‌های مختلف است، اگر دولت‌ها به وظیفه خود در حوزه زنان و توانمندی آن‌ها اقدامی نکنند به‌نوعی اقتصاد کشور از توسعه باز می‌ماند. دستگاه‌های دولتی باید رفع مشکلات بخش خصوصی و تولید را در اولویت قرار دهند و با تلاش مضاعف در جهت رفع مشکلات تولیدکنندگان و بخش خصوصی گام بردارند و در این زمینه کارآفرینان و تولیدکنندگان باید بسیج شوند.

۴- بخش خصوصی نمی‌تواند با سازمان‌های حاکمیتی نظیر تأمین اجتماعی یا امور مالیاتی مقابله کند، چون اتاق نقش مشاور دارد این وظیفه وزارت صمت یا جهاد کشاورزی است که با سایر دستگاه‌های حاکمیت مذاکراتی به نفع توسعه بخش خصوصی داشته باشند. ۵- نهادینه‌سازی دولت الکترونیک پیش‌نیاز بهبود مؤلفه‌های کسب‌وکار و مهیا کردن شرایط ورود به این حوزه است. بهترین اقتصاد، اقتصاد دیجیتالی است که قابل نفوذ و فساد نیست.

۶- تعدد نهادهای تصمیم‌گیر و غیر پاسخگو در دولت از دیگر موانع تولید می‌باشد، روند تصمیم‌گیری‌های اقتصادی کشور باید اصلاح شود در خوش‌بینانه‌ترین حالت نحوه تفکر تصمیم‌گیران کوتاه‌مدت و سطحی است که باید برای اتخاذ هر نوع تصمیم اقتصادی این مهم را در نظر بگیریم که این تصمیم روی سایر مؤلفه‌های اقتصادی چه اثری دارد.

۷- اجماع، هم‌بستگی و انسجام ملی می‌تواند کشور را از این دوره سخت عبور دهد؛ بهترین راه‌حل آزادسازی ظرفیت‌های مردمی است. باید اعتماد، امید و مشارکت مردم را بهترین سرمایه کشور بدانیم و در این حوزه جوان‌گرایی کلید حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. اگر سرمایه اجتماعی تقویت شود اصلاحات اقتصادی بدون ترس پیش می‌رود، امروز بیکاری به یک ابر چالش برای جوانان تبدیل شده و رفع این معضل نیازمند مبارزات تومانی سرمایه‌گذاری و سازوکارهای مختلف است.

در حوزه نظام بانکی با معضلات متعددی مواجهیم و نظام بانکی امروز به سانتریفیوژی تبدیل شده که هر چهار سال یک‌بار نقدینگی موجود کشور را دو برابر می‌کند. در همه ساختارهای اقتصادی و ملی کشور نظیر

غلبه نگاه

دولت‌محور، تورم

قوانین و مقررات،

بوروکراسی

پیچیده و

دست و پاگیر،

عقب‌افتادگی

فرایندهای اداری،

مداخلات گسترده

دولت در همه‌جا،

بی‌ثباتی و تغییرات

مکرر آیین‌نامه‌ها

و بخش‌نامه‌ها،

عدم تعامل با دنیا

و تعدد نهادهای

تصمیم‌گیر و

غیر پاسخگو در

دولت است که

انبوه مشکلات

ساختاری

بلندمدت و

لاینحل ماندن

آن‌ها را به بار آورده

است.

صندوق‌های بازنشستگی، تأمین اجتماعی، قانون مالیات بر ارزش افزوده و الی ... ماشاءالله از این مشکلات دست و پاگیر وجود دارد.

متأسفانه در کشور ما قوانین در فضای بسته و محدود تصویب می‌شود و در اجرا همه آزاد هستند و جلسه بین دولت و اتاق یک جلسه نشست و برخاست بیشتر نیست. مشکلات مهم در تجارت خارجی نظیر تشدید رقابت، بی‌ثباتی محیط تجاری، بی‌اطلاعی بخش خصوصی از حقوق و تعهدات، چالش‌های اجرایی، عدم آشنایی با قواعد مبدأ و رقابت‌های ناسالم از مشکلات این بخش است.

صادرکنندگان مشوق نمی‌خواهند، حداقل کاری بکنیم تا هزینه‌های پیش‌بینی نشده به آن‌ها تحمیل نشود که جزء انضباط تجاری، حذف موانع غیرحرفه‌ای، بهبود فرصت‌های سرمایه‌گذاری و انتقال فن‌آوری، ممنوعیت موانع تولید، تسهیل تجاری و همکاری گمرکی، رعایت قواعد مبدأ و اجرای سیستم حل‌وفصل اختلافات راهی ندارد که البته تلاش مسئولان در ارائه پاسخ بسزا و شایسته به سؤالات و خواسته‌ها و پذیرش انتقادهای احتمالی آنان را از جمله مسئولیت‌های اجتماعی و حرفه‌ای خود بدانید.

باید دنبال توسعه «دولت‌ساخت» نباشیم. هیچ‌کس بالاتر از قانون و مردم نبوده و نیست. اگر این تدابیر اتخاذ نشود و اعتدال و جاذبه ایجاد نگردد مطمئناً کشور تخریب می‌شود. اگر قرار است به سمت توسعه حرکت کنیم، نیازمند: عقلانیت، تدبیر، مدیریت، شفافیت و شایسته‌سالاری به همراه خدمت مخلصانه به مردم هستیم. وگرنه همین آتش است و همین کاسه.

به نقل دوستان در اتاق تهران «چقدر به روسیه رشوه بدهیم تا با آمریکا ارتباط نداشته باشیم»، ما قرار نیست به دیگران اعتماد داشته باشیم، ما باید با استفاده از آن‌ها به رشد اقتصادی خوب برسیم. امروز یک بله یا نه گفتن به یک موضوع و یا یک تصمیم ناپخته روی زندگی ۸۲ میلیون انسان تأثیر می‌گذارد. پس از خدا حیاء کنیم و عید خدا شویم تا همه‌چیز عید ما شود. بیم از توطئه که فکر کنیم آمریکا صبح تا شب برای ما تصمیم می‌گیرد، درست نیست. بیماری ساده‌اندیشی هم در داخل کشور نقطه مقابل همان پندار است که اگر رابطه برقرار کنیم همه‌چیز درست می‌شود، بین این نقطه سیاه و سفید ما باید یک‌راه منطقی پیدا کنیم که حاصل آن توانایی ملی، اجماع ملی و یک فهم مشترک از منافع مشترک است. این تفکر که دشمن را یکپارچه

می‌بیند تفکر برانداز است که هرگز درست نیست؛ نمونه‌های تاریخی آن؛ احمد قوام در زمان استالین که آذربایجان را پس گرفت و مرحوم مصدق در دادگاه لاهه نشست تا نفت را آزاد کرد ولی قائم‌مقام فراهانی هم در زمان فتحعلی شاه کشور را با جنگ پاره‌پاره کرد و ترکمانچای را از ایران جدا کرد. باید همه بدانیم مذاکره نه خوب است نه بد بلکه یک روش است.

چنانچه قبلاً اشاره کردم مهم‌ترین حرکت اتاق باید کمک در جهت چرخش نگاه دولت به بخش خصوصی از یک زاپاس در زمان‌های سخت تا رسیدن نگاه دولت به بخش خصوصی به‌عنوان یک موتور محرک اقتصادی باشد. بخش خصوصی یک‌پایه توسعه است که می‌تواند تمام توفیقات دولت را رقم بزند.

مقررات زدایی، کوچک کردن دولت، واگذاری آن به بخش خصوصی و نهادهای مدنی و نیز توسعه دولت الکترونیک مهم‌ترین پیشنهاد برای بهبود محیط کسب‌وکار است. یکی از مهم‌ترین انتظارات بخش خصوصی در سیاست کلان این است که دولت با پیگیری انضباط در سیاست‌های پولی و مالی، تورم را در سطح کلان کنترل کند.

بخش خدمات در ایران ظرفیت و رشد بالایی دارد که می‌تواند زمینه‌ساز تقویت رشد اقتصادی شود، اما توسعه این بخش نیازمند ایجاد مهارت است، چون بخش خدمات در مقایسه با بخش‌های صنعت و کشاورزی نامناسب‌تر ارزیابی شده است.

ثبات در روابط بین‌الملل، برون‌گرایی و ایجاد روابط بلندمدت و باثبات تجاری، اصلاح نظام بودجه‌ریزی به‌عنوان پیش‌شرط کنترل تورم از دیگر انتظارات بخش خصوصی از دولت است.

کسب‌وکارهای نوین و دانش‌بنیان راهی به‌سوی رشد پایدار در اقتصاد است. پیشرفت تکنولوژیکی تنها عامل رشد اقتصادی پایدار و بلندمدت است.

اگرچه رتبه کارآفرینی ایران در سال ۲۰۱۸ در میان ۱۳۷ کشور با ارتقای ۱۳ پله‌ای به جایگاه ۷۲ رسیده است اما هنوز باید زیر شاخص‌های آن بیشتر مورد کار و بررسی قرار گرفته تا موانع باقیمانده در مسیر کارآفرینی دانش‌بنیان برطرف شود.

جای تأسف بزرگ در کشور ما این است که نظرات بخش خصوصی از سوی وزارت صمت اخذ می‌شود، اما در تصمیم‌گیری‌ها اعمال نمی‌شود.

بخش خصوصی نباید از پیگیری حل مشکلات اقتصادی خسته شود، راهکار برطرف شدن مشکلات اقتصادی

باید دنبال توسعه

«دولت‌ساخت»

نباشیم. هیچ‌کس

بالاتر از قانون

و مردم نبوده و

نیست. اگر این

تدابیر اتخاذ

نشود و اعتدال

و جاذبه ایجاد

نگردد مطمئناً

کشور تخریب

می‌شود. اگر قرار

است به سمت

توسعه حرکت

کنیم، نیازمند:

عقلانیت،

تدبیر، مدیریت،

شفافیت و

شایسته‌سالاری

به همراه خدمت

مخلصانه به

مردم هستیم.

وگرنه همین آتش

است و همین

کاسه.

امروز کشور به دست مدیران آگاه، دلسوز، جسور و پاک دست امکان‌پذیر است تا با پیگیری و مقاومت بر موانع فائق آیند.

مماشات و لابیگری باید جایشان را به خردورزی و شجاعت داده و کسانی که خوب فعل خواستن را صرف می‌کنند وارد میدان شوند.

افزایش سرعت در بازگشت ارز حاصل از صادرات باید در دستور کار قرار گیرد. تنوع‌بخشی به صادرات می‌تواند از دیگر عوامل رشد صادرات و رشد اقتصادی باشد. رفع تبعیض در برخورد با مسائل شرکت‌های شبه‌دولتی و خصوصی، پیش‌نیاز رسیدن به انسجام و عبور از موانع است.

بدون مبادله جهانی نمی‌توان از توسعه اقتصادی حرف زد، مداخله حاکمیت و اعمال نظام کنترلی در اقتصاد نتایج مطلوب در پی نخواهد داشت. این‌که برخی فکر می‌کنند می‌توان اقتصاد را بدون تجارت اداره کرد، تفکر اساساً بی‌بنیانی است. کسانی که از حذف تجارت و مبادله جهانی حرف می‌زنند، تاریخ ایران را نمی‌دانند و دانش اولیه نسبت به توسعه و چگونگی آن ندارند. وقتی یک عده می‌خواهند اقتصاد کشور را کنترل کنند و در همه‌چیز دخالت نمایند قاعداً از فرصت‌هایی که در سیستم کنترل به وجود می‌آید همه سوءاستفاده می‌کنند.

باید قاعده بازار و بخش خصوصی را پذیرفت و این‌که چون دولت قاعده‌گذار است، نباید در اقتصاد مداخله کند. کدام بخش خصوصی می‌تواند با نهادهای عمومی غیردولتی که تمام ریسک سرمایه‌گذاری و ریسک فعالیت اقتصادی خود را کلاً به حوزه عمومی منتقل می‌کند و هیچ قاعده‌ای را نمی‌پذیرد، رقابت کند؟ وقتی دولت در همه‌چیز دخالت می‌کند و برای هر کالایی از شیر مرغ تا جان آدمیزاد قیمت‌گذاری می‌کند زمینه برای فساد گسترده باز می‌شود. وقتی ارتباط با سیستم با مبادله جهانی را قطع می‌کنند، ارتباط ایران را با FATF قطع می‌کنید نتیجه چی می‌شود؟ نمی‌گویید ما ارتباط نظام مالی ایران را با سیستم مبادله جهانی قطع کردیم بلکه می‌گویید چرا فلان فرد فساد کرده، کارت فلاپی درست شده است.

در بحث مالیات، جاری شدن عدالت مالیاتی و انتخاب روشی از مالیات ستانی که حامی فعالیت‌های مولد در کشور باشد باید به ظهور برسد. مهم‌ترین خواسته بخش خصوصی در مالیات ستانی، عدالت و حمایت از فعالیت‌های مولد است، باید گفت توسعه پایدار و

عدالت مالیاتی قابل تحقق است. دولت بخشی از درآمد و کسری بودجه خود را از طریق مالیات و گمرک تأمین می‌کند، اما هنوز قواعد و قوانین منسجم و مشخصی درباره مالیات ستانی وجود ندارد و هنوز سازوکاری برای جلوگیری از فرار مالیاتی ارائه نشده است. مالیات ستانی نباید به فعالان شناسنامه‌دار محدود شود، آنچه دیده می‌شود این است که روبه‌های متعدد مالیاتی نشان از بی‌برنامگی و عدم وجود قوانین خوب است. باید دانست فعالان بخش خصوصی میدان‌داران اصلی عرصه اقتصاد هستند و آن‌ها هستند که پرچم اقتصادی ایران را برافراشته نگه داشته‌اند. مطمئناً بسته توسعه صادرات غیرنفتی، تبلیغاتی است. مبنای برنامه‌ریزی در این بسته حمایتی بانک محور بوده و حتماً عملیاتی نخواهد شد و توسعه صادرات بدون رفع محدودیت‌ها در حد شعار باقی می‌ماند، ساختار بنگاه‌های اقتصادی نیازمند اصلاح می‌باشد. عدم توجه به نیروی انسانی فعال، دانش و آموزش‌های جدید از موانع امروز جامعه اقتصادی ماست، متأسفانه مقررات خلق الساعه، تولید و صادرات را قربانی خود می‌کند و تنبیه صادرکنندگان جای مشوق‌های صادراتی را گرفته است.

سازمان تأمین اجتماعی به دلیل سیطره دولتی از وظایف اساسنامه‌ای خود خارج شده و عملاً به‌عنوان یکی از موانع رشد کسب‌وکار در کشور محسوب می‌شود. دولت مکلف است حق بیمه سهم خود را به‌طور یکجا در بودجه سالانه کل کشور منظور و به سازمان پرداخت کند ولی متأسفانه دولت بعد از انقلاب اساساً هیچ‌گاه تعهدات مالی خود را به سازمان تأمین اجتماعی در موعد مقرر پرداخت نکرده و هم‌اکنون حدود دویست میلیارد تومان به سازمان تأمین اجتماعی بدهکار است درحالی‌که کارفرمایان حداکثر بدهی یک تا شش‌ماهه را بدهکار هستند که بسیار هم ناچیز است و این عملکرد دولت که سبب ورشکستگی صندوق تأمین اجتماعی است را می‌توان به‌عنوان سونامی اقتصادی کشور مطرح کرد. حقوق کارفرمایان در سازمان تأمین اجتماعی نه‌تنها نادیده گرفته شده، بلکه پایمال شده است و نیاز به اصلاح قوانین و مقررات در جهت انطباق با قوانین و مقررات ملی و استانداردها و مقاله‌نامه‌های بین‌المللی دارد.

در خاتمه باید گفت چرا عده‌ای نمی‌خواهند مشکلات حل شود و چرا نمی‌خواهند غم سختی و تنگدستی را از چهره مردم پاک کنند، چرا دنبال این هستیم که دور ایران دیوار کشیده شود چرا باید حساب‌ها بسته شود و چرا... ♦♦



بدون مبادله جهانی نمی‌توان از توسعه اقتصادی حرف زد، مداخله حاکمیت و اعمال نظام کنترلی در اقتصاد نتایج مطلوب در پی نخواهد داشت. این‌که برخی فکر می‌کنند می‌توان اقتصاد را بدون تجارت اداره کرد، تفکر اساساً بی‌بنیانی است. کسانی که از حذف تجارت و مبادله جهانی حرف می‌زنند، تاریخ ایران را نمی‌دانند و دانش اولیه نسبت به توسعه و چگونگی آن ندارند. وقتی یک عده می‌خواهند اقتصاد کشور را کنترل کنند و در همه‌چیز دخالت نمایند قاعداً از فرصت‌هایی که در سیستم کنترل به وجود می‌آید همه سوءاستفاده می‌کنند.



در باب جایگاه مشاوره در فرایند توسعه سرمایه‌گذاری

در جست‌وجوی فانوس

♦ بتول علیزاده

کارشناس مرکز مطالعات و پژوهش‌های اقتصادی
اتاق کرمان



اساساً توسعه سرمایه‌گذاری به دو صورت اتفاق می‌افتد: اول، ایجاد و جذب سرمایه‌گذاری‌های جدید و دوم، حفظ و تقویت سرمایه‌گذاری‌های موجود. قطعاً وجود رکن مشاوره و راهنمایی سرمایه‌گذاران در هر دوی این مباحث، بسیار مهم و تأثیرگذار می‌باشد. به عبارت بهتر در هر دو حوزه موانع و مشکلاتی وجود دارد که وجود یک مشاور خبره و باتجربه، عبور از این مسیر را تسهیل می‌نماید. بروکراسی‌های اداری و تورم قوانین، دستورالعمل‌ها و بخش‌نامه‌های متعدد و گاهی متداخل بالاخص در شروع یک کسب‌وکار، منجر به زمان‌بر شدن و پیچیدگی فرایندهای اجرایی، عدم شفافیت و ایجاد فساد و تبعیض شده است و جذابیت را برای سرمایه‌گذاری‌های جدید به شدت کاهش داده است. از طرف دیگر پس از شروع فعالیت بنگاه نیز علاوه بر ضعف‌ها و مشکلات درونی بنگاه ناشی از عوامل مدیریتی، عملکرد مالی، اقتصادی و بازاریابی، مهارت نیروی انسانی و وضعیت تکنولوژی، همچنین مشکلات فضای کسب‌وکار از جمله وجود ابهامات قانونی، برخوردهای سلیقه‌ای کارشناسان،

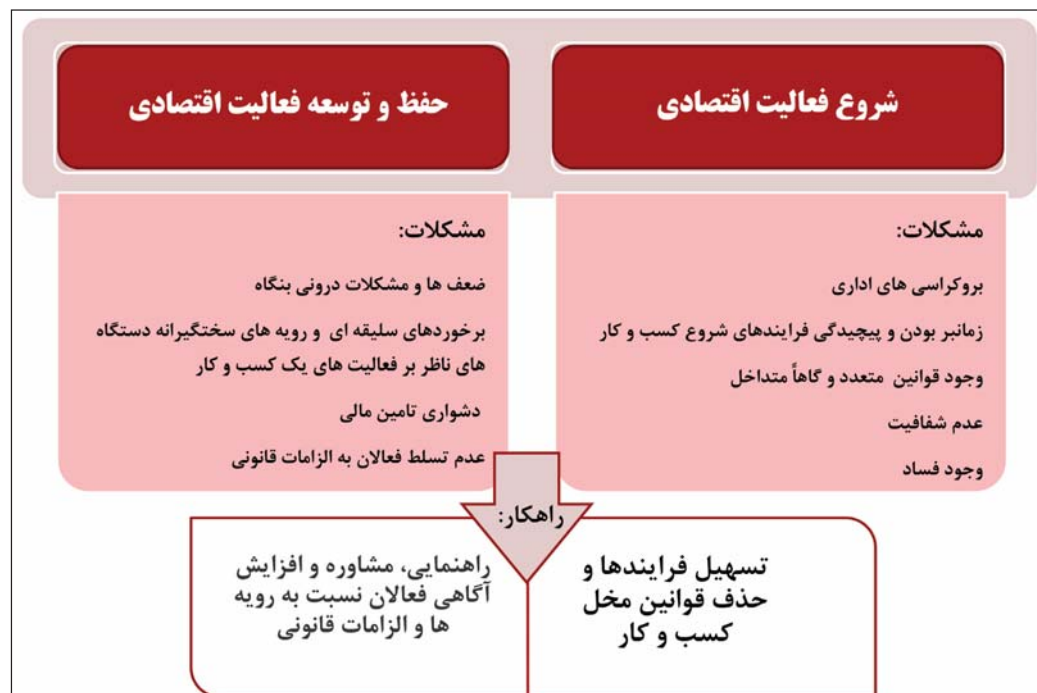
اگرچه وجود یک نهاد راهنمایی و مشاوره در حوزه سرمایه‌گذاری از ضرورت‌های انکارناپذیر توسعه اقتصادی کشورها است؛ متأسفانه این موضوع در ایران و به‌طور خاص در استان کرمان آن‌چنان‌که باید و به‌صورت ساختارمند مورد توجه قرار نگرفته است. عدم تعادلی که در شرایط اقتصادی این روزها تشدید شده و محدودیت‌های موجود به‌خصوص در حوزه تأمین مالی این نیاز را صدچندان کرده و آن را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شروط بقا و پیشرفت بنگاه‌های اقتصادی و به‌طورکلی توسعه کارآفرینی تبدیل کرده است. مضافاً این‌که تحقق «جهش تولید» از مسیری جز تقویت بخش‌های مولد اقتصاد و ارتقای فعالیت‌های خصوصی، امری نشدنی به نظر می‌رسد.



مسائل و مشکلات فعالان اقتصادی، اجرای پایش منظم فصلی فضای کسب‌وکار استان، تدوین مدل مفهومی تسهیل فرایند سرمایه‌گذاری در استان، پیگیری استقرار پنجره واحد الکترونیکی سرمایه‌گذاری و راه‌اندازی بانک آمار و اطلاعات موردنیاز فعالان اقتصادی نمونه‌ای از مصادیق توجه به این مهم بوده است. براساس نتایج به دست آمده یکی از همین اقدامات تحت عنوان پروژه مطالعاتی «تدوین مدل مفهومی تسهیل فرایند سرمایه‌گذاری» ضرورت وجود یک ساختار سیستماتیک تحت عنوان «مرکز فکر و مشاوره سرمایه‌گذاری» مشخص شد تا از این طریق بخش خصوصی و دولتی در کنار هم بتوانند کارایی و هم‌افزایی لازم برای تقویت بخش مولد اقتصادی را تأمین نمایند. براساس این مدل پیشنهادی مرکز فکر و مشاوره سرمایه‌گذاری از سه رکن اصلی تشکیل شده است: رکن اول، هدایت سرمایه‌گذاری یا شورای تصمیم‌سازی سرمایه‌گذاری، رکن دوم، پشتیبانی آمار و اطلاعات سرمایه‌گذاری و رکن سوم، مشاوره‌های تخصصی. رکن هدایت سرمایه‌گذاری می‌بایست از طریق تحلیل و بررسی مسیر سرمایه‌گذاری استان، تحلیل وضعیت ساختارها و زیرساخت‌های موجود و موردنیاز و شناخت پتانسیل‌ها و فرصت‌های سرمایه‌گذاری، نهایتاً در جهت‌دهی تصمیم‌گیری‌ها و ارائه توصیه‌های سیاستی به ارکان مختلف حاکمیتی ایفای نقش نماید. از آنجایی‌که مبنای تمام تصمیم‌گیری‌های درست، آمار و اطلاعات صحیح، به روز، شفاف و قابل‌دسترس است وجود مرکزی برای

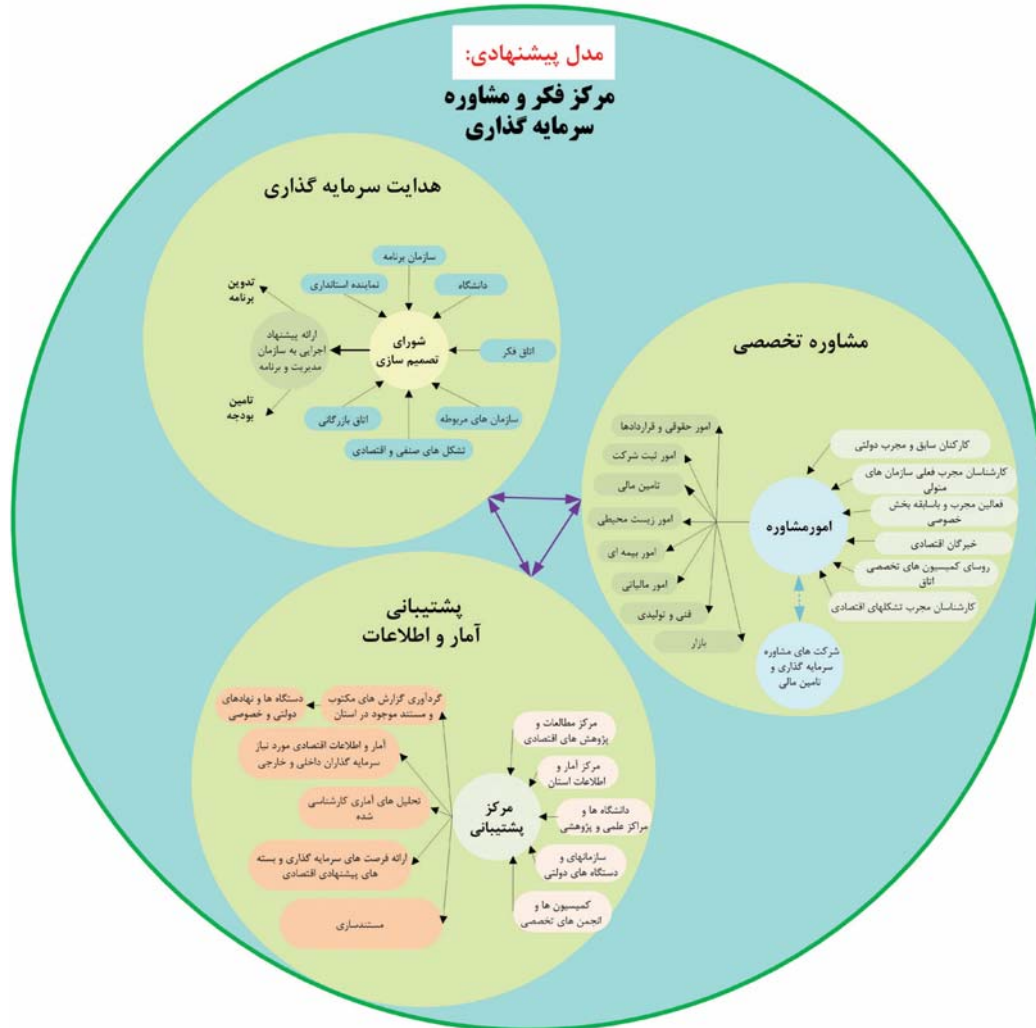
رویه‌های سخت‌گیرانه دستگاه‌های ناظر بر فعالیت‌های یک کسب‌وکار؛ به‌عنوان مثال بیمه و مالیات و دشواری تأمین مالی، حفظ و توسعه فعالیت‌های اقتصادی را با سختی‌های بسیار مواجه کرده است. البته شناسایی قوانین مخل، بازنگری و اصلاح فرایندها و تقویت زیرساخت‌های الکترونیکی در تعاملات بین سازمانی به جای خود اهمیت و ضرورت دارد، آن‌چنان‌که می‌توان روزها در این‌باره بحث و گفتگو کرد اما بحث این نوشتار بیشتر مرتبط با آن بخش از این مشکلات است که به دلیل عدم اشراف فعالان به الزامات قانونی یا عدم آگاهی و آموزش لازم ایجاد شده است و به واسطه وجود یک سیستم ساختارمند از راهنمایان و مشاوران خبره تا حد زیادی قابل رفع می‌باشد. به نظر می‌رسد همان‌طور که کفه ترازوی اصلاح قوانین و فرایندها برای دولت سنگین‌تر است، در پر کردن خلأ آموزش و آگاهی بخشی نقش اتاق‌ها باید پررنگ‌تر باشد. در همین راستا اتاق کرمان با درک درست این ضرورت همواره بر این موضوع اهتمام داشته است، اقداماتی چون ارائه سالانه بیش از ۱۵ هزار نفرساعت آموزش به فعالان اقتصادی، تمرکز واحد کسب‌وکار اتاق در شناسایی مشکلات و ارائه مشاوره تخصصی به سرمایه‌گذاران در حوزه‌های مختلف شامل بانک، بیمه، مالیات، امور حقوقی، کسب‌وکار و سرمایه‌گذاری، اقدامات کمیسیون‌های تخصصی برای کارشناسی و شناسایی راهکارهای حل مسائل و مشکلات محیط کسب‌وکار، تمرکز مرکز دآوری و واحد حقوقی اتاق بر حل

به نظر می‌رسد
همان‌طور که
کفه ترازوی
اصلاح قوانین
و فرایندها برای
دولت سنگین‌تر
است، در پر کردن
خلأ آموزش و
آگاهی بخشی
نقش اتاق‌ها باید
پررنگ‌تر باشد.
در همین راستا
اتاق کرمان با
درک درست این
ضرورت همواره
بر این موضوع
اهتمام داشته
است، اقداماتی
چون ارائه سالانه
بیش از ۱۵
هزار نفرساعت
آموزش به فعالان
اقتصادی...





تجربه موفق دنیا نشان داده که توسعه کشورها در گرو پیشرفت و ارتقای اقتصادی است و این ارتقا بر پایه تقویت بخش خصوصی استوار است. هموارسازی و تسهیل فرایندها و تعاملات نهادی یکی از خواسته‌های جدی بخش خصوصی برای بهبود آینده اقتصاد کشور خواهد بود. اتاق بازرگانی کرمان به‌عنوان صدای بخش خصوصی این مطالبه به حق را ابتدا از مسئولان استانی و سپس مسئولان کشور دارد و در مسیر اعتلای بخش مولد اقتصادی از هیچ تلاشی فروگذار نخواهد کرد.



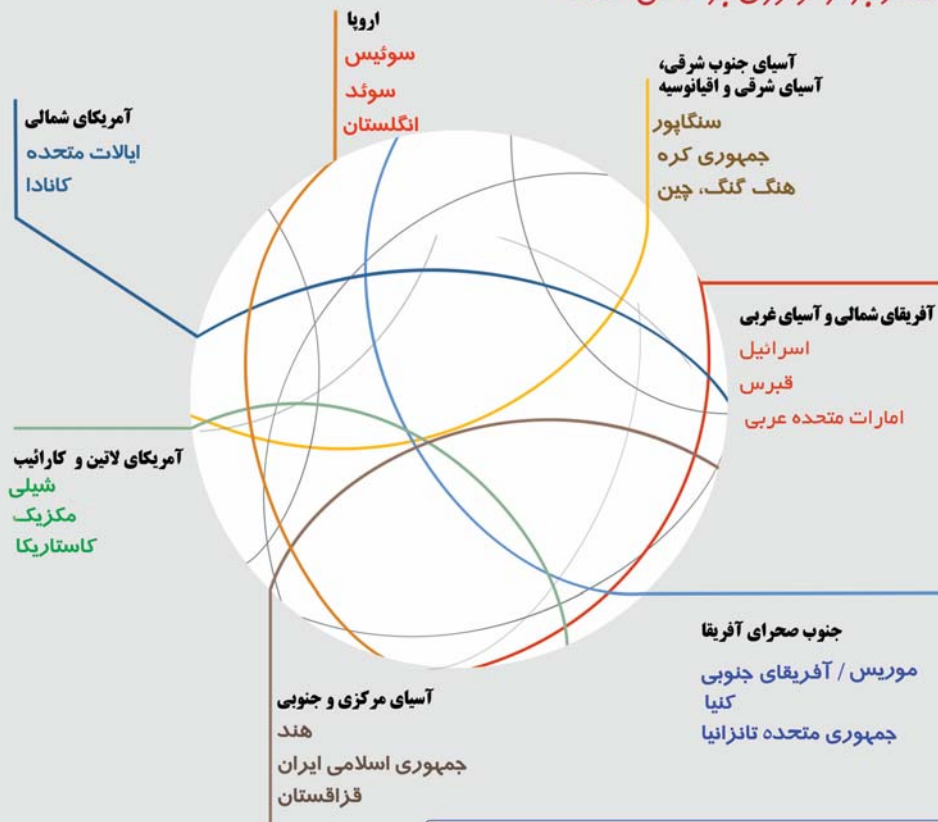
پشتیبانی آمار و اطلاعات سرمایه گذاری بسیار حائز اهمیت است. مرکز آمار و اطلاعات با فراهم آوردن بانک جامعی از اطلاعات اقتصادی شامل قوانین و مقررات، فرایندهای سرمایه گذاری، شیوه‌های تأمین مالی، اطلاعات تحلیلی از وضعیت زیرساخت‌ها، وضعیت منابع استان، وضعیت بازارها، وضعیت تولید و صادرات، ریسک‌های سرمایه گذاری و ... مجموعه اطلاعات موردنیاز فعالان بخش خصوصی و نهادهای تصمیم‌ساز دولتی را فراهم خواهد کرد. و نهایتاً جزء سوم و مهم‌ترین جزء یعنی مشاوره که می‌بایست مجموعه‌ای ساختارمند از راهبران خبیره دستگاه‌های اجرایی، مدیران و مسئولان سابق دولتی، فعالان مجرب بخش خصوصی، خبرگان اقتصادی، اساتید علمی و دانشگاهی را در تمامی حوزه‌های مرتبط گرد هم آورد تا در گلوگاه‌های سرمایه‌گذاری؛ در ثبت شرکت‌ها، اخذ مجوزهای شروع کسب و کار، امور بیمه و مالیاتی، امور حقوقی و قراردادهای، فناوری و مهندسی، تأمین مالی و ... راهنمایی مسیر سرمایه‌گذاری را بر عهده بگیرند و نهایتاً فعالیت این سه جزء در کنار هم مرکز فکر و مشاوره سرمایه‌گذاری را به یک مرجع قابل اتکا تبدیل نماید. سخن آخر این‌که تجربه موفق دنیا نشان داده که توسعه کشورها در گرو پیشرفت و ارتقای اقتصادی است و این ارتقا بر پایه تقویت بخش خصوصی استوار است. هموارسازی و تسهیل فرایندها و تعاملات نهادی یکی از خواسته‌های جدی بخش خصوصی برای بهبود آینده اقتصاد کشور خواهد بود. اتاق بازرگانی کرمان به‌عنوان صدای بخش خصوصی این مطالبه به حق را ابتدا از مسئولان استانی و سپس مسئولان کشور دارد و در مسیر اعتلای بخش مولد اقتصادی از هیچ تلاشی فروگذار نخواهد کرد.

پشتیبانی آمار و اطلاعات سرمایه‌گذاری بسیار حائز اهمیت است. مرکز آمار و اطلاعات با فراهم آوردن بانک جامعی از اطلاعات اقتصادی شامل قوانین و مقررات، فرایندهای سرمایه‌گذاری، شیوه‌های تأمین مالی، اطلاعات تحلیلی از وضعیت زیرساخت‌ها، وضعیت منابع استان، وضعیت بازارها، وضعیت تولید و صادرات، ریسک‌های سرمایه‌گذاری و ... مجموعه اطلاعات موردنیاز فعالان بخش خصوصی و نهادهای تصمیم‌ساز دولتی را فراهم خواهد کرد. و نهایتاً جزء سوم و مهم‌ترین جزء یعنی مشاوره که می‌بایست مجموعه‌ای ساختارمند از راهبران خبیره دستگاه‌های اجرایی، مدیران و مسئولان سابق دولتی، فعالان مجرب بخش خصوصی، خبرگان اقتصادی، اساتید علمی و دانشگاهی را در تمامی حوزه‌های مرتبط گرد هم آورد تا در گلوگاه‌های سرمایه‌گذاری؛ در ثبت شرکت‌ها، اخذ مجوزهای شروع کسب و کار، امور بیمه و مالیاتی، امور حقوقی و قراردادهای، فناوری و مهندسی، تأمین مالی و ... راهنمایی مسیر سرمایه‌گذاری را بر عهده بگیرند و نهایتاً فعالیت این سه جزء در کنار هم مرکز فکر و مشاوره سرمایه‌گذاری را به یک مرجع قابل اتکا تبدیل نماید. سخن آخر این‌که تجربه موفق دنیا نشان داده که توسعه کشورها در گرو پیشرفت و ارتقای اقتصادی است و این ارتقا بر پایه تقویت بخش خصوصی استوار است. هموارسازی و تسهیل فرایندها و تعاملات نهادی یکی از خواسته‌های جدی بخش خصوصی برای بهبود آینده اقتصاد کشور خواهد بود. اتاق بازرگانی کرمان به‌عنوان صدای بخش خصوصی این مطالبه به حق را ابتدا از مسئولان استانی و سپس مسئولان کشور دارد و در مسیر اعتلای بخش مولد اقتصادی از هیچ تلاشی فروگذار نخواهد کرد.

رهبران جهانی نوآوری در سال ۲۰۲۰

سازمان جهانی مالکیت فکری (وایپو): یکی از مهم‌ترین سازمان‌های بین‌المللی فعال در حوزه مالکیت فکری است که از سال ۲۰۰۷ هر ساله وضعیت نوآوری در سطح جهان را در ۱۳۱ اقتصاد در سراسر جهان، در گزارشی تحت عنوان شاخص جهانی نوآوری (GII)، منتشر می‌نماید.

سه اقتصاد برتر نوآوری بر اساس منطقه



نحوه ارزیابی بدین صورت است که ابتدا شاخص به دو زیرشاخص اصلی تعریف شده است: زیرشاخص ورودی نوآوری (درون داد) شامل چارچوب نهادی، سرمایه انسانی و تحقیقات، زیر ساخت ها، پیچیدگی بازار و پیچیدگی کسب و کار و زیر شاخص دوم، خروجی های نوآوری (برون داد) شامل خروجی های دانشی- فناوری و خروجی های خلاقانه می باشد. در نهایت جمعا ۸۱ مولفه مورد بررسی قرار می گیرد و میانگین این ورودی‌ها و خروجی‌ها، امتیاز هر کشور را از ۱۰۰ ارائه می‌دهد.

اطلاعات مورد نیاز از پایگاه های داده معتبری همچون بانک جهانی، مجمع جهانی اقتصاد، ویکی‌پدیا، گزارش شاخص سهولت انجام کسب و کار، یونسکو، اتحادیه بین المللی مخابرات، مرکز تجارت جهانی، سازمانی جهانی کار، گزارش اقتصاد خلاق کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل متحد جمع‌آوری می‌گردد.

ایران که در سال ۲۰۱۹ در جایگاه ۶۱ جهان قرار گرفته بود

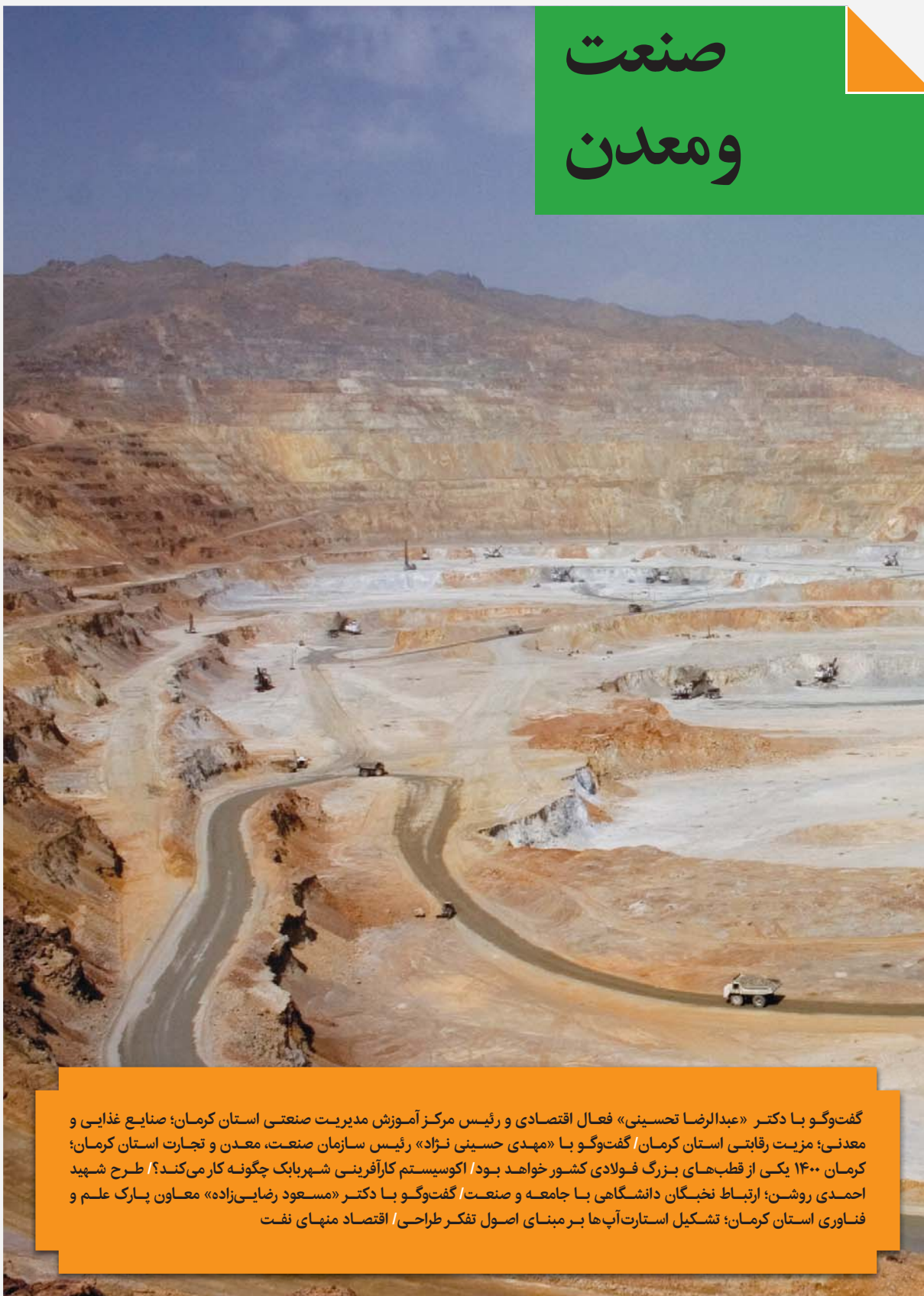
در سال ۲۰۲۰ با ۶ پله تنزل

در مقایسه با ۱۳۱ کشور دنیا در جایگاه ۶۷ جهان قرار گرفت

منبع: شاخص جهانی نوآوری در سال ۲۰۲۰

تهیه‌شده توسط واحد انتشارات اتاق کرمان

صنعت ومعدن



گفت‌وگو با دکتر «عبدالرضا تحسینی» فعال اقتصادی و رئیس مرکز آموزش مدیریت صنعتی استان کرمان؛ صنایع غذایی و معدنی؛ مزیت رقابتی استان کرمان / گفت‌وگو با «مهدي حسینی نژاد» رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت استان کرمان؛ کرمان ۱۴۰۰ یکی از قطب‌های بزرگ فولادی کشور خواهد بود / اکوسیستم کارآفرینی شهر یابک چگونه کار می‌کند؟ / طرح شهید احمدی روشن؛ ارتباط نخبگان دانشگاهی با جامعه و صنعت / گفت‌وگو با دکتر «مسعود رضایی‌زاده» معاون پارک علم و فناوری استان کرمان؛ تشکیل استارت‌آپ‌ها بر مبنای اصول تفکر طراحی / اقتصاد منهای نفت



گفت‌وگو با دکتر «عبدالرضا تحسینی» فعال اقتصادی و رئیس مرکز آموزش مدیریت صنعتی استان کرمان



صنایع غذایی و معدنی؛ مزیت رقابتی استان کرمان

در باب بازاریابی تولیدات صنعتی و معدنی استان کرمان با دکتر عبدالرضا تحسینی فعال اقتصادی و رئیس مرکز آموزش مدیریت صنعتی استان کرمان گفت‌وگو کرده‌ایم. او معتقد است که شروع فعالیت اقتصادی به انتظار حمایت دولتی، نگرشی نادرست است و امروزه با دیدگاه‌ها و راه‌حل‌های قرن بیستم نمی‌توان به حل مسائل قرن بیست و یکم پرداخت. وی می‌گوید بازاریابی وظیفه خود شرکت‌ها و افراد است، اما عدم حضور مؤثر در ارتباطات بین‌المللی و پیمان‌های منطقه‌ای، کار را بسیار دشوار می‌کند. تحسینی استان کرمان را در صنایع غذایی و نیز صنایع معدنی دارای مزیت رقابتی می‌داند و می‌گوید این مزیت به شدت تحت تأثیر یارانه‌های حوزه انرژی است که در صورت حذف آن‌ها با توجه به بهره‌وری نامناسب، امکان از دست رفتن این مزیت دارد. اینک متن کامل این مصاحبه در زیر قابل مطالعه و ملاحظه است.

تا بر اساس آن برنامه‌ای برای توسعه و ترویج برند صنعتی معدنی در کرمان نوشته شود.

◆ فرآوری و آماده‌سازی تولیدات معدنی در استان کرمان برای بازارها به‌ویژه بازارهای بین‌المللی از چه کیفیتی برخوردار است؟
فارغ از اختصاصی سازی بحث به استان کرمان، طرف‌های

◆ آیا در حال حاضر شرکت‌هایی از کرمان دارای برند معتبر جهانی هستند؟ آیا برنامه بلندمدتی برای ایجاد، ترویج و توسعه برند در تولیدات صنعتی و معدنی وجود دارد؟

ظاهراً به‌جز نام‌های بزرگی مثل شرکت ملی صنایع مس ایران (NICICO) و «گل‌گهر» نام دیگری مطرح نیست و اگر هم وجود دارد بازتابی در داخل نداشته و تاکنون استراتژی روشنی برای صنعت و معدن تدوین نشده است

خارجی معمولاً نسبت به عدم یکنواختی و ثبات کیفیت کالاها و محصولات ایرانی گله‌مند هستند، اما به نظر می‌رسد در مجموع، کیفیت محصولات صنایع از سطح قابل قبولی برخوردار است به طوری که روند صادرات در جریان است.

◆ اکنون یکی از چالش‌های بزرگ کسب‌وکارها در کشور کاهش شدید فروش کالاها و خدمات است، در یک قضاوت منصفانه این مشکل تا چه اندازه به دولت مربوط است و چه اندازه به دلیل عملکرد فعالان اقتصادی و نیز متخصصان امر بازاریابی است؟

اگرچه فرض بر این است که دولت‌ها باید حمایت منطقی از صنایع داخلی داشته باشند، اما منطقاً فعالان اقتصادی به‌ویژه کسانی که سال‌ها در حوزه تولید و خدمات فعالیت کرده‌اند هنگام برنامه‌ریزی برای فعالیت‌های جدید و یا توسعه کسب‌وکار فعلی خود نه‌تنها نباید آمیدی به حمایت دولتی داشته باشند، بلکه باید سناریوهایی برای اقدامات، تصمیمات متغیر و متناقض و کارشکنانه دولتی داشته باشند. لذا اساساً فعالانی که به انتظار حمایت دولتی شروع به فعالیت کرده‌اند به دلیل نگرش نادرست خود مقصرند، اما نکته دیگر آن است که انطباق با سیر تحولات سریع در حوزه‌های اقتصادی، صنعتی و نوآوری در قرن بیست و یکم نیازمند به آموزه‌های جدید نگرشی و مدیریت است و اگر فعالان اقتصادی با دیدگاه‌ها و راه‌حل‌های قرن بیستم به حل مسائل قرن بیست و یکم بپردازند عایدی جز عدم موفقیت نخواهند داشت و منصفانه آن است که در این حالت دولت را مقصر ندانند.

◆ به نظر شما دولت در بازاریابی تولیدات صنعتی و معدنی چه وظایفی دارد؟

به‌عنوان شوخی می‌توان گفت «امیدوار بود آدمی به خیر کسان / مرا به خیر تو امید نیست شرمرسان!» اصولاً توقع «بازاریابی» از دولت توقع نادرست و نایجابی است. وظیفه دولت تسهیل‌گری در ارتباطات بین‌المللی برای اتباع کشور خود، رفع موانع ارتباطی بین دول، عضویت در پیمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی جهت حضور آسان‌تر فعالان اقتصادی در سایر کشورها و تسهیل حضور اتباع سایر کشورها در ایران و نظایر آن است تا شرایط ارتباطی بهتری برای B2B ایجاد شود. عدم عضویت ایران در WTO و عدم حضور مؤثر در پیمان‌های منطقه‌ای به دلیل موانع قانونی و سیاسی، کار را برای حضور فعالان اقتصادی در عرصه بین‌المللی بسیار دشوارتر می‌کند، اما بازاریابی وظیفه خود شرکت‌ها و افراد است.

◆ استان کرمان در چه صناعی مزیت رقابتی در بازار داخلی و نیز بازار بین‌المللی پیدا کرده است؟ ارزیابی شما از چگونگی این امر چیست؟

آنچه مسلم است استان کرمان در صنایع غذایی و صنایع معدنی مزیت رقابتی دارد و علاوه بر آن به دلیل وجود جوانان بااستعداد در حوزه‌هایی نظیر IT امکان خلق مزیت در استان کرمان وجود دارد. مزیت رقابتی در حوزه معدنی و صنایع به‌شدت تحت تأثیر پارانه‌های حوزه انرژی است که در صورت حذف آن‌ها با توجه به بهره‌وری نامناسب، امکان از دست رفتن این مزیت وجود دارد.

◆ با عنایت به تفاوت ماهیت و ویژگی‌های بازاریابی مواد معدنی با کالاهای صنعتی، در این مورد با نگرش به چگونگی عملکرد بخش معدن استان توضیح دهید.

با توجه به سیاست کلان نظام برای جلوگیری از خام فروشی، (اگرچه در حوزه سیاست‌گذاری صحیح، اما در حوزه اجرا و عملیات قابل نقد است) موضوع بازاریابی مواد معدنی باید به بازاریابی «فرآورده‌های معدنی» تغییر یابد. از آنجا که ذهنیت اغلب برنامه ریزان کشور بر مبنای صفر و یک تنظیم شده است و سیاست جلوگیری از خام فروشی هم از این قاعده مستثنی نیست، درحالی‌که بسیاری از کشورهای صنعتی بر اساس سیاست‌های متنوع جهت حمایت از بخش خصوصی، بخشی از محصولات معدنی خود را به‌صورت خام و بخشی را فرآوری شده (در سطوح مختلف فرآوری) به بازارهای جهانی عرضه می‌کنند؛ به‌عنوان مثال در زنجیره ارزش فلز مس بیشترین ارزش افزوده مربوط به تولید کنستانتیره مس است، اما اجبار واحد تولیدی به صدور کاتد بخش قابل‌توجهی از سود تولیدکننده را صرف بهای انرژی برای افزایش سطح فرآوری می‌کند که باید به این موضوع توجه ویژه داشت.

◆ شرکت‌های بخش صنعت و معدن استان کرمان، عمدتاً چه اندازه با شناخت کامل نیاز مشتریان و منطبق ساختن محصولات و خدمات خود با نیاز آن‌ها تولید کرده و محصول خود را روانه بازار می‌کنند؟

قضاوت کلی درباره دیدگاه و عملکرد تولیدکنندگان کرمانی در توجه به خواست مشتری امکان‌پذیر نیست. نتیجه این عملکرد در میزان توانایی آنان در جذب و نگهداری مشتریان و بازارها، قابل سنجش و ارزیابی است. برخی واحدهای صنعتی کرمان در این حوزه عملکرد درخشانی داشته‌اند. اگرچه اساساً میزان صادرات صنعتی کشور و استان توسط بخش خصوصی، بخش کوچکی از کل صادرات کشور و استان

اساساً فعالانی که

به انتظار حمایت

دولتی شروع به

فعالیت کرده‌اند

به دلیل نگرش

نادرست خود

مقصرند، اما نکته

دیگر آن است که

انطباق با سیر

تحولات سریع

در حوزه‌های

اقتصادی،

صنعتی و نوآوری

در قرن بیست و

یکم نیازمند به

آموزه‌های جدید

نگرشی و مدیریت

است و اگر

فعالان اقتصادی

با دیدگاه‌ها و

راه‌حل‌های قرن

بیستم به حل

مسائل قرن

بیست و یکم

بپردازند عایدی

جز عدم موفقیت

نخواهند داشت و

منصفانه آن است

که در این حالت

دولت را مقصر

ندانند.

برای برطرف کردن مشکلات و چالش‌ها باید آن‌ها را به دو بخش درون و برون بنگاهی تقسیم کرد. در درون بنگاه عوامل اصلی همچون قیمت تمام شده بالا که ناشی از فقدان اجرای صحیح حسابداری صنعتی، بهره‌وری پایین ناشی از عوامل انسانی نظیر انگیزه، سطح مهارت، توان مدیریتی، الگوی بازاریابی و فروش متناسب با نوع و کنترل کیفی محصول قابل اشاره است که باید توسط مدیر بنگاه رسیدگی شود. عوامل بیرونی مهم نظیر بی‌ثباتی در قوانین و آیین‌نامه‌ها، شاخص‌های کنترل نشده اقتصاد کلان همچون تورم و ارتباطات ضعیف بین‌المللی و عدم حضور فعال کشور در اتحادیه‌های بین‌المللی و برخورداری از تعرفه‌های ترجیحی و مشکلات جدی در انتقال پول از جمله مواردی هستند که باید در سطح کلان و توسط سیاست‌گذاران اصلاح شده و بهبود یابند.

◆ سخن پایانی؟

یکی از مهم‌ترین ابزارها و اهرم‌های بنگاه‌های اقتصادی در سطح بین‌المللی، برخورداری آن‌ها از مزایای نهادهای بین‌المللی مثل WTO و پیمان‌های تجاری و زیست‌محیطی و ... است که به آن‌ها امکان بهره‌گیری از فرصت‌های برابر بین‌المللی و منطقه‌ای می‌دهد؛ نظیر آنچه بازرگانان و صنعتگران ترکیه از آن برخوردارند که در حال حاضر فعالان اقتصادی کشورمان از آن بی‌بهره‌اند و حداکثر چند پیمان دو طرفه با محدودیت‌های خاص خود وجود دارند که عملاً تأثیر چندانی بر همه فعالیت‌های صادراتی یا خدمات فنی مهندسی قابل صدور ندارند. عضویت در پیمان اکو هم به دلیل مشکلات قانونی در داخل کشور عملاً حاصلی نداشته است. به نظر می‌رسد مطالبه‌گری فعالان اقتصادی از سیاست‌گذاران روابط خارجی کشور بتواند تا حدودی راهگشا باشد. ◆

را تشکیل می‌دهد، اما واحدهایی که مدیران آن‌ها علاوه بر جنبه فنی خود به بازاریابی و فروش به‌عنوان یک تخصص و دانش نگاه می‌کنند قطعاً توفیق بسیار بیشتری نسبت به سایر واحدها دارند.

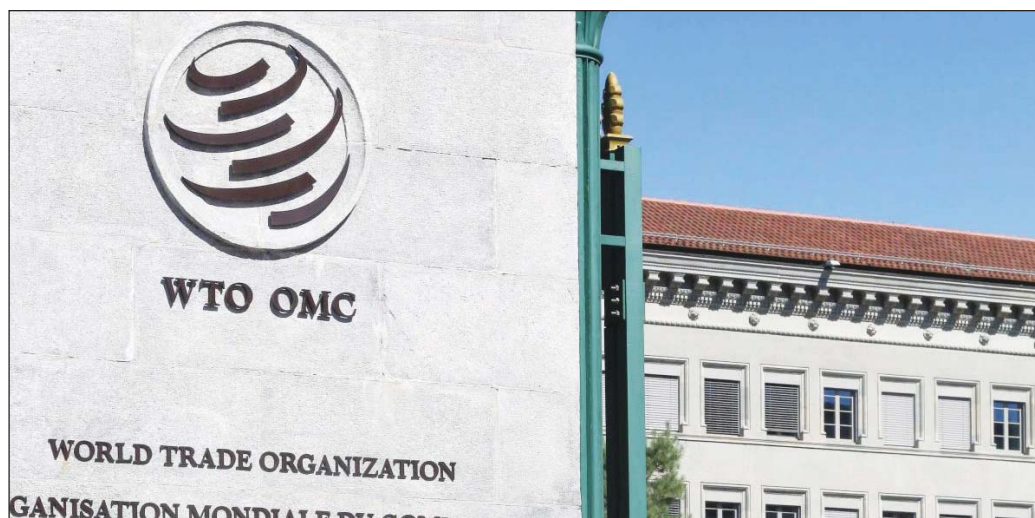
◆ در بازاریابی صنعتی، فروش محصولات و خدمات یک امر فنی است و موفقیت یا شکست در تولید محصول تا حد زیادی در گرو عملکرد در بازاریابی است، ارزیابی شما از چگونگی عملکرد شرکت‌های صنعتی و معدنی استان کرمان در این زمینه چیست؟

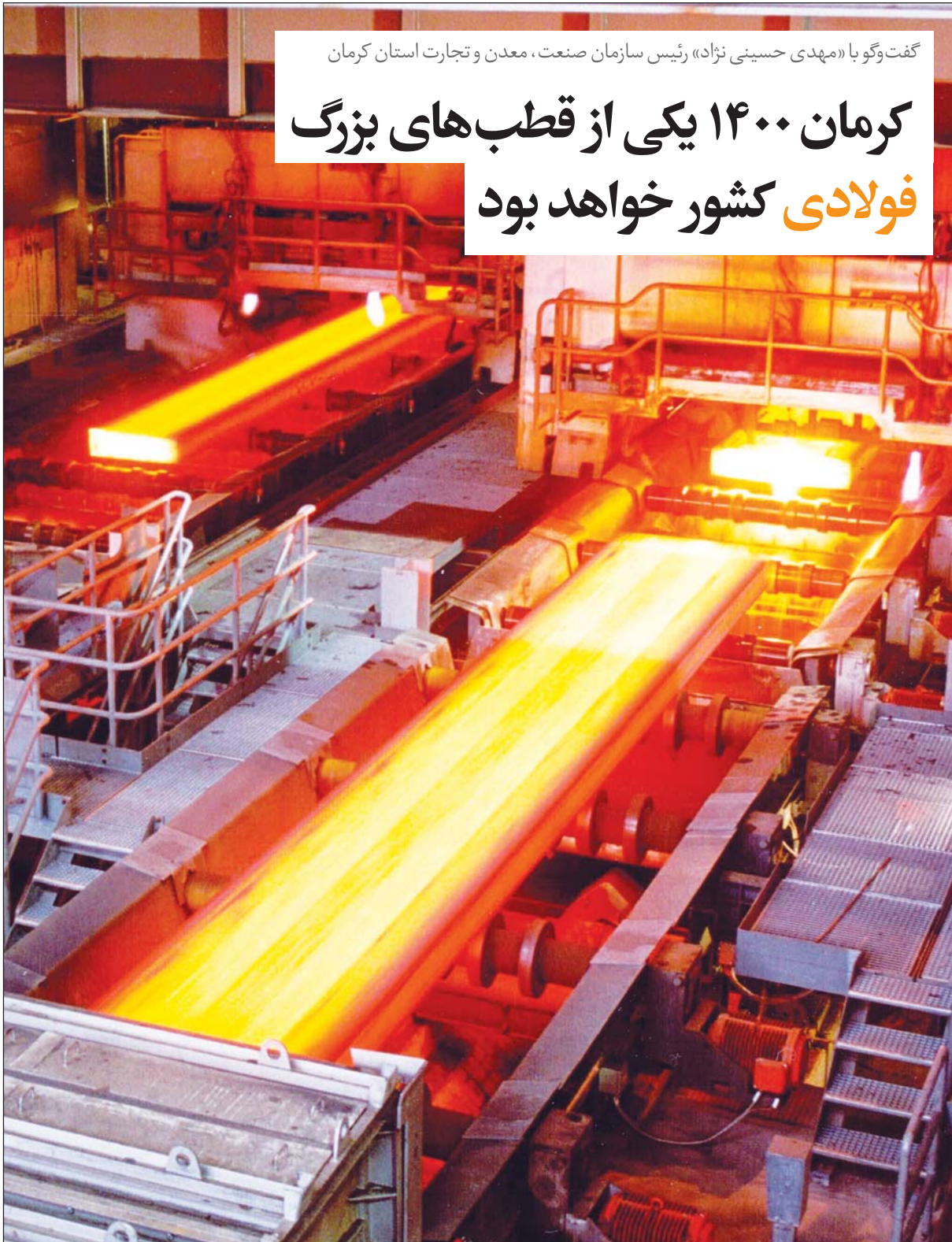
بازاریابی محصولات صنعتی علاوه بر دانش بازاریابی نیازمند اطلاعات فنی کامل و جامع درباره محصول خود و رقباست و علاوه بر آن بعضاً بحث خدمات پس از فروش و نصب و راه‌اندازی موضوعیت دارد که علاوه بر کیفیت، قیمت و شرایط تحویل باید به آن‌ها نیز توجه نمود و از موارد پراهمیت در بازاریابی و فروش محصولات صنعتی محسوب می‌شود. داشتن گواهینامه‌های معتبر بین‌المللی و گواهینامه‌های استاندارد از عوامل مؤثر بر بازاریابی این گروه از کالاهاست.

◆ به نظر شما کالاهای صنعتی در بازار به ترتیب اهمیت از روی کدام یک از قابلیت‌های آن‌ها شامل: قابلیت‌های فنی، کارایی، ضمانت، بسته‌بندی و پشتیبانی قضاوت می‌کنند؟ امکان مقایسه شاخص‌های مختلف برای کالاها و محصولات متفاوت و درجه‌بندی آن‌ها نسبت به یکدیگر وجود ندارد. قاعدتاً برحسب نوع محصول و بازار هدف می‌توان اهمیت این شاخص‌ها را طبقه‌بندی کرد.

◆ راه‌های عملی برطرف کردن مشکلات و چالش‌های بازار کالاهای صنعتی و معدنی استان کرمان چیست؟

یکی از مهم‌ترین ابزارها و اهرم‌های بنگاه‌های اقتصادی در سطح بین‌المللی، برخورداری آن‌ها از مزایای نهادهای بین‌المللی مثل WTO و پیمان‌های تجاری و زیست‌محیطی و ... است که به آن‌ها امکان بهره‌گیری از فرصت‌های برابر بین‌المللی و منطقه‌ای می‌دهد؛ نظیر آنچه بازرگانان و صنعتگران ترکیه از آن برخوردارند که در حال حاضر فعالان اقتصادی کشورمان از آن بی‌بهره‌اند.





گفت‌وگو با «مهدی حسینی نژاد» رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت استان کرمان

کرمان ۱۴۰۰ یکی از قطب‌های بزرگ فولادی کشور خواهد بود

استان کرمان با وسعت ۱۸ هزار کیلومترمربعی و به‌عنوان پهناورترین استان کشور، علاوه بر ظرفیت‌های کشاورزی و صنعتی یک استان شاخص در زمینه معدن و مواد معدنی است به‌گونه‌ای که به‌عنوان بهشت معادن شناخته شده است. از آنجا که این استان از نظر ساختار تشکیلات زمین‌شناسی اغلب دوره‌های زمین‌شناسی تشکیل‌دهنده مواد معدنی را دیده است، ظرفیت تبدیل شدن به بهشت معادن را دارد. اگرچه در حوزه معدن کاری در طول سالیان متممادی اقداماتی در حوزه معدن و استخراج انجام شده، اما کافی نیست و باید کارهای اکتشافی با استفاده از ابزارهای مدرن و روز دنیا صورت گیرد و به سمت و سویی حرکت کنیم که این ظرفیت بالقوه استان را به فعل تبدیل کنیم. به‌یقین سرمایه‌گذاری در حوزه معادن و صنایع معدنی ضمن افزایش سرانه اشتغال‌زایی، سهم بزرگی از تولید ناخالص داخلی و ارزآوری را بر عهده دارد و به‌نوعی وجود این معادن در شرایط تحریم‌ها می‌تواند جایگزینی مناسب برای نفت باشد و نقش مؤثری در توسعه پایدار و ارزآوری کشور ایفا کند. بنا بر اعلام کارشناسان و متولیان معدنی کشور، منابع موجود کشف‌شده در ایران به‌سرعت رو به کاهش می‌رود و این امر اشتغال در حوزه صنعت و معدن و یکی از منابع درآمدی پایدار در استقلال اقتصادی کشور را تحت شعاع خود قرار داده است. در این راستا و به‌منظور تحلیل جایگاه استان کرمان در حوزه استفاده از ظرفیت‌های معدنی گفت‌وگویی با آقای مهدی حسینی‌نژاد رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت استان کرمان انجام شده که در ذیل به‌طور کامل به آن پرداخته شده است.

♦♦ در ابتدا درمورد جایگاه بخش معدن استان کرمان در اقتصاد کشور توضیح بفرمایید؟

استان کرمان حرف اول را در حوزه معدن می‌زند. بیش از ۷/۳۹ درصد تولید ناخالص داخلی (GDP) در کرمان است که نشان می‌دهد کرمان یک استان معدنی است و نقش عمده‌ای را در اقتصاد و معدن ایفا می‌کند و در کرمان بیش از ۵۵۰ پروانه بهره‌برداری معدنی صادر گردیده است. همچنین نزدیک به ۴۰ درصد تولید ناخالص داخلی استان کرمان در حوزه صنعت، معدن و تجارت است که بیش از ۲۲ درصد آن به بخش صنعت و صنایع معدنی اختصاص داشته و در حدود ۱۰ درصد آن به حوزه معدنی و ۹/۵ درصد مربوط به بخش بازرگانی است.

♦♦ در حال حاضر پروژه‌های معدنی خاتمه یافته و در حال کار استان چه تعداد بوده و چه حجمی از ظرفیت معدنی استان را به خود اختصاص داده‌اند؟

بر اساس قانون، غیرفعال بودن معدن به این معنا است که اگر بهره‌بردار نتواند سهم دولت را که در قالب حقوق دولتی تعریف شده است پرداخت کند، این بهره‌بردار سلب صلاحیت می‌شود و معدن از آن فرد گرفته و تا زمانی که به فرد دیگر واگذار شود غیرفعال می‌شود.

کسی که قصد ورود به حوزه معدن داری می‌کند در ابتدا درخواست اکتشاف می‌دهد که باید یکسری تعهداتی را انجام دهد. اگر این تعهدات انجام شود آنگاه این درخواست به صدور پروانه منجر می‌شود. پس از انجام کارهای اکتشافی و شناسایی به‌عنوان معدن، این معدن واگذار و در اختیار

بهره‌بردار قرار می‌گیرد.

بر اساس اکتشافات بیش از ۵/۸ میلیارد تن ذخیره اثبات شده در قالب ۴۲ ماده معدنی شناسایی شده است، ذخایر ما تاکنون به اتمام نرسیده و در حال بهره‌برداری‌اند، به لطف خدا در حین بهره‌برداری نیز اکتشاف صورت گرفته است و به ذخایر شناسایی شده افزوده گردیده است. در حال حاضر کرمان حدود ۱۱۰ معدن غیرفعال دارد.

♦♦ درمورد توزیع معادن استان برحسب مالکیت بین بخش دولتی و بخش غیردولتی و بر اساس مقیاس توضیح بفرمایید؟ معادن بزرگ ما عموماً در دست دولت می‌باشند.

♦♦ اصولاً معادن کوچک‌مقیاس چه تعریفی دارند و در کل این معادن چه سهمی از معادن استان کرمان را به خود اختصاص داده‌اند؟

شش گروه ماده معدنی تعریف شده داریم که از این شش مورد گروه‌های پنج و شش به‌عنوان ذخایر کوچک و متوسط‌اند.

در حدود ۹۹ درصد از منابع معدنی از معادن بزرگ گل‌گهر، مس سرچشمه، جلال‌آباد، اسفندقه، زغال‌سنگ‌های کرمان استخراج می‌شود و به‌طور کلی معادن کوچک‌مقیاس سهم ۰/۴ درصدی را دارند.

♦♦ در خصوص چگونگی اجرای طرح احیاء، فعال‌سازی و توسعه معادن کوچک‌مقیاس در استان کرمان توضیح بفرمایید؟ فعالیت معادن کوچک نه به لحاظ اقتصادی و نه به لحاظ

بر اساس
اکتشافات بیش
از ۵,۸ میلیارد
تن ذخیره اثبات
شده در قالب
۴۲ ماده معدنی
شناسایی شده
است، ذخایر ما
تاکنون به اتمام
نرسیده و در حال
بهره‌برداری‌اند،
به لطف خدا در
حین بهره‌برداری
نیز اکتشاف
صورت گرفته
است و به ذخایر
شناسایی شده
افزوده گردیده
است. کرمان
حدود ۱۱۰ معدن
غیرفعال دارد.

◆ در صورت امکان، اطلاعات کاملی را در زمینه مناطق دارای پروانه اکتشاف، پهنه‌های پیشنهادی و پهنه‌های خاتمه یافته در اختیار قرار دهید.

اکتشاف شاخه اصلی کار معدن است که طبیعتاً اگر اکتشاف‌های خوبی صورت نگیرد ذخایری هم کشف نمی‌شوند و در نهایت سرمایه‌گذاری درستی نیز صورت نمی‌گیرد.

طرحی را در سال ۹۳ پیگیری و از استان کرمان آغاز کردیم و اکتشاف در قالب پهنه‌ها را انجام دادیم و در آن سال با شرکت‌هایی که توان فنی خوبی داشتند و در این زمینه همراه ما بودند، بیش از ۴۶ هزار کیلومترمربع مساحت استان را در قالب ۲۵ پهنه بررسی کردیم و حاصل این اکتشافات، ۱/۱میلیارد افزایش ذخایر معدنی بود.

◆ مهم‌ترین چالش‌های بخش معدن در کشور و نیز مسائل و مشکلات مضاعف محلی آن در استان کرمان چه هستند؟

یکی از بزرگ‌ترین چالش‌هایی که ما درگیرش هستیم، بلوکه شدن قسمت زیادی از حوزه فعالیت‌های معدنی ماست که توسط دستگاه‌هایی مثل منابع طبیعی، محیط‌زیست و سازمان انرژی اتمی و نیز عده‌ای از مکتشفین که به استناد قانون ورود کرده‌اند اما توان فنی و مالی مناسبی برای بهره‌برداری نداشته‌اند، لذا محدوده‌ها بلوکه شده و راه برای سایر سرمایه‌گذاران بسته شده است.

◆ با توجه به تفویض اختیارات شورای عالی معادن به استان‌ها مهم‌ترین تصمیمات اتخاذ شده و اقدامات اجرایی درباره مناطق بلوکه شده استان چیست؟ شما در باب نتایج این تفویض اختیار چه ارزیابی دارید؟

شورای عالی معادن به استناد قانون، قسمتی از اختیاراتش را به شورای معادن استان تفویض کرده است. از مهم‌ترین تصمیماتی که در شورای معادن استان اتخاذ شده و عملیاتی گردیده است این است که ما در این شورا توانستیم، بیش از ۳۰ میلیارد تومان از منابع حقوق دولتی را در قالب تبصره‌های ماده ۴۳ به استان برگردانیم. پروژه‌هایی همانند نقشه‌برداری از معادن به‌وسیله پهباد و یا رفع مشکل تداخل سرمایه‌گذاری که در معدن درآلو انجام می‌دهیم نیز موجب تسریع کار سرمایه‌گذاری در حوزه معادن شده است.

◆ در مورد استراتژی توسعه بخش معدن استان توضیح بفرمایید؟

قطعاً توسعه بخش معدن همراه با حفظ منابع طبیعی و محیط‌زیست موجب رفاه اجتماعی خواهد شد. ◆◆



فرهنگی، اجتماعی و زیرساختی مناسب نیست، فعالیت این معادن مضراتی از جمله تخریب منابع طبیعی را با خود دارند و به همین دلیل وزارت صنعت، معدن و تجارت به دنبال این است که با کمک معادن بزرگ، آن‌ها را توانمند کنند. در سال ۹۸ برنامه‌مان ۱۰ معدن کوچک بود تا با کمک شرکت‌های مس و گل‌گهر بتوانیم آن‌ها را فعال کنیم که ۶ معدن را در قالب تفاهم‌نامه و قراردادهایی فعال کرده‌ایم.

◆ در خصوص طرح‌های توسعه‌ای معدنی استان کرمان و چشم‌انداز آتی بخش معدن توضیحات لازم را ارائه نمایید؟

سیاست کلان کشور جایگزین سایر منابع به‌جای درآمدهای نفتی است که بخشی از این منابع، منابع معدنی است. در حال حاضر با تولید ۲۸ هزار تن کنستانت‌تره و ۱۸ میلیون تن گندله و حدود ۵/۶ میلیون تن آهن اسفنجی ۳/۶ میلیون تن شمش یکی از قطب‌های فولادی کشور شده‌ایم. ان‌شاءالله تا پایان سال ۱۳۹۹ و اوایل سال ۱۴۰۰، استان ما با تولید ۱۰ میلیون تن شمش یکی از قطب‌های بزرگ فولادی کشور خواهد شد.

در مس نیز ما تکمیل زنجیره را دنبال کرده‌ایم و برنامه داریم که بیش از ۳۴۰ هزار تن کاند مس داشته باشیم که تاکنون به ۲۴۰ هزار تن رسیده است.

در خصوص زغالسنگ با تولید ۱/۲ میلیون تن کک و حدود ۴۰ هزار تن قطران در تکمیل زنجیره کک گام‌های بزرگی برداشته شده است و در زمینه کرومیت‌ها با ایجاد واحدهای فرآوری فروکروم و نیز ایجاد یک واحد با سرمایه‌گذاری خارجی با ظرفیت ۲۰۰ هزار تن، اکنون کرمان به یکی از استان‌های قطب کرومیت کشور تبدیل شده است و برنامه‌هایی را نیز در جهت تکمیل زنجیره تولید و فزونی ارزش‌افزوده در سایر معادن داریم و می‌رویم تا کرمان از یک استان کشاورزی به یک استان صنعتی تبدیل شود.

شورای عالی
معادن به استناد
قانون، قسمتی
از اختیاراتش را
به شورای معادن
استان تفویض
کرده است.
از مهم‌ترین
تصمیماتی که در
شورای معادن
استان اتخاذ شده
و عملیاتی گردیده
است این است
که ما در این شورا
توانستیم، بیش از
۳۰ میلیارد تومان
از منابع حقوق
دولتی را در قالب
تبصره‌های ماده
۴۳ به استان
برگردانیم.

اکوسیستم کارآفرینی شهر بابک چگونه کار می‌کند؟

چرایی ایجاد اکوسیستم کارآفرینی و روش اجرای آن پرداخته می‌شود.

میانگه گمشده

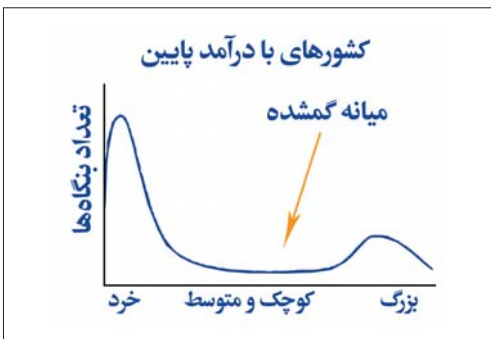
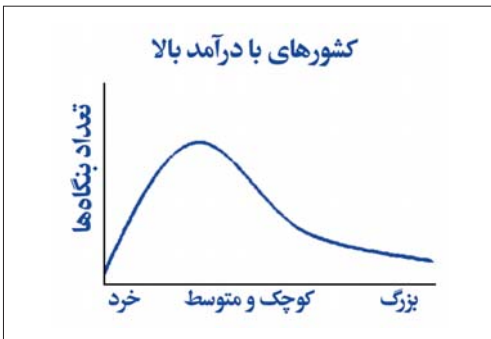
مسئله توسعه اقتصادی کشورها همواره توسط متخصصان این حوزه و از جنبه‌های گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است تا دلایل پیشرفت و توسعه اقتصادی برخی از کشورها شناسایی و بر اساس آن الگوهایی جهت سایر کشورها ارائه شود. یکی از این پژوهش‌ها که توسط دانشگاه هاروارد انجام شد منجر به پیدایش مفهوم جدیدی به نام میانگه گمشده گردید. اگر تعداد بنگاه‌های خرد، کوچک و متوسط و بزرگ در یک کشور با درآمد بالا را با تعداد آن‌ها در یک کشور با درآمد پایین مقایسه کنیم متوجه تفاوت‌های معناداری می‌شویم. به (شکل ۱) نگاهی بیندازید:

♦ رضا ضیایی

مدیرعامل شرکت کیان تدبیر طرح



با تعیین سال ۹۵ به‌عنوان سال اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل از جانب رهبر معظم انقلاب اسلامی جنب‌وجوشی در مسئولان استان کرمان پدید آمد تا طرحی نو در اندازند که حاصل این طرح شد تعریف معین اقتصادی برای هر یک از مناطق استان کرمان. معین اقتصادی، یک شرکت، نهاد یا سازمان دولتی یا خصوصی بود که مسئولیت توانمندسازی جامعه محلی را بر عهده می‌گرفت. در این طرح شرکت ملی صنایع مس ایران معین شهرهای شهر بابک، رفسنجان و انار شد و طرحی را در قالب اکوسیستم کارآفرینی طراحی و اجرا کرد. در این نوشتار به



شکل ۱- مفهوم نموداری میانگه گمشده



از این شکل و تفاوت میان تعداد بنگاه‌ها بر مبنای اندازه آن‌ها در کشورهای با درآمد بالا و کشورهای با درآمد پایین، می‌توان برداشت‌های زیر را داشت (جدول شماره ۱):

جدول ۱- مقایسه کشورهای با درآمد بالا و کشورهای با درآمد پایین

کشورهای با درآمد بالا	کشورهای با درآمد پایین
تعداد بنگاه‌های خرد پایین است	تعداد بنگاه‌های خرد بالا است
بیشترین تعداد بنگاه‌ها مربوط به SME ها است	کمترین تعداد بنگاه‌ها مربوط به SME ها است
بنگاه‌های خرد می‌توانند رشد کنند و به SME ها تبدیل شوند	بنگاه‌های بزرگ به‌سختی می‌توانند رشد کنند و همواره خرد می‌مانند
زیرساخت‌ها و ساختارهای لازم برای حرکت یک بنگاه از مرحله خرد تا بزرگ فراهم شده است	اکوسیستم کارآفرینی ایجاد نشده است
از ظرفیت‌های بنگاه‌های بزرگ جهت توسعه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط استفاده شده است	همکاری بین بنگاه‌های بزرگ و کوچک کم است

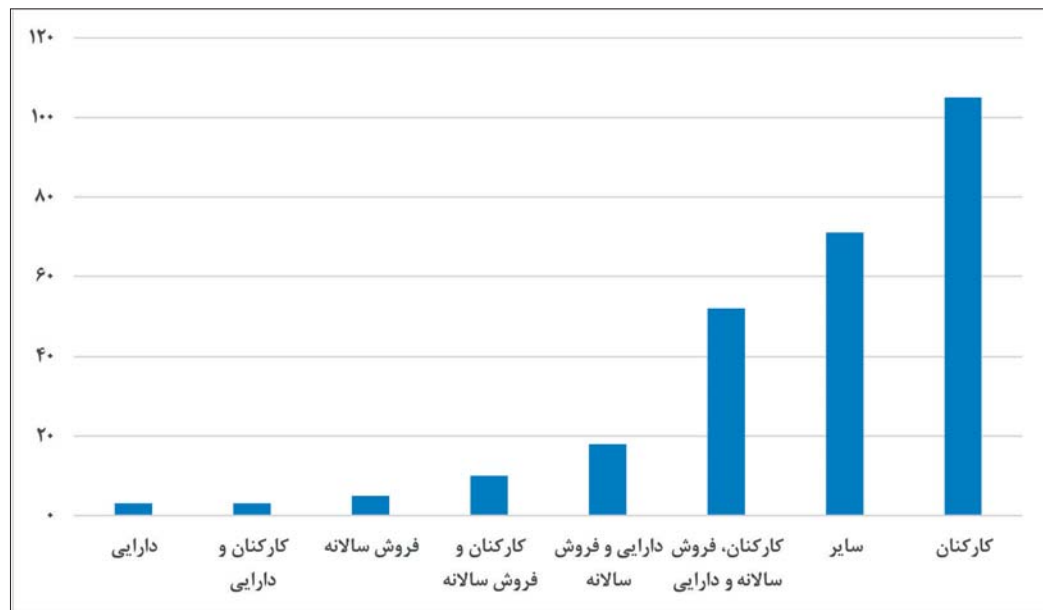
اگر در ساختار اقتصادی کشوری تعداد بنگاه‌های خرد و بزرگ بیشتر از بنگاه‌های کوچک و متوسط باشد، نشان‌دهنده وضعیت ضعیف حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط در آن اقتصاد است. کمبود تعداد بنگاه‌های کوچک و متوسط که عمدتاً در کشورهای کمتر توسعه‌یافته رخ می‌دهد میانه گمشده نام دارد.

تعریف بنگاه‌های خرد، کوچک، متوسط و بزرگ

هرچند دسته‌بندی بنگاه‌های اقتصادی بر اساس اندازه آن‌ها در تمام کشورها مورد توجه قرار گرفته است ولی

تعریف واحدی برای تعیین معیارهای قرار گرفتن یک بنگاه در هر کدام از این دسته‌ها وجود ندارد. کشورهای مختلف بر اساس نوع حمایت و خدماتی که به این بنگاه‌ها ارائه می‌کنند و همچنین بر پایه برخی سیاست‌گذاری‌ها مانند پرداخت مالیات یا سایر حقوق دولتی، معیارهای مدنظرشان برای تفکیک این بنگاه‌ها را تعریف نموده‌اند. برخی کشورها یا سازمان‌ها تنها یک معیار و برخی دیگر چند معیار را برای مشخص کردن دسته یک بنگاه اقتصادی مورد استفاده قرار داده‌اند. در (شکل ۲) فراوانی استفاده از معیارها به صورت تکی یا چندگانه در ۲۶۷ تعریف مورد استفاده نشان داده شده است.^۱

اگر در ساختار اقتصادی کشوری تعداد بنگاه‌های خرد و بزرگ بیشتر از بنگاه‌های کوچک و متوسط باشد، نشان‌دهنده وضعیت ضعیف حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط در آن اقتصاد است. کمبود تعداد بنگاه‌های کوچک و متوسط که عمدتاً در کشورهای کمتر توسعه‌یافته رخ می‌دهد میانه گمشده نام دارد.



شکل ۲- فراوانی معیارهای مورد استفاده در دسته‌بندی بنگاه‌های اقتصادی

در ایران سازمان‌ها بسته به اهدافشان از تعاریف گوناگونی برای دسته‌بندی بنگاه‌ها استفاده می‌کنند (جدول ۲).

جدول ۲- معیارهای سازمان‌های ایرانی برای تعریف بنگاه‌های کوچک و متوسط

تعریف بنگاه‌های کوچک و متوسط	نام سازمان
بنگاه‌های کمتر از ۵۰ کارکن بنگاه‌های کوچک و متوسط تعریف می‌شوند	وزارت صنعت، معدن و تجارت
کسب‌وکارها به چهار گروه تقسیم شده‌اند: ۹-۱ کارکن «خرد»، ۴۹-۱۰ کارکن «کوچک»، ۹۹-۵۰ کارکن «متوسط» و بیش از ۱۰۰ کارکن «بزرگ»	مرکز آمار ایران
بنگاه‌های بین ۵ تا ۵۰ نفر بنگاه‌های کوچک و متوسط تعریف می‌شوند	وزارت جهاد کشاورزی
بنگاه‌های بین ۵ تا ۵۰ نفر بنگاه‌های کوچک و متوسط تعریف می‌شوند	سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی
بنگاه‌های با کمتر از ۱۰ نفر کارکن «خرد»، ۱۰ تا ۴۹ نفر کارکن «کوچک»، ۵۰ تا ۹۹ نفر کارکن «متوسط» و بالاتر از ۱۰۰ نفر کارکن «بزرگ» تعریف می‌شوند	اداره آمار بانک مرکزی

برنامه‌های حمایتی از بنگاه‌های کوچک و متوسط فرصت‌های خوبی برای آن‌ها فراهم می‌کند تا رشد کنند و بر موانع پیش‌روی غلبه کنند، نقش بخش غیررسمی اقتصاد کاهش می‌یابد. (شکل ۴) را ببینید. با افزایش درآمد یک کشور نقش اقتصاد غیررسمی در آن کمتر و میزان ورود کارآفرینان به فعالیت‌های اقتصادی بیشتر می‌شود.

۳- اشتغال‌زایی و ارزش‌افزوده

بباید برای درک بهتر چگونگی و میزان تأثیر بنگاه‌های بزرگ و بنگاه‌های کوچک و متوسط بر اقتصاد نگاهی به اطلاعات مربوط به میزان اشتغال و ارزش‌افزوده هر یک از این بنگاه‌ها در کشورهای مختلف بیندازیم. به شکل‌های زیر نگاه کنید. در کشورهای کمتر توسعه‌یافته ۶۸/۶ درصد از اشتغال و ۴۹/۱ درصد از ارزش‌افزوده آن کشورها توسط بنگاه‌های خرد، کوچک و متوسط ایجاد شده است.

درحالی‌که در کشورهای توسعه‌یافته این مقادیر به ترتیب ۶۵/۵ درصد از اشتغال و ۶۱/۵ درصد از ارزش‌افزوده ایجاد شده متعلق به بنگاه‌های خرد، کوچک و متوسط است. این آمار نشان می‌دهد که وجود بنگاه‌های خرد، کوچک و متوسط در اقتصاد یک کشور نقش مهمی هم در اشتغال و هم در تولید ناخالص ملی دارد.

چرا بنگاه‌های کوچک و متوسط مهم‌اند؟

در مورد این‌که چرا بنگاه‌های کوچک و متوسط مهم هستند تاکنون زیاد نوشته شده است. در اینجا مروری می‌کنیم بر آنچه که این بنگاه‌ها در فرایند توسعه انجام می‌دهند تا نقش آن‌ها را در فرایند توسعه بهتر درک کنیم. این بنگاه‌ها از طریق مشارکت در رشد اقتصادی، نوآوری، اشتغال‌زایی و کاهش بخش غیررسمی اقتصاد، به توسعه اقتصادی یک جامعه کمک می‌کنند. ببینید چگونه این اتفاق می‌افتد:

۱- رشد اقتصادی

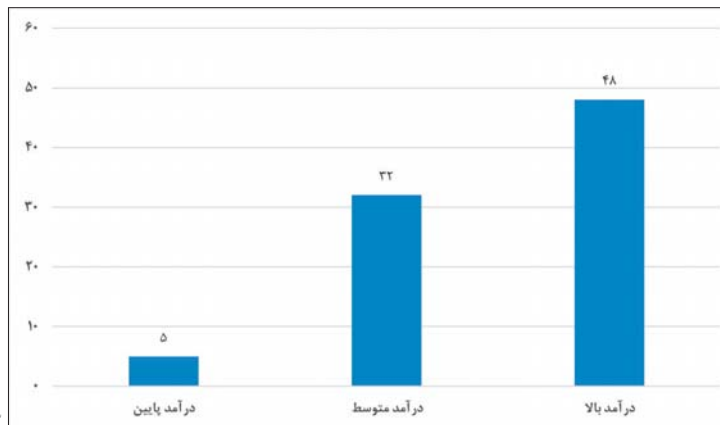
بنگاه‌های کوچک و متوسط در رشد اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه نقش مهمی دارند ولی در کشورهای توسعه‌یافته موانع پیش‌روی این بنگاه‌ها کمتر است. به شکل صفحه بعد (۳) نگاه کنید؛ سهم بنگاه‌های کوچک و متوسط از GDP بر اساس گروه درآمدی کشورها نشان داده شده است. همان‌گونه که می‌بینید با افزایش درآمد، سهم SMEها در GDP بیشتر می‌شود.

۲- کاهش بخش غیررسمی اقتصاد

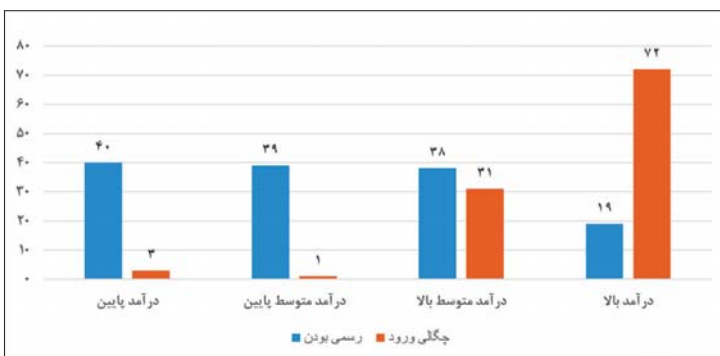
یکی دیگر از موضوعات مهم دیگر نقش SMEها در کاهش بخش‌های غیررسمی اقتصاد است. وقتی

یکی دیگر از
موضوعات مهم
دیگر نقش
SMEها در
کاهش بخش‌های
غیررسمی
اقتصاد است.
وقتی برنامه‌های
حمایتی از
بنگاه‌های
کوچک و متوسط
فرصت‌های خوبی
برای آن‌ها فراهم
می‌کند تا رشد
کنند و بر موانع
پیش‌روی غلبه
کنند، نقش بخش
غیررسمی اقتصاد
کاهش می‌یابد.

شکل ۳- سهم بنگاه‌های کوچک و متوسط از GDP در گروه‌های درآمدی (درصد)



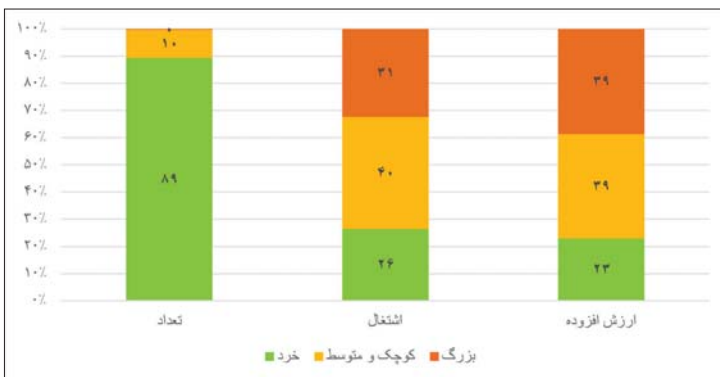
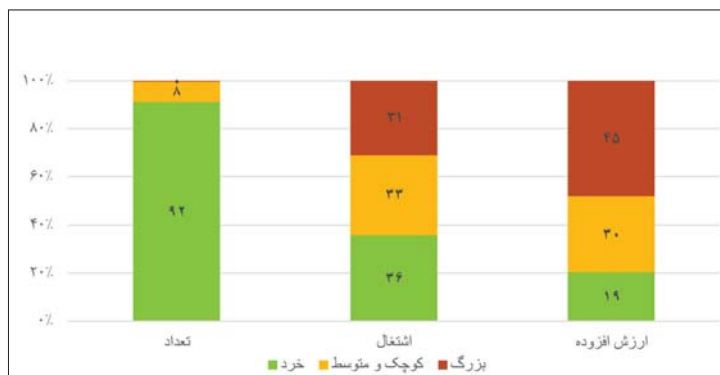
در کشورهای کمتر توسعه یافته ۶۸٫۶ درصد از اشتغال و ۴۹٫۱ درصد از ارزش افزوده آن کشورها توسط بنگاه‌های خرد، کوچک و متوسط ایجاد شده است.



شکل ۴- میزان غیر رسمی بودن اقتصاد و چگالی ورود کارآفرینان جدید در گروه‌های درآمدی (درصد)

در حالی که در کشورهای توسعه یافته این مقادیر به ترتیب ۶۵٫۵ درصد از اشتغال و ۶۱٫۵ درصد از ارزش افزوده ایجاد شده متعلق به بنگاه‌های خرد، کوچک و متوسط است. این آمار نشان می‌دهد که وجود بنگاه‌های خرد، کوچک و متوسط در اقتصاد یک کشور نقش مهمی هم در اشتغال و هم در تولید ناخالص ملی دارد.

شکل ۵- متوسط سهم بنگاه‌های خرد، کوچک، متوسط و بزرگ از نظر تعداد، اشتغال‌زایی و ارزش افزوده در کشورهای کمتر توسعه یافته^۴



شکل ۶- متوسط سهم بنگاه‌های خرد، کوچک، متوسط و بزرگ از نظر تعداد، اشتغال‌زایی و ارزش افزوده در کشورهای کمتر توسعه یافته



شکل ۷- مدل پیشنهادی اکوسیستم کارآفرینی

سهولت کسب و کار در بین ۱۹۰ کشور، ۱۲۷ است و این به خوبی این واقعیت تلخ را نشان می‌دهد که فعالان اقتصادی و کارآفرینان برای دریافت مجوزهای اداری با چالش‌های بزرگی روبرو هستند. پنجره واحد در اکوسیستم کارآفرینی برای حل این مشکلات تشکیل شد و کارهای زیر در شرح وظایفش قرار گرفت:

- ایجاد مرکز آموزش‌های عمومی و تخصصی،
- ایجاد مرکز مشاوره عمومی کسب و کار،
- ایجاد دفتر فنی برای ارائه کمک‌های تخصصی به کارآفرینان،
- پیگیری رفع موانع تولید،
- کمک به کارآفرینان جهت بازاریابی محصولات تولیدی.

بخش سوم- نهادسازی مالی

موضوع کارآفرینی با تأمین مالی گره خورده است. بدون منابع مالی مناسب عملاً راه برای کارآفرینان بسته است. پژوهشگران توسعه اقتصادی عمده‌ترین دلیل ایجاد میانه گمشده و عدم رشد کسب و کارهای کوچک و متوسط را در دنیا عدم توفیق در تأمین مالی ذکر کرده‌اند. برای تأمین مالی کسب و کارهای کوچک و متوسط بایستی به دو بعد توجه کرد: اولاً کارآفرین در چه مرحله‌ای از راه‌اندازی طرح خود است. طرح‌هایی که در مراحل جوانه‌زنی، راه‌اندازی و رشد هستند با ریسک بالایی مواجه‌اند بنابراین نیاز به منابع مالی دارند که ریسک خود را با سرمایه‌گذار تقسیم کنند. در این حالت روش‌های مبتنی بر بدهی که کارآفرین بایستی هم در صورت موفقیت و هم در صورت عدم موفقیت نسبت به بازگشت مبلغ تأمین مالی متعهد باشد برای این دسته از کارآفرینان مناسب نیست. ثانیاً بسته به این که طرح در چه حوزه‌ای

اکوسیستم کارآفرینی

اکوسیستم کارآفرینی محیطی است که تمام عناصر لازم برای توسعه کارآفرینی در آن وجود دارد و همه این عناصر با ایفای نقش خود به کارآفرین کمک می‌کنند تا کسب و کار خود را راه‌اندازی و مدیریت کند. برخلاف شرکت‌های بزرگ که می‌توانند با قدرت و اعتباری که دارند مسائل خود را حل و فصل کنند و کسب و کارشان را به پیش ببرند، شرکت‌های کوچک و متوسط نیازمند بستر مناسبی هستند که در آن ابزارها و شرایط رشد مهیا شده باشد.

بر پایه مطالعات و بررسی‌های انجام شده برای توانمندسازی جامعه محلی در شهر بایک و برای حل مسئله میانه گمشده در این شهر، استقرار اکوسیستم کارآفرینی مورد توجه قرار گرفت. برای دستیابی به نتایج سریع و ملموس مدل اکوسیستم پیشنهادی تنها دارای ۶ قسمت بود (شکل ۷).

بخش اول- عارضه‌یابی

برای این که مسائل و مشکلات فعالان اقتصادی در اجرای طرح‌ها مشخص شود کار استقرار اکوسیستم با عارضه‌یابی طرح‌هایی که نسبت به دریافت مجوز خود اقدام کرده بودند و طرح آن‌ها در حال اجرا بود و یا به بهره‌برداری رسیده بود، شروع شد. گام نخست مهم بود؛ زیرا اول این که مشخص می‌کرد که مسائل و مشکلات کارآفرینان در عمل چه هستند. دوم این که این کارآفرینان بخشی از مسیر کارآفرینی را طی کرده بودند و در نتیجه به سرانجام رساندن طرح آن‌ها سریع‌تر می‌شد.

همچنین اگر این طرح‌ها به بهره‌برداری می‌رسیدند از سرمایه‌های موجود که توسط شرکت‌ها و افراد انجام شده بود استفاده می‌شد. برای پیشبرد کار نیاز به داستان موفقیت یک یا چند طرح وجود داشت تا فضای حاکم بر فعالان اقتصادی تغییر کند. عارضه‌یابی بر اساس دستورالعملی که به همین منظور تهیه شد و هم محیط بیرونی و محیط داخلی کسب و کار را ممیزی می‌کرد، انجام شد. نتایج عارضه‌یابی بر اساس میزان فراوانی آن‌ها به صورت زیر بود:

- عدم توفیق در دریافت مجوزهای اداری لازم،
- مشکلات تأمین مالی،
- ناتوانی در بازاریابی،
- عدم برخورداری از دانش و مهارت در حوزه تخصصی فعالیت و مسائل عمومی کسب و کار،
- عدم تطابق طرح با منابع و توانمندی‌های شهرستان.

بخش دوم- پنجره واحد

نتایج حاصل از عارضه‌یابی به خوبی مسائل و مشکلات پیش‌روی کارآفرینان را نشان داد. واقعیت این است که در آخرین گزارش انجام کسب و کار ۵، رتبه ایران در شاخص

برای این که مسائل و مشکلات فعالان اقتصادی در

اقتصادی در

اجرای طرح‌ها

مشخص شود کار

استقرار اکوسیستم

با عارضه‌یابی

طرح‌هایی که

نسبت به دریافت

مجوز خود اقدام

کرده بودند و

طرح آن‌ها در

حال اجرا بود و

یا به بهره‌برداری

رسیده بود، شروع

شد. گام نخست

مهم بود؛ زیرا اول

این که مشخص

می‌کرد که مسائل

و مشکلات

کارآفرینان در

عمل چه هستند.

دوم این که این

کارآفرینان بخشی

از مسیر کارآفرینی

را طی کرده بودند

و در نتیجه به

سرانجام رساندن

طرح آن‌ها سریع‌تر

می‌شد.

انجام می‌شود و ریسک موفقیت یا شکست آن چقدر است روش تأمین مالی متفاوت است. در این بخش از اکوسیستم با مطالعه روش‌های تأمین مالی مرسوم در دنیا متناسب با این دو بعد ابزارهای مالی پیشنهاد شد. به صورت کلی این ابزارها در چهار دسته تقسیم شدند:

- ۱- ابزارهای مبتنی بر تأمین مالی شخصی،
- ۲- ابزارهای مبتنی بر سرمایه‌گذاری مانند صندوق سرمایه‌گذاری جسورانه،
- ۳- ابزارهای مبتنی بر بدهی مانند وام بانکی،
- ۴- ابزارهای مبتنی بر تأمین مالی داخلی مانند زیر کلید گرفتن ائبر.

بخش چهارم- توانمندسازی کارآفرینان

«هر کسی را بهر کاری ساختند/ میل آن را در دلش انداختند»

مولوی در قرن ششم به خوبی توانایی‌ها و علایق فردی را برای انتخاب یک شغل در این بیت نشان داده است. تئوری‌های کارآفرینی که بیشتر بر ویژگی‌های رفتاری تأکید دارند معتقدند که افراد کارآفرین بایستی دارای یکسری از ویژگی‌های رفتاری باشند تا بتوانند یک کسب‌وکار را مدیریت کنند. امروزه به خاطر مشکل بیکاری، تب کارآفرینی در جامعه بالا رفته و افراد به سمت ایجاد کسب‌وکار سوق داده می‌شوند. این در حالی است که اگر فرد از نظر رفتاری ویژگی‌های کارآفرینی را چه به صورت ذاتی و چه به صورت اکتسابی نداشته باشد، ممکن است هم در اجرای طرح خود با مشکل مواجه شود و هم مشکلات دیگری افزون بر بیکاری گریبان‌گیرش شود. طرح توانمندسازی کارآفرینان در این بخش از اکوسیستم قصد دارد که ابتدا از طریق آزمون‌های رفتارشناسی مانند MBTI و DISC افراد دارای ویژگی‌های رفتاری مناسب با کارآفرینان را شناسایی کرده و سپس از طریق مهارت‌افزایی، آموزش، مشاوره و مربیگری به آن‌ها در شناسایی، ارزیابی، اجرا و راه‌اندازی ایده‌شان کمک کند. بیشتر از این موارد با ایجاد فضای کار اشتراکی هم امکانات اولیه در اختیار این افراد قرار گرفت و هم ارائه خدمات به آن‌ها سهل‌تر شد. فضای کار اشتراکی به کارآفرینان در ایجاد شبکه ارتباطی نیز کمک کرد.

بخش پنجم- شناسایی فرصت‌های جدید سرمایه‌گذاری

مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی که در بهمن سال ۸۶ با عنوان مروری بر مطالعات آمایش سرزمین منتشر کرد به این موضوع مهم اشاره کرده است که اگرچه قدمت طرح‌های آمایش سرزمین در ایران به دهه پنجاه شمسی می‌رسد، ولی این طرح‌ها هیچ‌گاه به مرحله اجرا و ارزیابی نرسیدند؛ بنابراین به‌خاطر نبود نقشه راه توسعه که مبتنی بر توانمندی‌ها و ظرفیت‌های هر منطقه تدوین شده باشد

کارآفرینان بیشتر بر پایه اطلاعات، امکانات و تخصص خود اقدام به راه‌اندازی کسب‌وکار نموده‌اند. در برخی از موارد این کسب‌وکارها، با منابع و امکانات محل اجرای طرح همخوانی نداشته‌اند و کارآفرین به ناچار یا کسب‌وکار را متوقف کرده و یا در مکان دیگری ادامه داده است. این مسئله در گزارش عرضه‌یابی نیز مشهود بود و برخی از کارآفرینان طرح خود را متوقف نمودند. این بخش از اکوسیستم فرصت‌های جدید سرمایه‌گذاری را بر اساس سه معیار شناسایی و ارزیابی می‌کند:

- تکمیل زنجیره ارزش صنایع موجود،
- استفاده از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های موجود در منطقه،
- در نظر گرفتن محدودیت‌های موجود در منطقه.

باید با لحاظ کردن سه معیار فوق، هم‌گرایی و هم‌افزایی بین طرح‌های کارآفرینان به‌وجود بیاید تا هم پایداری و هم ارزش‌افزوده حاصل از این فعالیت‌های اقتصادی بیشتر شود.

بخش ششم- فرهنگ‌سازی

فرایند توسعه بدون فرهنگ‌سازی در جامعه تقریباً غیرممکن است. نه تنها بایستی برای مردم، کارآفرینان، کارکنان، مسئولان حاکمیتی و رسانه‌ها تمام زوایای توسعه به‌خوبی برایشان تشریح شده باشد، آن را درک کرده و بپذیری آن باشند بلکه سهم و نقش هر یک از آن‌ها برای تحقق این فرایند نیز بایستی مشخص شود و هر یک کار خود را به‌شایستگی انجام دهد. برای افزایش فرهنگ توسعه و کارآفرینی ابزارهای متفاوتی طراحی و مورد استفاده قرار گرفت:

- جلسات گفتگو با افراد و گروه‌های ذی‌نفع،
- برگزاری رویدادهای خلاق‌شو، همیاد و تور کارآفرینی،
- تولید محتوا در قالب نوشته، فیلم و اینفوگرافیک،
- نمایش فیلم‌های کارآفرینی،
- جشنواره کسب‌وکار.

نتیجه‌گیری

باتوجه به ساختار بنگاه‌های اقتصادی در ایران، با پدیده میانه‌گمشده مواجه هستیم. علی‌رغم وجود شرکت‌های بزرگ ملی در استان کرمان به دلیل عدم وجود سیاست‌های حمایتی و پشتیبانی از کسب‌وکارها، بنگاه‌های کوچک و متوسط در این استان از توانمندی‌های لازم برخوردار نیستند. این در حالی است که می‌توان با اهرم کردن توانمندی‌ها و نیازهای این شرکت‌ها به توسعه و گسترش بنگاه‌های کوچک و متوسط کمک کرد. تجربه فعالیت در شهر بابک نشان داد که با ایجاد اکوسیستم کارآفرینی و حمایت مسئولان دولتی و مدیران شرکت مس می‌توان یک معین اقتصادی خوب بود. ♦♦

- ▼
- [با توجه](#)
- [به ساختار](#)
- [بنگاه‌های](#)
- [اقتصادی در](#)
- [ایران، با پدیده](#)
- [میانه گمشده](#)
- [مواجه هستیم.](#)
- [علی‌رغم وجود](#)
- [شرکت‌های بزرگ](#)
- [ملی در استان](#)
- [کرمان به دلیل](#)
- [عدم وجود](#)
- [سیاست‌های](#)
- [حمایتی و](#)
- [پشتیبانی از](#)
- [کسب‌وکارها،](#)
- [بنگاه‌های](#)
- [کوچک و متوسط](#)
- [در این استان از](#)
- [توانمندی‌های](#)
- [لازم برخوردار](#)
- [نیستند. این در](#)
- [حالی است که](#)
- [می‌توان با اهرم](#)
- [کردن توانمندی‌ها](#)
- [و نیازهای این](#)
- [شرکت‌ها به](#)
- [توسعه و گسترش](#)
- [بنگاه‌های کوچک](#)
- [و متوسط کمک](#)
- [کرد.](#)



طرح شهید احمدی روشن؛ ارتباط نخبگان دانشگاهی با جامعه و صنعت

♦ دکتر علیرضا سعیدی
رئیس بنیاد نخبگان استان کرمان



چکیده

تشکیل هسته‌های نخبگانی «طرح شهید احمدی روشن» ریشه در نظریه یادگیری مسئله محور و طرح‌های کو-آپ دارد که از سال ۱۹۶۶ در برخی از دانشگاه‌های جهان برگزار می‌شود. بنیاد ملی نخبگان با هدف افزایش سطح کیفی رشته و تسهیل کسب تجربه در دنیای واقعی از سال ۱۳۹۶ تاکنون اقدام به تشکیل هسته‌های نخبگانی با استفاده از همکاری متقابل خبرگان علمی شرکت‌های صنعتی و فعالیت مستعدان برتر نموده است. در این طرح استادان خبره دانشگاهی و متخصصان برتر صنعتی با شناسایی مسائل و مشکلات اصلی کشور، هسته‌های نخبگانی مسئله محور را با مشارکت دانشجویان مستعد برگزیده تشکیل داده و به‌صورت علمی و تخصصی در قالب طرحی مشخص و در بازه زمانی معین به حل آن‌ها می‌پردازند. به بهانه شروع اجرای این طرح در بنیاد نخبگان استان کرمان از سال جاری، در این نوشتار به معرفی و تشریح طرح مذکور می‌پردازیم.

مقدمه

همزمان با آشکار شدن روزافزون اهمیت اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش‌بنیان به‌عنوان ستون خیمه اقتصاد مقاومتی نیز بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. روشن است که توجه به مسئله اقتصاد دانش‌بنیان بدون فراهم آمدن سیستم جامع که تمام نیازهای فعالیت دانش‌بنیان در آن گرد آمده باشد، غیرممکن است. یکی از ارکان مهم این زیست‌بوم، مسئله تربیت و آماده‌سازی نیروهای مستعد و نخبه جهت

**روشن است
که توجه به
مسئله اقتصاد
دانش‌بنیان
بدون فراهم
آمدن سیستم
جامع که تمام
نیازهای فعالیت
دانش‌بنیان در آن
گرد آمده باشد،
غیرممکن است.
یکی از ارکان مهم
این زیست‌بوم،
مسئله تربیت
و آماده‌سازی
نیروهای مستعد
و نخبه جهت
حضور در این
عرشه است.**

حضور در این عرصه است. تشکیل هسته‌های نخبگانی دانشجویی بر محور استادان و خبرگان متعهد که چندین بار در بیانات مقام معظم رهبری نیز به آن اشاره شده است، یکی از بهترین روش‌های تحقق این هدف است. حضور جوانان مستعد در کنار خبرگان اهل فن موجب می‌شود توانمندی‌های تخصصی، مهارت‌های عمومی و سجایای اخلاقی مستعدان در بستری تربیتی آموزشی تقویت شود. این اتفاق می‌تواند باعث شود تا منابع انسانی توانمندتری برای پر کردن نقاط کلیدی کشور در سال‌های آتی وجود داشته باشد. به دلیل اهمیت این مسئله، بنیاد ملی نخبگان به‌عنوان نهادی سیاست‌گذار در امور مربوط به نخبگان در کشور، با سازمان‌دهی و فراهم آوردن زیرساخت‌های لازم، سعی کرده است با هدف توانمندسازی و مشارکت دانشجویان مستعد برای حل مسائل کشور با اجرای «طرح شهید احمدی روشن» توانمندی‌های دانشجویان صاحب استعداد برتر را در جهت شناسایی و حل مسائل واقعی کشور هدایت نماید. در این طرح استادان خبره دانشگاهی و متخصصان برتر صنعتی با شناسایی مسائل و مشکلات اصلی کشور،

سنتی موجب نگرش مثبت به برنامه درسی و یادگیری، تقویت صورت‌بندی و سازمان‌دهی، بهبود مهارت‌های حل مسئله، تقویت مهارت‌های ارتباطی، رشد تفکر انتقادی و حس پرسشگری، تقویت یادگیری خودراهبر، استفاده بیشتر از کتابخانه و به‌کارگیری منابع یادگیری اضافی، بهبود به‌کارگیری راهبردهای مناسب فراشناختی و استدلالی در دانشجویان می‌شود. به طور خلاصه می‌توان مهارت‌های یادشده را در سه دسته مهارت اصلی تعریف نمود که عبارت‌اند از: تقویت تجزیه و تحلیل اطلاعات، بهبود توانایی کار مشترک و یادگیری به‌موقع در زمان لازم.

مزایای هسته‌های نخبگانی

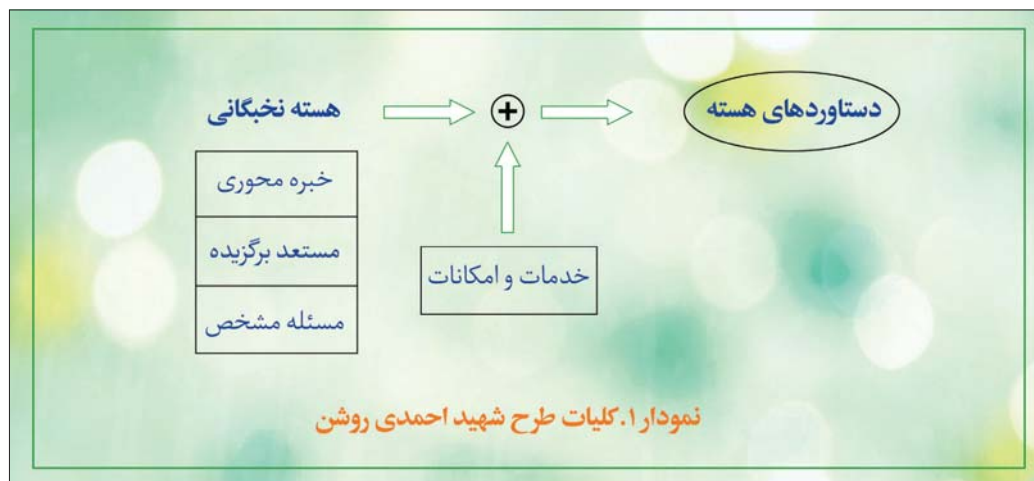
- در آمیختگی نظریه و عمل: حرکت مستعدان از یادگیری انتزاعی صرف به سوی کاربرد دانش در دنیای واقعی،
- گسترش دانش از راه پرسشگری و تقویت فراشناخت مستعدان،
- افزایش تعامل پژوهشی بین‌رشته‌ای،
- تغییر نقش مدرس از آموزش‌دهنده به تسهیلگر و از ارزیابی‌کننده یادگیری به خودارزیابی فرد مستعد و ارزیابی مستعد توسط همسالان،
- حرکت مستعدان از الگوی سنتی استقلال فردی در یادگیری به الگوی مشارکت تیمی، متقابل و منضبط،
- افزایش مسئولیت‌پذیری مستعدان و نخبگان درباره یادگیری خود،
- افزایش تحرک اجتماعی دانشجویان مستعد،
- دسترسی دانشجویان به منابع مالی جدید و حمایت دولت برای متنوع سازی منابع درآمدی دانشجویان مستعد،

هسته‌های نخبگانی مسئله محور را با مشارکت دانشجویان مستعد برگزیده تشکیل داده و به‌صورت علمی و تخصصی در قالب طرحی مشخص و در بازه زمانی معین به حل مسئله واقعی می‌پردازند.

به‌طور خلاصه هدف کلی یک هسته نخبگانی، تربیت و آموزش مستعدان در بستر حل یک مسئله واقعی زیر نظر یک خبره می‌باشد. این طرح در بنیاد ملی نخبگان آغاز به فعالیت نموده است و این نهاد با استفاده از ظرفیت اساتید و خبرگان، وظیفه برنامه‌ریزی و اجرای آن را برعهده دارد. طی فرایند راه‌اندازی و تشکیل یک هسته نخبگانی اهداف زیر دنبال می‌گردد:

- آموزش و توانمندسازی دانشجویان مستعد در قالب حل یک مسئله واقعی،
 - رشد و نمو مستعدان زیر نظر خبرگان توانمند،
 - هدایت دانشجویان مستعد برای شناسایی مسائل راهبردی کشور،
 - ایجاد شبکه دانشجویان مستعد مرتبط با یکدیگر،
 - افزایش مهارت‌های اجتماعی و روحیه خودباوری دانشجویان،
 - افزایش اعتماد دستگاه اجرایی، مراکز علمی و بخش خصوصی به برگزیدگان.
- تشکیل هسته‌های نخبگانی ریشه در نظریه یادگیری مسئله محور و طرح‌های کو-آپ دارد که ابتدا در سال ۱۹۶۶ در دانشگاه مک‌مستر کانادا، سپس دانشگاه نیوکاسل استرالیا و ماستریخت هلند در رشته‌های پزشکی آغاز شد و پس از آن در برخی دیگر از دانشگاه‌های دنیا ادامه یافت. مطالعات و تحقیقات نشان می‌دهد که آموزش مسئله محور در مقایسه با برنامه‌های آموزش

- در این طرح
- استادان خبره
- دانشگاهی و
- متخصصان
- برتر صنعتی با
- شناسایی مسائل
- و مشکلات اصلی
- کشور، هسته‌های
- نخبگانی
- مسئله محور
- را با مشارکت
- دانشجویان
- مستعد برگزیده
- تشکیل داده و
- به‌صورت علمی
- و تخصصی در
- قالب طرحی
- مشخص و
- در بازه زمانی
- معین به حل
- مسئله واقعی
- می‌پردازند.
- به‌طور خلاصه
- هدف کلی یک
- هسته نخبگانی،
- تربیت و آموزش
- مستعدان در بستر
- حل یک مسئله
- واقعی زیر نظر یک
- خبره می‌باشد.



- برگزاری مصاحبه برای انتخاب اعضای هسته از بین اعضای درخواست دهنده،
- ایجاد توانمندی لازم در اعضا برای فعالیت در حوزه تخصصی،
- ایجاد هم‌افزایی و هم‌گرایی در بین اعضای هسته در جهت ساخت یک تیم منسجم برای فعالیت‌های آتی،
- ارجاع به مشاورین تخصصی و عمومی در جهت رشد اعضا،

- ترغیب اعضای هسته به استفاده از دوره‌های آموزشی عمومی تدارک دیده‌شده توسط بنیاد،
- تدارک دوره‌های آموزشی تخصصی لازم جهت استفاده اعضا،
- تلاش برای حل مسئله در نظر گرفته‌شده برای هسته توسط اعضا،
- ایجاد ارتباط لازم برای اعضای هسته با نهادها و افراد بیرونی،
- ارائه گزارشات دوره‌ای از روند پیشرفت کارها به بنیاد ملی نخبگان،
- تدارک برنامه‌های مفرح جمعی.

وظایف پنهان

- پرورش اعضای هسته همزمان با حل مسئله،
- توجه به امور آموزشی، پژوهشی، تربیتی-اعتقادی اعضای هسته،
- ایجاد زمینه تفکر در مورد مسائل کلی زندگی مانند هدف زندگی، نگرش عمومی به دنیا، ملاک‌های تصمیم‌گیری، توجه به ابعاد همه‌جانبه شخصی در اعضای هسته،
- ایجاد زمینه بحث‌های فرهنگی و اجتماعی رشد همه‌جانبه اعضای هسته.

مستعدان تحت حمایت بنیاد ملی نخبگان که واجد شرایط تعیین‌شده از طرف بنیاد ملی نخبگان باشند و ترجیحاً در سال برگزاری طرح، مشمول دریافت جوایز تحصیلی بنیاد ملی نخبگان بوده باشند در صورت داشتن انگیزه و اشتیاق کافی جهت آموزش در کنار یک استاد و خبره متخصص، می‌توانند برای عضویت در یکی از هسته‌های نخبگانی درخواست دهند. این افراد باید بتوانند در طول مدت اجرای برنامه هسته‌ها، بسته به نیاز پروژه و حجم فعالیت‌های تعریف‌شده توسط خبره محوری، به میزان ۱۵ تا ۲۰ ساعت در هفته مشغول فعالیت در این طرح باشند. پس از تعیین خبرگان محوری و انتخاب مسائل توسط آن‌ها و بعد از مشخص شدن ساختار پروژه و ویژگی‌های موردنظر (رشته و مقطع تحصیلی) طی فراخوانی، افرادی که حداقل شرایط را

- تشویق دانشگاه‌ها به توجه به نیازهای جامعه،
- افزایش تعامل علمی بین دانشگاه‌ها در مرزهای ملی،
- ایجاد چرخه روابط جدید بین آموزش عالی، دولت، صنعت و جامعه برای پیشرفت اقتصادی و تولید دانش در راستای منافع اجتماعی.

اجزای اصلی طرح

نمودار شماره ۱، نمای کلی از فعالیت هسته‌های نخبگانی را تشریح می‌نماید. مطابق این شکل، یک هسته نخبگانی متشکل از یک خبره محوری، جمعی از دانشجویان و یک دانش‌آموختگان مستعد و یک مسئله مشخص با استفاده از امکانات فراهم‌شده، اقدام به فعالیت نموده و دستاوردهایی دارد. در ادامه اجزای اصلی این طرح به تفصیل توضیح داده خواهد شد.

خبره محوری

خبره محوری، فردی است دانشگاهی یا صنعتی که در حوزه تخصصی خود ضمن شناخته شدن به‌عنوان یک فرد متخصص و نخبه، سابقه حل پروژه‌های راهبردی را داشته باشد و علاوه بر آن از انگیزه، توانایی و تجربه کافی جهت آموزش و تربیت مستعدان برخوردار باشد. همچنین لازم است این فرد علاوه بر تخصص و انگیزه کافی از جهت اعتقادی و اخلاقی نیز فردی نمونه و اسوه بوده تا بتواند الگوی مناسبی برای مستعدان تحت هدایت خود باشد. متولی راهبر و راهنمای هر هسته نخبگانی، خبره محوری آن هسته بوده و این فرد تلاش می‌نماید امور هسته را طوری برنامه‌ریزی و مدیریت نماید که رشد و نمو حداکثری اعضای هسته حاصل‌شده و علاوه بر آن، اعضای هسته در پایان مدت‌زمان اجرای هسته مسئله مشخص‌شده برای هسته را حل نمایند. خبرگان برای فعالیت در هر دوره از اجرای طرح شهید احمدی روشن از بین افرادی که شرایط فوق را داشته با نظر کمیته راهبردی طرح و تأیید رئیس بنیاد ملی نخبگان (نماینده وی) انتخاب و منصوب می‌شوند و متعهد می‌شوند بسته به نیاز پروژه و مرحله فعلی آن بین ۵ تا ۱۰ ساعت در هفته را به این کار اختصاص دهند. اهم وظایف خبره محوری را در دو دسته وظایف آشکار و پنهان به شرح ذیل می‌توان برشمرد:

وظایف آشکار

- انتخاب مسئله با کمک کمیته راهبری و کارفرمایان،
- تهیه ساختار پروژه و مشخص نمودن ویژگی‌های (رشته، مقطع تحصیلی) افراد موردنیاز برای انجام آن مسئله،

خبره محوری،

فردی است

دانشگاهی یا

صنعتی که در

حوزه تخصصی

خود ضمن

شناخته شدن

به‌عنوان یک

فرد متخصص و

نخبه، سابقه حل

پروژه‌های راهبردی

را داشته باشد

و علاوه بر آن از

انگیزه، توانایی

و تجربه کافی

جهت آموزش و

تربیت مستعدان

برخوردار باشد.

همچنین لازم

است این فرد

علاوه بر تخصصی

و انگیزه کافی از

جهت اعتقادی و

اخلاقی نیز فردی

نمونه و اسوه

بوده تا بتواند

الگوی مناسبی

برای مستعدان

تحت هدایت خود

باشد.

باشد.

در چارچوب نیازهای اساسی کشور: مسئله باید در چارچوب نیازها و مسائل اساسی و راهبردی کشور باشد. **شفاف و روشن:** مسئله باید همانند یک پروژه مرسوم، چارچوب و بیان کاملاً شفاف و روشن داشته باشد و اهداف و پایان آن واضح باشد.

زمان اجرا و توان موردنیاز مناسب: پروژه را باید به گونه‌ای تعریف کرد که طی ۱۱ الی ۱۳ ماه قابل انجام بوده و ضمناً توان آن از جهت مالی (متناسب با بودجه پیش‌بینی شده توسط کارفرما و بنیاد) و توانمندی‌های مستعدان وجود داشته باشد.

وجود قابلیت توسعه: تأکید بر این است که مستعدان پس از پایان طرح، بتوانند با استفاده از نتایج پژوهش‌ها و یا محصولات به دست آمده در پروژه، توسعه فعالیت‌های هسته را انجام داده و شرکتی دانش‌بنیان بر این پایه تأسیس نمایند.

خدمات و امکانات

جهت پویایی و هر چه بهتر برگزار شدن طرح شهید احمدی روش نیاز است که مجموعه‌ای از خدمات و امکانات از سمت بنیاد ملی نخبگان در اختیار اعضای هسته‌ها قرار بگیرد. اهم خدمات و امکانات در نظر گرفته شده برای اجرای این طرح به شرح ذیل می‌باشد:

فضای کاری و امکانات دفتری: بنا بر آن است که در هر استان متناسب با حجم مستعدان و تعداد هسته‌های فراخوان شده فضایی جهت استقرار و فعالیت هسته‌ها در نظر گرفته شود. بهتر است این فضا، فضای اشتراکی باشد که گروه‌ها بتوانند از آن استفاده کرده و در صورت نیاز از فضاهای خصوصی نظیر اتاق جلسات و مطالعه نیز استفاده نمایند. همچنین لازم است این فضا به گونه‌ای باشد که بتواند شادابی، پویایی و خلاقیت را به گروه‌ها تزریق نماید.

مشاورین تخصصی مرتبط با موضوع: نیاز است غیر از خبره محوری، مقدمات همکاری با مجموعه‌ای از مشاورین عمومی (در حوزه مسائل مبتلابه غالب هسته‌ها) و تخصصی (در حوزه نیاز یک هسته خاص) آماده گردد تا در صورت نیاز و بر حسب پیشنهاد خبره محوری، اعضا هسته‌ها بتوانند از مشاوره‌های آن افراد استفاده نمایند. **حمایت‌های بنیاد (امتیاز نخبگی، اعتبار فن‌یاری):** بر طبق برنامه‌ریزی‌های انجام شده بنیاد است که افراد عضو هسته در تمام مدت فعالیت در هسته از اعتبار فن‌یاری بهره‌مند شوند. همچنین بنا به نظر مسئول هسته تا ۱۰۰

داشته باشند متناسب با ویژگی‌های درخواستی، از طریق سامانه‌های موجود جهت عضویت در یکی از هسته‌های اعلام شده درخواست داده و خلاصه تجربیات شخصی خود را ارسال می‌نمایند. سپس خبرگان محوری با بررسی سوابق درخواست دهندگان و مصاحبه حضوری، افراد را برای عضویت در هسته مرتبط با خود انتخاب خواهند کرد. افراد منتخب پس از تعهد برای حضور تا پایان دوره اجرای برنامه، فعالیت خود را در چارچوب تعیین شده توسط خبره محوری آغاز خواهند کرد.

مسئله مشخص

بنا بر آنچه گفته شد در این طرح بناست در قالب حل یک مسئله مشخص، مسئله تربیت و آموزش جمعی از مستعدان موردتوجه قرار بگیرد. این مسئله مستقل از منابع تعریف آن، از بین نیازهای اساسی کشور که ضمن اهمیت کافی حل آن برای کشور، زمینه آموزشی کافی و همه‌جانبه برای مستعدان را داراست توسط خبره محوری انتخاب خواهد شد. به علت اینکه مخاطبین این طرح مستعدان تمامی رشته‌های تحصیلی می‌باشند، دامنه مسائل مورد هدف نیز گسترده بوده حوزه‌های مختلفی مانند فنی، علوم پایه، پزشکی، علوم انسانی، علوم اجتماعی و هنر را در برمی‌گیرد. به‌طورکلی این مسئله باید شرایط زیر را داشته باشد:

کارفرما و محل نیاز مشخص: ترجیح بر این است که پروژه‌هایی که برای یک هسته تعریف می‌شود از یک اعلام نیاز مشخص آمده یا خروجی آن به رفع یکی از نیازهای اصلی کشور کمک کند. اعلام نیاز می‌تواند از طرف یک کارفرمای خصوصی، ستادهای معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری و یا هر یک از نهادهای حاکمیتی و دولتی باشد.

بین‌حوزه‌ای بودن: ترجیح بر این است که مسئله مورد هدف از دسته مسائل واقعی بین‌حوزه‌ای باشد زیرا به علت عدم امکان توجه به حل این مسائل در دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها، فارغ‌التحصیلان دانشگاهی کمتر توان تعامل با افراد غیر هم رشته خود را دارند؛ بنابراین تعریف مسئله به‌صورت بین‌حوزه‌ای باعث خواهد شد تا دانشجویان ضمن حل یک مسئله واقعی‌تر، توانایی تعامل با دانشجویان رشته‌های دیگر که احتمالاً کمتر ادبیات و لغت مشترک دارند را نیز پیدا کنند.

دانش و فناوری محور: در این طرح بنا به این است مسائل و مشکلاتی از کشور مورد هدف قرار بگیرد که نیاز به ابزار دانشی و فناوری جهت حل آن وجود داشته

در این طرح

بناست در

قالب حل یک

مسئله مشخص،

مسئله تربیت و

آموزش جمعی

از مستعدان

موردتوجه قرار

بگیرد. این

مسئله مستقل از

منابع تعریف آن،

از بین نیازهای

اساسی کشور

که ضمن اهمیت

کافی حل آن

برای کشور، زمینه

آموزشی کافی

و همه‌جانبه

برای مستعدان را

داراست توسط

خبره محوری

انتخاب خواهد

شد.

خبره محوری، از اعتبار هسته‌های پژوهشی نیز استفاده نمایند.

فرایند

پس از انتخاب خبرگان، مسائل، فراخوان و انتخاب اعضای هسته‌ها طبق آنچه گفته شد، اعضای هسته طبق برنامه زمانی طراحی شده توسط خبره طرح و در چارچوب فعالیت‌های در نظر گرفته شده به فعالیت خواهند پرداخت تا بتوانند مسئله هسته خود را حل نموده و راه حل ارائه نمایند. همچنین اجرای این طرح، برای اعضا هسته علاوه بر فراهم آوردن امکانات شرکت در دوره‌های آموزشی عمومی و تخصصی و بهره‌مندی از مشاورین تخصصی، برنامه‌های فرهنگی (شامل بازدیدها و اردوها) نیز در نظر گرفته خواهد شد. اهم مراحل این فرایند بدین شرح است:

انتخاب خبرگان و مسائل: هر دوره از اجرای طرح شهید احمدی روشن با انتخاب خبرگان محوری آغاز خواهد شد. کمیته راهبری طرح، از بین خبرگان موجود و مطرح که شرایط لازم برای محوریت هسته‌های نخبگانی را داشته باشند، خبرگان محوری را انتخاب خواهد کرد. در کنار این اتفاق، مجریان طرح با اعلام فراخوانی اقدام به جمع‌آوری مسائلی در چارچوب مشخص شده برای هسته‌ها خواهند نمود. خبرگان منتخب، از میان مسائلی معرفی شده توسط کارفرمایان یا از میان پیشنهادهای احتمالی خود، اقدام به انتخاب و معرفی مسئله مورد نظر بنیاد خواهند نمود. پس از تأیید مسئله توسط بنیاد، خبرگان محوری اقدام به تهیه ساختار و چارت پروژه خواهند نمود و مشخصات افراد لازم برای انجام پروژه را به بنیاد اعلام خواهند کرد. همچنین در این مرحله بنیاد اقدام به عقد قرارداد با خبرگان منتخب و کارفرمایان خواهد نمود و نسبت خبرگان و کارفرمایان با عواید مادی، معنوی طرح و همچنین نقش آن‌ها در تعیین زیرساخت‌های لازم برای انجام طرح را مشخص خواهد کرد.

انتخاب اعضای هسته‌ها: پس از اعلام مشخصات لازم برای اعضای هسته‌ها توسط خبرگان، بنیاد اقدام به اعلام فراخوان طرح بین مخاطبین خود خواهد نمود. این فراخوان در مرحله اول یک فراخوان اینترنتی خواهد بود که مشخصات افراد لازم برای هسته‌های مختلف در آن اعلام شده و مخاطبین بنیاد متناسب با وضعیت خود، اقدام به ثبت‌نام در هسته‌های موجود خواهند کرد. پس از این مرحله و بعد از پایان مرحله ثبت‌نام، رزومه افراد

امتیاز مطابق جداول امتیازات شیوه‌نامه‌های بنیاد ملی نخبگان، به‌عنوان شرکت در یک فعالیت نخبگانی برای آن‌ها در نظر گرفته خواهد شد.

دوره‌های خارج از کشور: در صورت نیاز هسته‌ها به حضور در دوره‌های آموزشی و یا بازدیدهای تخصصی خارج از کشور، این امکان فراهم آمده است که افراد موردنظر بتوانند این کار را انجام دهند.

هزینه ساخت نمونه اولیه: متناسب با محل تعریف پروژه و کارفرمای احتمالی آن و همچنین تفاهم‌نامه انجام شده با کارفرما و پس از طی مراحل اولیه، هزینه ساخت نمونه اولیه در تعامل بنیاد ملی نخبگان و کارفرما تأمین می‌گردد. هرگونه حمایت بنیاد در این مرحله منوط به وجود کارفرما یا محل نیاز مشخص برای محصول آماده شده می‌باشد.

دوره‌های آموزشی عمومی و تخصصی: در طی برگزاری طرح شهید احمدی روشن دوره‌های آموزشی فشرده عمومی و تخصصی بین ۴ الی ۸ ساعت دوره آموزشی در هر ماه برای ثبت‌نام کنندگان در طرح در نظر گرفته شد. برخی عناوین پیشنهادی برای طرح به شرح زیر است:

- ایده تا محصول،
- مدل کسب‌وکار و استراتژی ورود به بازار،
- آشنایی با قوانین،
- آشنایی با استانداردهای مختلف و نحوه استفاده از آن‌ها،
- آشنایی با دانش فنی، امکان‌سنجی، طراحی مفهومی، طراحی پایه و تفصیلی،
- آشنایی با Patent, License, ...
- اصول مدیریت و کنترل پروژه و چگونگی مدیریت هزینه‌ها.

استفاده از شبکه آزمایشگاه‌های راهبردی: امکان استفاده از شبکه آزمایشگاه‌های راهبردی معاونت علمی نیز تا سقف مشخص برای اعضای هسته‌های نخبگانی فراهم آمده است.

امکان استفاده از برنامه‌های فرهنگی- تفریحی تدارک دیده شده: در راستای برنامه‌ریزی برای رشد همه‌جانبه مستعدان هسته‌ها و تقویت مودت بین اعضای هسته، بنیاد اقدام به برگزاری برنامه‌های تفریحی- فرهنگی در حین برگزاری دوره می‌نماید. بازدیدهای صنعتی، برنامه‌های تفریحی در طبیعت، کوه‌نوردی، برنامه‌های مذهبی مانند سخنرانی و افطاری و ... نمونه‌ای از این برنامه‌ها است.

استفاده از اعتبار هسته‌های پژوهشی زیر نظر خبره محوری: اعضای هسته می‌توانند در صورت درخواست

ترجیح بر این است

که مسئله مورد

هدف از دسته

مسائل واقعی

بین حوزه‌ای باشد

زیرا به علت عدم

امکان توجه به

حل این مسائل

در دانشگاه‌ها

و دانشکده‌ها،

فارغ‌التحصیلان

دانشگاهی کمتر

توان تعامل با

افراد غیر هم رشته

خود را دارند؛

بنابراین تعریف

مسئله به صورت

بین حوزه‌ای

باعث خواهد شد

تادانشجویان

ضمن حل یک

مسئله واقعی‌تر،

توانایی تعامل

بادانشجویان

رشته‌های دیگر

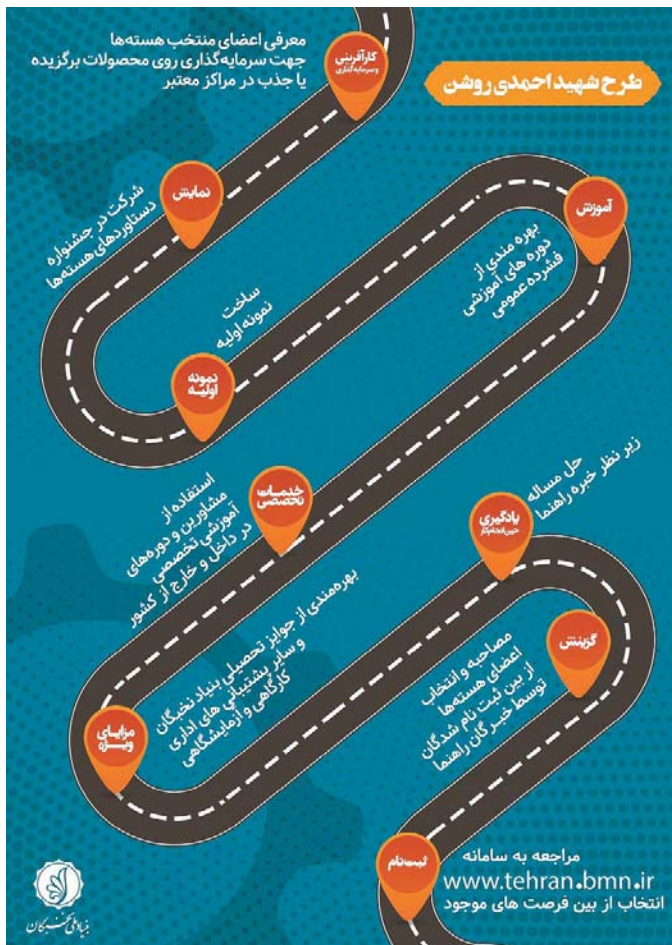
که احتمالاً کمتر

ادبیات و لغت

مشترک دارند را نیز

پیداکنند.

دستاوردها و محصولات هسته‌های شرکت‌کننده در آن دوره را به نمایش گذاشت و همچنین متناسب با مسئله در نظر گرفته شده برای هر هسته، مطلوب است بتوان آن تیم و محصول اولیه ساخته شده را مقدمه تأسیس یک شرکت دانش بنیان با محوریت اعضای هسته قرار داد. بنا به برنامه‌ریزی انجام شده، تصمیم بر آن است که بسته به پروژه انجام شده و کیفیت فعالیت اعضا هسته، حداقل ۴۰ درصد از مالکیت مادی و معنوی نتیجه به دست آمده به اعضای هسته واگذار شود. علاوه بر آن، این آمادگی وجود دارد اعضای منتخب هسته‌ها جهت همکاری و فعالیت به نهادهای مختلف خصوصی و دولتی کشور معرفی گردند. همچنین در صورتی که مسئله، کارفرما یا اعلام نیاز مشخص داشته باشد، نتیجه به دست آمده با ایشان به اشتراک گذاشته شده و اعضای هسته به تناسب از نتایج مادی و معنوی آن بهره‌مند خواهند شد. ♦♦



ثبت‌نام شده به خبرگان ارسال خواهد شد و تأییدشدگان برای شرکت در مراسم افتتاحیه طرح دعوت خواهند شد. در مراسم افتتاحیه پس از برگزاری مراسم توضیح طرح و توجیه شرکت‌کنندگان، خبرگان اقدام به مصاحبه بین ثبت‌نام کنندگان خواهند کرد. پس از طی این مرحله، خبرگان افراد منتخب را به بنیاد معرفی خواهند کرد و بنیاد این موضوع را به ثبت‌نام کنندگان اعلام خواهد نمود. برگزیدگان جهت حضور در هسته‌ها فراخوانده خواهند شد و سایرین در دوره‌های بعد می‌توانند ثبت‌نام نموده و همچنین از دوره‌های آموزشی این طرح بهره‌مند شوند.

شروع دوره، برگزاری دوره‌های آموزشی، فرهنگی و تفریحی: پس از انتخاب اعضا و عقد قرارداد با مستعدان منتخب، دوره رسماً آغاز خواهد شد. در ابتدا یک دوره آموزشی فشرده عمومی برای منتخبین برگزار خواهد شد. عناوین دوره با تأیید اعضای کمیته راهبردی و خبرگان خواهد بود. دوره‌های آموزشی عمومی و برنامه‌های فرهنگی و تفریحی در طی دوره برگزاری طرح نیز در جریان خواهد بود. علاوه بر این خبرگان محوری می‌توانند در صورتی که متقاضی برگزاری دوره آموزشی اختصاصی مورد نیاز اعضای هسته خود باشد، درخواست برگزاری آن دوره را نیز به بنیاد ارسال نمایند. همچنین این امکان وجود دارد که در صورت صلاحدید خبرگان، مشاورین اختصاصی برای هر یک از هسته‌ها انتخاب گشته و از وجودشان بهره‌مندی صورت گیرد.

ارزیابی: مسئولین دوره در طی دوره، گزارش‌های دوره‌ای از وضعیت هسته خود و اعضای آن، سیر رشد آن‌ها و وضعیت کلی طرح به مسئولین بنیاد ارائه خواهند کرد. **پایان دوره:** در پایان دوره، لازم است که خبرگان با کمک مستعدان تحت تربیت خود اقدام به جلب رضایت کارفرمای پروژه خود نمایند. مراسم پایان دوره و ارائه دستاوردهای آن به کارفرمایان یا سرمایه‌گذاران نیز در پایان دوره برگزار خواهد شد. تلاش بر این است که شرکتی دانش بنیان با اعضای هسته تشکیل شده یا افراد برگزیده جهت جذب در دستگاه‌ها یا نهادها معرفی شوند.

دستاوردها

پس از پایان دوره، اعضای هسته علاوه بر رشد و آموزش در حوزه‌های مرتبط با خود، توانسته‌اند محصول یا دانش فنی پروژه را کسب نموده و همچنین با تیمی از سایر مستعدان عضو هسته خود هماهنگ و هم مسیر شوند. مطلوب است پس از پایان دوره بتوان در قالب نمایشگاهی



گفت‌وگو با دکتر «مسعود رضایی‌زاده» معاون پارک علم و فناوری استان کرمان

تشکیل استارت‌آپ‌ها بر مبنای اصول تفکر طراحی

اگر استارت‌آپ‌ها بر مبنای «اصول تفکر طراحی» شکل بگیرند هیچ‌گاه با مشکل روبه‌رو نخواهند شد و مورد مهم دیگر این‌که کسانی که وارد یک استارت‌آپ می‌شوند باید با بوم کسب‌وکار آشنا باشند. دکتر مسعود رضایی‌زاده، معاون پارک علم و فناوری استان کرمان در گفت‌وگو با سپهر اقتصاد کرمان ضمن اشاره به این موضوع می‌گوید که لازمه حرکت به سمت اقتصاد دانش‌بنیان، بسترسازی است که بر اساس اکوسیستم فناوری و تعیین نقشه راه شکل می‌گیرد. وی مشکلات حوزه بین‌الملل و خدمات خارجی را یک چالش مهم در بازار محصولات دانش‌بنیان کشور می‌داند و می‌گوید در حال حاضر ۳-۵ شرکت فعال در پارک علم و فناوری استان در حوزه فناوری‌های مشترک دارای ارتباطات بین‌المللی هستند و یا در زمینه عرضه محصولات به خارج از کشور فعالیت دارند. او همچنین با اشاره به این‌که اکنون به لحاظ تعداد، شرکت‌های دانش‌بنیان در استان در سطح مطلوبی هستند و بخشی از نیازهای استان را تأمین می‌کنند، می‌گوید که در مجموع ۲۳۰ شرکت فناورانه در استان کرمان وجود دارد، اما فضای حاکم بر اکوسیستم استارت‌آپی رضایت‌بخش نیست. وی یادآوری می‌کند که از ۱۰۰ درصد افرادی که شرکت دانش‌بنیان تشکیل می‌دهند تنها ۱۰ درصد موفق می‌شوند و آن‌ها کسانی هستند که تفکر طراحی دارند. در ادامه به مطالعه مشروح این گفت‌وگو دعوت می‌شود.

درآمد می‌کند. به هر سازمانی که بتواند به این سه سؤال پاسخ دهد یک استارت‌آپ گفته می‌شود. ویژگی منحصر به فرد یک استارت‌آپ این است که کسب‌وکاری است که در زمان کوتاه شکل می‌گیرد، اما یکی از الزامات یک استارت‌آپ موفق این است که باید از تفکر طراحی تبعیت کند که اصطلاحاً به آن Design Thinking می‌گویند. تفکر طراحی بر پنج اصل زیر استوار است:

♦ برای این‌که یک استارت‌آپ بتواند به مرحله رشد و شکوفایی برسد نیاز به چه حمایت‌هایی دارد؟ اصولاً چه عناصر و عواملی در کارند تا به شکل‌گیری یک استارت‌آپ موفق، منتهی شود؟

تعریف عمومی که از استارت‌آپ می‌شود این است که استارت‌آپ یک سازمانی است که می‌خواهد به سه سؤال پاسخ دهد، اینکه چه محصولی را تولید می‌کند، مشتریان این محصول چه کسانی هستند و به چه شکل استارت‌آپ کسب



در موضوع حمایت‌هایی که از استارت‌آپ‌ها توسط دولت انجام می‌شود باید گفت، در دنیا اکوسیستمی به نام اکوسیستم فناوری وجود دارد که خروجی اصلی آن استارت‌آپ‌ها هستند. حال سؤال اینجاست آیا اکوسیستم فناوری در ایران وجود دارد یا خیر؟ متأسفانه عدم وجود چنین اکوسیستمی در کشور حس می‌شود، درحالی‌که برای ایجاد حمایت‌های لازم از استارت‌آپ‌ها، بایستی سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی و خصوصی مربوطه شکل بگیرند. یکی از عوامل دولتی، وجود پارک‌های علم و فناوری است و در بخش خصوصی، شتاب‌دهنده‌ها هستند؛ در استان کرمان شتاب‌دهنده تگ و مراکز نوآوری و مراکز رشد کارکردشان حمایت از ایده تا رسیدن به کسب‌وکار استارت‌آپ‌ها است، اما مسئله‌ای که وجود دارد این است که این سازمان‌ها در عین این‌که وجود دارند، ولی جایگاه واقعی خود را پیدا نکرده‌اند. در بحث حمایت از استارت‌آپ‌ها، حمایت‌ها را می‌توان در چند حوزه در نظر گرفت:

ویژگی

منحصربه‌فرد

یک استارت‌آپ

این است که

کسب‌وکاری است

که در زمان کوتاه

شکل می‌گیرد،

اما یکی از الزامات

یک استارت‌آپ

موفق این است

که باید از تفکر

طراحی تبعیت

کند که اصطلاحاً

به آن Design

Thinking

می‌گویند.

- حمایت در حوزه استقرار، به عبارتی داشتن مکانی برای شروع استارت‌آپ،
- حمایت در حوزه آموزش، آموزش فضای استارت‌آپی به صاحبان ایده،
- حمایت در حوزه مالی، حمایت مالی از یک استارت‌آپ نوپا تا رسیدن به رشد.
سازمان‌هایی که نامبرده شد حمایت‌های بالا را دارند، اما بحث مهمی که وجود دارد، سرمایه‌گذار است. بعضی از استارت‌آپ‌ها، ایده‌های خیلی خوبی هستند ولی نیاز به سرمایه زیادی دارند؛ بنابراین لازم است سرمایه‌گذاران در این حوزه ورود کرده تا استارت‌آپ شکل گیرد.
برای جذب سرمایه‌گذاران باید بخش خصوصی وارد میدان

- درک صحیح از مشتریان یا اصطلاحاً تعامل با مشتری، استارت‌آپ‌ها،

- تعریف دقیق مسئله؛ برای مثال اگر هدف راه‌اندازی یک کسب‌وکار است، ابتدا باید با کسانی که با مسئله موردنظر روبه‌رو هستند تعامل داشته، سپس به تعریف مسئله یا به عبارتی مشکل پرداخت،

- ایده‌پردازی، در این مرحله باید انواع روش‌ها و راه‌حلی که برای حل مسئله وجود دارد ارزیابی شوند و از بین آن‌ها بهترین راه‌حل و گزینه انتخاب شود،

- نمونه‌سازی یا تولید نمونه و تست،

- تولید محصول.

چنانچه استارت‌آپ‌ها بر مبنای اصول تفکر طراحی شکل بگیرند، هیچ‌گاه با مشکل روبه‌رو نخواهند شد. اگر عمده مشکلات استارت‌آپ‌ها بررسی شود، به این نتیجه می‌رسیم که معمولاً مکانیزم و مراحل تفکر طراحی را رعایت نکرده‌اند؛ برای مثال در نظر بگیریید یک عضو هیئت‌علمی که با سال‌ها تلاش کسب‌وکاری را شروع کرده است، در صورتی که با مشتری تعامل نداشته باشد و تقاضامحور عمل نکرده باشد حتی اگر کسب‌وکار او به مرحله تولید برسد، فایده‌ای نخواهد داشت، چون که قدم اول به‌درستی انجام نشده است.

مسئله دیگری که مهم است کسانی که وارد یک استارت‌آپ می‌شوند حتماً باید با بوم کسب‌وکار آشنا باشند. مهم‌ترین عوامل در بوم کسب‌وکار عبارت‌اند از: شناخت مشتری، ارزش پیشنهادی محصول به عبارتی مزیت محصول برای جلب مشتری، جریان درآمدی محصول و ساختار هزینه‌ای، اهداف کار یا BP (طرح تجاری)، منابع کلیدی از جمله منابع انسانی، منابع مالی و منابع غیرمالی، شرکای کلیدی، کانال توزیع (چگونگی توزیع محصول پس از تولید) هستند.

جهت نیل به موفقیت یک استارت‌آپ، علاوه بر داشتن تفکر طراحی و شناخت کامل از بوم کسب‌وکار، افزایش سطح دانش و اطلاعات منابع انسانی بسیار مهم است که در همین راستا پارک علم و فناوری دوره‌های آموزشی به‌صورت سالیانه برگزار می‌کند. نکته آخر در باب موفقیت یک استارت‌آپ، شناخت عرضه‌های شکل‌گیری استارت‌آپ‌ها است. طبق بررسی انجام‌شده در بحث ایجاد استارت‌آپ‌های نو در دنیا، گاهی تا ۹۰ درصد استارت‌آپ‌ها موفق نشده‌اند و تنها ۱۰ درصد باقی‌مانده توانسته‌اند فضای کسب‌وکار لازم را فراهم نمایند. در عرضه‌یابی و بررسی عوامل شکست استارت‌آپ‌ها به ترتیب، عدم نیاز بازار به میزان ۴۲ درصد، کمبود بودجه ۲۹ درصد و نداشتن تیم مناسب ۲۳ درصد است. بحث‌های رقابتی و بقیه موارد دردهایی پایینی را به خود اختصاص داده‌اند؛ بنابراین جهت شکل‌گیری یک استارت‌آپ موفق باید به عوامل و عرضه‌های فوق توجه نمود.

قابلیت‌های لازم را نداشته ولی دنبال توسعه فناوری بروند. لذا در موضوع اقتصاد دانش‌بنیان در کشور، باید سیاست‌گذاری‌ها و ساختار صنعت و دانشگاه‌ها به سمت نسل سوم و چهارم حرکت نماید.

در بحث آموزش‌های مهارتی در کشور مشکلاتی وجود دارد، نیرویی که از دانشگاه فارغ‌التحصیل می‌شود فقط آموزش دیده و هیچ مهارتی ندارد و نتیجه این‌که این نیرو نمی‌تواند وارد بخش خصوصی شود. البته ذکر این نکته که بستر لازم جهت مهارت‌افزایی در کشور وجود ندارد، ضروری است در عین این‌که اصل وجود یک استارت‌آپ موفق، منابع انسانی آن است و منابع انسانی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی هستند!

در مجموع اگر هدف، حرکت به سمت اقتصاد دانش‌بنیان باشد، لازمه آن بسترسازی است. بر اساس اکوسیستم فناوری و تعیین نقشه راه مربوطه، این بستر شکل می‌گیرد. لازم است یادآوری شود که همه این‌ها شروع کار هستند و باید سال‌ها تلاش کرد تا اکوسیستم شکل گیرد؛ برای مثال یک‌شبه یک دانشگاه، دانشگاه نسل چهارم نمی‌شود.



شود؛ چرا که بخش دولتی سرمایه‌های محدود و به‌تبع آن حمایت‌های محدود دارد و نمی‌تواند کلیه بخش‌های حمایتی شکل‌گیری یک استارت‌آپ را پشتیبانی نماید؛ بنابراین مجموعه بخش‌های خصوصی و دولتی با یک برنامه مشخص که همان شکل‌گیری اکوسیستم کارآفرینی است، باید وارد شده و شکل‌گیری استارت‌آپ‌ها را سرعت بخشند.

در حال حاضر پارک علم و فناوری با همکاری شرکت شهرک‌ها و SPX به‌عنوان زیرمجموعه آن، انجمن شرکت‌های دانش‌بنیان و اتاق بازرگانی در حال تهیه سند توسعه اکوسیستم فناوری استان هستند. برای رسیدن به این هدف، ابتدا باید نقشه راه تعیین و سپس اجرا شود که متأسفانه در استان این نقشه وجود ندارد. اکوسیستم فناوری متشکل از دانشگاه‌ها، پارک‌های علم و فناوری، اتاق بازرگانی، سازمان فنی و حرفه‌ای، صنایع کوچک و بزرگ و SPX است، اما مشکلی که وجود دارد این است که این اجزا به هم متصل نیستند؛ به عبارتی کلیه این اجزا به‌صورت جزیره‌ای کار می‌کنند و این شکل کار کردن ممکن است نتیجه خوبی نداشته باشد؛ برای مثال ممکن است خروجی دانشگاه، مناسب برای سایر اجزا نباشد و به‌تبع آن خروجی پارک و مراکز فنی و حرفه‌ای نیز به همین صورت؛ بنابراین وجود نقشه راه ضروری است که تعیین می‌کند از هر کدام از این اجزا چه انتظاری وجود دارد.

اگر اقتصاد یک کشور مبتنی بر دانش و اطلاعات در حوزه سرمایه‌گذاری تا مرحله تولید و توسعه فناوری باشد به این شکل از اقتصاد، اقتصاد دانش‌بنیان گفته می‌شود. اقتصاد دانش‌بنیان زمانی شکل گرفت که کشورهای پیشرفته با اقتصاد همراه با کاهش بهره‌وری و افزایش هزینه روبرو شدند، بنابراین از سال ۱۹۸۰، عنوان اقتصاد دانش‌بنیان مطرح شد و در سال ۱۹۹۶، سازمان همکاری توسعه اقتصادی، عملاً اقتصاد دانش‌بنیان را تعریف کرد؛ با تأکید بر این‌که اقتصاد دانش‌بنیان، اقتصادی مبتنی بر دانش و اطلاعات همراه با حداکثر رشد و حداقل هزینه است.

در حال حاضر دانشگاه‌های دنیا وارد نسل سوم و چهارم شده‌اند که به آن دانشگاه کارآفرین می‌گویند. آیا دانشگاه‌ها در کشور ما وارد نسل کارآفرین شده‌اند؟ باید گفت خیر! در کشور ما دانشگاه‌ها هنوز در نسل یک و دو مانده‌اند. نسل اول دانشگاه‌ها، آموزشی‌اند، نسل دوم دانشگاه‌ها، آموزشی و پژوهشی‌اند و نسل سوم و چهارم مبتنی بر ارزش افزوده و کارآفرین هستند؛ بنابراین برای ایجاد اکوسیستم فناوری، لازم است دانشگاه‌ها کارآفرین باشند. از طرف دیگر صنعت در دنیا نسل چهارم خود را تجربه می‌کند در واقع نسل چهارم صنعت، نسل مبتنی بر اطلاعات و فناوری اطلاعات است ولی کشور ما حتی به این نسل از صنعت نزدیک هم نشده است. اعضای اکوسیستم فناوری نمی‌توانند

◆ در حال حاضر شرکت‌های دانش‌بنیان در استان کرمان چه تعداد و شاغلین آن‌ها چند نفر است؟ در مورد روند رشد این دسته از شرکت‌ها و حدود انطباق آن با انتظارات به لحاظ کمی و کیفیت توضیح دهید. اگر ممکن است نسبت توزیع این شرکت‌ها را در بخش‌های صنعت، معدن، کشاورزی و خدمات اعلام کنید.

دو تعریف برای شرکت‌های دانش‌بنیان وجود دارد یک تعریف بر اساس تعریف معاونت فناوری ریاست جمهوری است که در آن یکسری شاخه‌های تعریف‌شده و هر شرکتی که با هر کدام از سطح فناوری در این شاخه‌ها کار کند، یک شرکت دانش‌بنیان است که شرکت‌های دانش‌بنیان تولیدی نوع یک و نوع دو و شرکت‌های دانش‌بنیان نوپا نوع یک و نوع دو هستند.

شرکت‌های تولیدی به آن دسته از شرکت‌ها گفته می‌شود که اظهارنامه مالیاتی دارند، به عبارتی از حوزه خود درآمد کسب می‌کنند که معمولاً اگر بیش از ۲۵ درصد از درآمد آن‌ها مربوط به حوزه دانش‌بنیان باشد، شرکت‌های تولیدی نوع یک گفته می‌شود که معمولاً سطح فناوری آن‌ها بالاست و اگر ۱۰ درصد از درآمد اظهارنامه مالیاتی آن‌ها مربوط به حوزه دانش‌بنیان باشد و سطح فناوری نسبی پایین‌تر داشته باشند، شرکت‌های تولیدی نوع دوم نامیده می‌شوند. نکته مهمی که وجود دارد این است یک شرکت بر اساس محصول و خدمتی که ارائه می‌دهد به‌عنوان دانش‌بنیان شناخته می‌شود.

شرکت‌های نوپا آن دسته از شرکت‌ها هستند که در مرحله ایده و مرحله تجاری‌سازی هستند و کسب درآمد و به عبارتی اظهارنامه

در حال حاضر
پارک علم و
فناوری با همکاری
شرکت شهرک‌ها
و SPX به‌عنوان
زیرمجموعه
آن، انجمن
شرکت‌های
دانش‌بنیان و
اتاق بازرگانی در
حال تهیه سند
توسعه اکوسیستم
فناوری استان
هستند. برای
رسیدن به این
هدف، ابتدا باید
نقشه راه تعیین و
سپس اجرا شود
که متأسفانه در
استان این نقشه
وجود ندارد.

متأسفانه کشور دچار چالش اساسی است و همین موضوع به سیستم ارتباطی شرکت‌های دانش‌بنیان و خارج از کشور لطمه وارد کرده است. اگر این چالش برطرف شود، با استاندارسازی و بالا بردن سطح کیفی محصولات می‌توان اثرات مربوط به آن چالش را جبران کرد؛ برای مثال شرکت‌های موجود در پارک که محصولات خود را به خارج از کشور صادر می‌کنند را در نظر بگیرید، این شرکت‌ها ویژگی‌های خاصی دارند از جمله: محصولات آن‌ها از یک سطح استاندارد بالایی برخوردارند که کشورهای دیگر آن را می‌پذیرند، دوم از منظر قیمت تمام‌شده محصول، قابلیت رقابتی خوبی دارند، سوم شکل ظاهری محصول به لحاظ بسته‌بندی و قابلیت عرضه، مناسب است، چهارم شرکت موردنظر دارای واحد بین‌الملل فعال باشد و پنجم تأمین نیاز بازار خارجی با استفاده از شناسایی نیاز در خارج و اتکا بر پتانسیل داخل؛ بنابراین این پنج ویژگی موجب می‌شود که یک شرکت بتواند ارتباط خود را با خارج از کشور بدون تکیه به دولت حفظ نماید.

در حوزه کشاورزی در برخی از محصولات به دلیل دسترسی به منابع، قیمت تمام‌شده پایین است و همین امر موجب می‌شود که محصولات رقابتی شوند. در بحث تولید کود و سموم شرکت‌هایی در پارک وجود دارند که سم و کود ارگانیک تولید می‌کنند و برخی از آن‌ها با خارج از کشور قرارداد دارند و همه این موارد نشان‌دهنده این است که شرکت‌ها از پتانسیل داخل به‌خوبی استفاده کرده‌اند. دولت نیز با تسهیل صادرات می‌تواند حمایت‌هایی از این شرکت‌ها داشته باشد. اخیراً وزارت علوم و فناوری با همکاری وزارت امور خارجه، امر ارتباط بین شرکت‌های دانش‌بنیان در داخل و خارج از کشور را تسهیل کرده تا شرکت‌ها محصولات خود را در بازارهای خارجی عرضه کنند.

◆ در مورد چگونگی همکاری‌های نوآورانه و استارت‌آپی در سطح

کشور و به‌ویژه در استان کرمان توضیح دهید. با توجه به این‌که ۵۰ درصد شرکت‌های دانش‌بنیان عضو پارک علم و فناوری هستند. پارک علم و فناوری استان در این زمینه از طریق معاونت فناوری ریاست جمهوری اقداماتی انجام داده است تا شرکت‌های دانش‌بنیان با یکدیگر ارتباط داشته باشند که اگر این ارتباط به دو بخش ارتباط بین استارت‌آپی در داخل استان و در خارج از استان تقسیم شود، در بخش ارتباط در داخل، اخیراً پارک به‌صورت مکتوب از شرکت‌های زیرمجموعه خود درخواست معرفی ظرفیت و پتانسیل‌های خود را نموده تا از طریق واسطه‌گری پارک به دیگر شرکت‌ها معرفی و شرکت‌ها به یکدیگر متصل شوند. در مجموع تعامل بین شرکت‌های پارک خوب است اما باید این تعامل و هم‌افزایی بیشتر شود. در رابطه با بخش تعامل با خارج از استان نیز روزانه از طریق



برای ایجاد اکوسیستم فناوری، لازم است دانشگاه‌ها کارآفرین باشند. از طرف دیگر صنعت در دنیا نسل چهارم خود را تجربه می‌کند در واقع نسل چهارم صنعت، نسل مبتنی بر اطلاعات و فناوری اطلاعات است ولی کشور ما حتی به این نسل از صنعت نزدیک هم نشده است. اعضای اکوسیستم فناوری نمی‌توانند قابلیت‌های لازم را نداشته ولی دنبال توسعه فناوری بروند.

مالیاتی در حوزه خود ندارند و بر اساس امتیازات معاونت فناوری، اگر سطح فناوری بالایی داشته باشند در تعریف شرکت‌های نوپای نوع یک و اگر سطح فناوری پایین باشد در ردیف شرکت‌های نوپای نوع دو قرار می‌گیرند.

حمایت‌هایی از سمت معاونت فناوری ریاست جمهوری از شرکت‌های دانش‌بنیان در زمینه معافیت‌های مالیاتی، تأمین نیروی انسانی از طریق طرح خدمت سربازی و ... می‌شود که در این مورد در سایت دانش‌بنیان اطلاعات کاملی وجود دارد.

بر اساس تعاریف بالا در حال حاضر ۵۵ شرکت دانش‌بنیان از هر چهار نوع در استان کرمان وجود دارد و به‌طور متوسط بالغ بر ۱۵۰۰ نفر نیروی انسانی در آن‌ها اشتغال دارد. تقریباً ۵۵ شرکت در هفت حوزه برق، الکترونیک و مخابرات، فناوری اطلاعات، مواد پیشرفته، ماشین‌آلات پیشرفته، تجهیزات پزشکی، دارو، فناوری زیستی و کشاورزی فعالیت می‌کنند که بیشترین تعداد فراوانی شرکت‌ها به ترتیب در حوزه‌های برق و الکترونیک، ماشین‌آلات پیشرفته و فناوری اطلاعات است. در حوزه کشاورزی و دارو نیز به نسبت، شرکت‌های فعالی وجود دارد.

تعریف دیگری که در دنیا برای شرکت‌های دانش‌بنیان وجود دارد این است که شرکتی که بر اساس فناوری‌های نو دنیا در مرز دانش کار می‌کند را دانش‌بنیان می‌گویند.

با این تعریف، شرکت‌هایی که در پارک پذیرش می‌شوند اگر ایده دانشی داشته باشند، دانش‌بنیان هستند. به عقیده بنده زیاد تعریف دانش‌بنیان خوشایند نیست، به عبارتی هر شرکتی که در مرز دانش کار می‌کند، دانش‌بنیان است، فرق نمی‌کند شرکت موردنظر در پارک است یا در مرکز نوآوری یا هر جای دیگر!

◆ به نظر شما برای ارتقاء و توسعه بازارهای داخلی و بین‌المللی تولیدات دانش‌بنیان چه باید کرد؟

خدمات داخلی شرکت‌های دانش‌بنیان استان به صنایع موجود در استان و کشور عرضه می‌شود. بایستی ارتباط بین شرکت‌های دانش‌بنیان و شرکت‌های کوچک، متوسط و بزرگ در استان و کشور برقرار شود؛ که این کار از روش‌های مختلفی از جمله SPX یعنی مرکز مبادلات پیمانکاران فرعی، فن بازارها و راه‌حل دیگر ارتباط مستقیم صنایع با شرکت‌های دانش‌بنیان، قابل انجام است، روش دیگر، استفاده از قابلیت پارک علم و فناوری به‌عنوان واسط بین این دو گروه نیز نام برد، اما بهترین راه‌حل استفاده از مثلث سه‌جانبه یعنی شرکت شهرک‌ها، صنایع کوچک و صنایع بزرگ است. با تشکیل این مثلث، یک زنجیره بهم‌پیوسته شکل می‌گیرد که نتیجه آن ورود محصولات دانش‌بنیان به این چرخه است.

در حوزه بین‌الملل و خدمات خارجی همان‌طور که می‌دانید

به سمت راه‌اندازی این‌گونه کسب‌وکارها، در پارک علم و فناوری استان ۱۳ شرکت در حوزه محصولات مقابله و کنترلی کرونا فعال شده‌اند، محصولاتی از جمله مواد ضد عفونی‌کننده، ونتیلاتور، ماسک و ...

به عبارتی با شیوع این بیماری حوزه جدیدی در بحث تولید مواد و در واقع تجهیزات ایجاد شده است.

از منظر دیگر کرونا به بسیاری از کسب‌وکارها آسیب‌زده است، از جمله این‌که چالش‌هایی در حوزه گردشگری، صنعت و کشاورزی ایجاد کرد و مهم‌تر از همه با کاهش قدرت خرید مردم، تقاضا کاهش و رکود افزایش یافته است.

◆ رفتار مصرف‌کنندگان در رابطه با کالاها و خدمات دانش‌بنیان ساخت ایران و به‌ویژه ساخت کرمان را چگونه ارزیابی می‌نمایید؟

با توجه به این‌که شرکت‌های دانش‌بنیان پس از اخذ مجوز دانش‌بنیان پس از دو سال مجدداً توسط معاونت ارزیابی می‌شوند؛ بنابراین تعداد ۵۵ شرکت دانش‌بنیان، شناور است، برای مثال ممکن است در سال ۱۰ شرکت وارد و یا خارج شود، به عبارتی آمار تعداد شرکت‌ها به این صورت نیست که در سال آینده تعداد ده مورد بیشتر یا کمتر شوند. در مجموع حدود ۲۳۰ شرکت به‌صورت پارکی، رشد و پیش‌رشد فعالیت می‌کنند. اگر این تعداد را به‌عنوان شرکت دانش‌بنیان به حساب بیاوریم، در حال حاضر شرکت‌های دانش‌بنیان در استان در سطح مطلوبی هستند و بخشی از نیازهای استان را تأمین می‌کنند؛ برای مثال در شرایط بحران کرونا خیلی از شرکت‌های دانش‌بنیان وارد میدان شده و مواد موردنیاز را تولید نموده‌اند.

در مجموع از لحاظ تولید محصول و ارتباط با مصرف‌کنندگان، علاوه بر خدمات به استان، برخی از شرکت‌ها با خارج از استان و حتی در مواردی با خارج از کشور همکاری دارند. از جمله شرکت پنگان الکترونیک که هم‌سطح تولیدکنندگان خارجی، محصولات خود را در داخل و خارج به فروش می‌رساند، شرکت برفازا کشاورز نیز با تولید بیش از ۴۰ نوع کود با کشورهای خارجی قرارداد دارد، شرکت تردد راهنما با تولید سیستم‌های سرعت‌سنج برای جاده‌های در سطح کشور خدمات می‌دهد و شرکت پیشرو صنعت که بسیاری از نیازهای مجتمع‌های مس و گل‌گهر را تأمین می‌کند.

در مجموع شرکت‌های دانش‌بنیان علی‌رغم تعداد کم توانسته‌اند در تولید محصولات و عرضه خدمات به نسبت سایر شرکت‌ها بهتر عمل کنند و همین دلیل بر دانش‌بنیانی آن‌هاست.

با توجه به آمارهای منتشرشده از تعداد ۱۵۰۰ شرکت در استان سهم شرکت‌های دانش‌بنیان از این آمار ۳/۵ درصد است. با اشاره به این نکته که شرکت‌های دانش‌بنیانی وجود دارند که مجوز دانش‌بنیانی اخذ نکرده‌اند؛ بنابراین پیش‌بینی بر

مکانبه بین شرکت‌های داخل به سایر پارک‌های مستقر در شهرهای دیگر، تعامل و همکاری صورت می‌گیرد، اما به نظر بنده نکته حائز اهمیت این است که شرکت‌های دانش‌بنیان اگر به لحاظ فیزیکی به‌صورت مجتمعی در کنار هم قرار بگیرند، بسیار کارآمدتر است، این کار می‌تواند از طریق ایجاد شهرک‌های علم و فناوری، ایجاد مراکز نوآوری و ایجاد مراکز رشد انجام و موجب افزایش تعامل بین استارت‌آپ‌ها شود. پارک علم و فناوری استان دارای چهار مجموعه است؛ از جمله ساختمان پارک واقع در خیابان امام جمعه که ۱۵ شرکت فعال در آنجا به‌صورت فیزیکی مستقر هستند، همین موضوع زمینه‌ای برای ایجاد تعامل بسیاری از این شرکت‌ها با هم شده است، به‌گونه‌ای که در مواردی شرکت‌ها، محصولات یکدیگر را تأمین می‌کنند.

◆ آیا تاکنون به زمینه ارتباطات بین‌المللی فناوری و نوآرانه دسترسی داشته‌اید؟ در این خصوص توضیحات لازم را ارائه نمایید؟

در حال حاضر بین سه تا پنج شرکت در پارک دارای این ویژگی هستند که بعضی از آن‌ها در حوزه فناوری‌های مشترک، ارتباطات بین‌المللی دارند و بقیه در حوزه عرضه محصولات، خدمات به خارج از کشور می‌دهند.

◆ به لحاظ علمی و بنا به تجربه جهانی اعتلای اقتصادی کشور از طریق دانش و اقتصاد دانش‌بنیان محقق می‌شود. به نظر شما ترویج و توسعه فرهنگ دانش‌بنیان چه در تولید و چه در امر مصرف کالاها و خدمات ساخت ایران در گرو چه اقداماتی است؟ با توجه به شرایط موجود ناشی از بحران کرونا چشم‌انداز آتی در این بخش را چگونه می‌بینید؟

در کشور در حوزه فرهنگ‌سازی در موضوع اقتصاد دانش‌بنیان کاری صورت نگرفته است. قبلاً هم اشاره شد که دانشگاه و صنعت در کشور ما نسل جدید نیستند و واقعیت این است که منابع انسانی خروجی دانشگاه و صنعت را می‌سازند. کلید یک اقتصاد دانش‌بنیان داشتن یک دانشگاه دانش‌بنیان، نسل جدید و کارآفرین و داشتن صنعت مبتنی بر دانش است؛ بنابراین نیاز است که فرهنگ‌سازی در حوزه منابع انسانی و توسعه صنعتی در کشور اتفاق بیفتد.

در مجموع در حوزه اقتصاد دانش‌بنیان باید کار فرهنگی زیاد انجام شود و بایستی این امر از دانشگاه‌ها و مراکزی که در اکوسیستم فناوری درگیر هستند، شروع نمود.

بحران کرونا قدری کار را در بحث شرکت‌های دانش‌بنیان کند کرده است، هر چند در حوزه‌هایی نیز کرونا اثرات مثبتی داشته از جمله این‌که باعث شد که شکل تقاضاها عوض شود؛ برای مثال در حوزه IT و آموزش‌های مجازی موجب شد که یک جهش ایجاد شود، توسعه دیجیتال مارکتینگ و اقبال شرکت‌ها

در کشور در حوزه فرهنگ‌سازی در موضوع اقتصاد دانش‌بنیان کاری صورت نگرفته است. قبلاً هم اشاره شد که دانشگاه و صنعت در کشور ما نسل جدید نیستند و واقعیت این است که منابع انسانی خروجی دانشگاه و صنعت در کشور ما نسل جدید نیستند و واقعیت این است که منابع انسانی خروجی دانشگاه و صنعت را می‌سازند. کلید یک اقتصاد دانش‌بنیان داشتن یک دانشگاه دانش‌بنیان، نسل جدید و کارآفرین و داشتن صنعت مبتنی بر دانش است؛ بنابراین نیاز است که فرهنگ‌سازی در حوزه منابع انسانی و توسعه صنعتی در کشور اتفاق بیفتد.

این اساس است که حداکثر در سال آینده این سهم را به ۵ درصد افزایش داد، یعنی به‌صورت متوسط بایستی ۱۰ درصد از شرکت‌های موجود را به سمت دانش‌بنیان سوق داد، البته این کاری است دشوار چون که ارزیابی‌های معاونت فناوری ریاست جمهوری سخت‌گیرانه است. در همین راستا با هدف افزایش تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان، پارک علم و فناوری با همکاری انجمن شرکت‌های دانش‌بنیان تمهیداتی فراهم کرده است تا با ارائه تسهیلات، شرکت‌های واجد شرایط در مراحل ثبت‌نام، درخواست‌ها و تکمیل فرم‌های مربوطه با صرف هزینه کمتر و سرعت بیشتری به مرحله دانش‌بنیان برسند. منتهای مراتب، اعتقاد بنده بر این است که به جای نگاه آماری به این موضوع، به‌صورت واقع‌بینانه به آن توجه شود. به عبارتی اگر یک شرکت به‌عنوان دانش‌بنیان معرفی می‌شود، آیا در واقعیت نیز دانش‌بنیان است یا خیر تا در ادامه آن شرکت تحت حمایت‌های ویژه قرار گیرد.

♦ ارزیابی شما از فضای حاکم بر اکوسیستم استارت‌آپی استان کرمان چیست؟

فضای حاکم بر اکوسیستم استارت‌آپی در یک نگاه، رضایت‌بخش نیست. در استان کرمان مواردی وجود دارد که موجب شده فضای استارت‌آپی پویا و زنده نباشد، یکی از مهم‌ترین موارد، فرهنگ حاکم بر کسب‌وکار در استان است که بسیار ضعیف است؛ به عبارتی منابع انسانی استان که فضای استارت‌آپی را ایجاد می‌کند، چه در حوزه بسترسازی و چه افرادی که استارت‌آپ راه می‌اندازند، در هر دو مورد ضعیف هستند. درست است که ضعف در منابع مالی و حمایت‌های دولتی نیز هست، ولی اصلی‌ترین مورد، منابع انسانی هستند؛ بنابراین با توجه به پتانسیل‌های موجود در استان، منابع انسانی باید در امور بسترسازی، آموزش، سرمایه‌گذاری و ایجاد اکوسیستم فناوری تقویت شود.

پتانسیل‌هایی که در استان کرمان وجود دارد در مقایسه با استان‌های هم‌جوار و حتی فراتر از آن، فوق‌العاده است. با وجود ظرفیت‌هایی از جمله صنعت مس، فولاد، کشاورزی و گردشگری، متأسفانه موفق نشده‌ایم متناسب با نیازهای صنایع، فضای استارت‌آپی لازم را ایجاد کنیم؛ بنابراین لازم است سازمان‌های اصلی اکوسیستم فناوری دست‌به‌دست هم بستری ایجاد و با توسعه منابع انسانی با تأکید بر اینکه استارت‌آپ فرهنگ و آموزش می‌خواهد، پیش بروند. شروع فعالیت اکوسیستم بعد از طرح‌ریزی نقشه راه و فهم وظایف هر کدام از اعضا، تازه شروع می‌شود و یادآوری این نکته که یک‌شبه نمی‌توان انتظار داشت که اکوسیستم رشد کرده و به همه اهداف خود برسد چون که فرهنگ کار و کارآفرینی از خانواده و جامعه شروع

می‌شود. متأسفانه نه صداوسیما و نه سازمان‌های متولی در استان‌ها در بحث ترویج فرهنگ کارآفرینی وارد نشده‌اند. آیا تا به حال بیل‌بورد تبلیغاتی با موضوع کارآفرینی در سطح شهر منتشر شده است یا این که صداوسیما برنامه‌ای با این محور تولید کرده است؟ آیا مدیران مدرسه در آموزش و پرورش با مباحث کارآفرینی آشنا هستند؟ جواب همه این سؤالات منفی است. هر چند اخیراً آموزش و پرورش در جهت توسعه فرهنگ کار، گام‌هایی برداشته ولی کم است، مهم‌تر از همه مسئله تعداد کم آموزش‌دهنده‌های مباحث کارآفرینی است، معلمی که کارآفرینی آموزش می‌دهد باید خود کارآفرین باشد تا کارآفرینی را به‌صورت عملیاتی تدریس کند. پیشنهاد بنده بر این است که بازارچه‌های کسب‌وکار موجود در مدارس به سمت فن بازار رفته و در قالب خدمات فنی ارائه شوند؛ برای مثال با آموزش ساده تولید گیاه کاکتوس، علاوه بر آموزش کسب‌وکار و کشاورزی به دانش‌آموزان، زمینه‌های علاقه‌مندی آن‌ها در این موضوع نیز کشف می‌شود، همچنین می‌توان دانش‌آموزان را به تولید اپلیکیشن‌های ساده در واقع نرم‌افزارهای ساده آموزشی تشویق نمود.

در مجموع نمی‌توان گفت در این حوزه‌ها تا به حال کاری انجام نشده است، بلکه بنیاد نخبگان و آموزش و پرورش در این موضوعات ورود کرده‌اند، اما نکته‌ای که وجود دارد این است که کار به‌صورت جزیره‌ای انجام شده است؛ برای مثال، سازمان فنی و حرفه‌ای که در حوزه مهارتی فعال است، آیا مهارت‌های مورد نیاز استان را آموزش می‌دهد؟ آیا پذیرش دانشگاه‌ها در رشته‌های مختلف بر اساس نیاز استان‌ها است؟ آیا توانسته‌ایم نیازهای صنایع بزرگ با صنایع کوچک را به هم معرفی و آن‌ها را به هم متصل کنیم؟ آیا توانسته‌ایم شرکت‌های دانش‌بنیان را به خوبی به صنایع بزرگ استان معرفی کنیم؟

جای خیلی از نهادها در اکوسیستم فناوری خالی است، مراکز کاریابی در استان را بررسی کنید، خواهید دید که کاریابی حرفه‌ای در استان وجود ندارد. در دنیا کاریابی‌ها موضوع نیازسنجی‌ها را انجام می‌دهند، ولی کاریابی‌های موجود در استان، حتی نمی‌توانند چهار رشته را طبقه‌بندی نمایند. عدم وجود مراکز مشاوره تخصصی مسئله‌ای دیگر است، واقعیت این است که در استان مراکز مشاوره تخصصی حقوقی، مالیاتی و ... وجود ندارد. در نظر بگیرید در استان با وجود تعداد زیاد پژوهشگر، چقدر کار نیاز محور در آن انجام می‌شود؟

وجود اکوسیستم یعنی مشخص کردن جایگاه و تعیین ورودی و خروجی برای هر ارگان است. متأسفانه اکثر سازمان‌های استان درگیر مسائلی می‌شوند که خیلی به آن‌ها مربوط نیست؛ برای مثال برگزاری استارت‌آپ را در نظر بگیرید، اکثر سازمان‌ها در استان خود استارت‌آپ

فضای حاکم
بر اکوسیستم
استارت‌آپی
در یک نگاه،
رضایت‌بخش
نیست. در
استان کرمان
مواردی وجود
دارد که موجب
شده فضای
استارت‌آپی
پویا و زنده
نباشد، یکی از
مهم‌ترین موارد،
فرهنگ حاکم
بر کسب‌وکار در
استان است که
بسیار ضعیف
است.

صندوق پژوهش و فناوری حدود دو سال است که در کرمان راه‌اندازی شده است. از سال گذشته حدود ۲/۵ میلیارد تومان از شرکت‌های استارت‌آپی پیش رشد حمایت شده است و پیش‌بینی شده که تا پایان امسال حدود ۴ میلیارد تومان از شرکت‌های پیش رشد، رشد و پارکی حمایت شود که جالب است بدانید این حمایت‌ها در استان کرمان برای اولین بار است که اتفاق می‌افتد.

اعتقاد بنده بر این است که قبل از حمایت و تسهیلات، داشتن تفکر طراحی مهم است؛ انجام کسب‌وکار، لزوماً پول و در واقع سرمایه نمی‌خواهد، بلکه به ایده، استراتژی و تفکر طراحی نیاز دارد. برای داشتن تفکر طراحی به آموزش نیاز است. شدیداً اعتقاد بنده بر منابع انسانی و آموزش است. اگر سرمایه در اختیار منابع انسانی که دانش ندارد، قرار گیرد، سرمایه از بین می‌رود. از ۱۰۰ درصد افرادی که وارد کسب‌وکار می‌شوند و یا به عبارتی تشکیل شرکت دانش‌بنیان می‌دهند فقط ۱۰ درصد هستند که موفقند و آن‌ها کسانی‌اند که تفکر طراحی دارند. در استان ۲۳۰ شرکت فناوری وجود دارد که همه آن‌ها سرمایه، آموزش و محل استقرار دریافت کرده‌اند ولی خروجی مطلوب حدود همان ۱۰ درصد این تعداد است.

در آخر نه به‌واسطه داشتن مسئولیت در پارک، بلکه به‌واسطه تجربه‌ای که سال‌ها در این حوزه به دست آمده است، عرض می‌کنم، انصافاً با وجود وضع نامناسب فرهنگ کارآفرینی در استان، با صرف سرمایه‌گذاری‌هایی زیادی که در این بخش انجام شده است، خروجی لازم در حال شکل‌گیری است.

در سال گذشته بالغ بر ۲۴ دوره آموزشی یعنی به‌طور متوسط در هر ماه ۲ کارگاه آموزشی باکیفیت در پارک برگزار شده است و خوشبختانه بازخورد خوبی داشته است، اگرچه با شیوع بیماری کرونا دوره‌های آموزشی به‌صورت مجازی برگزار می‌گردند و در مواردی ممکن است بازدهی پایین باشد، ولی تقویم دوره‌های آموزشی که به‌صورت سالیانه تدوین می‌شود و تمامی ملزومات آموزش در این حوزه را در بردارد، متوقف نشده و پابرجاست. از جمله دوره‌های آموزشی در حوزه‌های مالیات، بیمه، بوم کسب‌وکار، کنترل پروژه، مناقصات و ...

در مجموع از عملکرد پارک علم و فناوری در زمینه‌های سیستم آموزشی، حمایت‌های مالی و استقرار به‌صورت نسبی رضایت وجود دارد، ولی کافی نیست. تعداد شرکت‌های فناور در استان در دو سال قبل، در حدود ۹۰ شرکت بوده است، اما از سال گذشته بیش از ۱۰۰ درصد افزایش پذیرش را شاهد بوده‌ایم به‌طوری‌که از شروع امسال بین ۳۰ تا ۴۰ شرکت پذیرش شده‌اند و در حال حاضر ۲۳۰ شرکت فناور در استان وجود دارد. در نهایت این‌که استراتژی جدید پارک، نظارت، آموزش و ارزیابی قوی شرکت‌های موجود خواهد بود. ♦♦

برگزار می‌کنند! درحالی‌که این کار نیاز به تخصص و دانش دارد.

♦♦ در مورد استراتژی توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان در استان کرمان توضیح دهید.

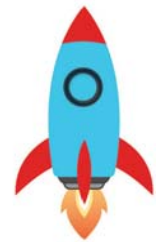
یکی از وظایف پارک علم و فناوری، توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان است. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد پارک علم و فناوری با همکاری انجمن شرکت‌های دانش‌بنیان، شرکت‌های متقاضی را در مراحل ثبت‌نام و انتقال اطلاعات کمک می‌کند. در همین راستا تفاهم‌نامه‌ای با انجمن بسته شده است با این هدف که هر سال ۲۰ درصد به تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان افزوده شود.

انجمن شرکت‌های دانش‌بنیان مبلغی را جهت ثبت‌نام، راهنمایی و ... برای شرکت‌های متقاضی پیش‌بینی نموده است و از شرکت‌ها اخذ می‌نماید که در این بین پارک علم و فناوری با قبول بخشی از این هزینه، شرکت‌های مذکور را در امر ثبت‌نام و انتقال اطلاعات یاری می‌کند تا این پروسه دقیق‌تر و سریع‌تر انجام گیرد.

♦♦ چنانچه توضیحات تکمیلی لازم می‌دانید، بفرمائید.

الزاماتی که جهت رسیدن به اقتصاد دانش‌بنیان نیاز است عبارت‌اند از:

- ایجاد و به‌کارگیری ایده‌های نو،
- ایجاد محیط مناسب و رقابتی برای فعالیتهای اقتصادی در مقابل فضای روابطی،
- شناسایی طرح‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان جهت سرمایه‌گذاری در آن‌ها،
- توجه به آموزش و یادگیری اقتصاد دانش‌بنیان،
- ایجاد زیرساخت‌های لازم؛ برای مثال تسهیل بروکراسی‌های اداری در حوزه‌های مالیات و بیمه،
- ایجاد و تسهیل قوانین حمایتی در راستای اقتصاد دانش‌بنیان،
- در اولویت قرار دادن شرکت‌های دانش‌بنیان در قراردادهای بزرگ،
- استفاده از شرکت‌های دانش‌بنیان در تأمین نیازهای کشور، برای مثال جلوگیری از واردات محصولات که شرکت‌های دانش‌بنیان تولید می‌کنند،
- وضع معافیت‌های مالیاتی، بیمه‌ای و حذف عوارض از جمله عوارض گمرکی و ... برای شرکت‌های دانش‌بنیان،
- توجه ویژه به مراکز نوآوری، پارک علم و فناوری، مراکز رشد، مناطق ویژه فناوری و مناطق ویژه اقتصادی،
- اعطای تسهیلات از طرف صندوق پژوهش و فناوری با کارمزد پایین.





اقتصاد منهای نفت

◆ نادیا انجم شعاع

کارشناس اندیشکده انرژی اتاق کرمان



در ادامه به بررسی مشکلات وابستگی به نفت، ضرورت تحقق اقتصاد بدون نفت و موانع تحقق آن و همچنین راهکارهای رهایی اقتصاد از منابع نفتی و بررسی سیاست‌های کشورهای دیگر برای داشتن اقتصادی بدون وابستگی به منابع نفتی خواهیم پرداخت. در کشوری که بر اثر افزایش قیمت یک منبع طبیعی دارای درآمدی می‌گردد، ناهنجاری در کاربست آن درآمد، اقتصاد را دچار مشکلاتی خواهد کرد. برای مثال اگر درآمد کسب‌شده از افزایش قیمت نفت نصیب خانوارها نشود و دولت سهم عمده آن را ببرد، کشور با مشکلاتی همچون موارد زیر روبه‌رو خواهد شد: یکم: سلیقه مصرفی دولت و خانوار متفاوت است و دولت بیشتر گرایی به کالاهای عمومی دارد؛ بنابراین اگر درآمد ارزی منتج شده از افزایش قیمت نفت نصیب دولت شود، معمولاً اندازه دولت‌گسترش می‌یابد و مازاد تقاضا برای کالاهای غیرقابل مبادله بیشتر می‌شود.

دوم: دولت به هنگام کاهش درآمدهای ارزی بادآورده در تغییر ترکیب مصرفی خود با مشکل روبه‌رو می‌شود. اگر دولت درآمدهای مذکور را صرف امور اجتماعی نماید، با قطع درآمدها، ناچار به کاهش عرضه خدمات عمومی می‌شود و این امر باعث بروز بحران‌های سیاسی و اجتماعی شدیدی در جامعه خواهد شد. سوم: تکیه دولت بر درآمدهای ارزی حاصل از افزایش قیمت نفت، سبب می‌شود تنها به همین منبع درآمد توجه داشته و

سازمان اوپک در جدیدترین گزارش خود از چشم‌انداز بازار جهانی نفت، میزان درآمد نفتی ایران در سال ۲۰۱۸ میلادی را ۶۰/۲ میلیارد دلار برآورد کرده است. بر اساس این گزارش، در سال گذشته میلادی درآمد نفتی، ۱۴/۴ درصد از تولید ناخالص داخلی ایران را تشکیل داده است. همچنین سهم نفت از کل درآمدهای صادراتی اقتصاد ایران در سال ۲۰۱۸ میلادی، ۵۶ درصد تخمین زده شده است. این در حالی است که میزان صادرات نفت ایران در سال ۲۰۱۰ میلادی ۷۲/۲ میلیارد دلار بوده که ۱۴/۸ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور را تشکیل می‌داده است. این رقم همچنین ۶۰/۸ درصد از کل صادرات ایران در سال ۲۰۱۰ میلادی بوده است. بر اساس گزارش اوپک تولید ناخالص داخلی ایران در میان ۱۴ کشور عضو اوپک طی سال ۲۰۱۸ پس از کشورهای اکوادور و نیجریه کمترین سهم را از درآمدهای نفتی داشته و این نشان‌دهنده کاهش وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی در طی سال‌های گذشته است. پس کشور بایستی به دنبال کاهش وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی باشد نه کاهش صادرات آن.

از سایر طرق کسب درآمد همچون مالیات غافل شود که این خود مسبب توسل دولت به کسری بودجه و چاپ اسکناس بدون پشتوانه به هنگام نزول درآمدهای ارزی می‌گردد؛ در این صورت، منبع مناسبی به‌منظور جبران درآمدهای کاهش‌یافته دولت وجود ندارد.

چهارم: نقش دولت در اقتصاد فعال‌تر خواهد شد. با افزایش فعالیت دولت، تخصیص منابع خارج از نظام بازار رقابتی و بر اساس تصمیمات انجام شده در سیستم بوروکراتیک دولتی صورت می‌پذیرد. دولت بیش از گذشته مرکز تقسیم درآمد و در بسیاری از موارد رانت می‌شود. این رانت‌ها باعث تقویت رفتار رانت جویی دائمی شده و با گرایش به سمت فعالیت‌های غیرمولد به دستاوردهای ضعیف توسعه‌های منجر می‌شود. پنجم: یکی از تأثیراتی که وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای نفتی دارد، اثری است که بر نرخ ارز می‌گذارد. انبساط واردات و انقباض صادرات، در نهایت به کاهش مزیت تولید در بخش‌های قابل تجارت می‌انجامد. علت هم آن است که صادرکنندگان محصولات‌شان را به قیمت‌های جهانی می‌فروشند و دریافتی‌هایشان به دلار است، اما در عوض، هزینه‌های تولیدشان به پول داخلی محاسبه می‌شود.

نکته دیگری که در اینجا قابل‌تأمل است آنکه اکثر اوقات در صورت عدم برنامه‌ریزی‌های بلندمدت، عوامل تولید مخصوصاً سرمایه و کار از بخش صادرات غیرنفتی به بخش نفت و بخش غیرتجاری سرازیر شده و کاهش فعالیت‌های تولیدی و اقتصادی در بخش صادرات غیرنفتی تشدید می‌شود. این تغییر و تحول چشمگیر، امکانات بلندمدت اقتصاد را برای رشد و توسعه کاهش می‌دهد؛ چرا که بخشی از سرمایه انسانی کارگران در این میانه تلف می‌شود. به این مفهوم که افزایش نرخ واقعی ارز، ارتباطی به بهره‌وری و توان تولیدی اقتصاد ندارد. نتیجه این امر، ورشکستگی و تعطیلی صنایع و کاهش مزیت نسبی فعالیت‌های غیرنفتی خواهد بود. بروز تغییرات یاد شده در نتیجه تمایل مصرف‌کنندگان به افزایش میزان مطلوبیت خویش صورت گرفته و با کاهش رفاه اجتماعی همراه است. در بلندمدت نیز شاهد تبعات زیان باری از قبیل ائتلاف منابع، از دست دادن بازار کالاهای صادراتی، مقاومت مصرف‌کنندگان در مقابل تعدیل مصرف و در نتیجه عدم تعدیل بهینه ترکیب تولید و به‌طورکلی تقلیل سطح رفاه اجتماعی نسبت به زمان قبل از حدوث بحران نفتی خواهد شد.

ضرورت تحقق اقتصاد بدون نفت در ایران

با توجه به موارد ذکر شده و همچنین شرایط تحریم و کاهش صادرات نفت ایران و به دنبال آن کاهش درآمدهای نفتی از یک‌سو و کاهش وابستگی بودجه کشور به درآمدهای نفتی از

سوی دیگر سبب شده است تا هر افزایش و کاهش در قیمت آن، اقتصاد و حتی شرایط سیاسی و اجتماعی کشور را تحت تأثیر قرار دهد و در کنار این‌ها، استفاده نادرست از درآمدهای نفتی نیز موجب به وجود آمدن مشکلات زیادی از جمله متورم شدن بودجه و بروز کسری سیستماتیک در آن شده است. پس دولت باید راهکارهایی بیاندیشد تا در شرایط فعلی که قیمت نفت و درآمدهای نفتی رو به کاهش است، هم اهداف خود مبنی بر اقتصاد بدون نفت را محقق کند و هم کسری بودجه سالانه را برطرف نماید.

موانع تحقق اقتصاد بدون نفت

- نبود مدیریت نوسانات ارزی
- عدم ارائه تسهیلات مناسب به بخش صادرات از سوی بانک‌ها و نهادهای دولتی
- کمبود منابع بانکی
- فرار مالیاتی
- اگر درآمدهای نفتی وارد بودجه جاری کشور نشود، دولت به جامعه پاسخگو می‌شود، شفافیت بالاتر می‌رود.
- کارآیی، بهره‌وری و کیفیت‌های تولیدی تحت‌الشعاع امر بومی‌سازی قرار گرفته است و بومی‌سازی در نهایت رقابت‌پذیری خود را با صنایع وارداتی از دست خواهد داد.
- در حال حاضر مشخص نیست که در سطح ملی و صنایع تا چه حد و با چه ساختاری از الگوهای توسعه‌ای و بومی‌سازی استفاده شده است، چرا که ایران به علت وابستگی قوی به درآمدهای نفتی، نیاز کمتری به بومی‌سازی داشته و به این جهت هم نتوانسته خود را از تک‌محصولی رها ساخته و تنوع گسترده در تولیدات صنعتی کارآمد و صادرات آن‌ها داشته باشد.

راهکارهای رهایی اقتصاد از منابع نفتی و قطع وابستگی بودجه به نفت

- به‌منظور حرکت به سمت اقتصاد بدون نفت، نیازمند تقویت راهکارهایی هستیم تا با بهره‌گیری از آن بتوان وابستگی بودجه کشور به خام فروشی نفت را کاهش داد. این راهکارها عبارت‌اند از:
- ۱- لزوم جداسازی درآمد نفت از حساب بودجه و التزام به هزینه کرد آن فقط در جهت سرمایه‌گذاری مولد،
 - ۲- پرهیز از واردات بی‌رویه و بازگشت به سیاست تولید داخل (خودکفایی - حداقل در محصولات اساسی و راهبردی)،
 - ۳- ارتقای بنیان‌های تولید و کمک به تغییرات استراتژی تولید از نفتی به تولید تجاری و دانش‌پایه، بخصوص در بخش کشاورزی،
 - ۴- سرمایه‌گذاری بر روی نیروی انسانی متخصص، متعهد و عملگرا و حمایت مستمر از پژوهش‌های کاربردی،
 - ۵- تعهد به اجرای سیاست‌های راهبردی و گزاره‌های برنامه‌های مصوب در افق چشم‌انداز و برنامه‌های میان‌مدت،
 - ۶- استقلال بانک مرکزی و کنترل نقدینگی،

اکثر اوقات در صورت عدم برنامه‌ریزی‌های بلندمدت، عوامل تولید مخصوصاً سرمایه و کار از بخش صادرات غیرنفتی به بخش نفت و بخش غیرتجاری سرازیر شده و کاهش فعالیت‌های تولیدی و اقتصادی در بخش صادرات غیرنفتی تشدید می‌شود. این تغییر و تحول چشمگیر، امکانات بلندمدت اقتصاد را برای رشد و توسعه کاهش می‌دهد.

۷- هماهنگی کامل بین سیاست‌گذاران کشور و مدیران اقتصادی،
۸- توجه ویژه به الگوهای تجارت، مزیت‌ها و قابلیت‌های کشور:
• راهبرد تولید برای بازارهای داخلی،
• راهبرد تولید ماشین‌آلات و تکنولوژی‌های تولید به همراه حداکثر کیفیت،
• راهبرد تولید ماشین‌آلات سنگین کارخانه‌ای و کامیون‌ها و جرثقیل،
• الگوی تجارت برون‌گرا،
۹- تقویت سیستم مالیاتی:

اهمیت دادن به مالیات، به توجه مضاعف به تولید داخلی نیز منجر می‌شود و بالعکس؛ به‌گونه‌ای که رونق کسب‌وکار و تولید داخلی، خود منجر به افزایش پایه مالیاتی و به‌تبع آن رشد درآمدهای مالیاتی می‌گردد،
۱۰- حذف موانع صادرات غیرنفتی:

• موانع ساختاری: شامل دیوان‌سالاری و تشریفات زائد، ضعف ساختار تولید، عدم توجه کافی به آموزش، عدم نوآوری و کم‌توجهی به تحقیق و توسعه، ضعف تشکل‌های صادراتی،
• موانع مقرراتی شامل: نبود ختم‌مشی بازرگانی بلندمدت، عدم اجرای برخی مقررات، مشکلات قیمت‌گذاری، مشکلات مالی،
• موانع سیستم مالی: عدم تخصیص اعتبار کافی،
• موانع ابزار و بازار: شامل مشکلات آماری و اطلاع‌رسانی، مشکلات بسته‌بندی، مسائل حمل‌ونقل، دشواری تهیه مواد اولیه، تمرکزگرایی و اتکا به بازارهای محدود و تشدید رقابت در بازارهای بین‌المللی،
۱۱- کاهش عادت اقتصاد کشور به واردات بدون اولویت،
۱۲- از پتانسیل نفت برای ایجاد ارزش‌افزوده، در بخش‌های دیگر سرمایه‌گذاری و راه انداختن بقیه بخش‌ها استفاده شود.

۱۰ مرحله درآمدزایی که برای جبران کسری بودجه بدون نفت از سوی بازوی پژوهشی مجلس شورای اسلامی پیشنهاد شده است:

۱- کاهش معافیت‌های مالیات بر عملکرد در حوزه صادرات مواد خام و ارزش‌افزوده پایین،
۲- حذف برخی از معافیت‌های مالیاتی در سایر بخش‌ها،
۳- جلوگیری از فرار مالیاتی با استفاده از:
• تکمیل پایگاه اطلاعاتی سازمان امور مالیاتی
• تفکیک حساب‌های تجاری و شخصی و نظارت بر تراکنش‌های بانکی
• اصلاح شیوه مالیات ستانی،
۴- افزایش نرخ برخی از پایه‌های مالیاتی موجود (به‌جز مالیات بر عملکرد بخش تولید، با رعایت ملاحظات توزیع درآمد) و اخذ مالیات از مسکن‌های خالی و تلاش برای دریافت بخشی از مطالبات مالیاتی،

۵- حذف یک دهک در پرداخت یارانه نقدی برای سال ۱۳۹۸،
یک دهک برای سال ۱۳۹۹ و یک دهک برای سال ۱۴۰۰،
۶- فروش بخشی از سهام و دارایی‌های غیرمنقول دولتی،
۷- اصلاح حداقلی قیمت حامل‌های انرژی،
۸- صادرات فرآورده‌ها (ناشی از افزایش تولید پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس و جلوگیری از قاچاق ناشی از برقراری کارت سوخت)،
۹- معرفی پایه‌های مالیاتی جدید (CGT، PIT)،
۱۰- مولدسازی دارایی‌های دولت یا فروش بخشی از آن‌ها.

سهام نفت از بودجه

سهام درآمد نفت از کل منابع عمومی در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۷ با کاهش ۲۴ درصدی مواجه شده است. به عبارتی، سهم نفت از کل منابع عمومی در سال ۱۳۹۲ حدود ۴۱ درصد بوده که این میزان در سال ۱۳۹۷ به ۳۱/۳ درصد کاهش یافته است.

نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی در ایران

نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۹۲ حدود ۵ درصد و در سال ۱۳۹۷ حدود ۶ درصد بوده است. این نشان از رشد ۲۰ درصدی نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی دارد. با وجود افزایش سهم مالیات از درآمدهای دولت، هنوز ایران فاصله زیادی با عملکرد کشورهای دیگر دارد. آمارها نشان می‌دهد در فرانسه سهم مالیات از تولید ناخالص داخلی ۴۶ درصد بوده و همین آمار در نروژ عدد ۳۸ درصد را نشان می‌دهد. در ادامه به بررسی سیاست‌های اقتصاد بدون نفت در عربستان به‌عنوان یکی از کشورهای خاورمیانه و نروژ به‌عنوان یکی از کشورهای اروپایی پرداخته می‌شود.

اقتصاد بدون نفت در عربستان

طبق آخرین آمار، میزان تولید نفت عربستان سعودی در حال حاضر ۹/۱۲۹ میلیون بشکه در روز، میزان ذخایر نفتی ۱۵۲/۴۸ میلیون بشکه در روز و میزان صادرات ۶/۶۷ میلیون بشکه در روز می‌باشد. میزان مشارکت نفت در بودجه در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸، به میزان ۶۳ درصد و میزان مشارکت نفت در بودجه سال ۲۰۱۹، ۶۸ درصد می‌باشد. اقداماتی که عربستان قصد دارد در راستای کاهش وابستگی بودجه به نفت انجام دهد:

• مالیات بر ارزش‌افزوده بخش‌های غیرنفتی،
• تنوع بخشیدن به اقتصاد و توسعه بخش‌های خدماتی مانند بهداشت، آموزش و گردشگری (برنامه‌ریزی برای اختصاص ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی کشور به گردشگری در ده سال آینده)،
• افزایش تجارت غیرنفتی بین کشورها از طریق کالاها و محصولات مصرفی،
• تقویت فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری.

- ▼
- با توجه به
- شرایط تحریم و
- کاهش صادرات
- نفت ایران و به
- دنبال آن کاهش
- درآمدهای نفتی
- از یک سو و
- کاهش وابستگی
- بودجه کشور به
- درآمدهای نفتی از
- سوی دیگر سبب
- شده است تا هر
- افزایش و کاهش
- در قیمت آن،
- اقتصاد و حتی
- شرایط سیاسی
- و اجتماعی
- کشور را تحت
- تأثیر قرار دهد و
- در کنار این‌ها،
- استفاده نادرست
- از درآمدهای
- نفتی نیز موجب
- به وجود آمدن
- مشکلات زیادی
- از جمله متورم
- شدن بودجه
- و بروز کسری
- سیستماتیک در
- آن شده است.

اقتصاد بدون نفت در نروژ و واکنش به شدن اقتصاد نروژ در برابر بیماری هلندی

مجموع درآمدهای نروژ در سال ۲۰۱۸ برابر با ۴۳۴/۷۵۱ میلیارد دلار بوده که از این میزان، ۸۶ درصد مربوط به درآمدهای غیرنفتی و ۱۴ درصد مربوط به درآمدهای نفتی این کشور می‌باشد. پس با اینکه نروژ جز غول‌های صنعت نفت و گاز است ولی بیشتر سهم درآمدی این کشور مربوط به درآمد صادرات غیرنفتی است. نکته مهم آنجاست که دولت اجازه استفاده از درآمدهای نفتی به صورت مستقیم را ندارد و این درآمدها وارد صندوق ذخیره ملی می‌شود.

به‌کارگیری سایر نقاط قوت نروژ به جای تمرکز بر نفت

با اینکه نروژ جز غول‌های صنعت نفت و گاز است؛ اما عضو اوپک نیست. نروژ علاوه بر نفت از صادرکنندگان بزرگ گاز طبیعی در غرب اروپا نیز به حساب می‌آید. بیشتر صادرات گاز نروژ به کشورهای انگلستان، آلمان و فرانسه است؛ اما این کشور تمرکز خود را از روی نفت برداشته و به نقاط قوت دیگر خود توجه کرده است. یکی دیگر از منابع عمده درآمدی پس از نفت در کشور نروژ، صنعت آبی‌پروری است. کشوری که دارای منابع مرغوب و عظیم نفتی است، می‌تواند از نفت خود استفاده کند و با فروش ثروت، چرخ‌های زندگی مردم و اقتصادش را به حرکت درآورد؛ اما نروژ چنین کاری نکرده و این دقیقاً رویکردی درست برای یک اقتصاد است. به‌جز صنعت آبی‌پروری، نروژ در صنعت کشتی‌سازی و بیمه نیز از کشورهای بزرگ جهان به حساب می‌آید و در عرصه جهانی حرف‌های زیادی برای گفتن دارد، اما در کنار این‌ها گوشت گاو، شیر و سایر فرآورده‌های دامی را نیز صادر می‌کند. تراز تجاری نروژ در سال ۲۰۱۶ با صادرات ۳۶/۱ درصدی و واردات ۳۳/۱ درصدی، مثبت بوده است. نکته جالب توجه این است که از این صادرات، سهم بخش کشاورزی ۱/۸ درصد، صنعت ۳۴/۷ و خدمات ۶۳/۵ درصد بوده است. این نشان می‌دهد بیشترین وزنه صادرات در اقتصاد نروژ بر دوش بخش خدمات است. کشور نروژ ماشین‌آلات و تجهیزات صنعتی، مواد شیمیایی، فلزات و مواد غذایی وارد می‌کند و جالب است که این کشور هم‌زمان ماشین‌آلات صنعتی نیز صادر می‌کند. عمده صادرات نروژ، نفت و گاز، ماهی و کشتی است.

کسب درآمد از بخش نفت در نروژ

دولت نروژ به روش‌های مختلفی از بخش نفت درآمد کسب می‌کند. مهم‌ترین آن‌ها، درآمدی است که از طریق سازوکار مالیاتی طراحی شده، نصیب دولت می‌شود. اساس این سیستم مالیاتی مبنی بر سود بالای بخش نفت است. دولت نروژ علاوه بر ۲۸ درصد مالیاتی که بر سود تمامی بنگاه‌ها وضع می‌کند، بنگاه‌های بخش نفت را موظف به پرداخت ۵۰

درصد از سودشان می‌کند. در نتیجه در مجموع، ۷۸ درصد از سود شرکت‌های نفتی به دولت تعلق می‌گیرد، البته اگر از مالیات بر کربن و زمین چشم‌پوشی کنیم. به علت محدود بودن نفت برخی مخازن، شرکت‌های نفتی اقدام به استخراج این مخازن نمی‌کنند. دولت نروژ با در نظر گرفتن طرح‌های جبران خسارت استخراج، بنگاه‌های دیگر را برای ورود به این بازار و استخراج مخازن محدود تشویق می‌کند.

صندوق نفتی در نروژ

در سال ۱۹۸۳ گروهی دولتی در این کشور تشکیل شد و پیشنهاد داد که درآمدهای نفتی را وارد صندوقی کنند تا دولت نتواند آن‌ها را وارد اقتصاد نروژ کند و هزینه‌ها را افزایش دهد. این گروه تأکید کرد که نباید به درآمد نفتی به دید درآمدی معمولی نگاه کرد؛ بلکه باید آن را به صورت ثروت ازدست‌رفته‌ای که باید تبدیل به ثروت مالی شود و از بین نرود، نگریست. در سال ۱۹۹۰ صندوق نفتی در نروژ رسماً تأسیس و خالص تمام درآمدهای نفتی نروژ به آن منتقل شد. همچنین مسئولیت مدیریت صندوق، بر عهده بانک مرکزی نروژ قرار گرفت. در این کشور درآمد نفتی وارد اقتصاد نروژ نمی‌شود. صندوق ذخیره ارزی و صندوق بازنشستگی جایی است که درآمدهای نفتی به آنجا سرازیر می‌شوند و به این ترتیب درآمدهای بخش نفت مدیریت می‌شوند. درآمد نفتی که وارد این صندوق می‌شود، طبق توافقی که صورت گرفته بود، باید بسته به شرایط کلی بازار ترکیبی از دارایی‌هایی با درآمد ثابت و سهام باشد. در حال حاضر ۵۰ تا ۷۰ درصد دارایی‌ها به صورت سهام، ۳۰ تا ۵۰ درصد به صورت دارایی‌های با درآمد ثابت و صفر تا ۵ درصد در املاک سرمایه‌گذاری می‌شود.

نتیجه‌گیری

همان‌طور که بیان شد کشور نروژ از کشورهای شمال اروپا با میزان بالای صادرات نفت (۱/۲۵۴/۹۲۰ بشکه در روز در سال ۲۰۱۸) نسبت به سایر کشورها می‌باشد، اما هرگز بودجه این کشور وابسته به درآمدهای نفتی نمی‌باشد پس برای کاهش وابستگی بودجه کشور به نفت، اطلاع داشتن از اقتصاد کشورهای مختلف و سیاست‌های کلان آن‌ها برای پیشرفت و توسعه کشور ما نیز مهم است و به ما کمک می‌کند که از بروز بحران‌های مشابه جلوگیری کنیم یا در صورت بروز مشکلی مشابه در اقتصاد، از تجربیات کشورهای دیگر برای حل و گذر از آن بهره ببریم. ♦♦

منابع

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

www.worldbank.org

www.tccim.ir

tradingeconomics.com



کشور نروژ از

کشورهای شمال

اروپا با میزان بالای

صادرات نفت

(۱,۲۵۴,۹۲۰)

بشکه در روز

در سال ۲۰۱۸)

نسبت به سایر

کشورها می‌باشد،

اما هرگز بودجه

این کشور وابسته

به درآمدهای

نفتی نمی‌باشد

پس برای کاهش

وابستگی بودجه

کشور به نفت،

اطلاع داشتن از

اقتصاد کشورهای

مختلف و

سیاست‌های

کلان آن‌ها برای

پیشرفت و توسعه

کشور ما نیز مهم

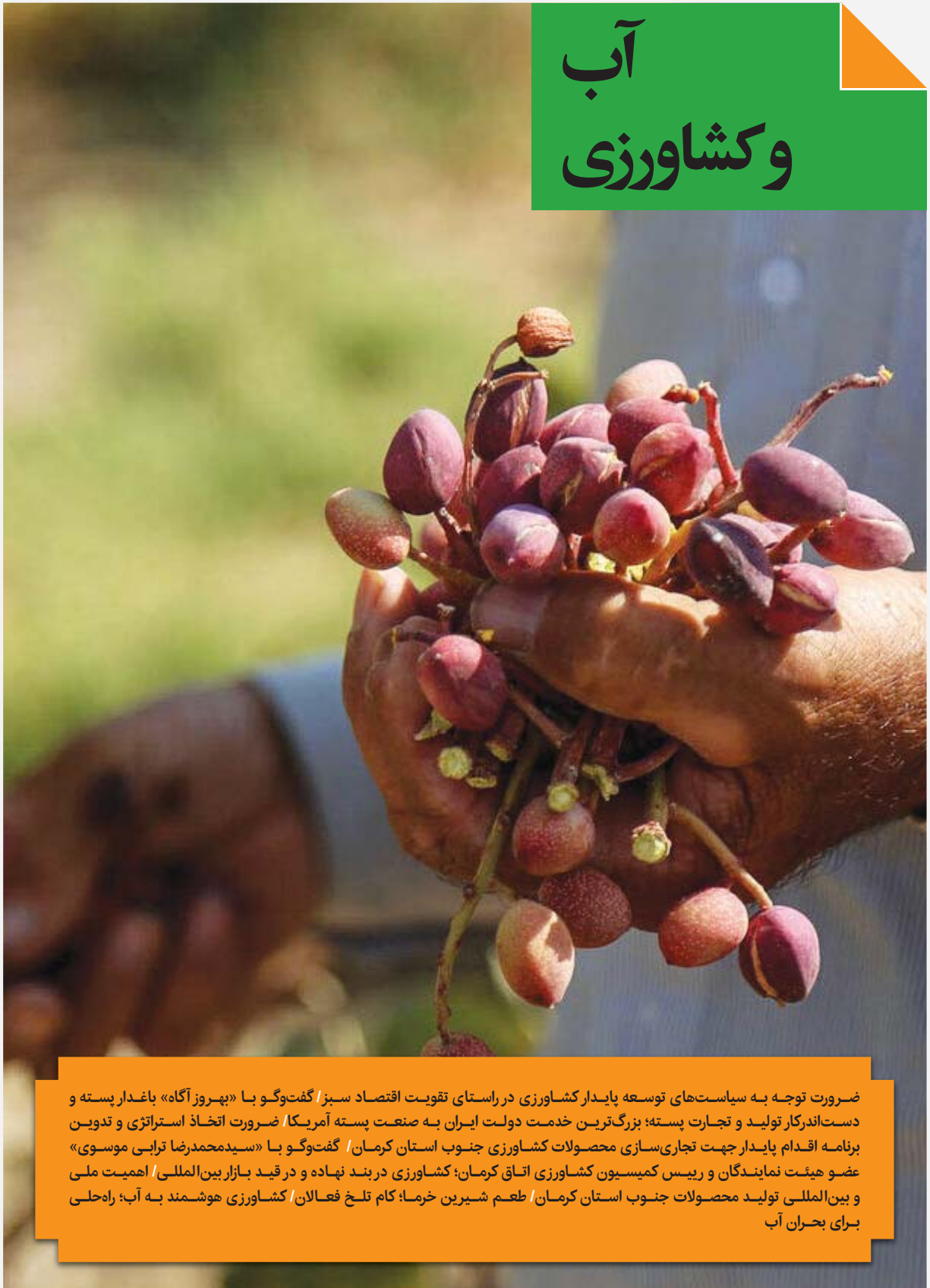
است و به ما کمک

می‌کند که از بروز

بحران‌های مشابه

جلوگیری کنیم.

آب و کشاورزی



ضرورت توجه به سیاست‌های توسعه پایدار کشاورزی در راستای تقویت اقتصاد سبز / گفت‌وگو با «پهروز آگاه» باغدار پسته و دست‌اندرکار تولید و تجارت پسته؛ بزرگ‌ترین خدمت دولت ایران به صنعت پسته آمریکا / ضرورت اتخاذ استراتژی و تدوین برنامه اقدام پایدار جهت تجاری‌سازی محصولات کشاورزی جنوب استان کرمان / گفت‌وگو با «سیده‌محمدرضا ترابی موسوی» عضو هیئت نمایندگان و رییس کمیسیون کشاورزی اتاق کرمان؛ کشاورزی در بند نهاده و در قید بازار بین‌المللی / اهمیت ملی و بین‌المللی تولید محصولات جنوب استان کرمان / طعم شیرین خرما؛ کام تلخ فعالان / کشاورزی هوشمند به آب؛ راه‌حلی برای بحران آب



ضرورت توجه به سیاست‌های توسعه پایدار کشاورزی در راستای تقویت اقتصاد سبز

در راستای توسعه پایدار کشاورزی، است. چندبعدی بودن توسعه از یک طرف، پیچیدگی‌های مربوط به پایداری از سوی دیگر و ویژگی‌های کالاها و بخش کشاورزی (بویژه در کشورهای در حال توسعه)، موضوع مورد بحث را به یک سه‌ضلعی بسیار پیچیده تبدیل می‌کند که سیاست‌گذاری (ساخت و اجرای سیاست) در این زمینه را نیازمند پویایی و دقت زیادی می‌نماید. در این نوشتار به‌طور مختصر جنبه‌های مختلف موضوع، مورد بررسی قرار می‌گیرد و بدیهی است که هر یک از موضوعات مورد بحث نیازمند بررسی‌ها و دقت بیشتری بویژه در مرحله عملیاتی آن است. واژه توسعه یک جریان چندبعدی (اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی) به هم پیوسته، کیفی و غامض است. معیارها و شاخص‌های متفاوتی برای اندازه‌گیری آن وجود دارد

♦ دکتر حسین مهرابی بشرآبادی
عضو هیئت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان



علی‌رغم این‌که توجه به پایداری در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تقریباً روند صعودی داشته است، اما تداوم روند فعلی، بدون اصلاحات و تغییرات جدی، موجب بهبود اساسی وضعیت نظام کشاورزی و افزایش پایداری آن نمی‌گردد. کشاورزی به‌عنوان سبزترین بخش اقتصاد، دارای نقش تعیین‌کننده‌ای در مساعده‌های نوین خود به کل توسعه اقتصادی کشورها است. لذا به‌زعم نگارنده، سیاست‌های کشاورزی نیازمند تغییرات اساسی و تقویت

حداقل خودش می‌داند که چه چیزی می‌خواهد و با تأمین چه خواسته‌هایی به عدالت می‌رسد، هرچند اعمال متضاد افراد مختلف را نیز در برگیرد، اما به نظر می‌رسد که پایداری یا اساساً از جنس این مفاهیم نیست یا هنوز به این مرحله نرسیده است و از این رو ممکن است دستاویز هر گروه و دیدگاهی مانند سیاستمداران، ثروتمندان و ... در راستای منافع و اهداف شخصی و گروهی خود، گردد. ابهام اصطلاح پایداری در کشاورزی پایدار به مراتب بیشتر از اصطلاح پایداری در «توسعه پایدار» است. جدا کردن لغت پایداری از ترکیب لغوی توسعه پایدار و قرار دادن آن در کنار لغت کشاورزی چندان با کارکرد این اصطلاح در ترکیب توسعه پایدار و مفهوم آن سازگاری و مشابهت ندارد؛ به‌عنوان مثال گوناگونی تعاریف و چیستی کشاورزی پایدار توسط ولتن و همکاران با مرور بیش از ۱۵۰ منبع علمی معتبر بررسی شده است. آن‌ها تعاریف بسیار متنوعی از کشاورزی پایدار را برشمردند و توانستند اهداف آن را در قالب زمینه‌های موضوعی و طبقات مختلف نشان دهند. بر اساس این بررسی، اهداف مسلط شامل طبقات اخلاق، چندکارکردی بودن، امنیت و ثبات و انعطاف‌پذیری است. اهداف زیست‌محیطی ویژه تولید شامل هدف عمومی سلامت و بهداشت اکولوژیکی و اهداف خاص حفاظت از کارکردهای اکوسیستم، حفاظت منابع طبیعی و ظرفیت مولد و اهداف زیست‌محیطی ناپویسته تولید شامل هدف عمومی سلامت و بهداشت اکولوژیکی و اهداف خاص رفاه، حفاظت و بهبود محیط زیستی و هماهنگی با طبیعت هستند. اهداف اجتماعی دربرگیرنده تعهد اجتماعی به‌عنوان هدف عمومی و مقبولیت، حفظ فرهنگ، برابری، عدالت، انصاف و عدم تبعیض، ارضای نیازهای انسانی (همه نسل‌ها)، شرایط کاری مناسب، سلامت و بهداشت انسان، تغذیه، کیفیت زندگی و توان بخشی به جوامع به‌عنوان اهداف خاص می‌باشند و نهایتاً، در اهداف اقتصادی، هدف کلی دوام‌پذیری اقتصادی و اهداف خاص توسعه، امرامعاش، تأمین محصولات و اشتغال پررونق را در برمی‌گیرد. لذا مسئله مهم در تدوین و اجرای سیاست‌های توسعه پایدار کشاورزی در راستای تقویت اقتصاد سبز، دستیابی به یک درک و شناخت مشترک عملی مبتنی بر پایداری بین گروه‌های مختلف (ذینفعان، کشاورزان، واسطه‌ها، دولت، مصرف‌کنندگان و ...) است و در این صورت پایداری کشاورزی می‌تواند ابزاری کاربردی در اختیار تصمیم‌گیرندگان جهت کمک به مدیریت بخش

که هرکدام دارای محاسن و معایبی است. نظریه‌های توسعه از ۱۹۶۰ به این‌طرف شاهد تحولات بسیار اساسی بوده و منجر به اختلاف‌نظرهای زیادی در بین مکاتب و سیستم‌های مختلف اقتصادی (بویژه بین اقتصاددانان چپ و راست) شده است که در این مقوله، فرصت پرداختن به آن نیست.

در مورد درک مفهوم پایدار کشاورزی، مشکل اصلی اینجاست که همه در مورد اهمیت پایداری و توجه روزافزون به آن اتفاق نظر دارند، اما در مورد مفهوم، شاخص‌ها، ضرایب و اوزان ابعاد مختلف آن، بهترین راهکارهای عملی و ... اتفاق نظر ندارند. پایداری دارای اهداف متفاوتی بوده و دارای چهار بعد اصلی اجتماعی (رشد و ترکیب جمعیت، آموزش، فقر و ...)، اقتصادی (تکنولوژی، رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری، اشتغال و ...)، زیست‌محیطی و طبیعی (زمین، آب، هوا، تنوع زیستی و...) و سیاسی (حکمرانی، قانون، برنامه و سیاست و...) است. مباحث بسیار زیادی توسط سیاست‌گذاران، دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی، ملی و محلی، درباره توسعه پایدار کشاورزی (در مقابل توسعه کشاورزی صرف) مطرح شده و دستیابی به آن ازجمله مهم‌ترین اهداف و نیاز مبرم برای افزایش پایداری کشاورزی در جهان است.

دولت‌ها در سیاست‌گذاری برای کشاورزی نیازمند پاسخ به ۲ سؤال اساسی هستند. اولاً که پایداری کشاورزی چیست؟ و ثانیاً، چگونه می‌توان در جهت آن حرکت (سیاست‌گذاری) کرد یا در مسیر آن باقی ماند؟ پایداری کشاورزی زمانی می‌تواند مفید باشد که ۲ شرط را داشته باشد. اولاً، از یک سو بتواند معنی مشخصی (که منظور است) را تداعی کند و از سوی دیگر از سایر معانی (که منظور نیست) متمایز باشد. ثانیاً، ما به ازای بیرونی (واقعی) داشته باشد.

مشکل اینجاست که اگرچه ایده کشاورزی پایدار از زمان انتشار گزارش بروندتلند در سال ۱۹۸۷ اهمیت بسیار یافته است، اما مفهوم کشاورزی پایدار هنوز دارای معانی بسیار گنگ و مبهمی است که باعث می‌شود استفاده و اجرای عملی آن دشوار گردد. لذا در بهترین حالت، پایداری کشاورزی به صورت یک «هیچ بزرگ» باقی می‌ماند. برخی مانند جاکوبز، اسکالر، تامپسون و بل و مورس، پایداری را با مفاهیم حقیقت، عدالت اجتماعی و دموکراسی مقایسه کرده‌اند که این امر صحیح به نظر نمی‌رسد. زیرا این مفاهیم، معانی خود را می‌رسانند؛ مثلاً وقتی فردی خواستار عدالت است

مسئله مهم در

تدوین و اجرای

سیاست‌های

توسعه پایدار

کشاورزی در

راستای تقویت

اقتصاد سبز،

دستیابی به

یک درک و

شناخت مشترک

عملی مبتنی

بر پایداری بین

گروه‌های مختلف

(ذینفعان،

کشاورزان،

واسطه‌ها، دولت،

مصرف‌کنندگان

و... است و

در این صورت

پایداری کشاورزی

می‌تواند ابزاری

کاربردی در اختیار

تصمیم‌گیرندگان

جهت کمک به

مدیریت بخش

کشاورزی و تدوین

سیاست‌های

توسعه پایدار در

سطوح مختلف،

قرار دهد.

کشاورزی و تدوین سیاست‌های توسعه پایدار در سطوح مختلف، قرار دهد.

در خصوص ویژگی‌های کشاورزان، کالاهای و بخش کشاورزی (به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه)، لازم به توضیح است که بخش کشاورزی دارای مساعده‌های سنتی زیادی همانند غذا و امنیت غذایی، بازار، مواد خام و ... در جریان توسعه اقتصادی است و در شرایط جدید مسائلی مانند خوداتکایی، بهداشت مواد غذایی (محصولات ارگانیک و...)، کشاورزی دانش‌بنیان، توسعه فن‌آوری ارتباطات و اطلاعات و ... هم به آن اضافه شده است. مجموعه این عوامل باعث افزایش اهمیت و توجه به این بخش به‌عنوان سبزترین بخش اقتصاد، شده است. بخش کشاورزی در کشورهای درحال توسعه دارای تفاوت‌های اساسی با کشورهای توسعه یافته است. عمده‌ترین این تفاوت‌ها در متوسط اندازه مزارع، سطح تکنولوژی، کشت درآمدهای تقاضای مواد غذایی، ضریب نفوذ دانش، ترکیب عوامل تولید، صنایع تبدیلی، نرخ رشد جمعیت در مناطق روستایی، اندازه مداخلات دولت و ... است. از این‌رو الگوبرداری از مدل‌های کشورهای توسعه یافته ممکن است منجر به رسیدن به اهداف سیاستی مدنظر نگردد.

ویژگی‌های اصلی بخش کشاورزی در کشورهای درحال توسعه عمدتاً شامل بالا بودن انواع ریسک، سنتی بودن کشاورزان، خرده‌پا بودن کشاورزان، معیشتی بودن کشاورزان، قوانین نامناسب آب، زمین، جنگل و ... است. در این کشورها کشاورزان تصمیم‌گیرندگان اصلی در مزرعه هستند (تصمیماتی همانند نوع کشت، سیستم آبیاری، زمان آبیاری، میزان استفاده از انواع کودها و ...) و طبیعی است که کشاورزان اغلب سنتی، ریسک‌گریز، خرده‌پا و معیشتی درصدد به حداکثر رساندن سود و نفع شخصی خود در چارچوب قوانین، شرایط موجود و قضاوت‌ها، ارزش‌ها، حسابداری و توابع ذهنی خود هستند. قضاوت‌ها، ارزش‌ها، حسابداری و توابع ذهنی کشاورزان (فرهنگ، شیوه تفکر اجتماعی، محیط، توابع تولید، پیش‌بینی از قیمت‌ها در آینده، انتظارات و ...) ممکن است با واقعیت‌های موجود و نیز وضعیت بهینه یا هدف مدنظر سیاست‌گذار دارای تفاوت‌های اساسی باشد. هرچه این شکاف بیشتر باشد، اجرای سیاست‌های توسعه پایدار کشاورزی، دشوارتر است. مجدداً یادآوری می‌شود که کشاورزان در خط مقدم تولید و تخصیص منابع قرار دارند و عدم درک صحیح سیاست‌گذار از قضاوت‌ها، ارزش‌ها، حسابداری

و توابع ذهنی کشاورزان می‌تواند منجر به ناکارآمدی سیاست‌های ابلاغی گردد. عدم درک صحیح مجریان میانی، ناکافی بودن بودجه‌های اجرایی، مشکلات فنی و اجرایی، فساد و ... هم می‌تواند منجر به افزایش این ناکارآمدی گردد. در این راستا استفاده از تجربیات کشاورزان می‌تواند تا حدی فرایند سیاست را از حالت خطی (بالا به پایین) به حالت دایره‌ای تبدیل کند. این امر موجب افزایش خوداتکایی بهره‌برداران شده و همچنین اجرای این سازوکار با استفاده سودمند از سرمایه اجتماعی، توانایی مردم را برای انجام کارگروهی در حل مشکلاتی همانند دفع آفات، روش‌های آبیاری، احیاء جنگل و ... افزایش می‌دهد. عملیات کشاورزی پایدار شامل تکنیک‌های گوناگون و به‌هم‌پیوسته می‌باشند که در برخی موارد به‌صورت دانش بومی در مناطق روستایی وجود دارد؛ مثلاً کنترل بیولوژیکی می‌تواند از لحاظ اقتصادی عملی و بوم‌شناسی روش مطمئنی باشد، اما معایبی نیز دارد که نیاز به بررسی بیشتر دارد و در این مقوله جای بحث آن نیست. در زمینه حفظ سرمایه‌های عمومی مانند حیات وحش، روش آبیاری، تنوع زیستی، همبستگی اجتماعی و ... هم مثال‌های زیادی وجود دارد.

با توجه به موارد توضیح داده شده به نظر می‌رسد سنجش آثار سیاست‌های توسعه پایدار کشاورزی (نقاط قوت و ضعف) می‌تواند منجر به دروسی از آن‌ها برای تهیه سیاست‌های کارآمدتر باشد. آنچه که در حال حاضر مهم‌تر از همه به نظر می‌رسد و نسبتاً به آن توجه زیادی هم می‌شود، بهره‌برداری پایدار از منابع آب است که ارتقای راندمان آبیاری از طریق اجرای عملیات زیربنایی آب‌و خاک (از جمله طرح‌های تجهیز و نوسازی، توسعه شبکه‌ها، زهکش‌ها و روش‌های نوین آبیاری و اجرای عملیات به‌زراعی و به‌نژادی)، تحویل آب موردنیاز کشاورزان به‌صورت حجمی براساس الگوی کشت هر منطقه، اعتبارات آبیاری تحت‌فشار و ... است. بعد از آب، توجه به حفظ منابع خاک و جنگل، گسترش مبارزه تلفیقی با آفات و بیماری‌های گیاهی، جلوگیری از مصرف غیر بهینه سموم، کود شیمیایی، داروهای دامی و ... همچنین مبارزه بیولوژیکی و توسعه کشت محصولات ارگانیک، مدیریت تلفیقی تولید و اعمال استانداردهای ملی کنترل کیفی تولیدات و فرآورده‌های کشاورزی، نوسازی ماشین‌آلات کشاورزی و از رده خارج کردن ماشین‌آلات فرسوده و توسعه بومی مکانیزاسیون، ظرفیت و توانایی کشاورزان هر منطقه و ... جزو مواردی

ویژگی‌های اصلی

بخش کشاورزی

در کشورهای

درحال توسعه

عمدتاً شامل

بالا بودن انواع

ریسک، سنتی

بودن کشاورزان،

خرده‌پا بودن

کشاورزان،

معیشتی بودن

کشاورزان، قوانین

نامناسب آب،

زمین، جنگل و

... است. در این

کشورها کشاورزان

تصمیم‌گیرندگان

اصلی در مزرعه

هستند و طبیعی

است که کشاورزان

اغلب سنتی،

ریسک‌گریز،

خرده‌پا و معیشتی

درصدد به

حداکثر رساندن

سود و نفع

شخصی خود در

چارچوب قوانین،

شرایط موجود

و قضاوت‌ها،

ارزش‌ها،

حسابداری و

توابع ذهنی خود

هستند.



هستند که باید در سیاست‌های توسعه پایدار کشاورزی مد نظر قرار گیرند که بدون توجه به موارد پیش‌گفته (مثلث مورد بحث)، اثربخشی مورد انتظار را نخواهند داشت. از این‌رو درک و شناخت مشترک عملی مبتنی بر پایداری بین گروه‌های مختلف (ذینفعان، کشاورزان، واسطه‌ها، دولت، مصرف‌کنندگان و ...) و نیز توجه به ویژگی‌ها و قضاوت‌ها، ارزش‌ها، حسابداری و توابع ذهنی کشاورزان و بخش کشاورزی، در تدوین سیاست‌های توسعه پایدار کشاورزی حائز اهمیت زیادی است. در این راستا با توجه به تفاوت‌های فرهنگی، اقلیمی، سرمایه اجتماعی، منابع، قابلیت‌ها، ظرفیت‌ها و ... در مناطق مختلف کشور، ساخت، تدوین و اجرای یک سیاست واحد برای کل کشور ممکن است پاسخگو نباشد و نیاز به ساخت و اجرای سیاست‌های توسعه پایدار کشاورزی محلی وجود دارد. این امر نیازمند مطالعه و امکان‌سنجی و بررسی محاسن و معایب آن برای تمرکززدایی و تفویض اختیارات به استان‌ها به همراه ایجاد یک سیستم متمرکز ملی است. ♦♦

London, UK

Pearson, C.J. (2013). Planning for agricultural sustainability. *International Journal of Agricultural Sustainability*, 11(1), pp. 1-3

Schaller, N. (1993) 'The concept of agricultural sustainability', *Agriculture, Ecosystems and Environment*, vol 46, pp. 89-97

Thompson, P.B. (2007). Agricultural sustainability: what it is and what it is not. *Int. J. Agric. Sustain.* 2007, 5, pp. 5-16, DOI

Talukder, B. Blay-Palmer, A. (2017) Comparison of methods to assess agricultural sustainability. In *Sustainable Agriculture Reviews*, 1st ed. Lichtfouse, E. Ed. Springer International Publishing AG: Basel, Switzerland, 2017; Volume 25, pp. 149-168

Van Pham, L. Smith, C. (2014) Drivers of agricultural sustainability in developing countries: a review. *Environ Syst Dec* 34(2):326-341

Velten, S. Leventon, J. Jager, N. Newig, J. (2015). What is sustainable agriculture? A systematic review. *Sustainability* 2015, 7, pp. 7833-7865

منابع

- مرید السادات، پگاه، عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری؛ مهدی پورطاهری و حسین شعبانعلی فمی. (۱۳۹۷). تحلیل پایداری سیاست‌های کلان و بخشی کشاورزی در برنامه‌های پنج‌ساله جمهوری اسلامی ایران. *مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران*. دوره ۴۹ شماره ۱، صفحه ۴۳-۵۸.

- فلاح علی پور، سیاوش. (۱۳۹۷). الگویی برای ارزیابی پایداری کشاورزی: مطالعه موردی استان کرمان. *رساله دکتری اقتصاد کشاورزی دانشگاه شهید باهنر کرمان به راهنمایی حسین مهرابی بشرآبادی*.

- قوانین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.

- نجفی، غلامعلی و شمس السادات زاهدی. (۱۳۸۴). مسئله پایداری در کشاورزی ایران. *مجله جامعه‌شناسی ایران*. تابستان ۱۳۸۴، دوره ۶ شماره ۲ از صفحه ۷۳ تا ۱۰۶.

Bell, S. Morse, S. (2008). *Sustainability Indicators: Measuring the Immeasurable?* 2nd ed. Earthscan: London, UK, 2008; 978-1-84407-299-6

Jacobs, M. (1991). *The Green Economy*; Pluto:

گفت‌وگو با «بهرروز آگاه» باغدار پسته و دست‌اندرکار تولید و تجارت پسته

بزرگ‌ترین خدمت دولت ایران به صنعت پسته آمریکا

از دو چالش اساسی در حوزه اقتصاد پسته، پیوسته یاد می‌شود. دو چالشی که متأسفانه دیگر جنبه تاریخی پیدا کرده است؛ یکی در تولید که عبارت از پایین بودن بهره‌وری عوامل تولید است و دیگری مسئله همیشگی موانع صادرات. این‌که چرا با وجود شناخت معما، مسئله حل نمی‌شود یک سؤال برجای مانده است. عمدتاً اشکال کار در کجاست؟ در صورت مسئله و تعریف مشکل یا در فرایند حل مسئله؟ واقعاً راه‌حل این دو چالش چیست؟ بهروز آگاه، باغدار پسته به‌عنوان یک صاحب‌نظر و دست‌اندرکار تولید و تجارت پسته، پاسخ این سؤال را در گفت‌وگو با ما به شرح زیر داده است.



عوامل مهم مؤثر در پایین بودن بهره‌وری تولید پسته

قبل از هر چیز لازم می‌دانم بگویم منظور از بهره‌وری عوامل تولید پسته، یعنی هر هکتار باغ پسته در ازاء مصرف منابع تولید از جمله آب، خاک، کود و ... چند کیلو پسته خشک محصول می‌دهد. ما بر این مبنا عملکرد باغ را می‌سنجیم. در حال حاضر در ایران به‌طور متوسط از هر هکتار باغ پسته ۶۰۰ کیلوگرم محصول برداشت می‌شود، این عدد در آمریکا حدود ۳/۵ تن پسته خشک در پوست است؛ این یعنی در ایران میزان خیلی پایین بهره‌وری تولید پسته و هدر دادن منابع، چه آب و چه خاک. البته در کرمان مناطقی داریم که در هر هکتار متوسط ۵ تن پسته برداشت می‌شود؛ یعنی تقریباً یک و نیم برابر برداشت در هر هکتار آمریکا، اما این موارد خیلی کم است.

عوامل زیادی در پایین بودن میزان بهره‌وری باغات پسته مؤثر بوده است. من ابتدا چند مورد از این عوامل را

می‌گویم و بعد در ادامه به راهکارهایی که به نظرم می‌رسد اگر اجرایی می‌شد، شاید وضعیت در طولانی‌مدت بهبود پیدا می‌کرد، اشاره‌ای می‌کنم.

۱- در دهه‌های اخیر تقاضای جهانی برای پسته همواره بالا بوده، بنابراین پسته تولیدشده در همین ظرفیت و با قیمت خوب، طرفداران جهانی خود را داشته است. در واقع کشاورز ایرانی انگیزه اقتصادی لازم برای تولید بیشتر یا به عبارتی بهره‌ورتر نداشته است، اما از موقعی که بازار مصرف جهانی پسته به مرز اشباع نزدیک شده و قیمت پسته، عمدتاً به دلیل دخالت بی‌جای دولت در امر صادرات نسبت به دهه‌های اخیر کاهش‌یافته، انگیزه اقتصادی لازم هم در بین کشاورزان ایرانی جان گرفته و در صدد بالا بردن میزان تولید پسته برآمده‌اند.

۲- تولید پسته و بسیاری از محصولات کشاورزی در ایران سال‌هاست که با روش‌های تجربی و بر مبنای تجربه



خرده‌مالکین باغ‌ها را ایجاد کرده‌اند و حدود ۷ یا ۸ سال بعد پسته برداشت کرده‌اند. یک زمانی درخت‌ها جوان بودند و برداشت پسته هم خوب بود، اما از یکجایی به بعد مالک می‌بایست بخشی از درآمد حاصل از فروش محصولات خود را به باغ برگرداند و صرف رسیدگی، کود دهی، سم‌پاشی و ... کند؛ اتفاقی که نیفتاده است و درآمد مالکین در جاهای دیگر سرمایه‌گذاری شده است. حالا به جایی رسیدیم که آب کم شده و کیفیت آب کاهش یافته است؛ اما هنوز هم همان شیوه کشاورزی معیشتی و فرآوری سنتی با راندمان پایین تداوم داشته و اغلب، خرده‌مالک به دلیل نداشتن بنیه مالی کافی و دانش کافی نمی‌تواند در جهت رسیدگی به بهبود و مدرنیزاسیون باغ تحت تملک اقدامی بکند. متأسفانه بعضاً فرهنگ عمده مالک هم همین‌طور است. عمده مالک هم اگر مجبور نبود، دست در جیب خود نمی‌کرد و شرایطی مشابه خرده‌مالک داشت؛ به عبارتی ما از لحاظ فرهنگ کشاورزی یاد نگرفته‌ایم چه قدر از درآمد حاصل از باغ را باید به ملک و باغ برگردانده و دوباره زمین را تقویت کنیم. به هر حال عمده مالک با توجه به وسعت باغ خود اگر درآمد نداشته باشد، بعد از یکی دو سال از جیب گذاشتن ورشکست می‌شود. پس با توجه به هزینه‌های جاری مجبور است به شکلی مدیریت کند که از ورشکستگی جلوگیری کند؛ اما خرده‌مالک یک نفر است و خودش می‌تواند روی یک هکتار یا نیم هکتار باغ خود، کار کند و هزینه‌های اضافی مثل کارگر، نگهداری از باغات و ... را ندارد و فعلاً هم با آبی که دارد و در حال کم شدن هم هست، می‌تواند چند سالی دوام بیاورد. بزرگ‌ترین کمکی که می‌توان به خرده‌مالکی کرد این است که میزان بهره‌وری تولید محصول را در این اراضی بالا برد.

حالا به جایی رسیدیم که آب کم شده و کیفیت آب کاهش یافته است؛ اما هنوز هم همان شیوه کشاورزی معیشتی و فرآوری سنتی با راندمان پایین تداوم داشته و اغلب، خرده‌مالک به دلیل نداشتن بنیه مالی کافی و دانش کافی نمی‌تواند در جهت رسیدگی به بهبود و مدرنیزاسیون باغ تحت تملک اقدامی بکند. متأسفانه بعضاً فرهنگ عمده مالک هم همین‌طور است.

پیشینیان صورت می‌گیرد و بر خلاف عملکرد رقیب قدرتمندان در دنیا هیچ پایه و اساس علمی نداشته است؛ بنابراین شکی نیست در طول این سالیان، بسیاری از منابع از جمله آب و خاک به دلیل استفاده ناصحیح دچار هدررفت شده‌اند.

۳- از دیگر عوامل پایین بودن بهره‌وری تولید پسته باید به افت شدید کیفیت و کمیت آب اشاره کرد. در سال‌های اخیر به دلیل تصمیم‌گیری‌های نادرست وزارت نیرو مبنی بر صدور بی‌رویه پروانه‌های حفر چاه و مضافاً بر آن حفر چاه‌های غیرمجاز، دچار بحران‌های شدید آبی هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی شده‌ایم. داستان عدد ۶۰۰ کیلوگرم در هکتار هم عمده‌اش از همین موضوع ناشی می‌شود. قاعدتاً هیچ کشاورزی دوست نداشته است که منابع آبی که عامل حیاتی و مهم در کسب‌وکارش هستند، دچار کمبود شود و یا روزی تمام شود، اما چون هیچ‌وقت چارچوب قانونی صحیحی برای آن تعریف نشد و هر کس برای کسب منفعت بیشتر تا جایی که برایش امکان‌پذیر بود منابع آبی فرانسلی را از زیرزمین بیرون کشید؛ از ترس این‌که ممکن است دیگری از او پیشی بگیرد. نتیجه چنین هجوم دهشتناکی، برداشت بی‌رویه از حوزه‌های آبریز بوده به طوری که جبران و جایگزینی آن هم بسی ناممکن است. این تراژدی به «تراژدی منابع مشترک» معروف است. حالا که به این نقطه رسیدیم شاید اجرای طرح‌های آبیاری قطره‌ای در باغات پسته و یا خشک کردن قسمتی از باغاتی که آب کافی ندارند راه‌هایی برای جبران مافات باشند.

۴- عامل دیگر به مسائل مربوط به خرده‌مالکی برمی‌گردد. آمار جهاد کشاورزی حاکی از آن است که در استان کرمان حدود ۲۵۰ هزار هکتار باغ پسته موجود است که متعلق به حدود ۱۵۰ هزار مالک یا بهره‌بردار می‌باشند. ممکن است مقداری از این باغات خشک و یا ترکیب آن‌ها در حال حاضر عوض شده باشد؛ به عبارتی هر مالک به طور متوسط صاحب کمتر از ۲ هکتار باغ پسته است که معمولاً همین مقدار نیز در یکجا متمرکز نیست. این در حالی است که مطابق سرشماری وزارت کشاورزی آمریکا - نزدیک‌ترین رقیب ایران در تولید پسته - در سال ۲۰۰۷ میلادی سطح زیر کشت پسته در آن کشور حدود ۶۲۳۶۴ هکتار در ۱۳۰۶ قطعه باغ است؛ یعنی متوسط مساحت باغ پسته در کالیفرنیا در سال ۲۰۰۷ نزدیک ۴۸ هکتار (حدود ۲۵ برابر ایران) بوده است. البته خرد بودن مالکیت باغات پسته در ایران عمدتاً ناشی از تفسیر رایج قانون تقسیم ارث می‌باشد. در ۴۰ سال گذشته، درست پس از پیروزی انقلاب اسلامی،

طرح تجمیع باغات خرده‌مالکی

مدتهاست که موضوع تجمیع باغات خرده‌مالک به‌عنوان یک راهکار برای بهبود وضعیت کشاورزی پسته مطرح شده است. در کرمان پیش از این به همت استاندار وقت، آقای مهندس رزم حسینی طرح تجمیع باغات خرده‌مالکی با هدف اجرای برنامه‌های کلان مذکور در حدود ۳ هزار هکتار از باغات استان اجرا شد، اما این طرح با رفتن ایشان متوقف و تاکنون نیز موفق به ادامه اجرای آن نبوده‌ایم.

از طرفی در شمال استان کرمان حدود ۸۵ هزار هکتار باغ پسته فاقد سند هست که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی این زمین‌ها توسط مردم تصرف و چاه حفر شده است، اما مسئله اینجاست که با وجود این که آب و زمین در تصرف مردم است و هر سال پسته برداشت می‌شود این باغات سند مالکیت ندارند و مردم نمی‌توانند از آبیاری قطره‌ای و سایر تسهیلات استفاده کنند. جناب آقای سعیدی، رئیس محترم سازمان جهاد کشاورزی پیگیر این موضوع است تا سند این اراضی به دست صاحبان آن برسد. ولی در این مسیر ظاهراً مشکلاتی وجود دارد و به دلایلی از پیشرفت کار جلوگیری می‌شود.

اگر طرح تجمیع باغات خرده‌مالکی تداوم داشت، شاید خیلی از هزینه‌های تولید، به‌واسطه دستیابی به فرصت‌های صرفه‌جویی ناشی از چانه‌زنی حجم زیاد منابع و نهاده‌های کشاورزی و ماشین‌آلات کشاورزی موردنیاز، کم می‌شد و به خاطر از بین رفتن مرزهای مشترک زیاد، امکان انتقال آب به باغات پربازده و جلوگیری از هدرروی آب راحت‌تر صورت می‌گرفت. مبارزه با آفات مؤثرتر و هزینه‌های سم‌پاشی، کود و محلول‌پاشی بهینه می‌شد. اجرای طرح‌هایی مثل آبیاری قطره‌ای در هکتار بالا صرف می‌کرد. همچنین هزینه‌های ضبط و فرآوری محصول کمتر می‌شد.

ترویج آموزش‌های لازم در زمینه پسته نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

موضوع دیگری که در راستای تقویت بهره‌وری تولید خوب است انجام شود و در حال انجام است، بحث ترویج آموزش‌های لازم در مورد پسته است. یکی از اقدامات انجام شده در این باب با همکاری انجمن پسته ایران در استان سیستان و بلوچستان در حال انجام است، به این صورت که همکاران ما در انجمن پسته ایران به‌صورت حضوری به سیستان و بلوچستان رفته و آموزش‌هایی ازجمله فناوری‌های روز، چگونگی انجام پیوند بهتر، فاصله مناسب بین درختان و ... را به پسته کاران آنجا می‌دهند و یا در مواردی برادران بلوچ به کرمان آمده و آموزش‌های لازم را

ضمن بازدید از باغات پسته کرمان فرا می‌گیرند. با توجه به این که از ۳۱ استان کشور، ۲۷ استان زیر کشت پسته است؛ (طبق آمار به دست آمده توسط انجمن پسته ایران)، مسئله ترویج آموزش‌های لازم در مورد کاشت و برداشت پسته بسیار ضرورت پیدا می‌کند. طرح آموزشی انجام شده در سیستان و بلوچستان می‌تواند به سایر استان‌های تحت کشت سرایت کند. قطعاً کشاورزان این استان‌ها نیز می‌توانند جهت هرگونه همکاری و آموزش با انجمن پسته ایران ارتباط برقرار نمایند؛ با این هدف که با آموزش‌های ترویجی مسائل مربوط به بهره‌وری تولید تقویت و اشتباهات گذشته در بحث باغ ریزی و باغداری تکرار نشود.

مثالی از بهره‌وری تولید و نرخ بیکاری

استاندار سابق، آقای رزم حسینی در حین بازدید از مناطق زرنند و انار، اشاره کرد که استان کرمان در زرنند بالاترین درصد بیکاری و در شهر انار کمترین میزان بیکاری را دارد. در شرایطی که آن زمان قیمت یک جبه آب چاه بر اساس شش‌دانگ، در زرنند سی میلیون تومان و در انار ۳۰۰ میلیون تومان و میزان بهره‌وری پسته فندقی در زرنند در هر هکتار ۱۰۰ کیلوگرم و در انار ۲ تا ۲/۵ تن در هکتار پسته اکبری بود. این در حالی است که در انار قیمت آب ده برابر زرنند است و قیمت یک مترمربع زمین هم در انار خیلی بالاتر از زرنند است.

مثال مذکور یک مقایسه بین نرخ بیکاری، قیمت آب و میزان برداشت پسته در دو منطقه مختلف استان کرمان است. در جنوب نیز باغات خرما و محصولات گلخانه‌ای و در مرکز استان گردو و گل محمدی وضعیتی مشابه دارند. می‌خواهم بگویم هر چه بهره‌وری تولید در یک منطقه بیشتر بشود و کسب‌وکار رونق پیدا کند، افراد بیشتری به کار گرفته می‌شوند و نرخ بیکاری در آن منطقه پایین می‌آید.



صادرات پسته

مانند بسیاری

دیگر از محصولات

کشاورزی در

برهه‌های زمانی

مختلف مورد

بی‌مهتری و

دخالت مسئولان

اجرائی وقت بوده

است. در زمان

ریاست جمهوری

آقای احمدی‌نژاد،

معاون اول

ریاست جمهوری،

آقای رحیمی مدت

کمی صادرات

پسته را متوقف

کرد. این بهترین و

بزرگ‌ترین خدمتی

بود که تا آن زمان

به صنعت پسته

آمریکای می‌شد کرد!

در همان زمان

مسئولان اقتصادی

که الان سرکار

هستند به درستی

اشکالات تیم

اقتصادی دولت

سابق را گرفتند و

متذکر شدند، ولی

از وقتی خودشان

بر سرکار آمدند،

درست همان

کارهای دولت

سابق را پیروی

کردند.

موانع صادرات پسته

صادرات پسته مانند بسیاری دیگر از محصولات کشاورزی در برهه‌های زمانی مختلف مورد بی‌مهری و دخالت مسئولان اجرایی وقت بوده است. در زمان ریاست‌جمهوری آقای احمدی‌نژاد، معاون اول ریاست‌جمهوری، آقای رحیمی مدت کمی صادرات پسته را متوقف کرد. این بهترین و بزرگ‌ترین خدمتی بود که تا آن زمان به صنعت پسته آمریکا می‌شد کرد! در همان زمان مسئولان اقتصادی که الان سرکار هستند به‌درستی اشکالات تیم اقتصادی دولت سابق را گرفتند و متذکر شدند، ولی از وقتی خودشان بر سرکار آمدند، درست همان کارهای دولت سابق را پیروی کردند. چرا؟ برای این که در هر کدام دوره‌ها، دولتمردان کشور ما به جای این که پایبند اصول صحیح اقتصادی باشند به دنبال عافیت‌طلبی و رفع موانع حال حاضر می‌باشند. این امر ناشی از اتکاء دولت‌ها به اقتصاد نفتی است؛ یعنی اگر دولت کنونی می‌توانست نفت بفروشد تره‌ای برای صادرات محصولات کشاورزی خرد نمی‌کرد. دلیل این که الان محصولات کشاورزی برایش مهم شده، این است که دیگر پول نفت نیست! با تحریم نفت و خوردن کفگیر به ته‌دیگ هر روز مترصد فرصتی برای دستیابی به دلارهای حاصل از صادرات بخش خصوصی از طریق تصویب مصوبات دست و پاگیر بانک مرکزی است.

از زمانی که کشور با بحران تحریم مواجه شد، اوایل دولتمردان هیچ مداخله‌ای در چگونگی فروش دلار حاصل از صادرات نمی‌کردند. از روزی که بی‌پول شدند (به خاطر تحریم نفتی)، به صادرکنندگان بخش خصوصی فشار آورده‌اند که نه تنها با نرخی که دولت تعیین می‌کند بلکه حتماً از طریق شبکه رسمی، دلار را برگردانند. ضمن این که صادرکنندگان پسته به خاطر سیاست‌های خارجی دولت آمریکا نیز تحریم شدند. هیچ صادرکننده عاقل و بالقی نمی‌تواند با قانون «رفع تعهد ارزی» صادرات انجام دهد؛ برای مثال زمانی که با یک شرکت چندمیلیاردی خارجی کار می‌کنید، این شرکت چنین ریسکی نمی‌کند که پول خود را به حساب یک صرافی ایرانی بریزد، حتی اگر سابقه این صرافی با توجه به زورگویی‌های آمریکا پاک باشد و خوب کار کرده باشد. فقط اگر یک مورد از نظر آمریکایی‌ها مسئله باشد، آن شرکت خارجی توسط آمریکا تحریم خواهد شد؛ بنابراین هیچ شرکت خارجی با وجود محدودیت‌های ناشی از رفع تعهد ارزی نمی‌تواند با ما کار کند. تیم اقتصادی دولت نمی‌فهمد کسی که صادرات پسته انجام می‌دهد مجبور است ارز خود را برگرداند و دوباره با آن پسته بخرد و با آن سرمایه دوباره پسته صادر

کند. نیازی نیست با قیدوبند تعهد ارزی او را مجبور به این کار کرد. اگر مسئولان حاضر در بانک مرکزی و دولت به جای سواد اقتصادی حاضر، اندکی تجربه کار بقالی داشتند می‌دانستند اگر نفروشی، بقالی تعطیل خواهد شد. تجارت یعنی این که چندین بار سرمایه خود را در سال به گردش درآوری. ممکن است با یک‌بار صادرات پسته دو درصد سود داشته باشی ولی با پنج بار، ده درصد سود خواهی داشت. سود صادرکننده از گردش پول در سال به دست می‌آید. درحالی که سردمداران اقتصادی دولت که از دانشگاه‌های فلان بهمان فارغ‌التحصیل شده‌اند بدون داشتن هیچ تجربه اقتصادی، جلوی کار را می‌گیرند و اجازه صادرات نمی‌دهند؛ به عبارتی فقط اجازه یک‌بار صادرات را می‌دهند.

اتفاقی که در زمان آقای رحیمی افتاد و فکر نمی‌کردیم کسی چنین خدمت بزرگی در مدتی کوتاه به صنعت پسته آمریکا کند، حالا مشابهش تکرار شده و یکی دو سال است که به همت تیم نابغه اقتصادی دولت حاضر تمام و کمال در خدمت صنعت پسته آمریکا هستیم!! پسته ما الان سه چهار دلار پایین‌تر از قیمت پسته در آمریکاست، ولی این آمریکایی‌ها هستند که پسته خود را در دنیا می‌فروشند؛ چون ما نمی‌توانیم صادرات انجام دهیم. در سال گذشته قبل از ماجرای تعهد ارزی، قیمت پسته ما یک دلار بالاتر از قیمت پسته آمریکا بود. الان با این که قیمت پسته ما سه چهار دلار پایین‌تر است، ما نمی‌توانیم محصولمان را بفروشیم. ضربه‌ای که مسئولان اقتصادی دولت حاضر به صنعت پسته این مملکت وارد کرده‌اند و کمکی که به صنعت پسته آمریکا شده است، در طول تاریخ پسته بی‌سابقه بوده است.

سیاست‌های غلط ارزی دولت باعث شده پسته‌ای را که در ابتدای سال ده، یازده دلار می‌فروختیم امروز به قیمت ۵ دلار بفروشیم. ما در اول سال تجاری ۹۸، حدود ۲۲۰ هزار تن محصول داشتیم تا الان معادل حدود ۱۶۰ هزار تن آن صادر یا مصرف‌شده که با روند تغییرات قیمتی که داشتیم بالغ بر ۵۰۰ میلیون دلار روی آن ضرر کرده‌ایم و روی مابقی محصولمان که در انبارها مانده نیز حدود ۳۵۰ میلیون دلار دیگر ضرر می‌کنیم. این یعنی این که یک صنعت که می‌بایست ۲ میلیارد دلار درآمد ارزی برای مملکت داشته باشد، حدود ۸۵۰ میلیون دلار از آن پریده! وقتی هم می‌پرسیم این چه سیاستی است در پیش گرفته‌اید، می‌گویند قصدمان جلوگیری از خارج شدن ارز از مملکت است!

کسی باید جوابگو باشد، کسی باید پای میز محاکمه کشیده



- سیاست‌های**
- غلط ارزی دولت**
- باعث شده**
- پسته‌ای را که**
- در ابتدای سال**
- ده، یازده دلار**
- می‌فروختیم امروز**
- به قیمت ۵ دلار**
- بفروشیم. ما در**
- اول سال تجاری**
- ۹۸، حدود ۲۲۰**
- هزار تن محصول**
- داشتیم تا الان**
- معادل حدود ۱۶۰**
- هزار تن آن صادر**
- یا مصرف‌شده که**
- با روند تغییرات**
- قیمتی که داشتیم**
- بالغ بر ۵۰۰**
- میلیون دلار روی**
- آن ضرر کرده‌ایم**
- و روی مابقی**
- محصولمان که**
- در انبارها مانده**
- نیز حدود ۳۵۰**
- میلیون دلار دیگر**
- ضرر می‌کنیم.**

شود. فکر می‌کنید چه عکس‌العملی نشان می‌دهند؟ می‌گویند ۱۰ هزار تن پسته در انبار فلان حق‌العمل کار در تهران احتکار شده است و پس‌فردا او را محاکمه می‌کنند. به جای این‌که مسئولان نابغه تیم اقتصادی دولت وقت را محاکمه کنند!

ماجرای بورس پسته

ایجاد بورس پسته در واقع دخالت در کاری است که ۱۰۰ سال بر مبنای عرضه و تقاضا در بازاری آزاد در حال انجام بوده است. انگیزه دولت هم از ایجاد بورس پسته تسلط بر تجارت این محصول غیرنفتی و بستن دست تجار در بازار پسته است. نظر شخصی بنده این است که بورس پسته محل عرضه و تقاضای واقعی پسته نیست؛ در بورس چیزی که احتیاج ندارید را می‌خرید که این باعث می‌شود قیمت آن بالا برود و یا می‌فروشید چون که قیمت آن پایین آمده است و این خرید و فروش واقعی نیست و در گردش واقعی اقتصاد پسته اختلال ایجاد می‌کند. نتیجه آن ضرر رساندن به فعالان صنعت کشاورزی پسته است. پسته اساساً بورس پذیر نیست؛ چرا که محصولی با ارقام و اندازه‌های مختلف است و در بازارهای صادراتی بر اساس نیازهای متفاوت مشتریان در قیمت‌های متفاوت

ارائه می‌شود. علاوه بر آن، هر کدام از این بازارهای خارجی مقررات و قوانین ویژه خودشان را برای واردات پسته دارند. چطور می‌توان محصولی با این همه پیچیدگی و تنوع قیمتی را وارد بورس کرد و انتظار داشت معاملات آن به‌درستی انجام شود؟

اشکالات عمده اقتصادی

۱- اقتصاد نفتی

مشکل اصلی مملکت ما این است که هر دولتی روی کار آمده، به اتکاء درآمد هنگفت نفتی، عائله بزرگی به دنبال خود راه انداخته است که اکثریت، قشر مصرف‌کننده ضد تولید در سطوح مختلف را تشکیل می‌دهند و قدرت سیاسی هم در دست آن‌هاست. این عائله مصرف‌گرا همیشه در صدد پایین نگه‌داشتن نرخ دلار در دوره‌های وفور نفت از طریق استخراج بیشتر نفت و گاز و فروش آن برای تأمین هزینه‌های جاری و افزایش واردات کالاهای مصرفی و لوکس بدون این‌که توجیهی داشته باشد و یا تولیدی و ایجاد اشتغالی صورت گیرد. در دورانی هم که درآمد حاصل از فروش نفت کاهش می‌یابد مثل بختک روی دلارهای حاصل از صادرات و تولید بخش خصوصی می‌افتد که باز هم بتواند نرخ دلار را پایین نگه دارد و واردات را افزایش دهد. زمانی که کالای صنعتی یا کشاورزی صادر می‌شود در مقابل هر صد سنت دریافتی صادرکننده، معمولاً بیش از ۹۰ سنت آن قبلاً برای تولید هزینه شده است. قاعدتاً ۱۰ سنت باقی‌مانده، سهم صادرکننده و هزینه‌های صادراتی است؛ به عبارت دیگر به ازای هر واحد دلاری که صادرکننده کالای ایرانی از خریدار خارجی دریافت می‌کند، قسمت عمده‌اش طی دوره تولید، هزینه شده و توزیع درآمد نیز قبلاً صورت گرفته است. حال آن‌که در مورد نفت و گاز این موضوع فرق می‌کند. یعنی اگر یک دلار نفت صادر شود، قبلاً تنها ۵ سنت آن هزینه‌ی تولید شده است و ۹۵ سنت دیگر آن در دست صادرکننده اعم از دولت، شرکت نفت، بانک مرکزی و پتروشیمی‌ها باقی می‌ماند تا هر طور دلشان بخواهد خرج کنند. منبع همه واردات غیرضروری، همه رانت‌خواری، همه اختلاس‌های کلان و خروج سرمایه و همه طرح‌های عظیم و غیراقتصادی دولتی و بی‌انگیزگی و کاهلی بخش به‌اصطلاح خصوصی ایران، همین ۹۵ سنت در دلار است. اگر به سخنان رهبری در مورد اقتصاد در ۲۵ سال گذشته برگردیم تنها شخص مرجعی در کشور که تأکید داشته است چاه‌های نفت را ببندیم، مقام معظم رهبری بودند. در خردادماه سال ۱۳۶۸ و در روزهای آغازین رهبری آیت‌الله خامنه‌ای، در مقابل عده‌ای کثیری از مردم و مسئولان که



میلیاردی و ماشین‌های گران‌قیمت نیست، چه سهمی از این یارانه انرژی می‌برد؟ نه تنها هیچ، بلکه در قالب سود سهام این کارخانه‌ها یا سوخت و بنزین ارزان به جیب قشر مرفه بی‌درد جامعه سرازیر می‌شود.

البته دولت احمدی‌نژاد اجرای «طرح هدفمندی یارانه‌ها» را کلید زد. اگر مرحله دوم این طرح هم اجرا شده بود و سوبسیدهای انرژی حذف می‌شد و حامل‌های انرژی با قیمت واقعی محاسبه می‌شد، آن وقت مشخص می‌شد بسیاری از این صنایع فقط با همین یارانه زنده‌اند و حتی توانایی پرداخت حقوق کارگران خود را ندارند.

اگر دولت‌ها قادر بودند یارانه انرژی را حذف کنند و قیمت‌های واقعی انرژی را در همه سطوح لحاظ کنند، می‌توانستند با درآمد بالایی که از صنایع و دیگر مصرف‌کنندگان انرژی بر به دست می‌آورند، به شرط آن‌که مشمول دزدی و اختلاس نشود به‌طور نقدی و به‌طور مساوی به مردم پرداخت کنند.

۳- دخالت در تعیین نرخ ارز

متأسفانه تمام هم و غم دولت در حال حاضر این است که جلوی خروج سرمایه (ارز) را از کشور بگیرد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، دولت در هیچ زمانی نتوانسته است جلوی خروج ارز را بگیرد؛ برای این‌که به ساده‌ترین اصل

به دیدار ایشان آمده بودند، «مشکل تراشی دشمن برای فروش نفت ایران» را امری بعید ندانسته و دوراندیشانه از مسئولان کشور خواستند در جستجوی بهترین راه‌ها و موفق‌ترین شیوه‌ها برای کم شدن وابستگی اقتصاد به نفت باشند. بعد از آن هم در ۱۳ اردیبهشت‌ماه ۱۳۷۳ از بستن چاه‌های نفت و شکل‌گیری اقتصاد کشور بر اساس تولیدات غیرنفتی به‌عنوان «آرزوی واقعی» خود نام برده و همگان را به تلاش در مسیر تحقق این امر مهم فراخواندند. عین جمله ایشان که در گزارشی که توسط دفتر حفظ و نشر آثار ایشان تهیه شده، این است: «آرزوی واقعی من - که البته ممکن است به این زودی‌ها قابل تحقق نباشد - این است که ما در چاه‌های نفت را ببندیم و اقتصاد خود را بر اساس کالاها و محصولات غیرنفتی بنیاد نهیم؛ یعنی فرض کنیم این کشور، کالایی به نام نفت ندارد.»

بنابراین از سمت رهبری همیشه رهنمودها داده شده، همین زمان رییس‌جمهور وقت را در نظر بگیرید که هر ساله مقام معظم رهبری چه اسامی را برای سال انتخاب می‌کنند، سال شکوفایی تولید، سال رونق تولید، سال جهش تولید، اما کدام‌یک توسط دولت وقت اجرا می‌شود!؟

۲- یارانه‌های انرژی و آب

متأسفانه منابع نفت و گازی که ثروت انباشته کشور به حساب می‌آید، بی‌رویه استخراج شده و درآمد حاصل از صادرات آن صرف پرداختن حقوق کارمند و واردات کالاهای مصرفی و اتومبیل‌های لوکس و کفش چینی و ... شده است و خیلی بیش از آنچه برای سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی لازم بوده، هزینه شده است.

از سال ۱۳۵۲ به بعد به مدد بالا رفتن ناگهانی قیمت جهانی نفت و افزایش میزان استخراج این گنج و به مدد به حراج گذاشتن حامل‌های انرژی در اختیار صنایع داخل کشور و مصرف‌کنندگان داخلی، مجموعه بزرگی از شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌ها و دولتمردان فاسد از طریق ایجاد واحدهای تولیدی، نه الزاماً اقتصادی، به جذب هر چه بیشتر رانت‌های انرژی پرداختند.

بعد از پیروزی انقلاب، تأسیس صنایع ارز و انرژی بر مانند فولاد، تولیدات شیمیایی بویژه پتروشیمی و سیمان در کل کشور، مورد حمایت دولتمردان قرار گرفته است و کمتر خبری از فعالیت کارخانه‌های تولیدی کارگربر مانند لوازم خانگی، نساجی، چرم، کفش و واحدهای تولیدی کشت و صنعت و ... است. دوام این صنایع به ظاهر پررونق ولی در درون ورشکسته، مرهون ادامه تزریق یارانه‌های هنگفت انرژی است. از آن طرف قشر آسیب‌پذیری که مثلاً در قلعه گنج زندگی کپرنشینی دارد و صاحب کارخانه، خانه‌های ۱۰۰



پیروزی انقلاب هم بعد از روی کار آمدن برخی دولت‌ها، در مشاوران اقتصادی سطح بالای ایران رد پای این تفکرات دیده می‌شود. مسلماً کسانی که بحث سلطه و تسلط بر مردم در اندیشه‌های ایشان نهفته است، نمی‌توانند مشاوران مطلوبی در عرصه اقتصادی باشند. دکتر موسی غنی نژاد در این رابطه جمله درستی گفته است: «حزب توده نابود شد اما پیروز!» منظور این است که این افکار حزب توده است که پابرجا مانده است.

در هشت سال زمان ریاست‌جمهوری آقای احمدی‌نژاد، تأکید رهبری بر اجرای اصل ۴۴ (اصل خصوصی‌سازی) بود، اما دولتمردان آقای احمدی‌نژاد نهایت تلاشی که کردند این بود که از خصوصی‌سازی به خصولتی سازی رسیدند! در کشور ما ۱۸ هزار قانون وجود دارد. هر کدام از این قوانین با توجه به نیازی اضافه‌شده، اما از طرفی یک فرصت رانت برای مأمور دولت ایجاد می‌کنند. متأسفانه قوانینی تصویب می‌شود که بدون اندکی کار کارشناسی و روزمره در مجلس تصویب می‌گردند. در بسیاری از این قوانین، ابهاماتی وجود دارد که زمینه را برای سوءاستفاده‌ی مجریان این قوانین فراهم می‌سازد. مشکل بزرگ مجلس این بوده است که حجم زیادی از این قوانین را به قصد دخالت در کار دولت تصویب کرده است. اکثر این قوانین در طولانی‌مدت بی‌مصرف بوده و جز حذف تعداد زیادی از آن‌ها چاره‌ی دیگری نیست. اگر این قوانین ابتدا به ۱۸۰۰ قانون و سپس به ۱۸۰ قانون کاهش یابند، در نتیجه آن، تعداد کسانی هم که باید این مقررات را اجرا و نظارت بکنند کاهش می‌یابد و عائله دولت کوچک می‌شود. بودجه دولت معقول می‌شود و نیاز به تأمین کسری بودجه از طرق دیگر از جمله افزایش تعرفه گمرکی، وضع مالیات و... امکان‌پذیر می‌شود. بنابراین اگر هدف، افزایش بهره‌وری تولید و ایجاد اشتغال است باید مجلس جدید عزیز بررسی و مطالعه کند که کدام یک از این قوانین موازی‌اند، کدام دردرسازند. مقداری از این قوانین کم شود و پاک‌سازی قوانین انجام شود.

۵- استفاده نکردن از فرصت تحریم

یادمان باشد خارجی‌ها دوست دارند که ما همیشه مصرفی و واردکننده و به عبارتی «توی مشت آن‌ها» باشیم. اگر ما در کنار صادرات نفت و گاز، محصولاتمان مانند تلویزیون، یخچال، ماشین و... صادر کنیم، آن‌وقت به هر شکلی که شده تلاش می‌کنند تا صادرات این محصولات متوقف‌شده و تنها صادرات ما نفت و گاز باشد. چرا رسانه‌های خارجی مثل بی‌بی‌سی فارسی که زیر نظر سرویس جاسوسی انگلیس و صدای آمریکا که سرویس جاسوسی آمریکا

اقتصادی توجه نمی‌کنند، این‌که وقتی قیمت کالایی پایین است تقاضا برای آن افزایش پیدا می‌کند. قیمت دلار که پایین باشد، صرف می‌کند که ارز را خارج کنند و با آن واردات انجام دهند و سود کلان ببرند. پایین بودن قیمت دلار به‌طور اقتصادی خود عامل افزایش فرار سرمایه است. در یک دوره‌ای در برنامه پنج‌ساله دولت برنامه‌ریزی کرد که باید نرخ ارز با افزایش تورم بالا رود. هیچ‌کسی این کار را انجام نداد و این‌قدر فشار روی ارز آمد که مثل دیگ زودپز منفجر شد و از هزار تومان به ۳ هزار تومان و ۴ هزار تومان و حالا هم به حدود ۲۴۰۰۰ هزار تومان رسیده است. سیاست هر دولت که بر سرکار می‌آید این است که در هشت سال حکومتش سعی می‌کند مسائل را سرپوشیده نگه دارد تا نفر بعدی برایش فکری کند. متوجه نیستند اگر در همان دوره خودشان این مسائل را مدیریت نکنند، اتفاقات بدتری می‌افتد و بدنامی بیشتری گریبان‌گیر آن‌ها و اسلافشان خواهد بود.

اگر مردم را در سرمایه‌گذاری آزاد گذاشته و با اعتمادبه‌نفس، کشورمان را به‌عنوان گزینه‌ای که شرایط و پتانسیل‌های خوبی دارد معرفی کنیم، مطمئناً مردم دنبال این نخواهند بود که سرمایه خود را از کشور بیرون ببرند.

۴- دولت مداخله‌گر

دولت باید موضع خود را مشخص کند؛ اسلامی است یا کمونیستی؟ دولتی که در کار اقتصاد مردم دخالت می‌کند دولت کمونیستی است.

یکی از مشکلاتی که در سیستم اقتصاد ایران وجود دارد به زمان رضاشاه و پیروی از سیاست‌های لنین در کشورهای جهان سوم برمی‌گردد. سیاست شوروی این بود که در کشورهای جهان سوم، برای رسیدن به سوسیالیسم نیاز به اقتصاد بازار آزاد نیست و به کمک مهندسی‌ها و تکنوکرات‌ها و تسلط آن‌ها بر دولت، باید اقتصاد را یکسره دولتی کرد. بنابراین در دوره رضاشاه، نقش تحصیل‌کرده‌ها و مهندسان در اداره اقتصاد کشور پررنگ شد و متأسفانه فرهنگی را در اذهان عمومی القاء کردند که بازاری و کارخانه‌دار سودجو است و به حق مردم احترام نمی‌گذارد و مردم را استثمار می‌کند و این‌ها به جای بخش خصوصی باید توسط دولت‌ها اداره شوند. این فرهنگ تا به امروز در کشور باقی‌مانده است. البته در یک دوره‌ای بعد از جنگ جهانی دوم و ضعیف شدن حزب توده، این تفکرات توده‌ای مسکوت ماند. در آن دوران تا اندازه‌ای تسلط بازاریان بر اقتصاد، جایگزین شد، اما مجدداً در نظام شاهنشاهی پس از برقراری ارتباط غرب با ایران، تفکرات توده‌ای احیا گردید و افکار خود را در لایه‌های تصمیم‌گیر دولتی گسترش دادند. پس از

در دوره
رضاشاه، نقش
تحصیل‌کرده‌ها و
مهندسان در اداره
اقتصاد کشور
پررنگ شد و
متأسفانه فرهنگی
را در اذهان
عمومی القاء
کردند که بازاری
و کارخانه‌دار
سودجو است
و به حق مردم
احترام نمی‌گذارد
و مردم را استثمار
می‌کند و این‌ها
به جای بخش
خصوصی باید
توسط دولت‌ها
اداره شوند. این
فرهنگ تا به
امروز در کشور
باقی‌مانده است.

است و ایران اینترنشنال محمد بن سلمان برای مردم ایران دل می‌سوزاند و به محض بالا رفتن قیمت دلار می‌گویند ارزش پول ملی ما کم شده است؟ فقط به این دلیل که از نارضایتی مردم ایران و فشار ناشی از افزایش قیمت دلار بهره‌برداری سیاسی بکنند و ایران را کشوری مصرف‌گرا و نه تولیدکننده و وابسته به واردات نگه دارند.

در حال حاضر خودمان موشک تولید می‌کنیم، آیا نمی‌توانیم محصولات دیگری را هم تولید کنیم؟ آقای حاجی‌زاده به‌عنوان نماینده سپاه در صنعت موشک چه کارهایی را انجام داده است؟ آیا این کارها را نمی‌توان در صنعت خودرو انجام دهیم؟ مقام معظم رهبری پیشنهاد دادند «ما باید خودرویی داشته باشیم که در هر ۱۰۰ کیلومتر، پنج لیتر بنزین بسوزاند»، ما نمی‌توانیم چنین خودرویی بسازیم؟ وقتی الان پیشرفته‌ترین موشک‌های دنیا را می‌سازیم چرا نمی‌توانیم خودروهایی کم سوخت داشته باشیم؟ کافی است یک حاجی‌زاده دیگری را رئیس ایران خودرو و سایپا بگذاریم. این‌طور افرادی را داریم؛ مشکل اینجاست که آدم‌های اشتباهی سرکارها هستند.

هر چیزی که ما در آن تحریم شدیم در واقع خدمتی به ما بوده. سردار شهید سلیمانی در یکی از سخنرانی‌هایش فرمود: «در بحران‌ها فرصت‌هایی است که به خودی خود این فرصت‌ها، پیش نمی‌آیند.» این جمله را باید با طلا نوشت و در جلوی دید همگان قرار داد. در بحران تحریم، برای کشور ما فرصت‌های طلایی ایجاد شده که اگر دولت اقتصادی وقت از آن استفاده نمی‌کند، باید بررسی بیشتری در این زمینه انجام شود.

هر چه کشور از نظر امنیت مرزها و جلوگیری از دست‌یازی‌های دیگران در طول هشت سال جنگ تحمیلی و بعد از آن، بهترین نیروها، برادران محترم سپاه به‌خصوص زنده‌یاد شهید حاج قاسم سلیمانی و سربازان گمنام امام زمان (عج) و یا از نظر سیاست خارجی افراد کارایی مثل آقای ظریف را در دامان خود پروراند است، اما امروز که جنگ ما جنگ اقتصادی است متأسفانه جز مشتی تهی‌مغز که اندازه یک طفل هم شعور ندارند در زمینه اقتصادی نیرواندایم.

کلام آخر

به نظر من آینده روشن اقتصاد کشور در تولید، خصوصاً تولیدات کشاورزی و ایجاد کار و اشتغال است. آینده روشن اقتصاد کشور ما روی افزایش تولید و خدمات خواهد بود. برای افزایش تولید چه در بخش کشاورزی چه در بخش صنعت ناچار به بهره‌گیری صحیح از منابع

مشترک به قصد بالا بردن بهره‌وری خواهیم بود. سود حاصل از هر کدام از بخش‌های تولیدی و خدماتی، در یک نظام اقتصاد آزاد هست که تعیین می‌کند منابع مشترک در چه بخشی بیشتر به کار گرفته شوند؛ نه تصمیم‌گیری و تخصیص منابع توسط دولتمردان. قاعدتاً اگر کاری سودآور باشد آن کار گسترش پیدا می‌کند و با گسترش آن نیروی اشتغال بیشتری به کار گرفته می‌شوند. شکی نیست که افزایش تولید و واحدهای تولیدی باعث کاهش بیکاری می‌شود. کشاورزی هم از این قاعده مستثنی نیست. در کشور ما کشاورزی قدمتی دیرینه دارد و در این حوزه سرمایه‌گذاری‌های زیادی انجام شده است. حتی علی‌رغم مکانیزه کردن کشاورزی در ایران هنوز هم اشتغال‌زایی بخش کشاورزی از صنعت بیشتر است. هر چه قدر بهره‌وری تولید در کشاورزی بالاتر رود، سرمایه‌گذاری بیشتری در کشاورزی انجام می‌شود و گسترش بیشتر در این حوزه، اشتغال‌زایی و سودآوری را بالا می‌برد. از سوی دیگر چنانچه یارانه‌ها حذف شود عمده تولیدات کشاورزی بر خلاف صنایع انرژی بر، هنوز هم مقرون به صرفه خواهند بود.

حوزه کشاورزی به‌گونه‌ای است که نمی‌توان به‌واسطه آن کشور را تحریم کرد. صنعت، پتروشیمی و معدن را می‌توان تحریم کرد اما کشاورزی را نه؛ مهم‌ترین دلیلش هم این است که کشاورزی بیشتر در دست بخش خصوصی و عموم مردم است و از آنجا که ابرقدرت‌های دنیا از جمله آمریکا، عوام‌فریبانه، خود را حامی منافع ملت و عموم مردم ایران برمی‌شمارند، می‌دانند ضربه زدن از این وجه دست آن‌ها را رو می‌کند. در سال ۹۸، چهار میلیارد دلار صادرات در کشور انجام شده است. دو میلیارد از این مقدار مربوط به بخش کشاورزی بوده است یعنی پنج درصد کل صادرات. چهار میلیارد نفر به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم، نیروی اشتغال بخش کشاورزی با صادرات ۵ درصدی را تشکیل می‌دهند. حالا اگر دولت جلوی این پنج درصد را بگیرد از نظر اقتصادی به چهار میلیارد نفر ضرر می‌زند. مابقی یعنی نودوپنج درصد صادرات پتروشیمی و موارد وابسته بوده است. حالا این ۲ میلیارد در برابر چهار میلیارد کل صادرات کشور چقدر ارزش دارد که دولتمردان ما به آن چشم طمع دوخته‌اند.

علما مثالی دارند که می‌گویند: «الاهم فی الاهم»، در اقتصاد ما هیچ‌کس به این مطلب توجهی نمی‌کند. اگر توجه می‌شد مطمئن بودم که حتی با وجود کج‌سلیقگی‌های موجود، این مسائل پیش نمی‌آمد. کافی است که مسئولان دولتی ما رهنمودهای مقام معظم رهبری را با دقت بیشتر گوش بدهند. ♦♦

به نظر من آینده

روشن اقتصاد

کشور در تولید،

خصوصاً تولیدات

کشاورزی و ایجاد

کار و اشتغال

است.

آینده روشن

اقتصاد کشور ما

روی افزایش تولید

و خدمات خواهد

بود. برای افزایش

تولید چه در

بخش کشاورزی

چه در بخش

صنعت ناچار به

بهره‌گیری صحیح

از منابع مشترک

به قصد بالا بردن

بهره‌وری خواهیم

بود.

ضرورت اتخاذ استراتژی و تدوین برنامه اقدام پایدار

جهت تجاری سازی محصولات کشاورزی جنوب استان کرمان

♦ دکتر شاپور کوهستانی
رییس دانشگاه جیرفت



چون آدامس، آلفرد مارشال و دیوید ریکاردو تجارت خارجی را منبع رشد اقتصادی می‌دانند و بر ضرورت آن به‌عنوان وسیله‌ای برای گسترش بازار داخلی، تقسیم‌کار، افزایش کارایی و بهره‌وری تأکید می‌کنند. بنابراین، تجارت خارجی می‌تواند ضمن ایجاد نیاز به صنعتی شدن، دانش و تجربه لازم را برای توسعه اقتصادی فراهم آورد و ابزارهای دسترسی به آن را در اختیار کشورهای در حال توسعه قرار دهد. کشاورزی به دلیل ماهیت و نقش آن در تولید نیازهای روزمره و اولیه جوامع، از دیرباز نقش مهمی در اقتصاد ملی، منطقه‌ای و محلی مردم و به‌ویژه جوامع روستایی داشته است. بخش کشاورزی علاوه بر تأمین نیازهای داخلی، از طریق صادرات کشاورزی در تجارت خارجی مشارکت دارد و صادرات محصولات آن نسبت به دیگر بخش‌ها از ثبات بیشتری برخوردار است؛ بنابراین تکیه بر این بخش و توسعه و گسترش صادرات آن می‌تواند زمینه را برای حضور ایران در بازارهای جهانی و استفاده از مزایای آن فراهم آورد. به همین دلیل، توجه به توسعه و تجارت بخش کشاورزی به‌عنوان پیش شرط توسعه اقتصادی، ضروری است. رونق بخش کشاورزی و افزایش تولیدات آن می‌تواند به توسعه صادرات غیرنفتی کمک شایانی کند. با توجه به روند نوسانات صادرات نفت و سهم اندک صادرات غیرنفتی از درآمدهای ارزی و کسری تجاری در تجارت محصولات کشاورزی، لازم است سیاست‌گذاری در حوزه افزایش صادرات بخش کشاورزی که خود متأثر از عوامل گوناگونی است، انجام گیرد.

جنوب استان کرمان به دلیل قابلیت‌های طبیعی و توان اکولوژیکی، زیرساخت‌های تولیدی و مراکز دانشگاهی و تحقیقاتی با سابقه در حوزه کشاورزی و نیروی انسانی ماهر و تحصیل کرده به‌عنوان یکی از قطب‌های تولید محصولات کشاورزی کشور است. با

مهم‌ترین هدف کشورهای در حال توسعه، رشد و توسعه سریع اقتصادی است. تحقق این هدف با بهره‌گیری از امکانات، توانمندی‌ها و استعدادهای مادی و معنوی جامعه در راستای تأمین نیازهای داخلی و خارجی میسر می‌شود؛ بنابراین تعامل با بازارهای بین‌المللی یکی از معیارهای توسعه‌یافتگی است.

میل به رشد سریع اقتصادی از طریق تجارت به دست می‌آید. تجارت بین‌الملل به‌عنوان یکی از بخش‌های اقتصادی نقش مهمی در تعیین سرنوشت کشورهای در حال توسعه ایفا می‌کند. اقتصاددانانی



لحاظ دانش و شناخت فرصت‌ها و اصول تجارت و برندسازی، ایجاد ارتباط و شناخت بازار هدف و شرایط لجستیکی از قبیل ایجاد پایانه صادراتی و اقدامات زیربنایی مانند کشاورزی قراردادی، تولید بذر، توسعه صنایع بسته‌بندی محصولات و برگزاری همایش‌ها و نوآوردگاه‌ها در حوزه محصولات کشاورزی را فراهم ساخت.

ب- نهادهای نیمه‌دولتی و غیردولتی:

اتخاذ استراتژی و تدوین برنامه استراتژیک تجاری‌سازی پایدار محصولات کشاورزی جنوب کرمان توسط دستگاه‌های متولی و نهادهای حاکمیتی باید با مشورت و استفاده از ظرفیت نهادها و سازمان‌هایی چون تعاونی روستایی، تعاونی‌ها و اتحادیه‌های بخش کشاورزی، صنعت و تجارت و کشت و صنعت جیرفت صورت پذیرد. اتخاذ استراتژی و تدوین برنامه فوق باید با در نظر گرفتن این مهم باشد که به دلیل حضور بخش نیمه‌دولتی و بعضاً خصوصی در تدوین و اجرای برنامه تجاری‌سازی، مصالح عمومی قربانی منافع بخش خصوصی نشود و این مهم به‌عنوان یک معیار اصلی در کنار سایر معیارهای اثربخشی ارزیابی برنامه مورد ارزیابی مداوم قرار گیرد تا برنامه قربانی اهداف و مطامع بخش خصوصی نشود.

ج- مردم و بخش خصوصی:

در عرصه عمل مردم عادی، روستاییان، عشایر و کشاورزان پیشرو هستند که در موقعیت بازاری عمل در تولید و تجاری‌سازی محصولات کشاورزی نقش ایفا می‌کنند. برنامه اقدام پایدار جهت تجاری‌سازی محصولات کشاورزی باید با رویکرد مشارکتی به‌گونه‌ای تدوین شود که با ایجاد فضای رقابتی و تسهیل‌گری، برانگیزاننده و ترغیب‌کننده این بازیگران و ذینفعان اصلی جهت مشارکت و همراهی در اجرای برنامه شود.

به‌طور کلی اتخاذ استراتژی و تدوین برنامه استراتژیک تجاری‌سازی پایدار محصولات کشاورزی جنوب کرمان توسط دستگاه‌های متولی و نهادهای حاکمیتی باید با مشورت دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی جنوب استان و استفاده از ظرفیت نهادها و سازمان‌هایی چون تعاونی روستایی، تعاونی‌ها و اتحادیه‌های بخش کشاورزی، صنعت، معدن و تجارت و کشت و صنعت جیرفت و نخبان بومی در این حوزه صورت پذیرد. ♦♦

توجه به حجم و کیفیت تولید محصولات کشاورزی در جنوب استان کرمان، این منطقه یکی از قطب‌های اصلی تأمین محصولات کشاورزی موردنیاز داخل و خارج کشور بوده است. در همین راستا شواهد تاریخی نشان دهنده روابط تجاری بین تمدن جیرفت و بین‌النهرین در هزاره سوم ق.م است. پیتر فالزner (Peter Pfalzner) استاد باستان‌شناسی از دانشگاه توپینگن آلمان و مرکز مطالعات خاورمیانه باستان، در مورد سابقه تجارت بین‌المللی در جیرفت می‌گوید: به‌وسیله بررسی اشیاء باستانی حوزه جغرافیایی فرهنگ هلیل رود می‌توان گفت که: در هزاره سوم تا ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح، اشیاء باستانی از جیرفت به دیگر نقاط بین‌النهرین حتی سوریه هم رفته است.

علی‌رغم سابقه تاریخی ارسال محصولات کشاورزی این منطقه به سایر نقاط کشور و جهان، به دلیل فقدان یک استراتژی پایدار در تجاری‌سازی محصولات کشاورزی منطقه، عمده این محصولات بدون داشتن نام و نشانی از جنوب استان کرمان وارد بازارهای داخلی و خارجی می‌شوند. لذا ضرورت دارد یک استراتژی و برنامه اقدام پایدار جهت تجاری‌سازی این محصولات اتخاذ و تدوین گردد و راهنمای عمل قرار گیرد. اقدام در جهت تجاری‌سازی محصولات کشاورزی جنوب استان در سه حوزه و میدان باید صورت پذیرد:

الف- دستگاه‌های متولی و نهادهای حاکمیتی:

اتخاذ استراتژی و تدوین برنامه استراتژیک تجاری‌سازی پایدار محصولات کشاورزی جنوب کرمان توسط دستگاه‌های متولی و نهادهای حاکمیتی از قبیل: سازمان جهادکشاورزی جنوب کرمان، سازمان صنعت، معدن و تجارت، اداره کل امورعشایری، اتاق بازرگانی و ... با استفاده از ظرفیت فکری دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی جنوب استان با رویکرد برنامه‌ریزی ارتباطی و مشارکتی.

در این راستا فرهنگ تولید با رویکرد تجارت باید در منطقه نهادینه شود و با ایجاد زیرساخت‌ها از جمله: پایانه صادراتی، منطقه ویژه کشاورزی و ایجاد رویه‌های جدید در تجارت محصولات کشاورزی از جمله: کشاورزی قراردادی و افزایش دامنه خرید تضمینی محصولات کشاورزی اقدام نمود و حلقه‌های موردنیاز تجاری‌سازی محصولات کشاورزی منطقه از

علی‌رغم سابقه

تاریخی ارسال

محصولات

کشاورزی این

منطقه به سایر

نقاط کشور و

جهان، به دلیل

فقدان یک

استراتژی پایدار

در تجاری‌سازی

محصولات

کشاورزی منطقه،

عمده این

محصولات بدون

داشتن نام و

نشانی از جنوب

استان کرمان

وارد بازارهای

داخلی و خارجی

می‌شوند. لذا

ضرورت دارد

یک استراتژی

و برنامه اقدام

پایدار جهت

تجاری‌سازی این

محصولات اتخاذ

و تدوین گردد و

راهنمای عمل قرار

گیرد.



گفت‌وگو با «سیدمحمد رضا ترابی موسوی» عضو هیئت نمایندگان و رییس کمیسیون کشاورزی اتاق کرمان

کشاورزی در بند نهاده و در قید بازار بین‌المللی

باید روش‌های آبیاری کم‌مصرف و کشت‌های جایگزین، مکانیزه و پربازده را به کار بست تا بتوان تولید ارزان، بهینه و قابل رقابت در بازار جهانی را رقم زد. آقای مهندس سید محمد رضا ترابی موسوی رئیس کمیسیون کشاورزی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان با اشاره به این موضوع، اضافه می‌کند که نکته مهم در تولیدات کشاورزی این است که برخلاف بسیاری از تولیدات در کشاورزی باید قبل از تولید، ابتدا بازاریابی دقیق صورت پذیرد و بر آن اساس به تولید پرداخته شود. او می‌گوید صنایع تبدیلی باید توسعه پیدا کنند و دلیل عدم توسعه این صنایع در منطقه این است که در واقع احساس نیاز به وجود نیامده است و تا زمانی که امکان خام فروشی بوده، صادرات و فروش انجام شده است و با نبود شرایط فروش محصولات، صحبت از عدم حمایت دولت به میان آمده است. او می‌گوید وضع قوانین خلق الساعه، وضع عوارض بر محصولات، ضعف دیپلماسی اقتصادی، عدم اطلاع‌رسانی به تولیدکنندگان و عدم توانایی شرکت در نمایشگاه‌های بین‌المللی از ضعف‌های عمده در عرضه و صادرات محصولات کشاورزی است. وی عنوان می‌کند که کشاورزان همیشه در تأمین نهاده‌های کشاورزی را مورد نیاز خود با مشکل روبه‌رو هستند و برای رفع این مشکل به وزیر کشاورزی پیشنهاد داده‌اند تا مدیریت بررسی کیفیت و تأمین نهاده‌های کشاورزی را استانی کنند. او معتقد است که باید واردات کود و سموم مطابق استانداردها و بدون رانت آزاد شود. دعوت می‌کنیم مشروح این گفت‌وگو را مطالعه نمایید:

زیرمجموعه خودشان به دلایل مختلف از جمله تحریم و بحران کرونا کرده‌اند. با توجه به این که در استان نزدیک به ۴۰ درصد اشتغال در بخش کشاورزی است می‌طلبند که تشکل‌ها و انجمن‌های وابسته روی موضوع سازمان‌دهی مشاغل وقت بیشتری گذاشته و پیشنهاد می‌شود کمیسیون کشاورزی با تشکل‌ها به‌ویژه در این موضوع همکاری و تعامل بیشتری داشته باشد.

◆ در مورد سازمان‌دهی مشاغل بخش کشاورزی استان در

قالب تشکل‌ها چه اقداماتی صورت گرفته است؟

با توجه به اطلاعات بنده و ارتباطی که با تشکل‌ها داریم، از عملکرد آن‌ها در بحث سازمان‌دهی مشاغل در بخش کشاورزی راضی نیستیم. تشکل‌ها با توجه به رخ دادن مشکلات پیش آمده و ناخواسته، بیشتتر وقت و انرژی خود را صرف اعلان خسارت‌های بخش، کمبودها و بدهی‌های



◆ به نظر شما در جهت تسهیل فرایند تولید محصولات کشاورزی چه تصمیمات و اقداماتی تاکنون مغفول مانده است که باید انجام و اجرایی شوند؟

در بخش تولید، اولین و مهم‌ترین گزینه، تولید بهینه با مصرف کم نهاده‌های کشاورزی است که نتیجه آن، تولید ارزان و امکان رقابت در بازار جهانی است. در تولید بهینه و ارزان متأسفانه در اکثر موارد ما عقب هستیم. باید روش‌های آبیاری کم‌مصرف، روش‌های کاشت مکانیزه کم‌مصرف و پربازده و کشت‌های جایگزین را اجرا کرد. سازمان‌ها و نهادهایی که با کشاورزان در ارتباط هستند باید در بحث ترویج و اطلاع‌رسانی به کشاورزان در مباحثی از جمله آگاهی بخشیدن منافع آبیاری‌های کم‌مصرف و اجرای طرح‌ها ورود کنند؛ با این هدف که تولید محصولات کشاورزی بهینه شوند.

◆ وضعیت استان کرمان از نظر صنایع تبدیلی، تکمیلی و فرآوری چگونه است؟ به نظر شما توسعه این بخش صنایع، معطل اجرای چه برنامه‌هایی است؟

با نهایت تأسف عرض می‌کنم که در بخش صنایع تبدیلی از نظر کمیت و کیفیت بسیار ضعیف هستیم. البته با توجه به این‌که اکثر تولیدات استان خارج از فصل هستند و بازار خوبی دارند، بسیاری از دوستان معتقدند برای استان توسعه صنایع تبدیلی مقرون‌به‌صرفه و جوابگو نیست؛ اما نظر بنده این است که جهت حفظ اشتغال و تولید، وجود مشکلات بازار فروش و جلوگیری از نوسانات زمان افزایش تولید، وجود صنایع تبدیلی در کنار تولیدات امری ضروری است. برای مثال در فروردین و اردیبهشت امسال به دلیل شیوع بیماری کرونا مرزهای کشور بسته شد و محصولات کشاورزی فاسد شدند. اگر در همین شرایط صنایع تبدیلی قوی در استان وجود داشت، گلخانه داران و کشاورزان با توجه به عدم توانایی قابلیت نگهداری محصولات این‌قدر متضرر نمی‌شدند؛ بنابراین برای جلوگیری از نوسانات قیمت بازار اعم از تولید و قیمت باید صنایع تبدیلی وجود داشته و بنده معتقدم جایابی صنایع تبدیلی لزوماً در جوار مناطق تولید محصولات قرار نگیرند و می‌توان در مناطقی که نیاز به اشتغال بیشتر یا توانایی سرمایه‌گذاری بیشتری است به‌صورت سهامی خاص یا عام اجرا و ایجاد شوند.

نکته مهمی که وجود دارد این است که تولیدات کشاورزی برعکس سایر تولیدات هستند؛ به عبارتی در بخش صنعت و معدن ابتدا باید تولید شکل گیرد و بعد بحث فروش به میان آید ولی در کشاورزی داستان از آخر به اول

است؛ یعنی ابتدا باید بازاریابی به‌صورت دقیق انجام شود بعد از آن به تولید پرداخت و تعیین بازار فروش مناسب باعث ایجاد جهشی در تولید خواهد شد. ایجاد صنایع تبدیلی نیز از این قاعده مستثنی نیست، چرا که ابتدا باید بازاریابی کاملی صورت گیرد که کدام کشورها چه محصولات یا کالاهایی را نیاز دارند و چه تقاضایی دارند و بعد به تولید پرداخت و نتیجه آن این است که کشاورز همواره تولید، همواره فروش و همواره تقاضا خواهد داشت. در کنار رعایت موارد ذکرشده در بالا، تولید بهینه با قیمت تمام‌شده ارزان در دستور کار و برنامه‌ریزی قرار گیرد.

در مجموع صنایع تبدیلی ما کافی نیستند و باید توسعه پیدا کنند؛ دلیل عدم توسعه آن این است که احساس نیاز به وجود نیامده و همیشه فروش محصولات به‌صورت خام فروشی بوده است تا زمانی هم که امکان خام فروشی بوده، صادرات و فروش انجام شده است و در زمان نبود شرایط، محصولات فاسد شده و صحبت از عدم حمایت دولت به میان آمده است.

علاوه بر محصولات گلخانه‌ای و نیاز آن‌ها به صنایع تبدیلی، پسته نیز از این قاعده مستثنی نبوده است. طبق آمار اعلامی از سوی جهاد کشاورزی، سالانه حدود ۱۵۰ تا ۲۵۰ هزار تن پسته تولید می‌شود. حال سؤال اینجاست، چند درصد از این تولید به‌صورت بسته‌بندی صادر شده است؟ چرا نباید این مقدار در کشور بسته‌بندی شود و اشتغال ایجاد نماید. دلیل آن عدم بازاریابی و برندسازی ما است؛ بنابراین گام اصلی در ایجاد صنایع تبدیلی، بازاریابی و فروش محصولات تولیدی سپس فرآوری محصولات کشاورزی است. همه به دنبال گوجه در کشور ما هستند نه رب گوجه! مسئله تلخ اینجاست که در برخی موارد مغز پسته از کشور ما خریده می‌شود با این شرط که جعبه

در مجموع صنایع تبدیلی ما کافی نیستند و باید توسعه پیدا کنند؛ دلیل عدم توسعه آن این است که احساس نیاز به وجود نیامده و همیشه فروش محصولات به‌صورت خام فروشی بوده است تا زمانی هم که امکان خام فروشی بوده، صادرات و فروش انجام شده است و در زمان نبود شرایط، محصولات فاسد شده و صحبت از عدم حمایت دولت به میان آمده است.

آن سفید و بدون برچسب باشد. البته برندهایی وجود دارد که در خارج از کشور موفق بوده ولی در مجموع در موضوع برندسازی مخصوص بخش کشاورزی کار نشده و می‌طلبند آموزش‌های ترویجی لازم به کشاورزان و تولیدکنندگان داده شود و مسئله صادرات پسته با کیسه‌های ۵۰ کیلویی! و در واقع خام فروشی بخش زیادی از محصولات کشاورزی متوقف شود.

◆ چرا ضعف‌های حوزه عرضه محصولات کشاورزی دهه‌هاست که برطرف نمی‌شود؟

اخیراً پیشنهادی مبنی بر ایجاد منطقه آزاد تجاری ویژه محصولات کشاورزی در جنوب استان کرمان توسط مسئولان و اتاق بازرگانی به عنوان نماینده بخش خصوصی مطرح شده و در حال پیگیری است. ایجاد چنین مراکزی امری ضروری است؛ چون که برای عرضه محصولات کشاورزی باید شاخص وجود داشته باشد. مسئله دیگری که به رفع مشکلات عرضه محصولات می‌تواند کمک نماید، شرکت در نمایشگاه‌های بین‌المللی است که متأسفانه با توجه به هزینه‌های هنگفت ناشی از افزایش نرخ دلار در حال حاضر و عدم حمایت‌های لازم از سوی سازمان صنعت، معدن و تجارت، حضور شرکت‌های ما در نمایشگاه‌های بین‌المللی بسیار ضعیف است. موضوع دیگر استفاده از ظرفیت توریسم تجاری است که در دنیا حرف اول را می‌زند و در کشور ما نادیده انگاشته شده است. چرا با وجود داشتن رتبه اول در تولید محصول پسته، رتبه دوم در تولید گردو و خرما و تولید سرآمد گل محمدی در استان، نباید با برگزاری نمایشگاه‌های داخلی و تورهای تجاری و سیاحتی به خصوص در زمان برداشت محصولات کشاورزی به رشد و توسعه این حوزه کمک نماییم!

اگر به برگزاری نمایشگاه و تورهای سیاحتی در زمان برداشت گل محمدی و گلاب‌گیری در شهر کاشان نگاهی بیندازیم، آن وقت متوجه می‌شویم که شهر کرمان با داشتن توانایی‌های بالقوه، چه قدر در استفاده از ظرفیت توریسم داخلی عقب است.

در مجموع نقش دولت و عدم حمایت آن در این حوزه، موضوع عدم اطلاع‌رسانی به تولیدکنندگان و عدم توانایی در شرکت در نمایشگاه‌های بین‌المللی، عدم برگزاری نمایشگاه‌های داخلی و تورهای سیاحتی و تجاری و مهم‌تر از همه نبود انگیزه در کشاورزان، تولیدکنندگان و صادرکنندگان در استفاده از این ظرفیت‌ها، همگی از عواملی هستند که منجر به عدم حل ضعف‌های این حوزه شده‌اند.

◆ واقعاً دلیل این‌که نتوانسته‌ایم سهم قابل‌توجهی از بازار محصولات کشاورزی دنیا به‌ویژه کشورهای همسایه را از آن خود کنیم چیست؟

ما در کشور با وضع قوانین خلق‌الساعه و عدم ثبات قوانین و مقررات روبه‌رو هستیم. برای مثال امروز کشاورز یا صادرکننده‌ای قراردادی جهت صادرات محصول خرما عقد می‌کند و روز بعد از آن به دلیل نزدیکی ماه مبارک رمضان، قانون ممنوعیت صادرات خرما وضع می‌شود. با این شرایط کشاورز و صادرکننده ما از مدار خارج می‌شود!

مسئله تعیین عوارض برای محصولاتی مانند پیاز و مرغ به شکلی دیگر مانع از برخورداری از سهم بازار محصولات کشاورزی در دنیا است؛ برای مثال، سال قبل کلیه مراحل مختلف همکاری برای محصول مرغ از جمله بازاریابی با کشور افغانستان انجام شده است و زمانی که به مرحله قرارداد می‌رسد برای هر کیلو مرغ پنج هزار تومان عوارض اضافه می‌شود و نتیجه آن می‌شود که تاجر افغانی به‌جای همکاری با کشور ما با دیگر کشورهای همسایه مثل کشور پاکستان وارد مذاکره می‌شود.

بخش دیگر از این مسئله مربوط به ضعف دیپلماسی اقتصادی ما از جمله در کشورهای همسایه است که خود آن موجب جلوگیری از موانع قانونی در کشورهای هدف می‌شود؛ برای مثال، سال گذشته یکی از صادرکنندگان کشور محصول هندوانه را به سمت مرز ترکیه فرستاده و پس از ورود به استان دوم در ترکیه به دلیل وضع قانون منع ورود هندوانه به ترکیه از ایران، بار برگشت می‌خورد! بنابراین وجود دیپلماسی قوی در اینجا بسیار ضروری است. اگر به هر دلیلی قانونی وضع می‌شود حداقل برای کالاهایی که در راه هستند مدت‌زمانی را مشخص نمایند و یا با وضع قوانین متقابل از سمت کشور ما، کشور مقصد جرأت وضع چنین قوانینی را نداشته باشد.

◆ ارزیابی شما از چگونگی برنامه‌ها و اقدامات انجام شده در مورد آسیب‌های دوره کرونا بر بخش کشاورزی استان چیست؟

با توجه به این‌که کمیسیون از فروردین ماه درگیر ارزیابی مشکلات کرونا بوده است، استان کرمان در این حوزه خوب عمل کرده است. در بخش کشاورزی و زیرمجموعه‌های آن هم استانداری و هم سازمان‌های ذی‌ربط از جمله سازمان جهاد کشاورزی، سازمان صنعت، معدن و تجارت، بانک کشاورزی حمایت‌هایی مانند بخشودگی‌ها و اهمال تسهیلات بانکی و ... را داشته‌اند.

مادر کشور با
وضع قوانین
خلق‌الساعه و
عدم ثبات قوانین
و مقررات روبه‌رو
هستیم. برای
مثال امروز کشاورز
یا صادرکننده‌ای
قراردادی جهت
صادرات محصول
خرما عقد می‌کند
و روز بعد از آن به
دلیل نزدیکی ماه
مبارک رمضان،
قانون ممنوعیت
صادرات خرما
وضع می‌شود. با
این شرایط کشاورز
و صادرکننده ما
از مدار خارج
می‌شود!
مسئله تعیین
عوارض برای
محصولاتی مانند
پیاز و مرغ به
شکلی دیگر مانع از
برخورداری از سهم
بازار محصولات
کشاورزی در دنیا
است.

کشاورزی در مالکیت بخش خصوصی است ولی تأمین و توزیع نهاده‌ها و مواد اولیه در دست دولت است. نهاده‌هایی که ارز دولتی ندارند و یا ارز آزاد یا نیمایی دارند باید واردات آن‌ها با تعیین استانداردهایی برای اشخاص و تجار، بدون رانت آزاد شود که در این صورت بازار رقابتی خواهد شد و کشاورز کیفیت محصول خود را بالا خواهد برد. در شرایطی که صادرکننده باید ارز خود را برگرداند و نیاز به تهاتر دارد، برگرداندن قسمتی از سرمایه در قالب کود و سمومی که طبق استانداردهای تعیین‌شده جهاد کشاورزی و سازمان‌های ذی‌ربط است، بسیار مؤثر و ضروری است.

◆ چنانچه توضیحات بیشتری را لازم می‌دانید، بفرمایید؟

موضوعی که در دستور کار کمیسیون قرار گرفته است، ارتباط با بازارهایی است که تاکنون در آن‌ها حضور پررنگی نداشته‌ایم. برای مثال علاوه بر بازار چین که سالانه ۱۰۰ هزار تن پسته به آن صادر می‌شود، برای محصولات دیگر حتی محصول پسته باید دنبال بازارهایی باشیم که کمتر کالا صادر شده است و بازار هدف کشور نبوده‌اند و مهم‌تر از آن توجه به این نکته که چه محصولاتی و به چه شکلی صادر شوند تا نیاز آن‌ها را پوشش دهیم. در شرایط تحریم بهترین گزینه‌ها، کشورهای همسایه هستند و با توجه به تشکیل دفتر اتاق مشترک ایران و افغانستان در کرمان، کشور افغانستان یکی از گزینه‌های همکاری است. دلیل آن اولاً بازار مصرف خوب در این کشور و دوماً تسهیل ترانزیت بین کشور ما و کشورهای همسایه از جمله پاکستان، هند و تاجیکستان از طریق کشور افغانستان است.

برای شروع همکاری‌های مذکور، تجار افغان ساکن در افغانستان و ایران جهت صادرات و موضوعات امر ترانزیت اعلام آمادگی نموده‌اند.

در مجموع اولویت همکاری در بحث صادرات به کشورهای همسایه و در رأس آن‌ها افغانستان را قرار داده‌ایم. از طرفی دیگر کشور ما هم می‌تواند واردات محصولات کشور افغانستان از جمله زیره، مغز گردو، شیرخشت و ... را گسترش داده تا به این وسیله سهم دو درصدی واردات به کشور از کشور افغانستان را نسبت به سهم ۴۳ درصدی پاکستان و ۴۲ درصدی هندوستان از واردات از این کشور را افزایش دهیم.

کمیسیون کشاورزی اتاق بازرگانی با افتتاح دفتر مشترک ایران و افغانستان در کرمان، رسماً آمادگی خود را جهت تسهیل ارتباطات بین تجار معتبر ایرانی و افغان اعلام می‌نماید. ◆◆

◆ بخش کشاورزی در وجه غالب در مالکیت و مدیریت بخش خصوصی است، چرا آثار ناشی از مزایای مدیریت بخش خصوصی که معمولاً مورد تأکید علمای اقتصاد و مدیریت و نیز فعالان اقتصادی است در این بخش چندان دیده نمی‌شود؟

نکته مهمی که در اینجا وجود دارد این است که تولید محصولات کشاورزی در مالکیت بخش خصوصی است، اما مسئله تأمین نهاده‌های کشاورزی که مهم‌ترین آن‌ها تأمین کود و سموم است، در مدیریت دولت است. کشاورزان همیشه در بخش تأمین نیازهای خود به مشکل برمی‌خورند؛ برای مثال، در حال حاضر تأمین بذر برای گلخانه دارها و کشاورزان جالبی، بزرگترین مشکل است؛ و اعتقاد بر این است که یک کیسه بذر معادل چند بشکه نفت است. مهم‌تر از آن بذرهای تقلبی وارد بازار شده که کشاورز مجبور است بذر را به‌صورت متفرقه تهیه نماید. با این‌که امسال محصولاتی مانند سموم و کود از ارز ۴۲۰۰ تومانی خارج و آزاد شد ولی واردات آن‌ها به‌صورت آزاد همچنان ممنوع است و هر کشاورز نمی‌تواند این محصولات را وارد نماید. بارها بنده عرض کردم باید واردات کود و سموم مطابق استانداردها و بدون رانت آزاد شود تا فروشنده داخلی در بازار رقابت نماید؛ نه این‌که هر محصول بی‌کیفیتی وارد بازار شود و مردم با التماس آن را بخرند.

مواد اولیه و ریزمغذی‌های کودهای شیمیایی تولیدی داخل از خارج وارد می‌شوند. در ایران در مواردی این مواد اولیه با حجم زیادی کود حیوانی ترکیب‌شده و بدون نظارت بر کیفیت آن‌ها در اختیار تولیدکننده قرار می‌گیرد، البته کودهایی که توسط سازمان حمایت و پشتیبانی توزیع می‌شوند از این قاعده مستثنی هستند و کیفیت آن‌ها کنترل می‌شود.

از طرفی فارغ‌التحصیلان کارشناسی و دکتری در رشته کشاورزی در کشور ما، فروشندگان کود و سم هستند. البته توهینی به این قشر نباشد چون که فروشنده به دنبال فروش محصول خود است؛ برای مثال برخی از فروشندگان با پاک کردن دوره کارنس (ماندگاری) سم، آن را در اختیار تولیدکننده قرار می‌دهند؛ بنابراین ضعف اصلی ما در تأمین نهاده‌ها و بررسی کیفیت نهاده‌های کشاورزی است. برای حل این مسئله به وزیر محترم پیشنهاد کردیم که مدیریت بررسی کیفیت و تأمین نهاده‌های کشاورزی را استانی کنند تا در استان‌ها نظارت دقیق‌تری روی این امر صورت گیرد.

در مجموع مشکل اصلی این است که تولید محصولات

مشکل اصلی این است که تولید محصولات کشاورزی در مالکیت بخش خصوصی است ولی تأمین و توزیع نهاده‌ها و مواد اولیه در دست دولت است. نهاده‌هایی که ارز دولتی ندارند و یا ارز آزاد یا نیمایی دارند باید واردات آن‌ها با تعیین استانداردهایی برای اشخاص و تجار، بدون رانت آزاد شود که در این صورت بازار رقابتی خواهد شد و کشاورز کیفیت محصول خود را بالا خواهد برد.



اهمیت ملی و بین‌المللی تولید محصولات جنوب استان کرمان

سایر مناطق خالی می‌باشد. تولیدات خارج از فصل این منطقه در شرایطی که اکثر استان‌های کشور و کشورهای منطقه درگیر برف و یخبندان هستند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از آنجایی که تولید در خارج از فصل و شرایط استمرار، مستلزم هزینه‌های زیادی است؛ به‌عنوان مثال نوع نهاده‌های کشاورزی مثل بذور مورد استفاده در این منطقه باید «هیبرید» باشد و با توجه به این که اکثر این نهاده‌ها وارداتی می‌باشند و هیچ‌گونه یارانه ارزی به آن‌ها تعلق نمی‌گردد خود به خود باعث افزایش قیمت تمام شده تولید محصول نسبت به سایر مناطق کشور که در فصول گرم سال تولید می‌کنند، می‌شود. بنابراین انتظار می‌رود محصولات تولیدی جنوب استان کرمان با قیمت بالاتری فروخته شود تا جابجایی هزینه تولید باشد؛ چیزی که در عمل واقع نشده است.

♦ دکتر جهانبخش بهزاد نژاد
فعال بخش صادرات محصولات کشاورزی



اقلیم خاص و خدادادی در جنوب کرمان باعث تنوع تولید، همراه با اهمیت کمی و کیفی تولید محصولات کشاورزی گردیده که توانسته این منطقه را به یکی از قطب‌های تولید در کشور معرفی کند به‌طوری که سالانه بیش از ۴ میلیون تن محصولات کشاورزی متنوع در منطقه تولید می‌شود و هر سال متأسفانه در اکثر محصولات کشاورزی به دلیل افزایش تولید و نبود بازار فروش با بحران قیمت روبرو هستیم؛ آن‌هم در شرایطی که در فصل برداشت این منطقه ظرفیت بازار عرضه و فروش داخلی کشور و سایر کشورهای منطقه به دلیل عدم تولید و شرایط اقلیمی

چند صد میلیون نفری منطقه جهت صادرات محصولات کشاورزی غافل نشویم. فصل زمستان بهترین زمان برای صادرات محصولات کشاورزی جنوب کرمان است. علی‌رغم اهمیت صادرات غیرنفتی و نیاز مبرم کشور به منابع ارزی به‌ویژه در شرایط تحریم این‌که تا به امروز ما زیرساخت‌های لازم را برای حضور موفق در بازارهای هدف را نداشته‌ایم، جای بسی سؤال است.

علاوه بر جنبه اقتصادی که بسیاری از کشورهای مذکور در فصل زمستان منتظر محصولات کشاورزی کشور ما هستند از بعد سیاسی نیز به‌واسطه اهمیت صادرات این محصولات در تأمین نیاز غذایی آن‌ها، می‌توان به تقویت روابط دیپلماتیک نیز دست یافت.

البته در سال‌های اخیر با توجه به مصوبات دولت در حوزه مسائل ارزی و صادرات، مشکلاتی به وجود آمده است که در این بین فشارهای اقتصادی زیادی به کشاورزان وارد شده است. دلیل آن این است که کشاورزان مواد اولیه تولید محصولات کشاورزی را با ارز آزاد می‌خرند و در نهایت ارز حاصل از صادرات محصولات تولیدی خود را بایستی با ارز موردنظر دولت به کشور بازگردانند.

به‌طوری کلی می‌توان نتیجه گرفت که ما بایستی نگاهی عمیق‌تر به اهمیت تولید در بخش کشاورزی در جنوب استان کرمان داشته باشیم که تولید در این منطقه نقش عظیمی در ایجاد اشتغال، تأمین امنیت غذایی کشور و صادرات غیرنفتی و ارز داشته باشد. ♦♦



حال با توجه به مقدمه فوق اهمیت تولید محصولات کشاورزی در جنوب استان کرمان را از سه زاویه منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی بررسی خواهیم کرد.

اهمیت منطقه‌ای تولید در جنوب کرمان

نزدیک به یک‌میلیون نفر در منطقه جنوب کرمان ساکن می‌باشند که اشتغال اکثر آن‌ها به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم وابسته به بخش کشاورزی است و از این طریق امرارمعاش می‌کنند و اگر امروز در منطقه امنیت و آرامشی داریم به‌واسطه اشتغال در این بخش است. با وجود ظرفیت‌های سایر بخش‌های اقتصادی مانند صنایع، معادن و گردشگری که به‌خوبی رشد نکرده‌اند و مسئولیت اشتغال قشر عظیمی از مردم منطقه بر عهده بخش کشاورزی است و می‌توان به جرأت گفت که اقتصاد بیش از ۹۰ درصد مردم این منطقه به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم وابسته به کشاورزی است.

همچنین اگر به صنایع بالادستی و پایین‌دستی و حمل‌ونقل منطقه توجه کنیم کشاورزی این منطقه باعث ایجاد اشتغال در سایر مناطق کشور گردیده که به‌عنوان مثال حدود ۸۰ درصد حمل‌ونقل محصولات کشاورزی برعهده ناوگان غیربومی است.

اهمیت ملی تولید محصولات کشاورزی

این موضوع را با طرح این سؤال که اگر محصولات کشاورزی خارج از فصل موردنیاز کشور در جنوب استان کرمان تولید نشود، کشور از چه طریقی و با چه هزینه‌ای این محصولات را بایستی تأمین کند آن‌هم در شرایطی که اکثر استان‌های کشور درگیر سرما هستند و امکان تولید ندارند و یا به‌صورت محدود یا تک‌محصولی تولیداتی دارند؟ پس می‌توان به جرأت گفت که امنیت غذایی کشور در حوزه محصولات کشاورزی در ماه‌های سرد سال وابسته به تولید محصولات کشاورزی جنوب کرمان است و در صورت نبود محصولات این منطقه، کشور مانند دهه‌های قبل وابسته به واردات این محصولات خواهد بود که با وجود رو به رویی با کمبود منابع ارزی معلوم است که با چه مشکلاتی مواجه می‌شدیم.

اهمیت بین‌المللی تولید محصولات کشاورزی جنوب کرمان

با توجه به این‌که همزمان با فصل تولید در جنوب کرمان اکثر کشورهای منطقه همچون عراق، افغانستان، آسیای میانه، روسیه و... همانند بیشتر استان‌های ما با شرایط نامساعد جوی دست‌وپنجه نرم می‌کنند بایستی از بازار

طعم شیرین خرما؛ کام تلخ فعالان

وارپته خرما در ایران تولید می‌گردد که به لحاظ تنوع وارپته‌ای رتبه اول دنیا را به خود اختصاص داده است. تنوع آب و هوایی ایران، پتانسیل تولید انواع وارپته‌ها را به وجود آورده است که می‌توان بزرگ‌ترین کلکسیون خرمای دنیا را در کشور ایجاد کرد. استان کرمان به دلیل تنوع آب و هوایی نیز این استعداد را داراست. میزان صادرات ایران بین ۲۰ تا ۳۰ درصد و حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیون دلار است. رتبه صادراتی کشورمان در دنیا به لحاظ وزنی بین اول و دوم است، ولی متأسفانه به لحاظ ارزشی در رتبه سوم تا پنجم قرار دارد که دلیل آن قیمت پایین خرمای ایران است.

۱۴ وارپته مضافتی، کبکاب، ربی، استعمران، زاهدی، شاهانی، شهابی، پیارم، کلوته، خصوصی، برحی، گنتار، آلبوی

محمدحسین اکبری

عضو هیئت نمایندگان، نایب رئیس انجمن ملی خرمای کرمان و ایران



خرما یکی از مهم‌ترین محصولات باغی کشور است. کشور ایران با تولید ۱/۲ میلیون تن خرما در سال با سطح زیر کشت ۱۹۸۵۱۱ هکتار، رتبه دوم در جهان به لحاظ تولید و اولین به لحاظ سطح زیر کشت است. این محصول در ۱۵ استان کشور تولید می‌شود که شش استان کرمان، سیستان و بلوچستان، بوشهر، خوزستان، هرمزگان و فارس بالاترین تولید را به خود اختصاص داده‌اند. بیش از ۴۰۰



چرا در حال حاضر رونق لازم در بازار خرما وجود ندارد؟ میزان تولید خرما طی ۳۰ سال گذشته طبق آمار وزارت جهاد کشاورزی حدود ۶ برابر افزایش داشته است، در حالی که بازار مصرف آن دو یا سه برابر شده است. معنای دیگر این سخن این است که مازاد تولید یکی از چالش‌های امروز صنعت خرما خصوصاً نخل داران است. طی ۳۰ سال گذشته آن قدری که در تولید سرمایه‌گذاری شده است و نخلستان‌ها توسعه یافته‌اند، در ایجاد و توسعه بازار تلاش نشده است. در نتیجه بازار موجود توانایی هضم این میزان تولید را ندارد. اگر بتوان به تولیدکنندگان خرما به‌واسطه تلاش در افزایش تولید احسن گفت که در جای دیگر توضیح خواهیم داد، ولی باید از صادرکنندگان سؤال کرد چرا در جهت توسعه بازار و کشف بازارهای جدید گام برنداشته‌اند. قطعاً آن‌ها پاسخ خواهند داد: «در بازاری که تجار آن در تأمین خرما با مشکل مواجه هستند، توان برنامه‌ریزی بلندمدت نخواهند داشت و نمی‌توان از آن‌ها توقع ایجاد بازارهای جدید را داشت.» ایجاد زنجیره ارزش خرما باید اولویت فعالان و مسئولان باشد.

و مرداسنگ ارقامی هستند که بیشترین میزان تولید را دارا بوده و وارثه‌های تجاری محسوب می‌گردند.

یکی از شاخصه‌های خرمای ایران سالم و ارگانیک بودن این محصول ارزشمند است. خرما یک محصول سه وجهی است؛ یعنی هم غذا است هم میوه است و هم خشکبار محسوب می‌گردند.

ارزش غذایی بالا و عناصر و ویتامین‌های موجود در خرما می‌تواند نیاز روزانه بدن انسان را تأمین کند. در جنگ‌ها و بحران‌هایی نظیر سیل و زلزله، خرما از غذاهای استراتژیک محسوب می‌شود. این ویژگی‌ها خرما را در زمره غذاها قرار می‌دهد.

رطب مرحله قبل از رسیدن کامل و خرما شدن است. رطب طعم بسیار خوشمزه و لذیذی دارد و می‌توان آن را جزو میوه‌ها قلمداد کرد. انواع خشک و نیمه‌خشک این محصول در زمره خشکبار محسوب شده و وجود بعضی ارقام در آجیل دلیل دیگری بر خشکبار بودن آن است. سالیان زیادی است که صادرکنندگان خشکبار، خرما را در سبد محصولات صادراتی خود قرار داده‌اند.



تولید و فروش دو حلقه یک زنجیر هستند. با این که این دو فعالیت از هم جدا بوده ولی با هم ارتباط تنگاتنگی دارند.

قضیه را بیشتر باز کنیم.

اگر به مقوله تولید تا فروش خرما به عنوان یک پروسه نگاه کنیم که در سه فاز یا مرحله انجام می پذیرد، مرحله اول تولید خرما یا برداشت است، مرحله دوم بسته بندی یا فرآوری است و مرحله سوم و آخر فروش است. عوامل اجرایی این سه مرحله دارای سه شخصیت جدا هستند ولی در عین جدا بودن باید با هم ارتباط داشته باشند.

امروزه تمام امور در دنیا تخصصی شده اند و نیاز به مدیریت علمی دارند. در گذشته شاید یک نفر می توانست هم تولیدکننده باشد و هم بازار را در اختیار داشته باشد ولی امروزه به دلیل تولید انبوه و رقابت و قوانین مزاحم و مشکلات ریز و درشت دیگر در هر کاری نمی توان دو مقوله را با هم هدایت کرد و هر کار نیاز به مدیریت واحد دارد، البته مالکیت هر دو کار منافاتی با مدیریت ندارد؛ یعنی شخص مالک و مدیر باید دو شخص متفاوت باشند. در حوزه خرما تولید و تجارت باید دارای مدیریت جداگانه باشد ولی این جدا بودن مدیریت به معنای بی ارتباط بودن نیست، بلکه به عکس تولیدکننده باید ارتباط تنگاتنگی با تاجر داشته و برای تولید بهتر از نظرات تاجر بهره مند گردد و محصول خود را برای عرضه به بازار در اختیار تاجر قرار دهد. در حال حاضر این ارتباط وجود ندارد و تولیدکنندگان خرما کار فروش را خود انجام می دهند؛ و عموماً می بینیم در این کار نمی توانند مدیریت صحیح داشته باشند. مدیریت بازار به جز تجربه و علم، نیاز به حضور دائم در بازار دارد تا بتوان بهترین زمان فروش را دانست، بهترین مشتری را شناخت، بهترین قیمت را کشف نمود. بهترین روش معامله را انتخاب کرد و ...

داشتن بازاری دائم، نیاز به داشتن اطمینان از تأمین خرما است؛ یعنی صادرکننده باید خیالش بابت تأمین خرما و ثبات نسبی قیمت آن راحت باشد تا بتواند بازاریابی، بازاریابی و بازاریابی کند. لذا نیاز است زنجیره تأمین تشکیل گردد که بازیگران این زنجیره، تولیدکنندگان و صادرکنندگان و سردخانه داران و صنایع جنبی خرما هستند. این بازیگران باید در سرنوشت هم دخیل باشند و تشکیل زنجیره ای دهند که در سود و زیان یکدیگر شریک گردند. نتیجه این می شود که تولیدکنندگان مطمئن هستند محصول شان با مناسبترین قیمت به فروش خواهد رفت و صادرکنندگان خیال شان بابت تأمین و ثبات قیمت راحت خواهد بود و با اطمینان خاطر کامل به وظیفه اصلی خود که توسعه بازار است خواهند پرداخت. در این صورت هر دو طرف می توانند

برنامه ریزی بلندمدت داشته باشند؛ به عنوان مثال صادرکننده خواهد توانست طی یک برنامه بلندمدت تعیین کند که در ۵ سال آینده چه میزان صادرات و به چه کشورهایی خواهد داشت و نیازسنجی نماید و به تولیدکننده اعلام کند چه میزان خرما و با چه کیفیتی و چه نوع بسته بندی در سال های آتی نیاز است.

و اما چرا گفتم اگر بتوان از تولیدکنندگان تشکر کرد.

بهره وری در نخلستان های کشور بسیار پایین بوده و قیمت تمام شده خرما بالا است. ما با داشتن بالاترین سطح زیر کشت در دنیا، رتبه دوم تولید را داریم این یعنی این که تولید ما در هکتار بسیار پایین است، مثلاً مصر که اولین تولیدکننده خرما است، حدود ۳۰ تن در هکتار عملکرد تولید دارد ولی ایران با حدود ۶ تن در رتبه دوم است. به معنی دیگر یعنی ما با بالا بردن بهره وری در نخلستان ها و همچنین اصلاح باغات و تغییر الگوی کشت با داشتن همین سطح زیر کشت فعلی می توانیم تولید را چند برابر کنیم که کمترین فایده آن کاهش قیمت تمام شده خرما خواهد بود و قدرت رقابت و چانه زنی ما را در بازارها افزایش می دهد؛ یعنی مزیت نسبی ما در دنیا بالا خواهد رفت. در شرایط فعلی باغداران ما اتلاف منابع دارند؛ یعنی با این میزان مصرف آب که در تأمین آن بحران داریم و برق یارانه دار و سایر منابعی که مصرف می شود چون بر طبق اصول علمی کار نمی شود، تولید در هکتار بسیار پایین است. به این دلیل بود که عرض کردم «اگر بتوان از نخل داران تشکر کرد.»

این روزها کام فعالان با شیرینی خرما شیرین نمی شود. از طرفی با افزایش هزینه ها قیمت تمام شده بالا رفته و بازار این افزایش قیمت را نمی تواند هضم کند و لذا با رکود روبرو شده است و از طرف دیگر مسئولان با بخشنامه های غیر کارشناسی و خلق الساعه نه تنها کمکی نمی کنند بلکه بر مشکلات اضافه هم می نمایند.

تصمیماتی مثل ممنوعیت صادرات خرما و یا وضع عوارض بر خرمای صادراتی، باعث گردیده که رکود حاکم بر بازار تشدید گردد یا دخالت در امر قیمت گذاری و خریدهای تضمینی، توافقی و حمایتی باعث هیجان و شوک به بازار و ایجاد قیمت های کاذب و حتی بلاتکلیفی تولیدکنندگان می شود. شاید سؤال شود؛ چرا قیمت گذاری توسط دولت و یا خریدهای تضمینی، توافقی و حمایتی دولت کار اشتباهی است؟

قیمت گذاری ها که عموماً مبنای کارشناسی نداشته باعث دادن نشانی غلط به کشاورزان و فعالان می شود و کار بر شالوده ای بسیار سست قرار می گیرد و در نهایت این بازار کاذب فرو

داشتن بازاری

دائم، نیاز به

داشتن اطمینان از

تأمین خرما است؛

یعنی صادرکننده

باید خیالش بابت

تأمین خرما و

ثبات نسبی قیمت

آن راحت باشد تا

بتواند بازاریابی و

بازار سازی و

بازار داری کند. لذا

نیاز است زنجیره

تأمین تشکیل

گردد که بازیگران

این زنجیره،

تولیدکنندگان و

صادرکنندگان و

سردخانه داران

و صنایع جنبی

خرما هستند.

این بازیگران باید

در سرنوشت هم

دخیل باشند و

تشکیل زنجیره ای

دهند که در سود

و زیان یکدیگر

شریک گردند.

نیز کمک کند. در حال حاضر تفاوت قیمت قند و شکر با قیمت خرما انگیزه مصرف خرما را برای مردم کاهش داده است. باید برای مردم تبیین کرد که با توجه به هزینه‌های درمانی به واسطه مصرف قند و شکر و شیرینی‌های مضر در بلندمدت، مصرف‌کننده هزینه بیشتری پرداخت خواهد کرد. ۲- برند سازی؛ با بهبود بسته‌بندی و تنوع‌بخشی به آن به اصلاح فرهنگ مصرفی و افزایش مصرف کالای موردنظر کمک می‌کند و یکی از راه‌های ایجاد ثبات و اصلاح ساختار بازار خواهد بود.

۳- ایجاد زنجیره ارزش؛ به ثبات بازار، توسعه بازار، اصلاح ساختار بازار، اصلاح ساختار تولید خواهد انجامید؛ و به دلیل همین اصلاحاتی که صورت خواهد گرفت به اصلاح فرهنگ مصرف کمک خواهد کرد.

۴- الزامی کردن استاندارد بسته‌بندی و داشتن نشان سلامت برای بازار داخل و مجوزهای بهداشتی بین‌المللی برای صادرات که اطمینان خاطر برای مصرف‌کننده خواهد داشت؛ البته قبل از اجباری شدن این مجوزها باید زیرساخت لازم در کشور ایجاد گردد.

۵- نظارت بیشتر و مؤثر بر توزیع خرما خصوصاً در خرده‌فروشی‌های کشور. در حال حاضر این نظارت وجود ندارد و اختلاف قیمت بین عمده‌فروشی و فروشگاه‌های محلی و زنجیره‌ای بسیار زیاد است و توجه‌پذیر نیست و همین مسئله باعث کاهش مصرف شده است.

صنعت خرما دارای این پتانسیل هست که بتواند به‌عنوان یک صنعت ارزآور مهم برای کشور مطرح شود. ما به‌راحتی می‌توانیم با همین منابع موجود تولید را چند برابر کنیم و مازاد نیاز داخل را هم به‌صورت خام و نیز محصولات فرآوری شده به دنیا صادر کنیم. در حال حاضر میزان ارزآوری این صنعت سالانه حدود ۳۰۰ میلیون دلار است ولی این میزان به‌راحتی قابل افزایش است و می‌تواند به افزایش رشد اقتصادی کشور کمک شایانی نماید؛ فقط مستلزم یک عزم ملی و تحت یک برنامه‌ریزی بلندمدت و با همت و یکدلی فعالان است.

در پایان یادآور می‌شوم که تدوین نقشه راه صنعت خرمای کشور و اتخاذ سیاست واحد و برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت در زیر سایه یک تشکل ملی امکان‌پذیر است؛ تشکلی که حضور حداکثری فعالان را در خود داشته باشد. اکنون انجمن ملی خرمای ایران شکل گرفته و شعبات استانی آن نیز در حال فعالیت است. ضرورت دارد فعالان این صنعت، خصوصاً افراد شاخص در انجمن حضور فعال داشته باشند. تنها به این وسیله می‌توان به اهدافی که در بالا ذکر شد دست پیدا کرد. ♦♦



این روزها کام فعالان با شیرینی

خرما شیرین نمی‌شود. از طرفی با افزایش هزینه‌ها قیمت تمام شده بالا رفته و بازار این افزایش قیمت را نمی‌تواند همضم کند و لذا با رکود روبرو شده است و از طرف دیگر مسئولان با بخشنامه‌های غیر کارشناسی و خلق الساعه نه تنها کمکی نمی‌کنند بلکه بر مشکلات اضافه هم می‌نمایند.

خواهد ریخت و هدفی که به خاطر آن قیمت‌گذاری انجام گرفته محقق نخواهد شد.

خریدهای دولتی به هر شکل آن در ظاهر خوب و در کوتاه‌مدت راضی‌کننده است، ولی مانند مسکن عمل کرده و باعث می‌شود بیمار به شکل موقت احساس درد نداشته باشد و از اصل بیماری غافل شود و به درمان اصلی نپردازد. خرید تضمینی باعث فراموشی فعالان از حل مشکل اصلی خواهد شد و در سال‌های بعد دوباره مشکل بروز خواهد کرد. تا کی باید به انتظار خریدهای دولتی و حمایت‌های دولت بنشینیم و آیا این صنعت باید کمک‌کننده به اقتصاد کشور باشد یا به عکس، باری بر بارها. خریدهای دولت عموماً با حداکثر قیمتی است که هزینه‌ها را پوشش می‌دهد و حتی دیده شده خرمای خریداری شده توسط دولت، در مواقعی وارد بازار شده که از افزایش قیمت و رسیدن به قیمت واقعی جلوگیری می‌کند و این یعنی خسارت تولیدکننده.

یکی دیگر از عوامل تلخ‌کننده کام فعالان در صنعت خرما، رقابت ناسالم بین خود آن‌هاست. صادرکنندگان برای جلب نظر مشتریان به‌جای ارائه خدمات بهتر و رقابت سالم، سیاست کاهش قیمت را اعمال می‌کنند که باعث زیان به خود و فعالان این بخش و در نهایت به کل اقتصاد کشور می‌گردند.

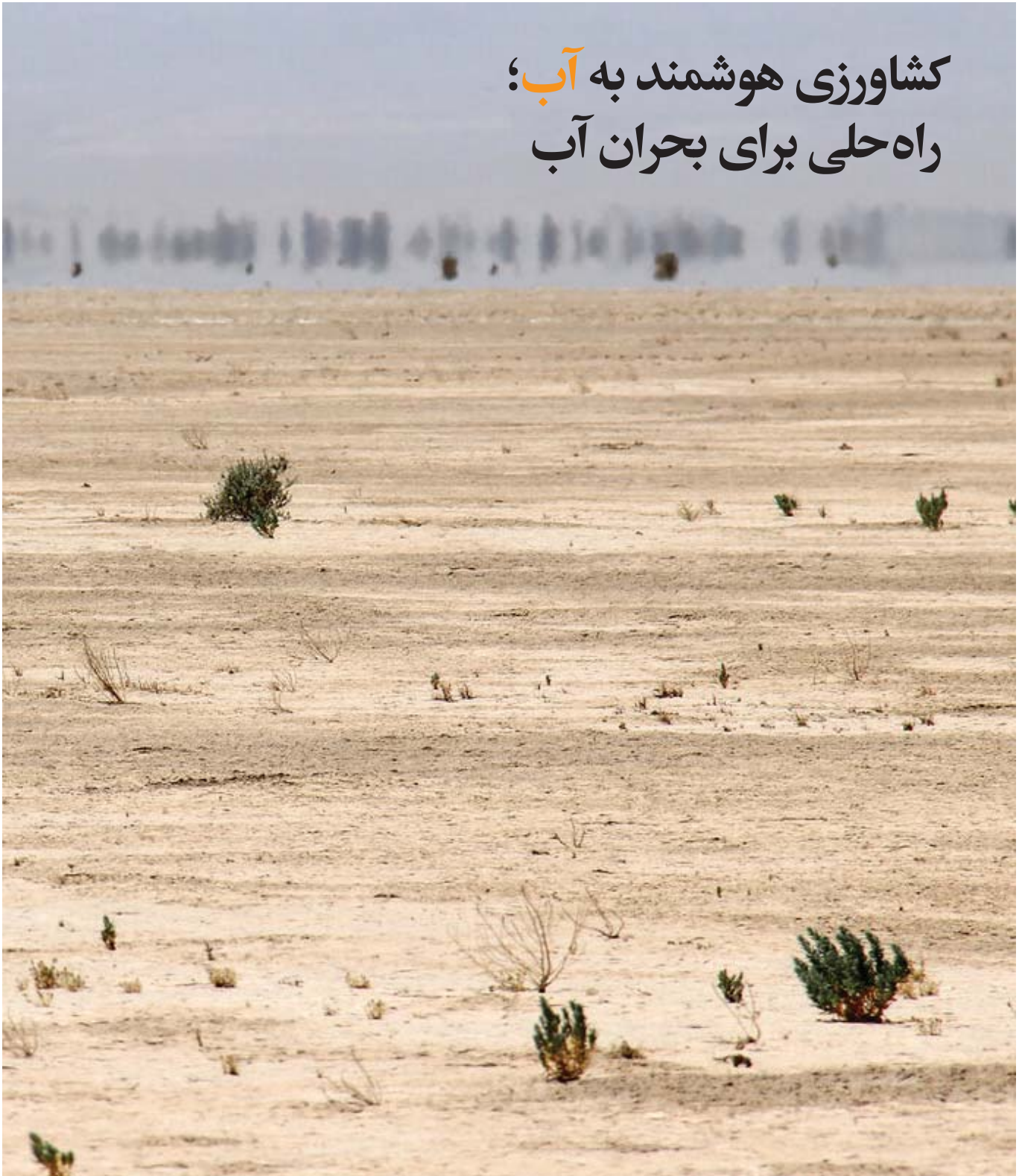
چرا بازار داخلی خرما گرفتار رکود شده است؟ و چطور می‌توان از این رکود عبور کرد؟

قیمت داخلی خرما در سال قبل متأثر از افزایش نرخ ارز و افزایش میزان صادرات و همچنین تورم موجود در کشور، افزایش ۳ برابری را شاهد بود. این افزایش قیمت با توجه به کاهش ارزش پول ملی، تأثیری بر قیمت ارزی خرما نداشت (نرخ صادراتی خرما تغییری نداشت). از طرفی با افزایش هزینه‌ها و ثابت بودن نسبی درآمد مردم، عکس‌العمل آن‌ها حذف کالاهای لوکس مانند خرما از سبد خریدشان بود و هم‌اکنون این امر در بازار ایجاد رکود کرده است. در کوتاه‌مدت برای ایجاد رونق دوباره در بازار داخل، دو راه حل بیشتر نداریم، یا درآمد مردم باید افزایش یابد تا مردم بتوانند سبد کالای خود را بزرگ‌تر کنند که این اتفاق وابسته به سیاست‌های اقتصادی دولت است و یا باید قیمت تعدیل گردد.

در بلندمدت برای افزایش میزان مصرف خرما در داخل و بازار صادراتی چند کار باید صورت بگیرد:

۱- اصلاح فرهنگ مصرفی و ترویج مصرف غذاهای سالم؛ به‌عنوان مثال باید برای جایگزین کردن مصرف خرما به‌جای مصرف مواد غذایی مضر مانند قند و شکر و شیرینی تبلیغ گردد که این امر می‌تواند به کاهش هزینه‌های درمانی

کشاورزی هوشمند به آب؛ راه حلی برای بحران آب



◆ محدثه حسینی‌نیا
دکتری ایاری و زهکشی



ما در بحران بی‌سابقه آب به‌سر می‌بریم و اغلب مناطق خاورمیانه، شمال آفریقا و مناطق وسیعی از آمریکای جنوبی با استرس قابل‌توجه آب مواجه‌اند (Hofste et al, ۲۰۱۹). براساس گزارش سازمان ملل، در آینده‌ای نزدیک کشور ایران نیز به‌عنوان یکی از بحرانی‌ترین کشورهای درگیر با کمبود آب می‌باشد (چنار، ۱۳۸۸). این در حالی است که ادامه کشاورزی با سناریوی معمول تنها به وخامت موضوع می‌افزاید: پیش‌بینی می‌شود با افزایش دمای کره زمین در نتیجه تغییر اقلیم، بحران کمبود آب به‌صورت فزاینده‌ای وضعیت بخش کشاورزی را تحت تأثیر قرار خواهد داد (FAO, ۲۰۱۶).

بخش کشاورزی با ۷۰ درصد مصرف آب، بزرگ‌ترین مصرف‌کننده آب در جهان است (WWAP, ۲۰۱۸) که با افزایش جمعیت و تقاضای بشر به مواد غذایی این میزان، افزایش چشمگیری خواهد داشت. برای تأمین نیاز غذایی جمعیت رو به رشد، بخش کشاورزی باید بتواند تا سال ۲۰۵۰ تولیدات خود را تا حدود ۶۰ درصد افزایش دهد (Lipper et al, ۲۰۱۴). این در حالی است که بر اساس آخرین گزارش مجمع جهانی تغییر اقلیم (IPCC)، اثرات مخرب تغییر اقلیم بر بخش کشاورزی قابل‌ملاحظه خواهد بود و به‌تبع آن تولید مواد غذایی دچار چالش خواهد شد (IPCC, ۲۰۱۳). یکی از مهم‌ترین دلایل تغییر اقلیم افزایش میزان غلظت گازهای گلخانه‌ای (چون دی‌اکسید کربن (CO₂)) در جو زمین است. از زمان انقلاب صنعتی تاکنون غلظت CO₂ در جو به حدود ۴۱۰ پی‌پی‌ام رسیده (GML, ۲۰۲۰) که از پیامدهای آن، افزایش ۱/۳ تا ۱/۷ درجه سانتی‌گراد دما تا سال ۲۰۵۰ نسبت به متوسط دما پیش از انقلاب صنعتی (Deng et al, ۲۰۱۷)، تغییر الگوی بارش، وقوع خشک‌سالی‌ها، سیلاب‌ها و ... می‌باشد که تهدیدی جدی برای تولیدات کشاورزی خواهند بود (Ardakani et al, ۲۰۱۹).

در مناطق خشک و نیمه‌خشک مانند ایران تأثیرات منفی تغییرات آب و هوایی بر تولید محصولات کشاورزی بسیار شدید خواهد بود؛ اما در برخی از مناطق مانند شمال اروپا ممکن است به‌طور موقتی از اثرات حاصل از تغییرات اقلیم در افزایش عملکرد محصولات کشاورزی بهره‌برده شود (Isoard, ۲۰۱۱).



● عکس: ابوذر احمدی زاده ●

بر اساس آخرین
گزارش مجمع
جهانی تغییر
اقلیم (IPCC)،
اثرات مخرب
تغییر اقلیم بر
بخش کشاورزی
قابل ملاحظه
خواهد بود و
به‌تبع آن تولید
مواد غذایی دچار
چالش خواهد
شد.

کشاورزی (FAO, ۲۰۱۰).

ایران به‌عنوان یک کشور با شرایط اقلیمی خشک و نیمه‌خشک و کشاورزی وابسته به آبیاری، نیاز به دقت نظر بیشتر در این مسئله دارد به‌گونه‌ای که برای بهبود بهره‌وری از آب نیاز است تا از کشاورزی رایج کنونی به سمت کشاورزی جدید هوشمند به آب (WSA) نیل داده شود، اما چگونه هر یک از اهداف CSA به‌طور مستقیم با مدیریت هوشمند آب و سیستم جدید کشاورزی هوشمند به آب (WSA) ارتباط دارند؟

هدف ۱: افزایش بهره‌وری

افزایش بازده (خروجی) درحالی‌که از منابع کمتری استفاده می‌شود (ورودی)، به‌عنوان عامل اصلی در کشاورزی پایدار عنوان شده است. این مسئله در بحث استفاده از منابع آبی از اهمیت بسیار بیشتری برخوردار است. در حال حاضر کشاورزی فراتر از فرضیات و آزمون و خطا است. از طریق آبیاری دقیق (افزایش دقت برای بهبود بهره‌وری مصرف آب (WUE)، «نسبت بین مصرف آب مؤثر و برداشت واقعی») می‌توان یک هماهنگی بین مدیریت پیشرفته آبیاری، قرائت و پایش اطلاعات، مدل‌سازی و کنترل ایجاد کرد. با مانیتور کردن سیستماتیک وضعیت رطوبتی خاک با استفاده از سنسورها، برداشت اطلاعات توسط پهپادها، تصاویر ماهواره‌ای می‌توان میزان کاربرد آب در مزرعه را حسب شرایط زمانی یا مکانی نیاز آبی گیاه، تنظیم و تعدیل نمود.

اما بهینه‌سازی در مصرف آب فقط نیمی از راه‌حل است. این رطوبت باید به اندازه کافی در خاک باقی بماند تا گیاه بتواند از آن استفاده کند؛ به عبارت دیگر اگر رطوبت خاک برای مدت طولانی در حد مطلوب باقی بماند، می‌توان زمان و دور آبیاری را به میزان قابل‌توجهی کاهش داد. تحقیقات زیادی نشان داده که با کاربرد انواع کمپوست‌ها، بیوجار، پرلیت و ... می‌توان با افزایش هوموس خاک و ظرفیت نگهداری آب در خاک را نیز افزایش داد (Abideen et al, ۲۰۲۰).

استفاده از کشت‌های هیدروپونیک نیز ممکن است نقش مهمی در تغذیه پایدار در شهرهای بزرگ آینده داشته باشد. این احتمال وجود دارد که در کشاورزی هوشمند به آب، به کشت‌های هیدروپونیک به‌طور خاص توجه شود، زیرا مصرف آب در این نوع کشت‌ها حدود ۱۰ درصد آب موردنیاز برای محصولات کشت شده در خاک است. این در حالی است که ترکیب آن‌ها با سایر فن‌آوری‌ها، سبب جذب سریع‌تر مواد مغذی توسط گیاه شده و سرعت رشد را تا دو برابر افزایش می‌دهد (Rabang, ۲۰۱۹; Barbosa

براساس سنجش‌های صورت گرفته در دو دهه اخیر، پهنه سرزمینی ایران به‌طور متوسط ۱/۱ درجه سانتی-گراد گرم‌تر شده و تا دهه‌های آینده این میزان به ۲ درجه سانتی‌گراد نیز افزایش خواهد یافت. با توجه به اثرات مستقیم درجه حرارت بر تبخیر، حدود ۳۰ میلیارد مترمکعب در سال به حجم تبخیر نیز افزوده خواهد شد. لذا ادامه روند تغییرات آب و هوایی علاوه بر کاهش میزان منابع آب تجدید پذیر کشور، منجر به کاهش ۱۵ درصدی عملکرد تولیدات محصولات کشاورزی برای جمعیت رو به رشد خواهد شد (سرهادی، ۱۳۹۶). بدیهی است در آینده‌ای نه‌چندان دور عدم‌تغییر بینش در رابطه با کشاورزی رایج و ابعاد اجتماعی و اقتصادی وابسته به آن، مقابله با اثرات ناشی از تغییر اقلیم و مدیریت تأمین غذا را با مشکل مواجه خواهد کرد.

از دو دهه پیش، نشست‌ها و همایش‌های جهانی نظیر کنفرانس ریو و در ادامه آن کنفرانس جهانی تغییر اقلیم در پاریس و مراکش در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ میلادی با حضور سران کشورها با هدف تدوین برنامه‌های جامع برای سازگاری با تغییر اقلیم برگزار شده است.

برخی از آخرین برنامه‌ها که برای بهبود سیستم‌های کشاورزی جهت کمک به تولید بیشتر مواد غذایی در شرایط کم‌آبی موردتحقیق قرار گرفته، برنامه‌های مبتنی بر کشاورزی هوشمند به اقلیم (CSA) است. اجرای این برنامه‌ها برای کمک به کشاورزان جهت سازگاری با شرایط کم‌آبی در سال‌های آتی سودمند خواهند بود.

کشاورزی هوشمند به اقلیم

کشاورزی هوشمند به اقلیم در سال ۲۰۱۰ توسط سازمان خواروبار جهانی (FAO) در رابطه با همبستگی متقابل بین تولیدات کشاورزی، تأثیرات و پیامدهای مربوط به انتشار کربن، استفاده از آب، خاک و تنوع زیستی مطرح شد. کشاورزی هوشمند به اقلیم، رویکردی است که برای هدایت اقدامات لازم در جهت تغییر و اصلاح مجدد سیستم‌های کشاورزی و اطمینان از امنیت غذایی در شرایط تغییر اقلیم مطرح شده است (FAO, ۲۰۱۰)؛ به عبارت دیگر هدف نهایی کشاورزی هوشمند به اقلیم، پایداری است. بدین معنی که سیستم‌های کشاورزی با انعطاف‌پذیری بالا به تغییرات اقلیمی، متضمن امنیت غذایی بشر باشند. در این راستا سه هدف اصلی به‌طور همزمان دنبال می‌شود: افزایش پایدار بهره‌وری و درآمد در بخش کشاورزی، سازگاری و ارتقاء تاب‌آوری در برابر تغییر اقلیم و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای مرتبط با بخش

کشاورزی
هوشمند به
اقلیم، رویکردی
است که
برای هدایت
اقدامات لازم
در جهت تغییر
و اصلاح مجدد
سیستم‌های
کشاورزی و
اطمینان از
امنیت غذایی
در شرایط تغییر
اقلیم مطرح شده
است (FAO,
۲۰۱۰)؛ به عبارت
دیگر هدف
نهایی کشاورزی
هوشمند به
اقلیم، پایداری
است. بدین
معنی که
سیستم‌های
کشاورزی با
انعطاف‌پذیری
بالا به تغییرات
اقلیمی، متضمن
امنیت غذایی بشر
باشند.

et al. (۲۰۱۵).

هدف ۲: افزایش تاب‌آوری

با توجه به شرایط نامناسب جوی، کشاورزی هوشمند به آب، باید بتواند حوادث ناشی از بحران کم‌آبی را مدیریت نماید. به‌طور مثال به مسئله انباشت نمک در خاک و از دست رفتن حاصلخیزی خاک که قدمتی دیرینه دارد، اشاره می‌گردد. با افزایش درصد شور شدن اراضی دنیا و تأثیرات سو آن بر کشاورزی، نیاز به یک راه‌حل برای مقابله با اثرات مخرب شوری بیشتر احساس می‌گردد. بر اساس آمار فعلی حدود ۲۰ درصد از کل اراضی زیر کشت و ۳۳ درصد اراضی کشاورزی آبی در سرتاسر جهان دچار مشکل شوری هستند (Shrivastava & Kumar, ۲۰۱۵).

این مسئله در دهه‌های اخیر به‌عنوان طیف وسیعی از راه‌حل‌های ممکن، مورد بررسی قرار گرفته است. کاشت گیاهان مقاوم به شوری، اصلاح واریته گیاهان یا اصلاح شرایط خاک از جمله راه‌حل‌ها جهت بالا بردن تاب‌آوری کشاورزی در مناطق تحت مشکل شوری می‌باشند. در این بین راه‌حل شستشوی خاک رواج بیشتری دارد که در شرایط مواجه با کم‌آبی در مناطق خشک و نیمه‌خشک، عملاً به دلیل حجم زیاد آب مورد نیاز قابل اجرا نخواهد بود. لذا کاربرد روش‌های نوین آب شویی مبتنی بر آب شویی حجم محدودی از خاک با مقدار کمتر آب چون روش آب شویی موضعی می‌تواند به‌عنوان یک راه‌حل برای خروج نمک‌های مضر از خاک و ایجاد شرایط مناسب برای رشد گیاه در نظر گرفته شود (Burt & Isbell, ۲۰۰۵؛ باستانی و حسینی نیا، ۱۳۹۷).

همچنین امکان استفاده از آب‌های شور نیز سؤالی است که حدود ۳۰ سال پیش توسط فائو مطرح شده است: آیا کشاورزی می‌تواند از آب با کیفیت کم مانند آب‌های شور استفاده کند تا هم از نظر فنی و اقتصادی امکان‌پذیر باشد و هم خسارت زیست‌محیطی اندکی ایجاد نماید؟ (Rhoad et al, ۱۹۹۲).

بدیهی است که یک راه‌حل پایدار و طولانی‌مدت برای کنترل شوری خاک می‌تواند تأثیر بسزایی در زندگی میلیون‌ها نفر در سراسر جهان داشته باشد.

هدف ۳: کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای

بخش عمده‌ای از مشکل تغییر اقلیم به‌واسطه بخش کشاورزی است. در حال حاضر ۱۹ تا ۲۹ درصد از کل انتشارات گازهای گلخانه‌ای را بخش کشاورزی تولید می‌کند. با رشد جمعیت و افزایش فعالیت‌ها در این بخش بدون شک این درصد به میزان قابل‌توجهی

افزایش خواهد یافت (World bank, ۲۰۱۹).

تولید گازهای گلخانه‌ای از فعالیت‌های آبیاری (از جمله پمپاژ آب و انتقال) حدود ۵۰ تا ۷۰ درصد از کل انتشار در بخش کشاورزی را تشکیل می‌دهد. شدت انتشار گازهای گلخانه‌ای از فعالیت‌های آبیاری تا حد زیادی به بهره‌وری در مصرف آب بستگی دارد؛ بنابراین بهبود راندمان مصرف آب (چه از نظر فنی و چه از نظر مدیریتی) می‌تواند راهکار مؤثری برای کاهش تولید گازهای گلخانه‌ای باشد (Zou et al, ۲۰۱۵).

بنابراین تغییرات کوچک در مدیریت آبیاری می‌تواند تأثیرات بزرگی را به همراه داشته باشد. در مطالعه Abalos و همکاران (۲۰۱۴) در اسپانیا نشان داده شد که تنظیم دور آبیاری می‌تواند انتشار اکسید نیتریک را تا ۴۶ درصد و گاز کربنیک (CO₂) را تا ۲۱ درصد کاهش دهد. Kallenbech و همکاران (۲۰۱۰) نیز گزارش کرده‌اند که در شرایط اقلیم نیمه‌خشک، تغییر روش آبیاری از سطحی به سیستم آبیاری زیرسطحی سبب کاهش انتشار CO₂ گردید.

نتیجه‌گیری

آینده بخش کشاورزی با توجه به تأثیر فزاینده منفی تغییرات اقلیم با عدم قطعیت بالایی همراه است. در واقع آینده خوش‌بینانه برای بخش کشاورزی به این بستگی دارد که آیا این بخش می‌تواند تأثیرات منفی تغییرات اقلیم را کاهش دهد و آب آبیاری را به روشی پایدار مدیریت کند. در این راستا، باید تلاش بیشتری در جهت سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های حفاظت از آب، توسعه فن‌آوری‌های جدید، تحقیقات و تقویت ظرفیت کشاورزان برای سازگاری با تغییرات اقلیم انجام شود. در سیستم جدید کشاورزی هوشمند به آب می‌توان از سه رویکرد آن در بخش مدیریت آبیاری بهره برد. بسیاری از این راه‌حل‌ها نیازمند ارتقاء یا تغییرات ظرفیت در مدیریت آبیاری هستند که در توسعه کشاورزی پایدار و دستیابی به امنیت غذایی نقش حیاتی خواهند داشت. ♦♦

منابع:

باستانی، ش. و حسینی نیا، م. ۱۳۹۶. تحلیل کارایی روش آب شویی موضعی در خروج املاح از خاک: مطالعه موردی باغ پسته در منطقه فتح‌آباد کرمان. مجله آبیاری و زهکشی ایران. ۳ (۱۲): ۶۹۶-۷۰۸.

چنار، ع. ۱۳۸۸. ارزیابی و نظارت بر خشک‌سالی در استان‌های آذربایجان شرقی، غربی و اردبیل با استفاده

- ▼ [آینده بخش کشاورزی با توجه به تأثیر فزاینده منفی تغییرات اقلیم با عدم قطعیت بالایی همراه است. در واقع آینده خوش‌بینانه برای بخش کشاورزی](#)
- [به این بستگی دارد که آیا این بخش می‌تواند تأثیرات منفی تغییرات اقلیم را کاهش دهد و آب آبیاری را به روشی پایدار مدیریت کند. در این راستا، باید تلاش بیشتری در جهت سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های حفاظت از آب، توسعه فن‌آوری‌های جدید، تحقیقات و تقویت ظرفیت کشاورزان برای سازگاری با تغییرات اقلیم انجام شود.](#)

- IPCC, 2013. Summary for policymakers. In: Climate Change 2013: Fifth assessment report of the Intergovernmental Panel on Climate Change. Stocker, T.F. Qin, D. Plattner, G.K. Toner, M. Allen, S.K. Boschung, J. Nauels, A. Xia, Y. Bexm V. Midgley, P.M. (Eds.), Cambridge University Press, Cambridge, United Kingdom and New York
- Isoard, S. 2011. Perspectives on adaptation to climate change in Europe. In Climate Change Adaptation in Developed Nations. pp. 51-68. Springer, Dordrecht
- Kallenbach, C. M. Rolston, D. E. & Horwath, W. R. 2010. Cover cropping affects soil N₂O and CO₂ emissions differently depending on type of irrigation. *Agriculture, Ecosystems & Environment*, 137(3-4), 251-260
- Lipper, L. Thornton, Ph. M. Campbell, B. Baedeker, T. Braimoh, A. Bwalya, M. Caron, P. Cattaneo, A. Garrity, D. Henry, K. Hottle, R. Jackson, L. Jarvis, A. Kossam, F. Mann, W. McCarthy, N. Meybeck, A. Neufeldt, H. Remington, T. Sen, P.T. Sessa, R. Shula, R. Tibu, A. Torquebiau, E.F. 2014. Climate-smart agriculture for food security. *Nature Climate Change*. 4(12):1068-1072
- Rabang, I. 2019. Hydroponic Methods: Exploring Alternatives for Water Conservation in Farming. April 04, 2019. [Online] < <https://www.boldbusiness.com/infrastructure/hydroponics-methods-water-conservation/> > [July 26 2020]
- Rhoad, J. D. Kandial, A. & Mashali, A. M. 1992. The use of saline water for crop production. *FAO irrigation and drainage paper*, (48)
- Shrivastava, P. & Kumar, R. 2015. Soil salinity: a serious environmental issue and plant growth promoting bacteria as one of the tools for its alleviation. *Saudi journal of biological sciences*, 22(2), 123-131
- World Bank, 2019. Climate smart agriculture. Sep 12, 2019. [Online] < <https://www.worldbank.org/en/topic/climate-smart-agriculture> > [July 26 2020]
- WWAP (United Nations World Water Assessment Programme)/UN-Water. 2018. The United Nations World Water Development Report 2018: Nature-Based Solutions for Water. Paris, UNESCO
- از تصاویر AVHRR، دانشگاه تربیت مدرس (پایان نامه کارشناسی ارشد).
- سرهادی، ب. ۱۳۹۶. سازگاری با تغییرات اقلیم ضرورت تاب‌آوری و توسعه پایدار بخش آب. <http://basin.ir/1396/02/29/climate%20change%20and%20sustainable%20development>. 04/05/1399
- Abideen, Z. Koyro, H. W. Huchzermeyer, B. Bilquees, G. U. L. & Khan, M. A. 2020. Impact of a biochar or a biochar-compost mixture on water relation, nutrient uptake and photosynthesis of *Phragmites karka*. *Pedosphere*, 30(4), 466-477
- Ardakani, Z. Bartolini, F. & Brunori, G. 2019. Economic modeling of climate-smart agriculture in Iran. *New Medit. Mediterranean Journal of Economics, Agriculture and Environment*, 18(1), 29-40
- Barbosa, G. L. Gadelha, F. D. A. Kublik, N. Proctor, A. Reichelm, L. Weissinger, E. ... & Halden, R. U. 2015. Comparison of land, water, and energy requirements of lettuce grown using hydroponic vs. conventional agricultural methods. *International journal of environmental research and public health*, 12(6), 6879-6891
- Burt, C. M. & Isbell, B. 2005. Leaching of accumulated soil salinity under drip irrigation. *Transactions of the ASAE*, 48(6), 2115-2121
- Deng A. Chen C. Feng J. Chen J. Zhang W. 2017. Cropping system innovation for coping with climatic warming in China. *The Crop Journal*, 136-150
- FAO, 2010. Climate-smart agriculture: Policies, practices and financing for food security, adaptation and mitigation, Rome, Italy: Food and Agriculture Organization of the United Nations
- FAO. 2016. The State of Food and Agriculture. Climate change, agriculture and food security. Rome
- Global Monitoring Laboratory (GML), 2020. Trends in Atmospheric Carbon Dioxide. [Online] < <https://www.esrl.noaa.gov/gmd/ccgg/trends/gr.html> > [July 26 2020]
- Hofste, R. W. , Reig, P. and Schleifer, L. 2019. 17 Countries, Home to One-Quarter of the World's Population, Face Extremely High Water Stress. August 06, 2019. [Online] < <https://www.wri.org/blog/2019/08/17-countries-home-one-quarter-world-population-face-extremely-high-water-stress> > [July 26 2020]



گردشگری و صنایع دستی

گفت‌وگو با «عقیل سیستانی» رئیس کارگروه فرش و صنایع دستی کمیسیون گردشگری، فرش و صنایع دستی اتاق کرمان؛
تصمیمات سطحی و مقطعی؛ گویی قالی کم‌ارزش‌ترین کالای کشور است! / دره راگه؛ استان کرمان، شهرستان رفسنجان،
روستای ناصریه / مینوی جهان، بصره کرمان



گفت‌وگو با «عقیل سیستانی» رئیس کارگروه فرش و صنایع دستی کمیسیون گردشگری، فرش و صنایع دستی اتاق کرمان

تصمیمات سطحی و مقطعی؛ گویی قالی کم‌ارزش‌ترین کالای کشور است!

آقای عقیل سیستانی رئیس کارگروه فرش و صنایع دستی کمیسیون گردشگری، فرش و صنایع دستی اتاق بازرگانی، صنایع و معادن استان کرمان در گفت‌وگو با ما می‌گوید هیچ برنامه جامعی با افق روشن برای فرش کشور در دهه‌های اخیر وجود نداشته است و کشور امروزه در هدایت فرش جهان جایگاه شایسته و چشم‌گیری همانند گذشته ندارد و ایران پیشتازی در بازارهای بین‌المللی به سایر کشورهای رقیب واگذار کرده است. متأسفانه در چند دهه اخیر متولیان مربوطه مدیریت آگاهانه‌ای نسبت به حفظ و صیانت از ارزش‌ها و جایگاه فرش نداشته‌اند و همه شواهد و قرائن حاکی از این است که هنر بافندگی ما در استان کرمان در سه سبک بافندگی شهری بافت، عشایری بافت و روستایی بافت سال‌به‌سال به سمت رکود رفته است. با یک آسیب‌شناسی ساده متوجه می‌شویم در کرمان متولی فرش دستبافت ناموفق بوده و نتوانسته سیر گذشته این استان را حفظ، توسعه و گسترش دهد؛ به‌گونه‌ای که استانی که دستبافته آن، شهره عام و خاص بوده و در گذشته تولیدکنندگان و صادرکنندگان برندهای جهانی فرش را در خود داشته، امروز صادرکننده فرش دستباف بومی ندارد. در ادامه دعوت می‌کنیم مشروح این گفت‌وگو در زمینه مسائل قالی کشور بویژه استان کرمان را مطالعه نمایید.

اساس کاوش‌های باستان‌شناسی در تل ابلیس بردسیر سابقه فرش‌بافی به هزاره پنجم قبل از میلاد برمی‌گردد؛ یعنی هفت هزار سال این هنر در استان کرمان استمرار داشته و نسل به نسل انتقال یافته و به ما رسیده و وظیفه ما حفظ و انتقال شایسته آن به آیندگان است. بدون

◆ امروزه ایران در هدایت فرش جهان چه جایگاهی دارد؟
اجازه می‌خواهم، قبل از این‌که سؤال شما را پاسخ دهم، یک مقدمه کوتاه به صورت تیتروار و خلاصه عرض کنم. می‌دانید که بافندگی، عمومی‌ترین، مهم‌ترین و غنی‌ترین هنر سنتی و صنایع‌دستی استان و کشور ماست. بر



به تناسب اهمیت لازم برای فرش کشور در دهه‌های اخیر وجود نداشته است. انتظار می‌رفت با خلع ید و اختیارات شرکت‌های خارجی و بخش خصوصی منسجم، نظام‌مند و قوی آن زمان و واگذاری کلیه امور اعم از تولید، فروش و صادرات به بخش دولتی اوضاع بهتر از قبل شود، ولی واقعیت نتیجه، آن چیزی شد که امروزه همه ما شاهد آن هستیم.

در گذشته، بافندگان - متناسب با ماهیت و فلسفه شکل‌گیری این هنر - در راستای نیاز خود با استفاده از مواد اولیه بومی و محلی و با بهره‌گیری از تکنیک‌های مختلف هنر بافندگی اعم از قالی‌بافی یا گلیم‌بافی به خلق ملزومات زندگی‌شان می‌پرداخته‌اند، ولی به مرور زمان با تغییر سبک و سیاق زندگی و سلیقه‌ها، این نیاز در بین زندگی امروزی کمرنگ شد. در این بین، نیاز بود یک متولی دانا و متخصص، سابقه و تاریخچه گذشته این هنر را اعم از تنوع طرح، نقش، رنگ‌بندی، تکنیک و کاربرد را حفظ، مستند، مکتوب و در مکانی شایسته همانند موزه به نمایش بگذارد و معرفی کند و فلسفه موارد مذکور را با نشر و انتشار آثار شایسته به زبان‌های مختلف دنیا معرفی نماید که متأسفانه این اتفاق در استان نیفتاده است.

همگان می‌دانند، در پروسه تولید تا تجارت موفق یک کالا، یک‌سری امور زنجیره‌وار به هم مرتبط و مکمل یکدیگر هستند که هرکدام از امور مربوطه، ضعیف باشد، به تناسب تأثیر منفی را در سایر موارد خواهد گذاشت؛ همان‌گونه که اشاره کردم در حوزه فرش دستباف استان مشکلات زیر بنایی عمده و عمیقی وجود دارد که هنوز برطرف نشده‌اند. وقتی صحبت از هدایت در عرصه بین‌المللی به میان می‌آید، نیاز هست این کشور رتبه و جایگاه شایسته‌ای را در صادرات و فروش دست‌بافته در دنیا داشته باشد، اما آمار و ارقام، نشان‌دهنده این است که ایران پیشتازی را

شک در گذشته فرش‌بافی و صنایع‌دستی مهم‌ترین حوزه درآمد و اشتغال مردمان استان بوده است. جهانیان فرش دستباف را با نام ایران و استان کرمان می‌شناسند و یکی از افتخارات‌شان تهیه دست‌بافته این اقلیم است.

در بسیاری از موزه‌های دنیا که در حوزه هنر شرق آرشیو دارند، مهم‌ترین آثارشان قالی کرمان است. وجود سه سبک بافندگی اعم از شهری بافت، روستایی بافت و عشایری بافت در استان یکی از وجوه تمایز این اقلیم با سایر مناطق فرش‌بافی کشور است. رکورد گران‌ترین فرش دنیا متعلق به استان است و سلطان فرش دنیا حاج محمد ارجمند کرمانی هم تولیدکننده استان بوده است، سیرجان اولین شهر جهانی گلیم ثبت‌شده در شورای جهانی صنایع‌دستی (برند جهانی) سال ۱۳۹۶، وجود متنوع‌ترین اقوام در استان (با ۳۱ ایل و ۵۸ طایفه مستقل در کشور)، وجود بیشترین جمعیت عشایری بعد از استان فارس در استان که مهم‌ترین فعالیت آن بافندگی بوده است، انتخاب مادر صنایع‌دستی آسیا و اقیانوسیه (در رشته گلیم‌بافی) ماه نساء شهسواری پور از استان کرمان و منطقه سیرجان است،

استان کرمان بهترین و بیشترین تنوع دست‌بافته، طرح، نقش و تکنیک بافت را در دنیا دارد، فرش کرمان در دنیا زبانزد عام و خاص است؛ این‌ها، گوشه‌ای از ارزش و پتانسیل‌های هنر بافندگی در استان کرمان است که متأسفانه عدم توجه جدی به هنر بافندگی باعث شده فرش کرمان و ایران رتبه و موقعیت تجاری و صادراتی گذشته را نداشته باشد.

منسوخ شدن برخی از رشته‌های دست‌بافته در استان از جمله جاجیم‌بافی، سفره بافی، خُرچین بافی، گبه‌بافی، پلاس بافی، زبلوبافی، قالی‌بافی عشایری و روستایی، نمدالی و بیش از پنج نوع تکنیک گلیم‌بافی از جمله: تکنیک پود معلق، تکنیک پود اضافه، تکنیک تک قلاب و... عدم وجود موزه فرش و سایر موزه‌های تخصصی مربوطه در استان کرمان یا شهرستان‌های مهم بافندگی، در جهت حفظ، نمایش، ترویج اصالت و ارزش هنر گذشته این اقلیم به مخاطبین داخلی و خارجی، عدم جمع‌آوری و حفظ منتخبی از آرشیو تولیدات آنتیک و قدیمی برای نمایش در موزه، فقدان کیفیت لازم محصولات تولیدی فرش استان، متناسب با نیاز و سلیقه و ذائقه انسان امروزی، قسمتی از نقاط ضعف و قوت بافندگی است.

حال با این تفاسیر، به نظر من امروزه کشور در هدایت فرش جهان جایگاه شایسته و چشم‌گیری همانند گذشته ندارد؛ به این دلیل که هیچ افق جامع و برنامه‌ای روشن و

- استان کرمان
- بهترین و
- بیشترین تنوع
- دست بافته،
- طرح، نقش و
- تکنیک بافت را در
- دنیا دارد، فرش
- کرمان در دنیا
- زبانزد عام و خاص
- است؛ این‌ها،
- گوشه‌ای از ارزش و
- پتانسیل‌های هنر
- بافندگی در استان
- کرمان است که
- متأسفانه عدم
- توجه جدی به
- هنر بافندگی
- باعث شده فرش
- کرمان و ایران
- رتبه و موقعیت
- تجاری و صادراتی
- گذشته را نداشته
- باشد.

به سایر کشورهای رقیب واگذار کرده است؛ بنابراین وقتی از گردونه رقابت آن‌چنان‌که شایسته است بیرون رفته باشیم، نمی‌توانیم حرفی برای گفتن داشته باشیم. البته ببخشید صحبت‌هایم زیاد طول کشید. در آخر، من معتقدم، هدف، در کشور حفظ، توسعه و ارتقاء فرش دستباف یا به‌طور کلی هنر بافندگی نبوده است - آنچه امروزه از اعتبار فرش مانده، مرهون زحمات گذشتگان است و گر نه حداقل در استان کرمان یک فعالیت ارزشمند و ماندگار همانند راه‌اندازی یک موزه، حفظ، ثبت، مستند نگاری و نمایش طرح و نقش‌های دست‌بافت‌ها و... انجام می‌شد که متأسفانه در چند دهه اخیر متولیان مربوطه، مدیریت آگاهانه‌ای نسبت به حفظ و صیانت از ارزش‌ها و جایگاه فرش نداشته‌اند؛ می‌توان گفت در کشور و به‌خصوص استان، بسیار ضعیف و ناکارآمد عمل شده است.

حال با این تفاسیر، وقتی هیچ سیاست مدونی برای حفظ و توسعه و گسترش هنر بافندگی استان و کشور وجود نداشته باشد، هیچ افقی در هدایت و تمرکز فرش جهان نخواهیم داشت؛ وقتی کشوری می‌تواند در هدایت فرش جهان جایگاهی داشته باشد که در عرصه توسعه و تجارت آن پیش‌تاز باشد ولی همه شواهد و قرائن حاکی از این است که هنر بافندگی ما در استان کرمان در سه سبک بافندگی شهری بافت، عشایری بافت و روستایی بافت سال‌به‌سال به سمت رکود رفته است.

◆ به نظر شما برای فرهنگ‌سازی تولید فرش‌های باکیفیت و مرغوب چه باید کرد؟

به نظرم اگر متناسب با شأن و جایگاه فرش دستباف استان کرمان و ارزش آن فعالیت اصولی و معقولانه‌ای انجام می‌گرفت نیاز نبود امروزه به این نتیجه برسیم که برای تولید فرش یا دست‌بافته باکیفیت باید اقدام خاصی انجام پذیرد - ماهیت سؤال حاکی از این است که دست‌بافته تولیدی امروزه کیفیت لازم را ندارد؛ منظورم را واضح‌تر بیان می‌کنم، ما چندین سال قبل در معاونت صنایع‌دستی استان یک تحقیق میدانی پیرامون رکود و کاهش کیفیت هنرهای سنتی و صنایع‌دستی از جمله فرش دستباف انجام دادیم و به این نتیجه رسیدیم که عدم سیاست‌گذاری و اقدام اصولی و درست، در حوزه هنرهای سنتی باعث رکود، انحراف و حتی منسوخ شدن اغلب هنرهای سنتی در استان و کشور ما شده است و یکی از نتایج پژوهش این بود که اگر در طی یکی دو قرن اخیر سیر تاریخی تولیدات صنایع‌دستی

از جمله فرش استان را ثبت و مستند نگاری و در یک مکان شایسته همانند موزه به نمایش و معرفی گذاشته می‌شد، یک مبنای درست، واقعی و علمی برای گزینش مخاطبین - اعم از داخلی و خارجی - مهیا می‌گردید، به صورت طبیعی یک تعادل و تعاملی بین مخاطبین واقعی و تولیدکنندگان، فروشندگان و صادرکنندگان شکل می‌گرفت و نیاز نبود امروزه دستگاه‌های متولی زحمت زیادی برای اصلاح انحراف روند سال‌به‌سال منطقی فرش بکشند، خود بازار - یعنی تقاضا و عرضه - این مرادده همخوان را برقرار می‌کرد.

گرچه با یک آسیب‌شناسی ضمنی متوجه می‌شویم در کرمان متولی فرش دستباف ناموفق بوده و نتوانسته سیر گذشته فرش این استان را حفظ، توسعه و گسترش دهد و امروز خیلی سخت است در استانی که معروفیت هنر و دست‌بافته آن شهره خاص و عام در دنیاست حتی یک دست‌بافته در معرض نمایش مخاطبین نیست. بخواهیم فرهنگ‌سازی کنیم، همان‌طور که گفتم فرهنگ‌سازی یک دانش و تخصص عاقلانه می‌خواهد که ما در استان شاهد آن نیستیم.

◆ همواره از اهمیت و به روز شدن فرش دستباف صحبت می‌شود، آیا ما در فرش استان به روز هستیم؟

من بر اساس تجربه قبلی که در آموزش، تولید و تجارت صنایع‌دستی دارم و خودم دانش‌آموخته این رشته هستم به نظرم تغییر رو به رشد و به روز شدن لازمه هر نوع فعالیت هنری است. اگر تاریخچه فرش دستباف کرمان در سه حوزه شهری، روستایی و عشایری را مطالعه کنیم به این نتیجه می‌رسیم که ی‌ک‌روند تغییرات منطقی را تا اوایل این قرن در گذر زمان طی کرده است. در دوران پهلوی هم تغییرات نابجایی در ماهیت فرش کرمان شکل گرفت (همان تغییرات ناهمگونی که می‌توانم به‌عنوان نقطه تأکید این مصاحبه از آن نام ببرم؛ یعنی نوآوری ناآگاهانه و تن دادن به تغییرات بدون شناخت و بدون حفظ اصالت) که جبران آن تغییرات بیش از حد، هنوز ادامه دارد و ضربه سنگینی را به فرش شهری بافت کرمان زده است، ولی امروزه ما بدون آگاهی از این‌که تغییر و به روز شدن باید در ادامه سنت و تداوم گذشته با حفظ هویت و ارزش دیرینه این هنرها شکل بگیرد، دست به نوآوری می‌زنیم که بیشتر انحطاط و جهالت است، در صورتی‌که نوآوری در هنرهای سنتی و فرش، باید ریشه‌دار باشد و به عبارتی ریشه در هویت این رشته‌ها، داشته باشد. گرچه ماهیت و شاخه‌های هویتی اصلی هنرهای سنتی

وقتی هیچ
سیاست مدونی
برای حفظ و
توسعه و گسترش
هنر بافندگی
استان و کشور
وجود نداشته
باشد، هیچ
افقی در هدایت
و تمرکز فرش
جهان نخواهیم
داشت؛ وقتی
کشوری می‌تواند
در هدایت فرش
جهان جایگاهی
داشته باشد که
در عرصه توسعه
و تجارت آن
پیش‌تاز باشد
ولی همه شواهد
و قرائن حاکی
از این است که
هنر بافندگی ما
در استان کرمان
در سه سبک
بافندگی شهری
بافت، عشایری
بافت و روستایی
بافت سال‌به‌سال
به سمت رکود
رفته است.

بهترین و قدیمی‌ترین دست‌بافته منطقه سیرجان) را در سال ۱۳۹۶ با همکاری انتشارات پژوهشگاه میراث فرهنگی کشور و اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان کرمان چاپ و منتشر کردیم. جلد چهارم کتاب دایرةالمعارف دست‌بافته عشایری و روستایی شهر جهانی سیرجان و جلد پنجم کتاب دایرةالمعارف دست‌بافته عشایری و روستایی منطقه سیرجان زیر چاپ هست که امیدوارم سایر جلدهای آن هم چاپ شوند، هر چند در حد بضاعت است ولی بی‌تأثیر در ثبت و معرفی ارزش‌های هنر بافندگی کرمان نخواهد بود.

◆ دانشگاه در صنعت و اقتصاد فرش دستباف استان چه نقشی ایفا کرده است؟

رسالت دانشگاه‌ها در حوزه آموزش بلندمدت رشته‌های مختلف است. هر ساله تعداد زیادی در رشته فرش در مقطع کاردانی و کارشناسی و در چندین رشته زیرمجموعه فعالیت‌های فرش در مقطع کارشناسی ارشد مشغول به تحصیل می‌شوند و به تناسب سالانه تعدادی هم فارغ‌التحصیل می‌گردند. حداقل در فرش کرمان من تعداد انگشت‌شماری را می‌شناسم که بعد از تحصیلات وارد حوزه تولید، تأمین مواد اولیه، بازاریابی، تبلیغات، فروش و صادرات فرش دستبافت شده‌اند؛ گرچه یکی از معضلات فرش استان نبود عوامل فنی متخصص و صادرکننده بومی است.

به نظر من دانشگاه هم در حوزه فرش دستبافت ناموفق بوده است و خروجی کارآمدی نداشته است؛ به عبارتی می‌توان گفت مقوله گسترش، رونق و موفقیت یک هنر همانند هنر بافندگی به عوامل زیادی بستگی دارد که در کشور ما روی کاغذ تقسیم‌بندی امور انجام شده، ولی در عمل خروجی خوبی در پی نداشته است.

◆ در زمینه سلیقه سازی، سلیقه‌یابی و در نهایت برند سازی فرش دستباف در استان کرمان چه کارهایی انجام شده است؟

سلیقه سازی یا سلیقه‌یابی با مقوله برند سازی تفاوت زیادی دارد، ولی تا آنجایی که من اطلاع دارم، فعالیت خاص و هدفمندی انجام نشده است؛ همان‌طور که پیش‌تر اشاره کردم ما با گذر زمان در دهه‌های اخیر، در حوزه هنر بافندگی با رکود شدید مواجه بوده‌ایم، با یک مطالعه ساده می‌توان به این نتیجه رسید که گذشته فرش کرمان به‌خصوص در حوزه شهری بافت حساب‌شده‌تر و با کیفیت‌تر بوده است. با توجه به شواهد و قرائن

کشور و استان کرمان مشخص است؛ برای مثال سفره‌های ایلات و طوایف مستقل بافنده استان برای خبرگان، تجار و فرش‌شناسان حتی از پشت اثر هم محرز است، ولی اگر امروزه فردی یک سفره با رنگ بنفش نوآوری کند که هیچ سنخیتی با گذشته و تم رنگ‌بندی هیچ‌کدام از ۳۱ ایل و ۵۸ طایفه مستقل بافنده استان ندارد - در نتیجه کسانی که تخصص و آشنایی در این حوزه ندارند، از نگاهشان یک نوآوری در تولید یک کالای جدید شکل گرفته است که نهایتاً یک مشتری ناآشنا به هنر بافندگی هم آن را می‌خرد، ولی غافل از این‌که هویت یک هنر چندین هزارساله که باید با جان‌ودل حفظ و ادامه یابد به همین سادگی مخدوش می‌شود و بعد چند صباحی این‌گونه تولیدات از چرخه تولید حذف می‌شوند - و نشان از عدم شناخت و آگاهی درست از هنر سفره بافی را برای نوآور دارد که همان‌طور که پیش‌تر اشاره کردم نمی‌توان اسم آن را نوآوری گذاشت و بیشتر به تخریب و انحطاط شبیه می‌ماند که متأسفانه ما این اقدام نابجا را در بین برخی تولیدکنندگان فرش، گلیم - به‌خصوص شبریکی پیچ - و گلیم فرش استان زیاد می‌بینیم.

◆ به هر حال در زمینه مستندسازی مسائل قالی چه کارهایی صورت گرفته است؟ ارزیابی شما در چگونگی عملکرد استان در این زمینه چیست؟

همان‌گونه پیش‌تر اشاره کردم، استان کرمان در گذشته در تولید و تجارت هنر بافندگی سرآمد بوده است ولی در حوزه مستند نگاری و نمایش و ترویج سنت گذشته بسیار ضعیف عمل کرده است و این نشان از عدم اهمیت و توجه متولیان مربوطه نسبت به این هنر را دارد. من در زمینه مستندسازی ویژگی‌های هنر بافندگی استان، مورد چشمگیری رؤیت نکردم به‌خصوص وقتی یک پژوهشگر می‌خواهد نسبت به فرش این استان پژوهش نماید آن موقع متوجه خواهد شد که چقدر فقر منابع مکتوب و مستندات وجود دارد در همین راستای ثبت و مستند نگاری هنر بافندگی این اقلیم، این‌جانب با همکاری معاونت صنایع‌دستی استان از سال ۱۳۸۷ پروژه‌ای تخصصی را شروع کردیم که تاکنون:

جلد اول کتاب دایرةالمعارف دست‌بافته عشایری و روستایی استان کرمان (مناطق بافت، رابر و ارزوئیه) در سال ۱۳۹۶ و جلد دوم کتاب دایرةالمعارف دست‌بافته عشایری و روستایی استان کرمان (مناطق بردسیر و شهرباک) در سال ۱۳۹۷ و جلد سوم کتاب دایرةالمعارف دست‌بافته عشایری و روستایی منطقه سیرجان (گزیده



یکی از نتایج پژوهش این بود که اگر در طی یکی دو قرن اخیر سیر تاریخی تولیدات صنایع دستی از جمله فرش استان را ثبت و مستند نگاری و در یک مکان شایسته همانند موزه به نمایش و معرفی گذاشته می‌شد، یک مبنای درست، واقعی و علمی برای گزینش مخاطبین اعم از داخلی و خارجی، مهیا می‌گردید، به صورت طبیعی

یک تعادل و تعاملی بین مخاطبین واقعی و تولیدکنندگان، فروشندگان و صادرکنندگان شکل می‌گرفت.

فرش ایران یعنی مرکز ملی فرش ایران را نگاه کنید قطعاً خواهید فهمید فرش کم‌ارزش‌ترین کالای کشور است.

◆ برای گسترش بازار داخلی فرش چه باید کرد؟

باید هر چه زودتر یک‌سری کارهای بنیادی و اصولی در حوزه فرش دستباف استان کرمان انجام پذیرد وگرنه توفیقی حاصل نخواهد شد و همانند این چند دهه اخیر اقدامات و تصمیمات اتخاذی، سطحی و مقطعی خواهند بود.

◆ یک سؤال مهم این است که آیا خط کش سنجش

فرش به طریق اولی صادرات است یا مصرف داخلی؟ به نظر شما در این زمینه چه راهبردی باید اتخاذ شود؟ به نظرم میزان سنجش فرش یا هر کالای صنایع‌دستی دیگری، مخاطب یا همان مشتری آگاه است؛ خواه مصرف‌کننده داخلی یا بین‌المللی باشد. به نظرم اگر ما تولید باکیفیت و در راستای سنت هویتی گذشته داشته باشیم، خودبه‌خود، جریان طبیعی عرضه و تقاضا با هم بالانس خواهد شد. به نظرم هر کسی کار خودش را به بهترین نحو انجام دهد، همه چیز به حالت رضایت و عادی خودش برمی‌گردد.

◆ در مورد آسیب‌های دوره شیوع ویروس کرونا به

صنعت فرش استان و اقدامات رفاهی و تسهیلات ارائه‌شده به تولیدکنندگان و بازرگانان این حوزه توضیح دهید. اقدام خاصی از سوی دولت انجام نشده است و ما از سوی کمیسیون گردشگری، فرش و صنایع‌دستی اتاق در پنجاه و دومین نشست شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی با موضوع بررسی «خسارت واردشده به بخش خصوصی فرش و صنایع‌دستی و گردشگری به علت شیوع ویروس کرونا» در تاریخ ۱۳۹۹/۰۴/۱۹ در محل سالن زنده‌یاد کامیابی اتاق بازرگانی با حضور استاندار محترم جناب آقای دکتر فدایی و نماینده محترم مردم کرمان و راور جناب آقای دکتر پور ابراهیمی و سایر مسئولین استان همه مشکلات و دغدغه بخش فرش دستباف استان را مطرح کردیم، نتیجه خاصی نداشت و متأسفانه مورد اهمیت و توجه قرار نگرفت.

◆ اگر توضیحات تکمیلی دارید، لطفاً بفرمایید.

ممنونم از شما، امیدوارم، روزی در کشور ما عقلانیت و تخصص حاکم شود. ◆◆

دست‌یافته کمپانی‌ها و کارگاه‌های بزرگ از جمله: جان تیمو یاناکیس (John G Timo Yanakis)، برادران کاستلی (Castelli brothers)، عطیه بروس (Atiyeh Bros)، قازان قاریت (Ghasan gharpet)، کمپانی شرق لندن (O.C.M)، حاج محمد ارجمند کرمانی، غلامرضا آگاه، اکبر رشید فرخی، احمد یزدان‌پناه (دیلمقانی)، برادران اژدری و... هم برندهای خودشان را داشته‌اند، ولی امروزه متأسفانه تعداد خیلی کمی همانند ابوالهادی، وزیری و کاظمی پور برند دارند.

◆ چرا ایران در جایگاه واقعی و شایسته خود در تجارت

بین‌المللی قالی قرار ندارد؟

به نظرم به این دلیل که نخواستند در جایگاه بین‌المللی شایسته قرار بگیرد وگرنه عقل حکم می‌کرد برای این مهم، یک سیاست مدون داشته باشد، ولی در دهه‌های اخیر، بیشتر تصمیمات و برنامه‌ریزی‌هایی که پیرامون هنر بافندگی در کشور انجام پذیرفته، اغلب بدون آگاهی و با عدم تخصص و عدم عزم جدی همراه بوده است. شما بهتر می‌دانید، در دنیا امروزه در همه عرصه‌ها زمان، مدیریت و تخصص مهم‌ترین اولویت کشورهاست، ولی در کشور ما فقط همین یکی دو مدیر اواخر متولی





دره راگه

استان کرمان
شهرستان رفسنجان
روستای ناصریه

بر بخش‌های دیگر، زمینه رشد اقتصادی فراهم می‌شود. دره «راگه» یکی از پدیده‌های نادر و طبیعی شهرستان رفسنجان است. این دره در مسیر گردشگری دو جاذبه مشهور جهانی؛ کلوته‌های شهداد و روستای صخره‌ای میمند قرار دارد و مشوق خوبی برای انتخاب استان کرمان به قصد طبیعت‌گردی است. قابل ذکر است که یکی از زیباترین و منحصر به فردترین جلوه‌های فرسایش زمین را می‌توان در دره «راگه» دید. این دره حاصل فرسایش آبی رودخانه گیودری بوده است و سن زمین‌شناسی آن بالغ بر ۲۰ هزار سال تخمین زده می‌شود. طول دره راگه حدود ۲۰ کیلومتر و با میانگین ژرفای ۷۰ متر و عرض متغیر ۲ تا ۱۸۰ متر از شکوه و عظمت خاصی برخوردار است. به طوری که در اولین نگاه چشم هر بیننده‌ای را خیره و مهیوت قدرت خداوند در به وجود آوردن این پدیده کم‌نظیر و اثر طبیعت ساز می‌کند. با توجه به موقعیت دره «راگه» و پتانسیل موجود، برنامه‌ریزی توسعه گردشگری در مکان هدف، در ابعاد مختلف از حجم تخریب‌ها می‌کاهد، رونق اقتصادی جوامع پیرامون را تسریع می‌بخشد و به حفظ بنیادهای طبیعی این منطقه نیز یاری می‌رساند. دره راگه با بازدیدکنندگان داخلی و خارجی روزبه‌روز آوازه آن فراگیر شده است و تمایل افراد زیادی از گروه‌های متفاوت: طبیعت‌گرد، ماجراجو، دره نورد، کوهنورد، منجم، زمین‌شناس،

عباس فهیمی

کارشناس بازاریابی و تبلیغات معاونت گردشگری
سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی استان کرمان



اکو توریسم

یکی از شاخه‌های رو به رشد گردشگری، اکوتوریسم است که از نظر جامعه محلی، گردشگری طبیعی، سفر مسئولانه به نواحی طبیعت است که حفاظت محیط طبیعی و تقویت رفاه جامعه محلی را به همراه دارد. با توجه به پتانسیل‌هایی که کشور ایران در جاذبه‌های گردشگری و تنوع اقلیمی کم‌نظیر در دنیا دارد و جایگاه بارز علمی که صنعت توریسم در جهان اشغال می‌کند و نقشی که این صنعت به‌عنوان بزرگ‌ترین صنعت خدماتی دنیا، در تولید ناخالص داخلی کشورها و جذب نیروی کار و درآمدهای جهانی دارد، می‌توان گفت یکی از بنیادی‌ترین فعالیت‌های اقتصادی جهان به شمار می‌رود؛ بنابراین استان کرمان دارای پتانسیل‌های زیادی است که فرصت سرمایه‌گذاری‌های گردشگری بسیاری است. شهرستان رفسنجان در کنار داشتن معادن گران‌بهای مس، منابعی از گردشگری دارد که ظرفیت عملیات‌های دیگر و رشد بسیار داشته و از طریق تأثیر مستقیم و غیرمستقیم

این نوع از گردشگری کم‌هزینه‌ترین نوع گردشگری است و در واقع همین باعث می‌شود که علاقه‌مندان به طبیعت و گونه‌های وحشی (گیاهی و جانوری) برای دیدن و مطالعه آن‌ها به زیستگاه مربوط مراجعه کرده و همچون تفریح گسترده با کمترین امکانات و کمترین تأثیر منفی از نظر اینیها در منطقه اسکان می‌یابند.

اقلیم دره راگه

اقلیم به شرایط آب‌وهوایی یک منطقه جغرافیایی نظیر دما، رطوبت، فشار اتمسفر، باد، بارش و سایر مشخصه‌های هواشناسی در مدت‌زمان نسبتاً طولانی نسبت داده می‌شود؛ که در اقلیم‌شناسی مشخصه‌های درازمدت آب و هوا مورد توجه است. اقلیم در مناطق مختلف دنیا با عرض جغرافیایی و ارتفاع از سطح دریا مشخص می‌شود. اقلیم‌شناسی (climatology) مطالعه علت‌ها، تغییرات و توضیح علت‌ها است. دره راگه به لحاظ دسته‌بندی اقلیمی در اقلیم «گرم و خشک» قرار گرفته است.

زمین‌شناسی (ژئوتوریسم)

زمین‌شناسی شاخه‌ای از مطالعات علوم تجربی است که ماهیت، ساختار و اختصاصات خرد و کلان سیاره زمین و تاریخ زایش، تحول و تکوین، ساختمان آن و انواع سنگ‌ها و سنگواره‌ها را بررسی می‌کند. این علم مواد سازنده زمین، نیروهای مؤثر بر آن‌ها، عملکرد نیروها، پراکندگی سنگی و همچنین گیاهان و جانورانی که در دوره‌های گوناگون زمین‌شناسی وجود داشته‌اند را مطالعه و تبیین می‌نماید. به این ترتیب زمین‌شناسی به مطالعه و کنکاش و شناخت زمین و هر آنچه در اطراف آن است می‌پردازد. (دره راگه به لحاظ موقعیت زمین‌شناسی، زمینه فعالیت‌ها و پژوهش‌ها را فراهم دارد). لذا در گردشگری شاخه‌ای به نام زمین‌گردشگری یا ژئوتوریسم (Geotourism) وجود دارد که جرقه مطالعه بیشتر در بخش زمین‌شناسی را مهیا ساخته است.

در ژئوتوریسم بخش ژئو جاذبه‌های زمین‌شناسی، ژئومورفولوژی و میراث معدن کاری را شامل می‌شود و بخش توریسم آن به‌عنوان موضوعی چند رشته‌ای، تمامی زیرساخت‌های صنعت گردشگری از جمله تفسیر، مدیریت، اقامت، تورها و غیره را شامل می‌شود و برخلاف اکوتوریسم که جاذبه‌های طبیعت جاندار را در مرکز توجه قرار داده است این صنعت به طور کلی با جاذبه‌های طبیعت بی‌جان سروکار دارد. حال هر یک منطقه گردشگری طبیعی ممکن است یکی از این دسته‌بندی‌ها رو در کنار جاذبه‌های دیگر خود دارا باشد که دره راگه از جمله آن‌ها است.

ژئوتوریسم به هفت زیرشاخه اصلی تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از:

۱. ماجراجویانه با رویکردهای ورزشی: کوه‌ها، غارها، رودخانه‌ها،

مستندسازان و فیلم‌سازان و ... به بازدید بیشتر و بیشتر می‌گردد. چراکه مشتاقان ژئومورفولوژی و طبیعت‌گردی آنجا را حتی برای پژوهش‌های بیشتر مورد مطالعه قرار داده‌اند؛ زیرا به گفته آنان دره راگه دنیای پررمز و راز سالیان گذشته است که باید کشف گردد و ویژگی‌های آن به گوش جهانیان برسد. دره راگه به شکل پررنگ وارد محافل علمی شده است.

در کلیه شاخه‌های گردشگری مبتنی بر طبیعت (اکوتوریسم و ژئوتوریسم) بازدید از مناطق بکر طبیعی به نحوی است که با محافظت از اکوسیستم، به شأن جوامع محلی نیز احترام و توجه می‌شود. بین منابع طبیعی، جاذبه‌های محلی و گردشگران، توازن برقرار می‌گردد و در نهایت علاوه بر بهره‌مندی از محیطزیست، از طریق به حداقل رساندن تأثیرات منفی بر طبیعت، به ایجاد محیطزیستی پایدار یاری می‌رساند.

اکوتوریسم، گونه‌ای است که در آن گردشگران برای دیدار از مناطق طبیعی نامسکونی و دست‌نخورده جهان سفر می‌کنند و به تماشای گیاهان و پرندگان و دیگر جانوران می‌پردازند؛ چراکه



ارزش گونه‌های

بر اساس چند سفر انجام‌شده، ۴۸ گونه از انواع مهره‌داران شناسایی شده است که البته نیاز به بررسی‌های بیشتری می‌باشد. در منطقه دره راگه با بررسی‌های صورت پذیرفته، شاهد تنوع خوبی از انواع مهره‌داران اعم از پرندگان، پستانداران، خزندگان، دوزیستان و آبزیان هستیم که برخی از آن‌ها همچون بالابان، قوچ و میش، آهو و ... از نظر ملی و بین‌المللی مانند IUCN و CITES دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای می‌باشند.

میزان آگاهی مردم از وجود اثر

در سالیان گذشته کمتر کسی از وجود دره راگه و اهمیت آن شناخت داشت و جز معدود افراد کوهنورد یا طبیعت‌گردی که در سفرهایشان این منطقه را دیده بودند، شخص دیگری آنجا را معارفه نکرده بود و حتی مردم محلی هم‌صحبتی از این عارضه طبیعی نداشتند؛ بخصوص از زمانی که دو روستای محمدآباد راگه و علی‌آباد راگه متروکه و خالی از سکنه شدند و مردم آن‌ها به



دریاچه‌ها، کویر و بیابان،

۲. رخنمون‌های جاده‌ای،

۳. زمین‌شناسی و شکل‌شناسی: فرایند زمین مثل آتش‌فشان‌ها، شکل‌های زمین مثل پیچ‌های رودخانه،

۴. بناهای صخره‌ای- سنگی: مصالح به‌کاررفته یا نوع سازنده‌های سنگی،

۵. معدن‌کاری: معادن در حال استخراج امروزی، معادن متروکه معاصر، میراث معدنکاری و فلزکاری کهن،

۶. فسیل‌های شاخص،

۷. ژئوتوریسم اکتشافی: زمین باستان‌شناسی، اکتشاف جواهرات و فلزات قیمتی.

آب‌وهوای منطقه

دره راگه در جنوب شرقی ایران در محدوده‌های شمالی قرار دارد. این دره در جنوب شرقی دشت رفسنجان و در سطح مخروط افکنه عظیم رودخانه گیودری (شاهزاده عباس) واقع شده است. فاصله آن از شهر رفسنجان حدود ۳۰ کیلومتر است و از ۱۰ کیلومتری جنوب روستای ناصریه شروع می‌شود و تا رسیدن به کوه‌های سرچشمه ادامه می‌یابد. در این منطقه بارش متوسط سالانه حدود ۱۰۰ میلی‌متر و دمای متوسط سالانه حدود ۱۷ درجه سانتی‌گراد است بنابراین آب‌وهوای آن مشابه بسیاری از دیگر مناطق کشور خشک است تابستان این منطقه خشک و نسبتاً گرم است در مقابل زمستان نسبتاً سرد و مرطوب می‌باشد. وزش بادهای شدید بهاری از غرب و جنوب غرب ویژگی مهم دیگر آن است.

عوامل شکل‌گیری دره راگه

در مجاورت کوهستان سرچشمه در رفسنجان که توضیح داده شد چهار عامل اصلی دیگر را می‌توان در پیدایش این اثر مؤثر دانست که عبارت از فعالیت گسل رفسنجان، تشکیل طاق‌دیس جنوب ناصریه، عملکرد رودخانه و مخروط افکنه گیودری می‌باشد.

پوشش گیاهی منطقه راگه

مرطوب بودن خاک در ابتدای بهار باعث رشد گونه‌های متعددی از جمله گیاهان یک‌ساله و حساس به خشکی می‌شود و در صورت ادامه بارش باران در بهار، رشد و دوره زیستی گیاهان کامل می‌شود و گونه‌های یک‌ساله وارد مرحله تولید گل و دانه می‌شوند و قبل از رسیدن گرما و خشکی، دوره زیستی را کامل می‌کنند؛ مانند سوزنگ و کاکوتی. گونه‌های گیاهی چندساله و پایای این منطقه اغلب دارای شکل بوته‌ای و پر شاخه و متراکم‌اند و کمترین هدر رفت آب را در برابر نور شدید و بادهای خشک و گرم را دارند.

جامعه محلی، ارتقای آگاهی‌های عمومی زیست‌محیطی به جهت حفاظت از محیط‌زیست، افزایش سطح حفاظت منطقه از طریق درآمد ایجادشده از اکوتوریسم منطقه را برای جامعه محلی به وجود آورد و به نوبه خود تغییرات خوب و مؤثری را برای این صنعت به وجود آورد که ارزش آن با رعایت کلیه ضوابط گردشگری پایدار می‌تواند بالا باشد. از جمله می‌توان به ارزش رضایتمندی حاصل از بازدید از اکوسیستم طبیعی «راگه» اشاره کرد که غالباً تحت عنوان ارزش تفریحی اکوسیستم مطرح بوده و در یک تقسیم‌بندی دیگر در مورد ارزش کالاها و خدمات اکوسیستم راگه در گروه ارزش‌های مصرفی آن، محسوب می‌شود. امروزه، وجود ارزش تفریحی منابع طبیعی راگه سبب شکل‌گیری صنعت اکوتوریسم در منطقه شده که منبع مهم درآمدی برای منطقه است.

هیچ واژه‌ای نمی‌تواند آن‌قدر خیال‌انگیز باشد که بتواند احساسی را که از بودن در چنین منطقه‌ای به انسان دست می‌دهد، توصیف کند. «راگه» دره‌ای است منحصر به فرد که وقتی به آن وارد می‌شوید انگار به یک فیلم ماجراجویانه قدم گذاشته‌اید. رودخانه گیودری هزاره‌ها است که برای تراشیدن صخره‌هایی به این زیبایی و عظمت تلاش می‌کند. در دل دره که راه می‌روید از دل صخره‌ها و آب رودخانه گیودری عبور می‌کنید. بر بلندای دره که می‌ایستید تا چشم کار می‌کند سرزمین‌های بکر و آرام می‌بینید. دره «راگه» همچون بهشتی در دل کویر بوده و یکی از عجایب و زیبایی‌هایی بی‌نظیر کشورمان در مرزوبوم کویریمان برای علاقه‌مندان به طبیعت و ماجراجویان است. این جاذبه زیبا در ابتدا امر، قدرت و عظمت و زیبایی خداوند را که به چه شوقی یکی از زیباترین و کم‌نظیرترین پدیده‌های طبیعی را در پهنای وسیع کویر خلق کرده است، آواز سر می‌دهد و ناخودآگاه شکر گذاری هر گردشگری از سمت و سوی‌شان زمزمه می‌شود که آن‌ها را متحیر ساخته است و همه را مات و مبهوت این زیبایی می‌سازد. آن‌چنانی با دقت نظاره‌گر هستند که مبادا در دیدن آن کم بگذارند و دست‌خالی منطقه را ترک نکنند. این طبیعت بکر و آسمان پرستاره شب‌های کویرش زمینه را برای ارضای ذوق منجمان فراهم آورده است که منجمان در سکوت شب در جستجوی روشنایی‌های شب‌های کویر در آسمان پررزم‌ورزش هستند و دره نوردان، کوهنوردان، ماجراجویان و طبیعت‌دوستان با قدم زدن بر ژرفای این زیبایی‌های دره از دیدن پوشش گیاهی، جانوری، اشکال زیبا و ستون‌های با عظمت متحیرکننده‌ای که به‌صورت خارق‌العاده‌ای با فرسایش ایجاد شده‌اند بارها و بارها هیجان تجربه‌ای جدید را برای خود مرور می‌کنند و از صدای آب جاری در دره و هوهوی وزش باد در پیچ‌وخم دره که گوش را نوازش می‌دهد، لذت می‌برند. ♦♦

روستای ناصریه فعلی نقل‌مکان کردند. دلیل عدم صحبت آن‌ها را می‌توان در عدم آگاهی و شناخت مردم بومی از اهمیت این عارضه طبیعی دانست؛ چراکه مردم این منطقه هنوز هم آن‌طور که باید و شاید اطلاعاتی از صنعت گردشگری و تأثیر شگرفی که در زندگی آنان می‌تواند داشته باشد، ندارند و شاید نمی‌توانند فکر کنند که خود این پدیده چقدر می‌تواند تحولات عظیمی را در منطقه و زندگی آنان به وجود آورد.

فرهنگ عامه نسبت به اثر

گردشگری طبیعت‌گردی دره راگه از نظر ماهوی، قبل از آن‌که به‌عنوان پدیده‌ای اقتصادی مطرح باشد، امری فرهنگی است و فرهنگ به‌عنوان جاذبه اصلی گردشگری محسوب می‌شود. با توجه به آسیب‌پذیری و شکنندگی خاص میراث فرهنگی، توسعه گردشگری در سوادری می‌تواند موجب صدمه دیدن الگوهای فرهنگی بومی روستای ناصریه و دره راگه گردد. این امر در رابطه با گردشگری در نواحی روستایی که به‌گونه‌ای روستاها و مردم روستاها را درگیر می‌کنند از جمله گزینه‌های مطرح و مهم برای کمک به توسعه اجتماعی و اقتصادی جوامع روستایی است از اهمیت و حساسیت بیشتری برخوردار است

ارزش‌گذاری اثر از دیدگاه گردشگری

در گردشگری برای منابع طبیعی ارزش قائل‌اند و برای درک این نکته که چرا افراد برای منابع طبیعی ارزش قائل‌اند باید بین آن‌هایی که از خدمات منابع استفاده می‌کنند و آن‌هایی که از این خدمات استفاده نمی‌کنند تمایز قائل شد. ارزش‌های مدنظر گروه اول ارزش‌های استفاده، نامیده می‌شوند. این ارزش‌ها در دو گروه عمده: ارزش‌های مستقیم و استفاده غیرمستقیم تقسیم می‌شوند. اگر تنها یک گروه و یا یک دسته از طبقات اجتماعی بخواهند از منبعی استفاده کنند هیچ نیازی به ارزش‌یابی روی منبع نیست، ولی در جایی که طیفی معتقدند استفاده از منابع به راه‌های دیگر دارای ارزش بیشتری می‌باشد، آنگاه نیاز است تا ارزش‌های مورد استفاده را مشخص نموده و سپس نسبت به برتری ارزش یک منبع اظهار نظر کرد. به همین خاطر ما نیازمند اتخاذ دیدگاهی جامع‌نگر در مورد کل منابع طبیعی و محیط‌زیست از نظر یک نظام منسجم هستیم. ارزش‌گذاری محیط‌زیست و منابع طبیعی می‌تواند بر مبنای ۴ دسته از توجیه‌های مختلف پایه‌گذاری شود که شامل: منفعت‌طلبی، بوم‌شناختی، زیباشناختی و اخلاقی است.

دره «راگه» به‌عنوان یک سایت گردشگری و نگاه اکو توریسمی به آن، جاذبه خاصی در گردشگری دیده می‌شود که فرصت‌های فراوانی از جمله: ایجاد اشتغال برای افراد بومی (روستای ناصریه)، افزایش سطح درآمد، ارتقای سطح اجتماعی و فرهنگی

هیچ واژه‌ای
نمی‌تواند آن قدر
خیال‌انگیز
باشد که بتواند
احساسی را که
از بودن در چنین
منطقه‌ای به
انسان دست
می‌دهد، توصیف
کند. «راگه»
دره‌ای است
منحصربه‌فرد که
وقتی به آن وارد
می‌شوید انگار
به یک فیلم
ماجراجویانه
قدم گذاشته‌اید.
رودخانه گیودری
هزاره‌ها است که
برای تراشیدن
صخره‌هایی به
این زیبایی و
عظمت تلاشی
می‌کند. در دل
دره که راه می‌روید
از دل صخره‌ها
و آب رودخانه
گیودری عبور
می‌کنید.

مینوی جهان، بصره کرمان

◆ نادر علی‌دادی سلیمانی

باستان‌شناس اداره کل میراث فرهنگی و صنایع‌دستی
استان کرمان



درآمد

شهرستان منوجان در جنوب استان کرمان واقع شده است. این شهرستان همسایه شرقی شهرستان رودان در استان هرمزگان و در دشتی گرم و مرطوب و به نسبت وسیع واقع شده است. به سبب نزدیکی به دریای جنوب، آب‌وهوایی گرم و مرطوب دارد. مجموعه‌ای از ارتفاعات منوجان مرکز این شهرستان را در برگرفته‌اند. یک رشته ارتفاعات در شرق شهر منوجان و از جنوب به شمال کشیده شده است. قلعه منوجان در انتهای شمالی این رشته ارتفاعات سربرافراشته و تا شعاع وسیعی از

دشت پیرامون را زیر نگیب دارد. شکل نامنظم قلعه به تبعیت از شکل طبیعی ارتفاعات شکل گرفته است. حاکم‌نشین قلعه در بلندترین بخش و درون حصاری که از بخش عامه نشین جدا می‌شود قرار دارد. برج‌های بلند، حصین و باشکوه استوانه‌ای ساکنان قلعه را در ادوار مختلف تاریخ بیش از هزارساله خود از گزند حملات مهاجمین در امان نگاه داشته است. در منابع معتبر تاریخی و کتب جغرافی‌نویسانی چون مقدسی، ابن حوقل، اصطخری و افضل کرمانی از شهر و قلعه منوجان و موقعیت مهم و سوق‌الجیشی آن مکرر یاد شده است که در محور راه بزرگ بندر هرمز قدیم به جیرفت و کرمان واقع شده بود. تا پیش از کاوش‌های باستان‌شناختی، آگاهی ما از این قلعه و شهر کهن محدود به منابع یاد شده بود. کاوش باستان‌شناختی قلعه منوجان ضمن هویدا ساختن برج و باروی قلعه، نکات ارزنده بسیاری از ادوار مختلف فرهنگی و استقراری قلعه را آشکار ساخته



تصویر شماره ۱-
قلعه منوجان پس
از خاک‌برداری
و کاوش‌های
باستان‌شناختی

است. در این گفتار با نگاهی به گفته‌های مورخین و جغرافی نویسان به مهم‌ترین دستاوردهای باستان‌شناسی در این شهر کهن پرداخته‌ایم.

وجه‌تسمیه، موقعیت جغرافیایی و پیشینه باستان‌شناسی

منوجان در لغت به معنی «بهشت برین» است و از ریشه «مینو» به معنی «بهشت» و «جان» مخفف «جهان» گرفته شده است؛ منوجان که به آن «مینوی جهان» نیز می‌گفته‌اند از دو کلمه مینو و جهان به معنای «بهشت جهان» ترکیب یافته است. اطلاق این نام نیز شاید به دلیل فراوانی باغ‌های مرکبات و نخلستان‌های سرسبز دشت منوجان بوده است که آن را به بهشت جهان تشبیه نموده‌اند. به روایتی دیگر کلمه‌ی منوقان (منوغان) ریشه‌ای مغولی داشته که به معنای سرزمین خون اطلاق می‌شود (یزدان فر، ۱۳۸۹، ۷). به گفته‌ی برخی از مطلعین محلی، نام منوجان برگرفته از نام دختر یکی از سلاطین ساسانی به نام «مینو» می‌باشد که حادثه مرگ او در پی سقوط از قلعه‌ی مشهور این محل روی داده و شیون پدر بر مرگ فرزند و نام نهادن منوجان بر شهر را به دنبال داشته است. به هر حال نام منوجان و موجودیت شهری بزرگ و قدیمی در این محل محرز و مستدل می‌باشد (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۲: ۲۵).

منوجان جنوبی‌ترین شهرستان استان کرمان و همسایه شرقی شهرستان رودان در استان هرمزگان است. این شهر گرمسیری در فاصله ۴۳۰ کیلومتری از شهر کرمان (مرکز استان) در دشتی گرم و مرطوب و به نسبت وسیع واقع شده است. منوجان در طول جغرافیایی ۵۷۳۰۱۷ درجه‌ی شرقی و عرض جغرافیایی ۲۷۲۴۱۱ درجه‌ی شمالی و ارتفاع ۳۴۲ متر از سطح دریا قرار دارد. پیشینه و کمینه دمای این شهرستان بین ۵۰ و ۳- درجه‌ی سانتی‌گراد است. یک رشته ارتفاعات در شرق شهر منوجان و از جنوب به شمال کشیده شده است. قلعه منوجان در انتهای شمالی این رشته ارتفاعات سربرافراشته و تا شعاع وسیعی بر دشت پیرامون مسلط است. انتخاب این محل برای برپایی قلعه به نظر می‌رسد بهترین موقعیت ممکن به لحاظ استراتژیکی است. بر پایه بررسی‌های باستان‌شناسی صورت گرفته، سابقه استقرار در گستره‌ی شهرستان امروزی منوجان به هزاره سوم پیش از میلاد می‌رسد. بررسی‌های باستان‌شناسی که بخش‌های در خور توجهی از جنوب شرق ایران و به‌ویژه حوزه فرهنگی هلیل رود را در بر گرفته است حاکی از غنای این حوزه در سراسر عصر مفرغ است. آغاز این دوره اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد تا آغاز هزاره سوم پیش از میلاد و همزمان با آغاز شهرنشینی در ایران است. جنوب شرق ایران و به‌ویژه حوزه هلیل رود از غنای قابل‌توجهی در این دوره از حیات بشری برخوردار است. شکل‌گیری شهرها،

رواج و رونق تجارت سازمان‌یافته با مناطق دوردست و مبادله کالا و پیدایش حکومت‌ها را می‌توان از مهم‌ترین اتفاقات و دستاوردهای این دوره به شمار آورد. شمار فراوانی از محوطه‌های شناسایی شده در عصر مفرغ در کناره‌های هلیل رود تا دشت‌های غنی و حاصلخیز در جنوب استان کرمان با مراکز مهم شهرنشینی چون کناروند در بخش میانی دشت جبرفت از مهم‌ترین مراکز استقرار در عصر مفرغ به شمار می‌رود.

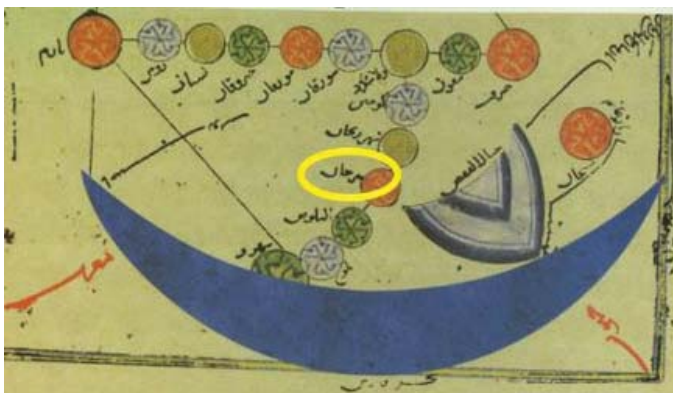
گستره‌ای که امروز به نام منوجان شناخته می‌شود با برخورداری از موهبت‌های طبیعی نیز پذیرای جمعیت‌های انسانی در خلال هزاره سوم پیش از میلاد بوده است. این مناطق در دامنه غربی رشته‌کوه بشاگرد (بخش‌های شرقی و کوهستانی منوجان) واقع شده است. این مناطق دارای منابع قابل‌توجهی از آب موردنیاز جوامع در قالب رودها و چشمه‌سارها بوده است. گورستان‌های باستانی مریج، تیاب و کهنک مغ محمد از جمله این شواهد محکم به شمار می‌روند. (ناصری طهرانی ۱۳۸۸) از آنجا که این ناحیه از قابلیت‌های استقرار حضور و تداوم حیات برخوردار بوده است در دوره‌های تاریخی نیز شمار فراوانی از استقرارها در قالب قلعه‌ها در سراسر منطقه دیده می‌شود که امروزه بقایای این استقرارها در قالب قلعه‌ها و یا شواهد باستان‌شناسی چون گورستان‌های تاریخی در سراسر منطقه دیده می‌شود. دوره اشکانی در منطقه از ادوار قابل‌توجه در منطقه و به‌ویژه نواحی کوهستانی یاد شده به شمار می‌رود. با برخورداری از قابلیت‌های یاد شده و دانش بشر در تکنولوژی احداث قنات و آوردن آب از مسافت‌های طولانی دامنه ارتفاعات تا دشت‌های رسی حاصلخیز، در ادوار اسلامی بر شمار اجتماعات افزوده شده و شهرها و آبادی‌ها گسترش چشمگیری یافته است. شهر و قلعه منوجان که مورخین و جغرافی‌دانان از سده‌های نخست اسلامی به بعد در منابع خود مکرر از آن یاد کرده‌اند به نظر می‌رسد در اواخر دوره تاریخی و اوایل اسلام نضج گرفته است.

قلعه منوجان بر انتهای شمالی رشته‌کوه سنگی طویلی که از مرکز شهر تا کوه‌های جنوبی و کوه تجدانو امتداد می‌یابد، سر برافراشته است. این قلعه در مرکز شهر کنونی منوجان واقع شده است. نکته قابل‌توجه در طرح قلعه‌ی منوجان بهره‌گیری از شرایط طبیعی ارتفاعات و ناهمواری‌ها به منظور ساخت‌وساز است به‌گونه‌ای که در معماری این قلعه الگو و نظم هندسی مشخصی به چشم نمی‌خورد.

منوجان در دوران اسلامی

در منابع جغرافیای تاریخی سده‌های نخست اسلامی، همواره از شهر منوجان یاد شده است و شماری از جغرافی‌نویسان نظیر اصطخری، ابن‌حوقل و مقدسی به توصیف این شهر پرداخته‌اند. بیشتر منابع جغرافیای تاریخی سده‌های نخست و حتی قرون

گستره‌ای که امروز
به نام منوجان
شناخته می‌شود
با برخورداری
از موهبت‌های
طبیعی نیز پذیرای
جمعیت‌های
انسانی در خلال
هزاره سوم پیش
از میلاد بوده
است. این مناطق
در دامنه غربی
رشته‌کوه بشاگرد
بخش‌های شرقی
و کوهستانی
منوجان واقع
شده است. این
مناطق دارای منابع
قابل‌توجهی از آب
موردنیاز جوامع
در قالب رودها
و چشمه‌سارها
بوده است.
گورستان‌های
باستانی مریج،
تیاب و کهنک مغ
محمد از جمله
این شواهد محکم
به شمار می‌روند.



تصویر شماره ۲-
موقعیت منوجان - ترسیم بر اساس اطلاعات اصطخری، نسخه خطی ترجمه مسالک و ممالک، سده هشتم هجری (گنجی و دیگران)

اطلاعات مفیدی ارائه می‌دهد: «منوقان: بصره‌ی کرمان است، آذوقه‌ی خراسان از خرماي خوب و ارزان آنجا است... خود در دو سوی دره‌ی خشک «کلان» جا دارد؛ یکی «کومین» و دیگری «زامان» نام دارد و مسجدی موسوم به مسجد سیان و قلعه بین این دو قسمت وجود دارد که قلعه با مسجد جامع همانند است. دوری آن‌ها از دریا دو روز راه است» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۸۹). توصیفی که مقدسی از وضعیت منوجان در قرن چهارم هجری دارد، به خوبی موقعیت تاریخی و جایگاه تجاری این شهر را مشخص می‌سازد. او همچنین می‌نویسد: جبرفت چهار دروازه و چهار راه به بم و سیرجان دارد. هرمز در یک‌فرسنگی دریا، باس و جگین دو شهرند در یک مرحله از دریا و منوقان: دوری آن از دریا دو روز راه است. امروزه قلعه هنوز پابرجاست ولی از بازار، کومین و زامان و مسجد جامع سیان خبری نیست. کاوش‌های علمی باستان‌شناختی که توسط نگارنده این سطور در بخش‌های قابل‌توجهی از قلعه منوجان صورت گرفته است، هر چند کافی و کامل نیست، اما نکات ارزنده‌ی چندی را پیش روی ما قرار می‌دهد که در این نوشتار به طور مختصر به آن اشاره خواهد شد. تا پیش از انجام عملیات کاوش باستان‌شناختی و پیگردی قلعه منوجان به دلیل این‌که بخش‌های عظیمی از حصار زیر انباشت سده‌های متوالی آوار مدفون بود، شناخت ما نیز از قلعه منوجان بسیار ناقص بود؛ با انجام کاوش‌ها، زوایای ناشناخته بسیاری آشکار شد. هر چند هنوز راه طولانی تا شناخت کامل ادوار تاریخی این اثر ارزشمند و شهر تاریخی منوجان پیش روی ماست. با انجام عملیات پیگردی ظرف مدت ۱۸ ماه فعالیت مداوم، دورتادور حصار قلعه از زیر آوار سده‌ها برکشیده، آشکار و مورد شناسایی و نقشه‌برداری قرار گرفت. همزمان با پیگردی و آواربرداری حصار، پژوهش‌های باستان‌شناختی درون حصار قلعه با هدف شناخت هر چه بیشتر ادوار استقرار در قلعه منوجان آغاز شد. چنان‌که پیش از این اشاره شد، مورخین و جغرافی‌نویسان ایرانی و عرب در موارد متعدد به شهر منوجان و اهمیت جایگاه آن به دلیل واقع شدن در مسیر راه بزرگ کاروان رو تجاری دریای

میانی اسلامی از منوجان به عنوان یک منزلگاه یا شهری میان‌راهی واقع در مسیر راه تجاری بندر هرمز- جبرفت و کرمان یاد کرده‌اند.

مسالک و ممالک اثر ابواسحاق ابراهیم بن محمد فارسی اصطخری معروف به الکرخی است که در سال‌های ۳۲۱-۳۱۸ هجری تألیف شده است. اصطخری از جغرافیدانان و نقشه‌کشان برجسته ایرانی در سده چهارم هجری قمری است. او می‌نویسد: گرمسیر کرمان بیش از سردسیر باشد که گرمسیر آن از حد هرمز بود تا مکران و تا حد پارس و حد سیرگان [سیرجان]؛ و در این میان هرمز و منوگان [منوجان] و جبرفت و کوه‌های کوچ [قفص] در گرمسیرات قرار دارند. اصطخری وقتی از شهرهای معروف نام می‌برد، منوجان را در شمار شهرهای مشهور نواحی بین هرمز و جبرفت ذکر می‌کند.

محمد بن علی بن حوقل معروف به ابن حوقل، از جغرافی‌دانان قرن چهارم هجری قمری است که در کتاب خود به نام صورة الارض (المسالک و الممالک) به تشریح موقعیت جغرافیایی و اقلیمی هر یک از کشورها و شهرهای مهم عصر خود پرداخته است. وی هنگامی که شهرها و بندر ساحلی را برمی‌شمارد، پس از ذکر سیراف، «سواحل هرمز» تا «پشت کرمان» را شرح می‌دهد. همچنین یادآور می‌شود که در منتهای خلیج فارس، هرمز قرار دارد. علاوه بر آن توضیح می‌دهد که منوجان در جنوب جبرفت واقع شده است (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۷۸-۷۶). ابن حوقل سرزمین کرمان را از نظر آب‌وهوایی به دو منطقه تقسیم می‌کند؛ قسمت‌های جنوبی دارای آب‌وهوای گرمسیر که در مقایسه با نواحی سردسیر شمالی، وسعت بیشتری دارد و شهرهایی چون هرمز، منوجان، جبرفت، جبال قفص، ده بارست و... را شامل می‌شود (همان: ۷۶).

کتاب حدودالعالم من المشرق الی المغرب از مؤلفی ناشناس در سده‌ی چهارم هجری (۳۷۳ ق) تألیف شده و از نخستین کتاب‌های جغرافیا به زبان فارسی محسوب می‌شود. موضوع حدودالعالم در رابطه با شکل و موقعیت کره‌ی زمین، جغرافیای عمومی، به‌ویژه جغرافیای سرزمین‌های اسلامی است. بخشی از این کتاب به شهرهای ناحیه‌ی کرمان اختصاص یافته که در آن از شهرهای جنوبی کرمان همانند ولاشگرد، کومین، بهروکان و منوجان نام می‌برد و آن‌ها را به‌صورت شهرک‌های خرد و بزرگ و جای بازرگانی معرفی می‌کند: «از این شهرها نیل و زیره و نیشکر خیزد و اینجا پانیز کنند و طعامشان گاورس (ارزن) است. ایشان را خرما بسیار است و رسم ایشان چنان است که هر خرمایی از درخت بیفتد، خداوندان درخت بردارند و از آن درویشان است» (حدودالعالم، ۱۳۷۲: ۳۶۷).

مقدسی در کتاب احسن‌التقاسیم فی معرفه الاقالیم که از آثار ارزشمند وی در قرن چهارم هجری است، از موقعیت منوجان

«منوقان: بصره‌ی کرمان است، آذوقه‌ی خراسان از خرما‌ی خوب و ارزان آنجا است». این جمله بیانگر اهمیت منوجان به لحاظ محصولات صنعتی و کشاورزی بوده است که آن را در ردیف بصره آن روز و انبار غله خراسان قرار داده است.

کاوش‌های باستان‌شناسی صورت گرفته در قلعه منوجان، اسناد و مدارک قابل توجهی از سده‌های سوم و چهارم هجری را آشکار ساخته است که مَهر تأییدی است بر گفته‌های مورخین و جغرافی نویسان. از این آثار می‌توان به آثار معماری و یافته‌های منقول باستان‌شناسی اشاره کرد. یافته‌های باستان‌شناسی گواه و اسناد متقن و محکمی از منوجان کهن به شمار می‌رود که شواهدی از کارگاه‌های صنعتی چون سفالگری، فلزکاری و شیشه‌گری را آشکار ساخته است. نشانه‌های کافی و محکمی از وجود کوره‌های سفالگری به دست آمده است که منوجان در صنعت سفالگری بی‌نیاز از پیرامون بوده است، اما همین شواهد دلالت بر ارتباط فرهنگی تجاری با مناطق دور و نزدیک دارد. طرح، نقش و فرم سفال‌های به دست آمده در قلعه منوجان، از شباهت کامل و ارتباط فرهنگی با مناطق دوردستی چون گرگان، نیشابور در خراسان بزرگ و شهرهای آن روز سیرجان، جیرفت و نماشیر در نواحی پیرامون دارد. افزون بر سفالگری، شواهد فراوانی از هنر شیشه‌گری و برپایی کارگاه‌های شیشه‌گری در دست است. وجود ظروف شیشه‌ای دفرمه از تولید محلی آن حکایت دارد.

چنان‌که اشاره شد اسناد و مدارک چشمگیری در دست است که نشان از منوجان به عنوان یک شهر صنعتی دارد که همپای کشاورزی - که منابع تاریخی به آن اشاره کرده‌اند - به رشد و شکوفایی رسیده بود. دوره سلجوقی از دیگر ادوار پرفرازونشیب در تاریخ کرمان به شمار می‌رود و چنان‌که می‌دانیم حکام سلجوقی کرمان، جیرفت را مرکز زمستانی فرمانروایی خود قرار داده بودند و نواحی جنوبی کرمان آن روز مورد توجه بیشتری قرار داشت. «در سال ۴۴۳ ه.ق ملک‌قاورد سلجوقی به جیرفت حمله کرد و مقاومت قوم کوفج را درهم شکست (افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۵۶: ۱۲۳). وی پس از شکست این طوایف و تسلط بر عمان و سواحل خلیج فارس، امنیت را در جیرفت حاکم کرد و این شهر را به عنوان پایتخت زمستانی خود برگزید؛ همچنین مسیر تجاری هرمز - جیرفت را بازسازی کرد و تسهیلاتی را برای کاروانیان و نظارت بر این مسیر ایجاد کرد که شامل ساخت کاروان‌سراها، رباط‌ها، کاریزها و چاه‌ها بود» (بارتولد، ۱۳۵۸: ۱۶۲). منوجان نیز بر پایه‌ی کاوش‌های باستان‌شناسی در این دوره به حیات خویش ادامه داده و همواره مورد توجه بوده است.

در سال ۵۷۵ هجری قمری، غزها این منطقه را ویران کردند (محمد بن ابراهیم، ۱۳۴۳: ۱۳۷). با حمله‌ی اقوام موسوم به غَز و فروپاشی سلسله‌ی سلجوقیان کرمان در اواخر سده‌ی ششم هجری و همچنین تغییر راه تجاری بندر هرمز - جیرفت،



Q.MNJ-Q16-1397



Q.MNJ-J14-1397-90



Q.MNJ-Q16-1396-58

تصویر شماره ۳-
اشیا سفالین
به دست آمده
از کاوش‌های
باستان‌شناختی قلعه
منوجان (سده چهارم
هجری قمری)

کاوش‌های
باستان‌شناسی
صورت گرفته در
قلعه منوجان،
اسناد و مدارک
قابل توجهی از
سده‌های سوم
و چهارم هجری
را آشکار ساخته
است که مَهر
تأییدی است بر
گفته‌های مورخین
و جغرافی نویسان.
از این آثار می‌توان
به آثار معماری و
یافته‌های منقول
باستان‌شناسی
اشاره کرد.
یافته‌های
باستان‌شناسی
گواه و اسناد
متقن و محکمی
از منوجان کهن
به شمار می‌رود
که شواهدی از
کارگاه‌های صنعتی
چون سفالگری،
فلزکاری و
شیشه‌گری را آشکار
ساخته است.

جنوب به جیرفت، کرمان و خراسان بزرگ و نزدیکی به دریا اشاره کرده‌اند؛ از همان سده‌های نخست اسلامی منابع معتبر تاریخی و جغرافیایی به منوجان اشاره کرده‌اند. در برخی منابع اشاره شده بود که منوجان شهری بین‌راهی به شمار می‌رفته است، اما اغلب مورخین و جغرافی نویسان چون: یعقوبی، ابن حوقل، اصطخری و کتاب ارزنده حدود العالم از منوجان به عنوان یکی از شهرهای مهم این ناحیه یاد کرده‌اند. همان طور که اشاره شد، مقدسی از موقعیت منوجان اطلاعات مفیدی ارائه می‌دهد:



تصویر شماره ۴-
فضاهای معماری
به دست آمده
حاصل از کاوش‌های
باستان‌شناختی-
قلعه منوجان

ما نیز در کاوش‌های باستان‌شناسی خود به گفته‌های وزیری دست یافتیم. «قلعه‌ی منوجان از قلاع محکم و قدیمه است که در زمان ساسانیان ساخته شده و در بعضی از تواریخ نام این قلعه را دیده‌ام که سلاطین بعضی از مقصرین را به این قلعه می‌فرستادند. در سنه‌ی ۱۳۳۰ هجری [۱۸۱۵ م] به حکم مرحوم ابراهیم‌خان ظهیرالدوله، حکمران کرمان تویی از آن قلعه به گواشیر آوردند به قدر توپ‌های ۲۴ پوند، رنگ آن سیاه، در میدان توپخانه بر روی خاک انداخته بودند. در سنه‌ی ۱۲۵۷ که حبیب‌الله‌خان امیر توپخانه از دارالخلافه به جهت دفع فتنه‌ی آقاخان محلاتی به کرمان آمد، آنجا بود. بعد گفتند به حکم امیر درشکسته که ذوب نمایند و اگر بشود توپ دیگر بریزند» (وزیری، ۱۳۷۶: ۲۱۹). گفتنی است در کاوش‌های باستان‌شناسی درون حصار قلعه شمار قابل‌توجهی از گلوله‌های فلزی و سنگی توپ درون یک فضای معماری به دست آمد که با توجه به شواهد موجود چنین استنباط می‌شود که برای دفاع در مقابل متجاوزین و مهاجمان به کار می‌رفته است.

کاوش‌های باستان‌شناسی در لایه‌های فوقانی منجر به به دست آمدن شواهد فراوان معماری و مواد فرهنگی از آخرین دوره‌های استقرار در قلعه منوجان دارد که بر پایه‌ی نقش و فرم سفال‌های موجود این دوره رونق چشمگیر، به دوره صفویه نسبت داده می‌شود. شمار فراوانی از سفال‌های مشهور به سفال آبی سفید صفوی به دست آمده است که بر پایه‌ی شواهد موجود، به نظر می‌رسد در مراکز چون منوجان، کرمان و مشهد تولید می‌شده است (تصویر شماره ۵) افزون بر این، شواهد محکمی از وجود ظروف ساخت چین معروف به ظروف سلاکن (تصویر شماره ۶) در قلعه منوجان به دست آمده است که بر رونق تجارت و بازرگانی ایران و چین در دوره صفویه تأکید می‌کند و نکته در خور

رفته‌رفته منوجان نیز جایگاه و موقعیت خود به عنوان یک شهر مهم ارتباطی را از دست داده، اما این شهر هیچ‌گاه متروک و خالی از سکنه نشده است. از آنجا که منوجان از قابلیت‌های فراوانی به لحاظ موقعیت استراتژیکی خود و به‌ویژه کشاورزی - که از آن به عنوان انبار غله خراسان یاد می‌شد- برخوردار بود مجدداً به احیا و باز زنده سازی خود پرداخته است. با حمله ترکمانان غز در سده ششم هجری همسایه شمالی منوجان یعنی جیرفت به ویرانه‌ای تبدیل شد و دیگر هیچ‌گاه قد علم نکرد، اما جور و ستم حاکمان زمانه و حمله اقوام و قبایل بیگانه نتوانست منوجان را مدفون سازد. مارکوپولو، جهانگرد معروف ونیزی، در اواسط سده‌ی هفتم هجری از این منطقه عبور کرده است. می‌نویسد «در آن سوی «کامدی»، منوجان ظاهر می‌شود که در دوران قرون وسطی «منوقان» خوانده شد و شهری بود مهم در پناه قلعه‌ای، به آن «بصره‌ی کرمان» می‌گفتند. ظاهراً خراسان نیاز خود را به خرما از آنجا تأمین می‌کرد؛ شواهد به دست آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی صورت گرفته در قلعه منوجان داده‌های ارزشمندی را پیش روی ما قرار می‌دهد که حاکی از حیات بی‌وقفه این شهر در سده‌های هشتم و نهم هجری قمری (همزمان با دوره مغول و تیموری) است. مواد فرهنگی که اغلب در قالب ظروف و اشیاء سفالین به دست آمده است از رونق و شکوفایی شهر حکایت دارد که مرکز تولید کالاهای صنعتی چون سفالگری و فلزکاری بوده است.

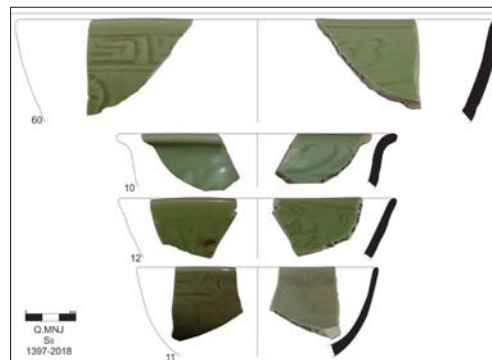
نتایج چشمگیری از معماری این دوره به دست آمده است که به نظر می‌رسد به مرمت، احیا و باز زنده سازی برج و باروهای آسیب‌دیده پرداخته و با اضافه نمودن فضاهای معماری به حیات خود و رونق اقتصاد کشاورزی، صنعتی و در نهایت بازرگانی پرداخته‌اند؛ چرا که مواد فرهنگی بی‌شماری از مشابهت طرح‌ها، نقش‌ها و فرم‌ها در تزیین آرایه‌های سفالی حکایت دارد که در گستره وسیعی از ایران آن روز رواج داشته است و بدین ترتیب منوجان هر چند ممکن است به حیات پرفروغ خود در سده‌های سوم و چهارم هجری قمری برنگشته اما به عنوان یکی از شهرهای سده‌های هشتم و نهم هجری همواره مطرح است.

پایان دوره تیموری و آغاز دوره صفویه دوره بازگشت دوباره عمران، آبادی، امنیت راه‌ها و رونق تجارت و بازرگانی است و کرمان و مناطق جنوبی کشور و به‌ویژه سواحل دریای جنوب و خلیج فارس از اهمیت چشمگیری در رونق تجارت و بازرگانی برخوردار می‌گردد. طبیعی است که منوجان نیز در این عصر موردتوجه بوده و مجدداً برج و باروی حصار مرمت و بازسازی می‌گردد. وزیری در جغرافیای خود به برپایی و رونق قلعه منوجان در دوره صفویه اشاره نموده است که بر حسب اتفاق

تصویر شماره ۵-
طرف چینی به دست
آمده از کاوش‌های
باستان‌شناختی
قلعه منوجان - دوره
صفویه



تصویر شماره ۶-
قطعات به دست
آمده از ظروف
معروف به سلاذن
که ابتدا در چین
تولید و سپس در
نتیجه تجارت با ایران
رونق یافته‌اند (دوره
صفویه)



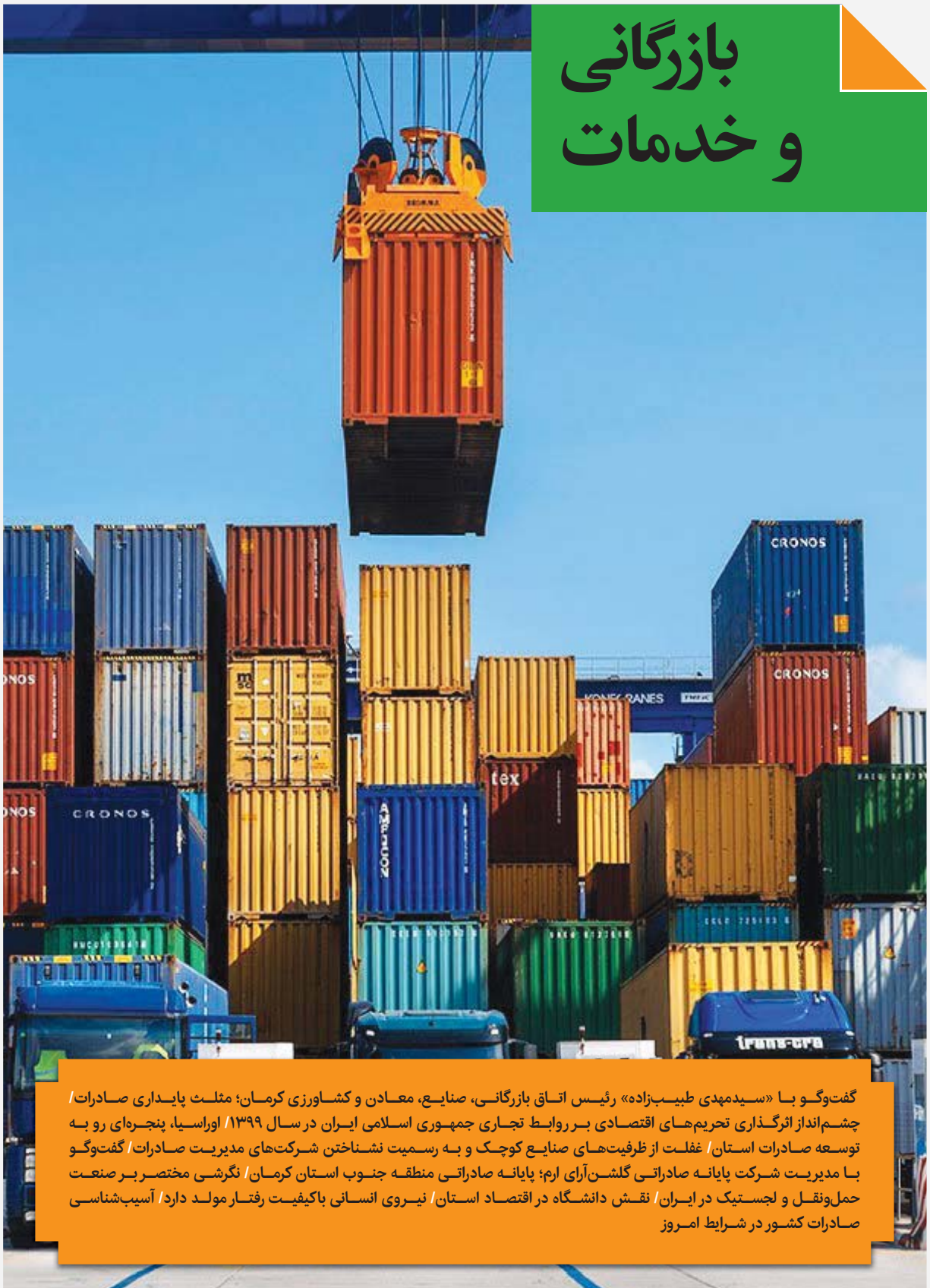
تأمل این‌که به نظر می‌رسد منوجان در این دوره تا حدودی به جایگاه و نقش خود در سده‌های سوم و چهارم هجری قمری رسیده است. شهری که بر سر راه‌های بزرگ کاروان رو تجارت و بازرگانی واقع شده بود و کالاها و اجناس از بنادر جنوب به مرکز ایران و ماوراءالنهر منتقل و در عوض کالاهای دیگری از همین راه برای صدور به بنادر می‌رسید.

سرپرسی سایکس، ژنرال و سیاح انگلیسی که در دهه‌ی اول قرن بیستم از قلعه منوجان دیدن کرده، در سفرنامه‌اش چنین می‌نویسد: «قلعه‌ی منوجان با وجود آن‌که در این ایام رو به خرابی نهاده باز از قلاع مستحکم به شمار می‌رود؛ چون این قلعه در سرحد بشاگرد واقع گردیده بود، بلاشبهه خرابه‌های آن شاهد واقعیات متعدد و مهمی بوده است» (سایکس، ۱۳۳۶: ۳۲۴). بی‌شک پس از دوره صفویه قلعه منوجان شکوه و جلال گذشته خویش را نداشته است هر چند وجود سفال‌های پس از صفویه در کاوش‌های باستان‌شناختی قلعه منوجان گویای آن است که قلعه منوجان احتمالاً در ادوار افشاریه، زندیه و قاجاریه نیز حیات داشته است و به مرور رونق، شکوه و آبادانی گذشته خویش را از دست داده است. امروزه قلعه منوجان به عنوان ارزشمندترین مجموعه تاریخی جنوب استان کرمان شمرده می‌شود که در محور جیرفت بندرعباس قرار دارد و در صورت پژوهش، مرمت و احیا می‌تواند سهم در خور توجهی در احیا و رونق اقتصاد گردشگری منطقه ایفا کند. ♦♦

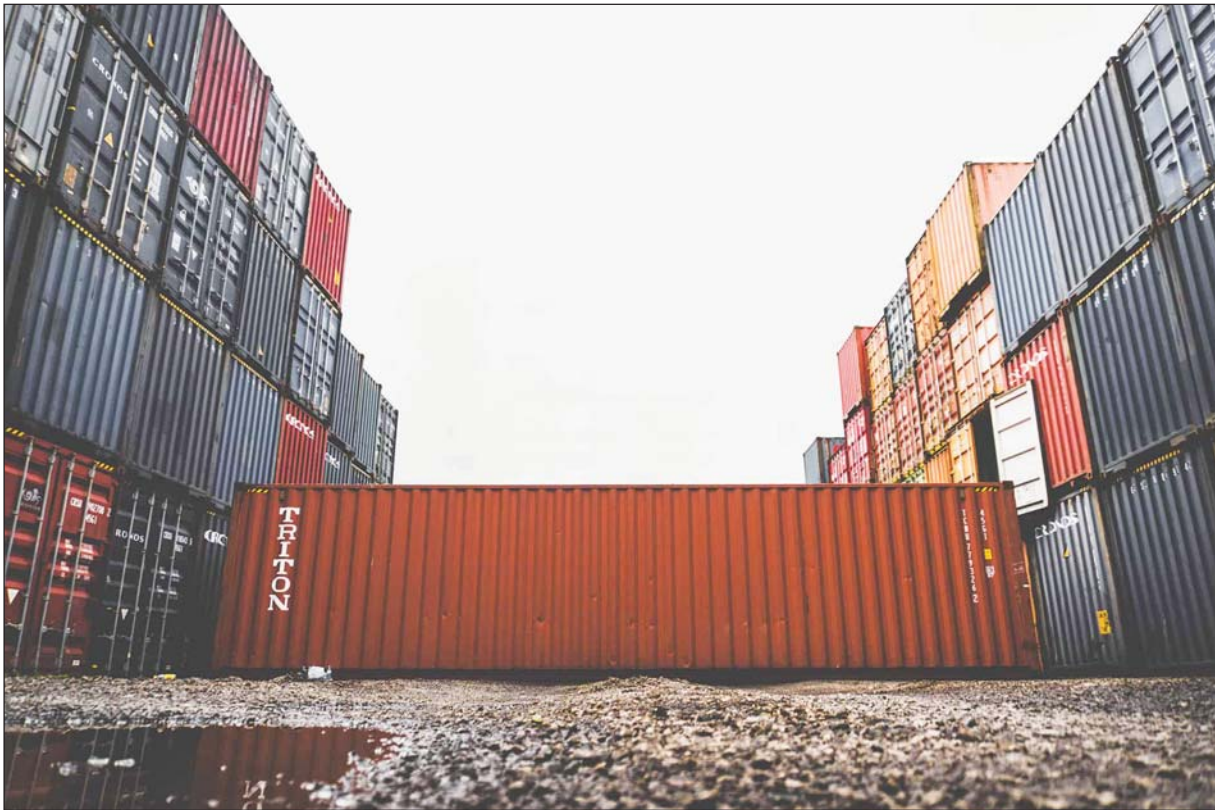
منابع

- ابراهیم، محمدین ابراهیم، ۱۳۴۳، سلجوقیان و غز در کرمان، تألیف سده یازدهم هجری به کوشش باستانی پاریزی، انتشارات طهوری، تهران.
- ابن حوقل، ۱۳۴۵، «صورة الارض» ترجمه: جعفر شعار. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن خرداد به ۱۳۷۱، مسالک و الممالک (سده سوم هجری)، ترجمه سعید خاکوند، موسسه مطالعات و انتشارات تاریخی میراث ملل، تهران.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم، ۱۳۶۸، مسالک الممالک. به اهتمام ایرج افشار سیستانی، انتشارات علمی فرهنگی، تهران.
- افضل‌الدین کرمانی، ابوحامد احمد بن حامد، ۱۳۵۶، «عقد العلی للموقف الاعلی»، تصحیح: علیمحمد عابری نایینی، انتشارات روزبهان، تهران.
- افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۷۳، «سلجوقیان و غز در کرمان»، تحریر محمدابراهیم خبیصی، تصحیح محمدابراهیم باستانی پاریزی، انتشارات کوروش، تهران.
- بارتولد، ویلادیمیر، ۱۳۵۸، «تذکره جغرافیای تاریخی ایران»، ترجمه: حمزه سردادور، انتشارات توس، چاپ دوم، تهران.
- پاتینجر (پاتینگر)، ستوران هنری، ۱۹۱۰، سفرنامه مسافرت سند و بلوچستان، لندن ۱۸۱۶، ترجمه شاهپور گودزی، کتابفروشی دهخدا، ۱۳۴۸، تهران.
- چویک، حمیده، ۱۳۸۳، «تسلسل فرهنگی جازموریان - شهر قدیم جیرفت در دوره اسلامی»، رساله دکتری باستان‌شناسی، به راهنمایی دکتر محمدیوسف کیانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- حدود العالم من المغرب الی المشرق، ۱۳۷۲، به کوشش منوچهر ستوده، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷، «لغت‌نامه دهخدا»، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم، تهران.
- سایکس، سرپرسی، ۱۳۳۶، دوهزار میل در ایران، سفرنامه ژنرال سرپرسی سایکس، ترجمه حسین سعادت، چاپ دوم، انتشارات کتابخانه این سینا، تهران.
- علی‌دای سلیمانی، نادر و دیگران، ۱۳۹۱، «گزارش مرمت قلعه منوجان»، پایگاه میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری جیرفت. منتشرنشده.
- گنجی، محمدحسن و وثوقی، محمدباقر و دیگران، ۱۳۸۶، «وصف خلیج‌فارس در نقشه‌های تاریخی»، بنیاد ایران‌شناسی، چاپ اول، تهران.
- لسترینج، گای، ۱۳۹۰، «جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی»، ترجمه محمد عرفان، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هشتم، تهران.
- مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد، ۱۳۶۱، «احسن التقاسیم فی المعرفة الاقالیم»، ترجمه علی نقی منزوی، شرکت مؤلفان و مترجمان، جلد دوم، چاپ اول؛ چاپ دوم، ۱۳۸۵، انتشارات کوشش، تهران.
- ناصری طهرانی، محبوبه، «بررسی باستان‌شناسی شهرستان منوجان»، گزارش منتشرنشده، اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان کرمان، ۱۳۸۸.
- وزیر کرمانی، احمدعلی خان، ۱۳۸۵، تاریخ کرمان، به تصحیح و تحشیه باستانی پاریزی، تهران، نشر علم.

بازرگانی و خدمات



گفت‌وگو با «سیدمهدی طیب‌زاده» رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان؛ مثلث پایداری صادرات / چشم‌انداز اثرگذاری تحریم‌های اقتصادی بر روابط تجاری جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۹ / اوراسیا، پنجره‌ای رو به توسعه صادرات استان / غفلت از ظرفیت‌های صنایع کوچک و به رسمیت نشناختن شرکت‌های مدیریت صادرات / گفت‌وگو با مدیریت شرکت پایانه صادراتی گلشن‌آرای ارم؛ پایانه صادراتی منطقه جنوب استان کرمان / نگرشی مختصر بر صنعت حمل‌ونقل و لجستیک در ایران / نقش دانشگاه در اقتصاد استان / نیروی انسانی باکیفیت رفتار مولد دارد / آسیب‌شناسی صادرات کشور در شرایط امروز



گفت‌وگو با «سیدمهدی طبیب‌زاده» رئیس اتاق کرمان

مثلث پایداری صادرات

سیدمهدی طبیب‌زاده، رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان در گفت‌وگو با ما از شرایط تعهدات ارزی حاصل از صادرات، نبود متولی واحد، ضعف دیپلماسی اقتصادی، عدم تنوع کالاهای صادراتی و بازار محور نبودن آن‌ها و مشکلات تأمین مالی صادراتی به‌عنوان مهم‌ترین موانع صادرات کشور یاد می‌کند. او می‌گوید که در سال جاری، ۲۰ کشور به‌عنوان بازار هدف صادراتی تعیین شده‌اند که تمرکز استان بر صادرات کالاهای غیرنفتی به این بازارهاست. همچنین یادآوری می‌کند که استان کرمان ظرفیت‌های تجاری بالایی دارد که بایستی به سمت صادرات محصولات فرآوری شده و دانش‌بنیان برای برخورداری از مزایای صادرات کالاهای با ارزش‌افزوده بیشتر گام بردارد. وی برای تحقق امر پایداری صادرات به ضرورت هماهنگی و هم‌افزایی دولت، اتاق بازرگانی و فعالان اقتصادی به‌عنوان مثلث پایداری صادرات تأکید می‌کند و با برشمردن الزامات توانمندسازی تجاری، برنامه‌ریزی ویژه برای دسترسی به آن‌ها را ضروری می‌داند. به مطالعه این گفت‌وگو دعوت می‌شوید.

برای جذب مداوم مشتری خارجی و یا پایداری صادرات است. در تحقق این مهم، خود فعال اقتصادی، همچنین سازمان‌های متولی ملی و استانی صادرات (دولت) و نیز اتاق بازرگانی به‌عنوان مدافع بازرگانان نقش مهمی در این مسیر دارند. هر کدام از این‌ها را می‌توان به‌عنوان

◆ **چگونگی امر صادرات یقیناً در گرو پیش‌نیازهای مربوطه است. ارزیابی شما از چگونگی تحقق پیش‌نیازهای صادرات کشور چیست؟**
صادرات به‌عنوان فعالیت اقتصادی تخصصی مستلزم پیش‌نیازهایی است که مهم‌ترین آن‌ها، ایجاد مسیر



است که بر اساس آن، ۲۰ کشور هدف انتخاب شده‌اند که تمرکز عمده بر کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا و افغانستان، اندونزی، عراق، عمان و چین می‌باشد.

♦ **توانایی بازاریابی و دانش حضور در بازارهای خارجی** امر بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای است، به نظر شما شرکت‌های استان کرمان در این زمینه در چه شرایطی هستند؟

از جمله عوامل بسیار مؤثر در توسعه صادرات غیرنفتی، تبلیغات و بازاریابی است. بازاریابی طیف وسیعی از فعالیت‌های مختلف اعم از: مطالعه، تحقیق، گردآوری اطلاعات در خصوص بازارهای هدف، قوانین و مقررات تجاری تا جلب مشتری و عقد قرارداد را در بر می‌گیرد، اما این امر باوجود کیفیت مطلوب برخی از محصولات صادراتی استان و ضعف در بازاریابی، موجب شده است نتوانیم سهم قابل‌توجهی از بازارهای جهان را کسب نماییم. البته قابل ذکر است که ضعف در بازاریابی به دلایل مختلف از جمله کمبود و عدم تمرکز اطلاعات موردنیاز، کمبود کارشناسان ماهر و متخصص در امر بازاریابی صادراتی، توجه کم به انعقاد قراردادهای کاهش متقابل تعرفه و... می‌باشد.

♦ **شما چشم‌انداز تجارت با اوراسیا را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ به نظر شما در شرایط ورود به مرحله تجارت آزاد با این منطقه، استان کرمان این ظرفیت تجاری را می‌تواند عملیاتی کند؟ در این مرحله استان چه برنامه‌ای را برای حضور جدی در عرصه تجارت با اوراسیا تدارک دیده است؟**

توافقنامه ایران با اتحادیه اوراسیا از آبان ماه سال گذشته عملیاتی شده است. اتاق کرمان برای استفاده

یک رأس مثلث پایداری صادرات دانست که در صورت عدم هماهنگی، ناکارآمدی و اختلال در کارکرد رئیس مذکور، این مثلث پایداری شکل نخواهد گرفت.

♦ **قطعاً یکی از مهم‌ترین عوامل عقب‌ماندگی اقتصاد کشورمان عدم صادرات کالاهاست ما که تا ۸۰ میلیارد دلار واردات از کشورهای جهان داریم، چرا نمی‌توانیم سهم خود را از صادرات جهان بگیریم؟**

صادرات محور اصلی توسعه در هر کشوری است. متأسفانه عدم وجود نگاه استراتژیک و بلندمدت در سیاست‌گذاری تجاری و نبود برنامه مدون و دقیق برای سیاست‌های تجاری کشور، باعث شده است که در تولید بسیاری از محصولات و خدمات، دید صادراتی لحاظ نگردد. از دیگر موانع عمده در مسیر صادرات باید از شرایط تعهدات ارزی حاصل از صادرات، نبود متولی واحد برای سیاست‌گذاری در بخش صادرات کشور، ضعف در دیپلماسی اقتصادی، بازار محور نبودن کالاهای صادراتی، عدم تنوع کالاهای صادراتی و مشکلات تأمین مالی صادراتی را نام برد. این‌ها همه موانعی هستند که متأسفانه باوجود آن‌ها نتوانسته‌ایم سهم خود را از صادرات جهان بگیریم.

♦ **ارزیابی شما از چگونگی توانمندسازی تجاری کشورمان چیست؟**

توانمندسازی تجاری به معنای واقعی، مستلزم حرکت در یک چارچوب مشخص است و در این چارچوب دسترسی به بازارهای خارجی و داخلی، کارایی و شفافیت مدیریت مرزی، قابلیت دسترسی و کیفیت زیرساخت‌های حمل‌ونقل، قابلیت دسترسی و کیفیت خدمات حمل‌ونقل، قابلیت دسترسی و استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات از الزامات انکارناپذیر است، اما نظر به این‌که صادرات در کشور همواره جزء اولویت‌های اول نبوده است، وصول به این الزامات میسر نگردیده و در این زمینه نیازمند برنامه‌ریزی ویژه هستیم.

♦ **اهداف صادراتی سال ۹۹ استان کرمان چه هستند؟ در شرایط موجود چه اقداماتی می‌تواند راهگشای صادرات باشد و آن را به منطق اقتصادی نزدیک‌تر و برای صادرکنندگان جذاب‌تر نماید؟**

شاخص‌هایی که ما در انتخاب بازارهای هدف صادراتی برای سال ۱۳۹۹ در شرایط موجود در نظر گرفته‌ایم، عمدتاً با توجه به پتانسیل‌های تجاری کشورهای همسایه، روابط سیاسی و اقتصادی، توافقنامه‌های امضا شده و ...

▼
صادرات محور اصلی توسعه در هر کشوری است. متأسفانه عدم وجود نگاه استراتژیک و بلندمدت در سیاست‌گذاری تجاری و نبود برنامه مدون و دقیق برای سیاست‌های تجاری کشور، باعث شده است که در تولید بسیاری از محصولات و خدمات، دید صادراتی لحاظ نگردد.

مسئله در موازنه صادرات و واردات نقش بسیار بسزایی دارد؛ به‌عنوان مثال در سال ۱۳۹۷ افت صادرات پسته باعث کاهش قابل توجهی در میزان کل صادرات استان شده است و همین عامل باعث شد تراز تجاری استان به‌شدت تحت تأثیر این موضوع قرار گیرد. در سال ۱۳۹۸ به دلیل افزایش بیش از صددرصدی صادرات پسته و همچنین کاهش حدود ۵۰ درصدی واردات استان، باعث بهبود در تراز تجاری استان شده است. صرف مثبت بودن تراز تجاری سال ۱۳۹۸ استان کرمان نمی‌توان نتیجه گرفت که از لحاظ موازنه صادرات و واردات در وضعیت بهتری نسبت به سال ۱۳۹۷ که تراز تجاری منفی را تجربه کردیم، قرار داشته‌ایم؛ بنابراین بهبود وضعیت تراز تجاری استان مستلزم بهبود در تنوع سبد صادراتی استان و همچنین برنامه‌ریزی برای واردات کالاها و محصولات که در آن‌ها مزیت صادراتی نداریم و عمدتاً کالاهای واسطه‌ای می‌باشند، خواهد بود.

◆ با فرض این‌که تحریم‌ها برداشته‌شده است و با دنیا در شرایط عادی هستیم، چه کالاهایی می‌توانیم از استان کرمان به کشورهای پیشرفته به‌عنوان مثال، اتحادیه اروپا صادر کنیم؟

استان کرمان ظرفیت‌های تجاری بالایی دارد و بایستی به سمت صادرات محصولات فرآوری شده و دانش‌بنیان گام برداریم تا بتوانیم از مزایای صادرات با ارزش‌افزوده بالاتر استفاده کنیم. ضمناً، اگرچه تحریم‌های ظالمانه تأثیرات منفی در تجارت دارند، اما همان‌گونه که قبلاً مطرح گردید موانع تعرفه‌ای، عدم ثبات قوانین و مقررات تجاری کشور و در مجموع عدم وجود عزم صادراتی، عمده موانع صادراتی هستند که بایستی مرتفع گردند تا در شرایط عادی بتوانیم به نحوی اثربخشی تجارت استان را توسعه دهیم. ◆◆

از این ظرفیت، در مرحله اول اطلاع‌رسانی گسترده را از طرق مختلف از جمله برگزاری همایش، سمینار و جلسات با سفارتخانه‌های کشورهای عضو اتحادیه جهت استفاده از ظرفیت آن‌ها و ... انجام داده است، گزارش کاربردی فضای کسب‌وکار و تجارت این کشورها که از منابع معتبر تهیه شده است را به فعالان اقتصادی اطلاع‌رسانی کرده است، برنامه‌ریزی برای اعزام و پذیرش هیئت تجاری با کشورهای عضو اتحادیه با هماهنگی سفارتخانه‌ها انجام داده است که متأسفانه اجرای آن به دلیل شیوع ویروس کرونا به تعویق افتاده است، اما دست از کار نکشیدیم و با هماهنگی اتاق ایران و نمایندگی وزارت امور خارجه در کرمان و درصدد برگزاری جلسات به‌صورت مجازی با بازرگانان این کشورها هستیم.

◆ واردات کشورهای همسایه و منطقه از استان کرمان چه میزان بوده و این مقدار چه درصدی از کل صادرات کشورمان به این کشورها را تشکیل می‌دهد؟

بررسی آمار صادرات استان کرمان به کشورهای هدف نشان می‌دهد حدود ۴۰ درصد از کل صادرات استان به کشورهای همسایه صورت پذیرفته است و ۶۰ درصد مابقی به کشورهایی همچون هند، چین و ... صادره گردیده است. همان‌طور که قبلاً ذکر شد در سال ۱۳۹۹، ۲۰ کشور به‌عنوان بازارهای هدف صادراتی استان در نظر گرفته شده‌اند که بیشتر از نیمی از آن‌ها، کشورهای همسایه می‌باشند. وضعیت صادرات استان کرمان به کشورهای همسایه بر اساس جدول زیر می‌باشد.

◆ با نگاه آسیب‌شناسی، چه تحلیلی از موازنه صادرات و واردات استان ارائه می‌نمایید؟

مسئله بسیار مهمی که در رابطه با صادرات استان مطرح است، عدم تنوع سبد صادراتی است که همین

تراز تجاری استان کرمان طی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۹۸ (ارزش دلاری)

سال	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸
صادرات	۱,۱۷۴,۵۵۲,۹۶۸	۱,۰۱۶,۲۸۱,۵۹۳	۴۷۸,۹۲۲,۱۸۳	۸۸۸,۱۴۴,۰۷۶
واردات	۷۵۱,۳۸۵,۴۱۹	۱,۴۲۴,۷۰۲,۱۰۹	۱,۴۳۷,۰۰۹,۸۳۲	۷۲۸,۲۴۲,۷۹۱
تراز تجاری	۴۲۳,۱۶۷,۵۴۹	-۴۰۸,۴۲۰,۵۱۶	-۹۵۸,۰۸۷,۶۴۹	۱۵۹,۹۰۱,۲۸۵

چشم انداز اثرگذاری تحریم‌های اقتصادی

بر روابط تجاری جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۹

سعيد ايرانمنش

دانشجوی دکتری اقتصاد بین الملل دانشگاه شهید
باهنر کرمان



همواره در بین کارشناسان اقتصادی، صحبت‌های متفاوتی در خصوص اثرگذاری تحریم‌های اقتصادی بر روابط تجاری ایران، مطرح شده است؛ برخی معتقدند که تحریم‌های اقتصادی یک فرصت برای اقتصاد کشور محسوب می‌شود و تصویب یا عدم تصویب معاهده‌نامه بین‌المللی برجام و سایر اقدامات که برطرف‌کننده تحریم‌های اقتصادی می‌باشند، اثری در شرایط اقتصادی کشور نداشته است. از سوی دیگر، برخی بر این نکته تأکید می‌کنند که تحریم‌های اقتصادی بر تجارت و اقتصاد کشور اثر منفی می‌گذارد و تداوم این موضوع می‌تواند جریان اقتصادی کشور را با اختلال روبه‌رو کند [۱].

بعد از روی کار آمدن دولت دونالد ترامپ در آمریکا و خروج آمریکا از برجام، شاهد بازگشت تحریم‌های ایالات متحده بودیم که عمده این تحریم‌ها هدف قرار دادن بخش‌های حیاتی اقتصادی ایران می‌باشد. به‌طور کلی تحریم‌های اعمال شده ایالات متحده آمریکا که به بهانه برنامه صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای و به‌خصوص از اوایل دهه ۹۰ خورشیدی اعمال گردید، تحریم‌هایی هوشمندانه و آگاهانه بودند که به‌طور کلی اقتصاد ایران را از کانال وارد آوردن تکانه منفی به صادرات نفتی و تحت تأثیر قرار دادن بودجه دولت و سپس سرایت آن به بازار ارز آسیب‌پذیر کنند؛ و آنچه اکنون کشور با آن مواجه است، لازم‌الاجرا بودن تحریم‌های اعمال شده علیه ایران برای کلیه کشورهای جهان است که این امر گستره فعالیت‌های بین‌المللی ایران را تا حد زیادی محدود می‌کند [۱، ۲].

در این گفتار به دنبال این هستیم که چشم‌انداز تحریم‌های اقتصادی بر روابط تجاری جمهوری اسلامی ایران در سال پیش رو به چه صورت می‌باشد و برای

روشن نمودن بیشتر این چشم‌انداز، لازم است نگاهی گذرا به پژوهش‌های صورت گرفته در مورد اثرگذاری تحریم‌های اقتصادی بر روابط تجاری جمهوری اسلامی انداخته شود تا بتوان چشم‌انداز واقع‌بینانه‌تری تبیین نمود.

نکته قابل‌توجه در این پژوهش‌ها آن است که تحریم‌های اقتصادی از جنبه‌های تجاری و مالی بیشترین اثرگذاری را دارند و در تحریم‌های تجاری، ممنوعیت‌ها و محدودیت‌هایی در زمینه صادرات و واردات اعمال می‌شود، اما در تحریم‌های مالی، تحریم‌کننده از انجام معاملات مالی، نقل و انتقالات پول و سرمایه‌گذاری خودداری می‌کند و با استفاده از نفوذ خود در موسسه‌های بین‌المللی از هرگونه همکاری فنی، سرمایه‌گذاری رسمی و انعقاد قراردادهای وام جلوگیری می‌کند [۲]. نکته قابل توجه دیگری که در این پژوهش‌ها به آن اشاره شده این است که اصولاً اثر تحریم‌های تجاری، بیشتر بر طبقه متوسط جامعه و اقشار کم‌درآمد تحمیل می‌شود، در حالی که هدف تحریم‌های مالی بیشتر دولت و مقامات است. دو مفهوم منزوی کردن اقتصادی و محاصره اقتصادی نیز با تحریم اقتصادی نزدیک هستند. منزوی کردن اقتصادی وسیع‌تر از تحریم است و با هدف منزوی کردن کامل به وسیله محدودیت بازرگانی کشور معین می‌شود، همچنین محاصره اقتصادی نیز هزینه‌های خود را از طریق اثرگذاری بر متغیرهای اقتصادی مختلف اعمال می‌کند که تحریم شدید محسوب می‌شود [۳].

در این پژوهش‌ها این متغیرها را در سه بخش معرفی کرده‌اند: نخست هزینه تحمیل شده به کشور هدف در قالب مقادیر کل یا درصدی از تولید ناخالص ملی سنجیده می‌شود. تحریم‌های اقتصادی برای تنبیه کشور هدف به سبب رفتارهای نامطلوبش نسبت به کشور تحریم‌کننده اعمال می‌شود و کشور هدف هزینه‌های تحمیل شده ناشی از تحریم را با منافع استمرار سیاست‌های خویش مقایسه می‌کند که اگر هزینه‌های خالص بیشتر باشد احتمال دارد کشور هدف، سیاست‌های خود را تغییر دهد.

تحریم‌های

اقتصادی از

جنبه‌های تجاری

ومالی بیشترین

اثرگذاری را دارند

و در تحریم‌های

تجاری،

ممنوعیت‌ها و

محدودیت‌هایی

در زمینه صادرات

و واردات اعمال

می‌شود، اما در

تحریم‌های مالی،

تحریم‌کننده از

انجام معاملات

مالی، نقل و

انتقالات پول و

سرمایه‌گذاری

خودداری می‌کند

و با استفاده از

نفوذ خود در

موسسه‌های

بین‌المللی از

هرگونه همکاری

فنی، سرمایه‌گذاری

رسمی و انعقاد

قراردادهای وام

جلوگیری می‌کند.

به‌صورت صعودی بوده، اما این روند بعد از سال ۱۳۹۰، با آغاز تحریم شدید، کاهش یافته است. می‌توان گفت با توجه به اینکه بخش عمده‌ای از حجم صادراتی ایران را فروش نفت و گاز تشکیل می‌دهد، همچنین نفت و گاز در برخی کشورهای شریک تجاری نظیر چین و هندوستان جزو منابع اولیه ضروری به‌شمار می‌آید و تشدید تحریم‌ها نتوانسته ارزش صادراتی ایران را با رکود مواجه کند. در بخش دیگری از این گزارش نیز تأکید شده که رشد ارزش سالانه صادرات و واردات ایران در سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰ همواره مثبت بوده و حاکی است که تحریم‌های ضعیف بر روند تجاری کشور در این دوره تأثیری نداشته است. بر اساس این شکل، بیشترین کاهش رشد صادرات پس از سال ۱۳۸۷، در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲، همراه با دوره وضع تحریم‌های قوی علیه ایران اتفاق افتاده و رشد صادرات ایران بعد از سال ۱۳۹۰، نسبت به سال‌های قبل از آن کاهش داشته است. رشد ارزش واردات نیز بعد از سال ۱۳۹۰ به‌جز سال ۱۳۹۳، همواره منفی بوده است که از نگاه این پژوهش تحریم‌های شدید علیه ایران در این دوره از علل مهم آن است [۵].

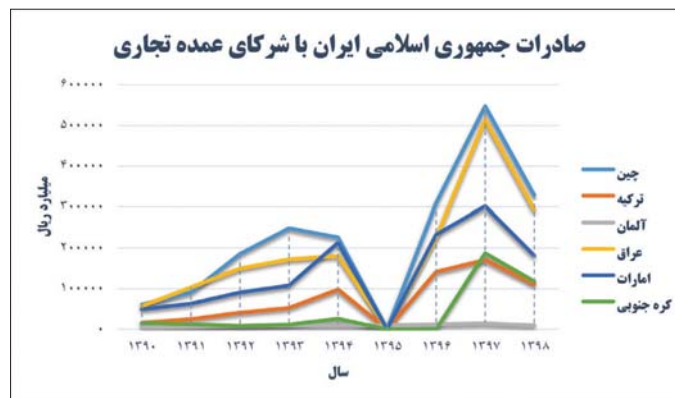
این پژوهش‌ها به‌طور کلی تأکید می‌کند که تحریم‌های ضعیف علیه ایران کارایی نداشته و تجارت متقابل ایران و شرکای عمده تجاری روند مثبتی را طی کرده است، اما پس از سال ۱۳۹۰ و تشدید تحریم‌های اقتصادی موجود، از ارزش تجارت متقابل ایران و شرکای عمده تجاری کاسته شده است.

نتایج مطالعات انجام‌شده در زمینه تحریم‌ها و آثار اقتصادی‌ای که به دنبال داشته‌اند نشان می‌دهد که تحریم‌های گسترده اقتصادی منجر به این شده است که ارزش صادرات جمهوری اسلامی ایران ۲۰/۹ درصد کاهش دلاری را تجربه کند. در این بین از محل افزایش نرخ ارز و گران شدن کالاهای وارداتی می‌توان گفت ارزش واردات در جمهوری اسلامی ایران کاهش ۸/۶ درصدی را تجربه کرده است. در نگاه خوش‌بینانه می‌توان این کاهش واردات را رونق‌بخش تولید در جامعه دانست و در برداشت بدبینانه می‌توان گفت که کاهش صادرات ایران باعث از دست دادن جایگاه ایران در بازارهای بین‌المللی است. بعلاوه مطالعاتی که بر روی حجم تجارت بین شرکای اصلی تجاری جمهوری اسلامی ایران انجام شده است نشان می‌دهد که کشورهای آلمان، کره جنوبی، چین، عراق، امارات متحده عربی و ترکیه که عمده‌ترین شرکای تجاری جمهوری اسلامی ایران هستند، کاهش ۴۴ درصدی در صادرات به این کشورها و کاهش ۲۷ درصدی در واردات از این کشورها

نکته دوم اینکه روابط تجاری و بازرگانی میان کشور هدف و کشور تحریم‌کننده در قالب جریان تجارت کالایی و خدماتی میان دو کشور به‌عنوان درصدی از کل تجارت کشور هدف سنجیده می‌شود. برای آنکه تحریم‌ها اثربخش باشد، باید کشور تحریم‌کننده روابط اقتصادی درخور توجهی با کشور هدف داشته باشد. نکته سوم اینکه نوع تحریم اقتصادی اعمال شده که ممکن است از یک یا چند نوع از این تحریم‌ها به‌طور همزمان استفاده شود. هدف تحریم‌های تجاری کاهش واردات یا صادرات یا هر دو است. تحریم‌های مالی و بلوکه کردن دارایی‌ها نیز از طریق کاهش سرمایه‌گذاری یا نپرداختن وام و اعتبارات یا بالا بردن هزینه تأمین مالی برای کشور هدف به کاهش تجارت منجر می‌شود [۴]. بررسی این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تحریم‌ها در دوره‌های مختلف اثرگذاری مختلفی بر اقتصاد کشورها داشته‌اند.

بررسی‌های موسسه اقتصادی بین‌الملل پترسون نشان می‌دهد که در سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۶، کشور آمریکا، ایران را با شدت کم تحریم کرده است، همچنین تا سال ۱۳۸۹ نیز اتحادیه اروپا وارد جریان تحریم می‌شود و این شدت نیز کم بوده است، اما در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴، ایران با تحریم‌های گسترده‌ای از طرف ایالات متحده و اتحادیه اروپا مواجه شده است. کارشناسان این پژوهش برای نشان دادن حدود تحریم‌های اقتصادی در هر دوره، مجموع هزینه‌های تحمیل‌شده به‌صورت سالانه بر ایران را مشخص کرده‌اند که البته مبنای تعیین ضعیف یا گسترده بودن تحریم‌های اقتصادی است.

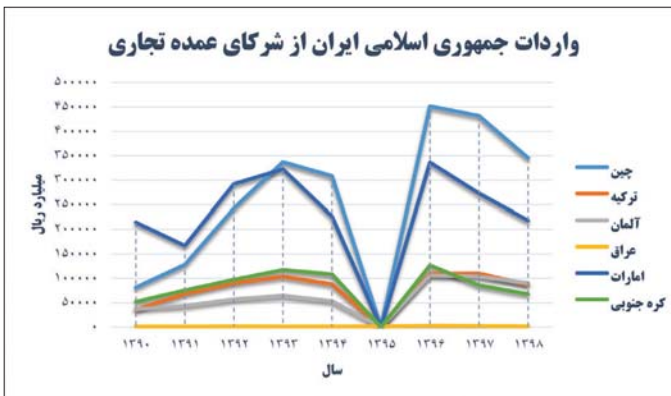
بخشی از این پژوهش‌ها، به بررسی و تحلیل آماری متغیرهای مهم پرداخته است، در این خصوص برخی تحلیل‌ها در این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مقدار واردات ایران از کشورهای شریک تجاری تا سال ۱۳۹۰



بخش خصوصی برای مدیریت مخاطرات این تحریم‌های اقتصادی که به معنای استفاده از تمام ظرفیت‌های اقتصاد و برنامه‌ریزی مناسب جهت حداقل کردن هزینه‌های تحریم در بخش تجارت خارجی است، اتخاذ گردد. ♦♦

فهرست منابع

- سیدتقی زاده؛ سیدحمید، رئیسی؛ لیلا، اسماعیلی؛ بشیر. (۲۰۱۹). بررسی مشروعیت تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا پس از خروج از برجام بر اساس منشور ملل متحد. مطالعات روابط بین‌الملل ۱۲(۴۷)، ۳۹-۷۰.
- نوروزی فر؛ طاهره، فتاحی؛ شهرام، سهیلی؛ کیومرث. (۲۰۱۹). اثر تحریم بر میزان وابستگی بازار نفت و بازار مالی (رویکرد وابستگی اکستریمال). فصلنامه علمی-پژوهشی مدل‌سازی اقتصادی. ۱۳(۴۵)، ۱-۱۷.
- کمالی دهکردی؛ پروانه. (۲۰۲۰). تحلیل اثر شوک‌های بازار و تحریم‌های اقتصادی بر ارزش‌افزوده تولیدات صنعتی. فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی. ۱۰(۳۹)، ۲۴۱-۲۸۷.
- بادینی؛ حسن، کریمی؛ عباس، افشار نیا؛ طیب، مرادی؛ روح‌الله. (۲۰۲۰). تبیین قابلیت‌های حقوق بین‌الملل برای جبران خسارت معنوی لطمه به شهرت تجاری ناشی از نقض تعهدات قراردادی در کشورهای هدف تحریم. فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی. ۱۲(۳)، ۵۳۷-۵۵۵.
- فلاحی؛ محمدعلی، آیتی؛ نیره‌سادات. (۲۰۱۹). بررسی تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر صادرات و واردات ایران. کنفرانس بین‌المللی اقتصاد جهانی و تحریم‌ها.
- عبداللهی؛ محمدجواد، فروتن؛ صفورا. (۲۰۱۹). تحریم‌های بانکی در پرتو موازین و اصول حقوق بین‌الملل دانش حقوق و مالیه. ۲(۷).



را نشان می‌دهد [۶]. مقایسه حجم تجارت بین این کشورها و جمهوری اسلامی ایران نشان‌دهنده کاهش چشمگیر معاهدات بین این کشورها پس از اعمال تحریم‌هاست.

در نمودار صفحه قبل، میزان صادرات ایران با شش کشور شریک عمده تجاری از سال ۱۳۹۰ تا سال ۱۳۹۸ نشان داده شده است.

با توجه به این نمودار می‌توان شدت کاهش صادرات را در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۷ مشاهده کرد که ناشی از تحریم‌های شدید اعمال شده علیه جمهوری اسلامی ایران بوده است.

نمودار زیر میزان واردات از کشورهای عمده شریک تجاری ایران از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ را نشان می‌دهد.

در این نمودار نیز کاهش واردات ایران از شرکای عمده تجاری در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۸ شدت بیشتری دارد که ناشی از اعمال شدیدترین تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران است.

می‌توان با استناد به این پژوهش‌ها و شباهت‌های فراوانی که تحریم‌های ایالات متحده آمریکا بعد از خروج برجام و تحریم‌هایی که در دهه ۹۰ خورشیدی اعمال کرده است و هر دو در گروه تحریم‌های سخت قرار می‌گیرند، می‌توان به این نتیجه رسید که بعد از سال ۱۳۹۰ که شرایط تغییر می‌کند و به دلیل ناکارای بودن تحریم‌های ضعیف، ایران وارد فاز جدیدی از تحریم‌ها سخت اقتصادی می‌شود، تأثیر تحریم‌های شدید بر صادرات و واردات ایران منفی و اثرگذار بوده است و می‌توان این چشم‌انداز را پیش‌بینی نمود که در این دوره حاضر به دلیل همراهی بعضی از شرکای تجاری ایران از تحریم‌های ایالات متحده آمریکا، اثر بیشتری این تحریم‌ها بر بازارهای صادراتی داشته باشند.

در این شرایط، افزایش بیکاری ناشی از کاهش صادرات محصولات قابل انتظار است. از سوی دیگر و در سایه این تحریم‌های سخت اقتصادی، پیش‌بینی می‌شود که شاهد کاهش واردات، با توجه به این موضوع که اغلب کالاهای وارداتی ایران به صنایع واسطه‌ای و سرمایه‌ای مربوط هستند که از یک طرف به آسیب بخش تولید و کاهش کیفیت تولیدات داخلی منجر می‌شود و از طرف دیگر به دلیل افزایش قیمت تمام‌شده محصولات، باعث افزایش تورم می‌شود.

ضروری و لازم است که با توجه به ماهیت و اثرگذاری تحریم‌های اقتصادی بر تجارت خارجی جمهوری اسلامی ایران، اقدامات و تصمیم‌های جدی از سوی دولت و

اوراسیا، پنجره‌ای رو به توسعه صادرات استان

توسعه تجارت استان با این کشورها فراهم می‌شود. اهمیت موضوع وقتی دوچندان می‌شود که با توجه به شرایط تحریم، این توافق یک فضای جدید برای روابط تجاری استان با این اتحادیه به وجود می‌آورد و می‌تواند بخشی از مشکلات ما در این شرایط را کاهش دهد.

اتحادیه اقتصادی اوراسیا شامل پنج کشور روسیه، قزاقستان، بلاروس، ارمنستان و قرقیزستان است که با توجه به مدت سه‌ساله این توافق‌نامه امکان استفاده از تعرفه ترجیحی برای ۵۰۲ قلم کالا از طرف اتحادیه و ۳۶۰ قلم کالا از سوی ایران فراهم شده که در صورت همکاری همه نهادها و سازمان‌ها و اجرای موفقیت‌آمیز آن، در سال‌های آینده، امکان تجارت آزاد یعنی به صفر رسیدن تعرفه‌ها وجود دارد. از دیگر مزایای این توافق می‌توان به تحرک بخشی در زمینه کشاورزی اشاره کرد، در همین راستا مزیت‌های نسبی در استان و پنج کشور عضو اوراسیا وجود دارد و این مسئله امکان توسعه تجارت در این توافق‌نامه را فراهم کرده است. این اولین تجربه استان و کشور در توافق‌نامه تعرفه‌های ترجیحی با اتحادیه اقتصادی منطقه‌ای است و تحقق آن گام مؤثری در توسعه تجارت با کشورهای عضو این اتحادیه می‌باشد.

اقدام صادراتی استان کرمان، مشمول فهرست امتیازات اعطایی اوراسیا به ج.ا.ایران شامل پسته با پوست تازه یا خشک (بدون غلاف سخت)، پسته با پوست تازه یا خشک (بدون غلاف سخت)، محصولات مناسب برای استفاده به‌عنوان چسب، ظرف شویی و سایر ادوات ثابت بهداشتی از چینی، تکیه‌گاه و لوازم مشابه برای چوب‌بست زدن، پشت‌دری ساختن و ... است. همچنین از اقدام وارداتی استان کرمان که مشمول فهرست امتیازات اعطایی اوراسیا به ج.ا.ایران هستند می‌توان به عدس خشک غلاف‌کنده یا حتی پوست‌کنده، الیاف سنتتیک یکسره از آکرلیک یا مداکرلیک، الیاف سنتتیک غیر یکسره از آکرلیک یا مداکرلیک و سایر مفتول‌های به‌تاییده، طناب و کابل اشاره نمود. این اطلاعات می‌تواند به‌عنوان نقشه راه برنامه‌ریزی واحدهای تولیدی استان جهت افزایش سهم از صادرات و واردات ایفا نماید. اقدام عمده صادراتی استان کرمان به کشورهای اتحادیه اوراسیا، به این شرح است: کشور روسیه (پسته و مغز پسته، خرما، خشک و تازه، گردو، فرش و سایر کف‌پوش‌ها از مواد نسجی، کاشی و سرامیک)، قرقیزستان (پسته و مغز پسته، عصاره‌های

♦ رضا سنجری

مدیرکل هماهنگی امور اقتصادی استانداری کرمان



استان کرمان به‌عنوان پهناورترین استان کشور با داشتن اقلیم چهارفصل و مزیت‌های فراوان در تولیدات صادراتی و محصولات خارج از فصل، یکی از قطب‌های مهم کشور در این زمینه است. ظرفیت صادراتی استان در بخش‌های کشاورزی، صنعت و معدن، اقتصاد دانش‌بنیان و... بر کسی پوشیده نیست. محصولات کشاورزی از قبیل پسته، خرما، مرکبات، صیفی‌جات و تولیدات معدنی کنسانتره، آهن، مس، کرومیت، سنگ‌های ساختمانی و صنایع معدنی کاتد، آند، فولاد، شمش، فروآلیاژها و مقاطع و لوله‌های فولادی و مسی، سیمان، کاشی، سرامیک و فرش دستباف بخش اعظم صادرات استان را به خود اختصاص داده‌اند. با عنایت به محدودیت‌های پیمان‌سپاری ارزی و انتقال پول و تأثیر تحریم‌ها که صادرات استان را تحت تأثیر قرار داده، انعقاد توافق‌نامه تعرفه‌های ترجیحی فی‌مابین ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا، فرصتی را برای افزایش صادرات استان کرمان فراهم کرده که با برنامه‌ریزی صحیح، فرصت مناسبی برای



و برنامه‌ریزی اعزام تیم‌های کارشناسی به کشورهای اوراسیا با توجه به حوزه‌های همکاری‌های مشترک صورت گرفته که نیاز است در قالب برنامه تبیین شده ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی استان ساماندهی و اقدام شوند. برای نیل به این هدف بایستی پوشش ریسک‌های تجاری و سیاسی صادرات به اوراسیا توسط صندوق ضمانت صادرات با حق بیمه پایین‌تر از نرخ متعارف صورت پذیرد و مشکل ورود کامیون‌های کشورهای اوراسیا به ایران برای رفع مشکل جایجایی کالاهای صادراتی در مرز از کامیون‌های ایرانی مرتفع گردد. همچنین با توجه به نقش مهم کشور روسیه در اتحادیه اقتصادی اوراسیا از یک‌سو و پتانسیل‌های صادراتی استان کرمان به کشورهای اوراسیا خصوصاً روسیه از سوی دیگر، استان کرمان به‌عنوان معین اوراسیا در نظر گرفته شود تا فعالیت‌های استان برای تمرکز بر بهره‌مندی از منافع این موافقت‌نامه با انجام اقداماتی از قبیل اطلاع‌رسانی کامل به جامعه هدف، برگزاری همایش‌های استانی (تشریح جایگاه موافقت‌نامه تجاری اوراسیا و اهمیت آن، تشریح بازار اوراسیا برای جذب کالاهای تولیدی استان و نقش این موافقت‌نامه در سهولت کار، اشاره به حقوق تجار ایرانی در چارچوب موافقت‌نامه، معرفی محصولات تحت پوشش و نحوه رعایت قواعد مبدأ و دریافت فرم گواهی مبدأ خاص موافقت‌نامه، مروری بر اقدامات انجام‌شده توسط سازمان توسعه تجارت و نحوه دستیابی به اطلاعات مربوطه و توصیه‌های عملی به تجار و بازرگانان در ورود به بازار اوراسیا و نحوه تعامل و همکاری با فعالان اقتصادی اوراسیا)، تقویت تسلط کارشناسان اقتصادی استان در خصوص فواید موافقت‌نامه (با برگزاری کارگاه‌های آموزشی)، نظارت بر اجرای کامل موافقت‌نامه توسط تجار استان و انعکاس مشکلات به سازمان صنعت، معدن و تجارت، نظارت بر اصل عدم تبعیض در تجارت فی‌مابین، نظارت بر صدور دقیق و صحت گواهی مبدأ خاص موافقت‌نامه برای کالاهای استان به مقصد اوراسیا، ارزش‌گذاری گمرکی، انجام اقدامات استان برای تمرکز بر بازار اوراسیا و تسهیلات گمرک در خصوص محموله‌های صادراتی به بازار اوراسیا (ایجاد زیرساخت‌های اختصاصی برای ذینفعان موافقت‌نامه اوراسیا، اتخاذ تمهیدات لازم برای پیش‌اظهاری اقلام مورد مبادله، اختصاص مسیر سبز برای اظهارنامه‌های مورد مبادله، موافقت با حمل یک‌سره کالاها، هماهنگی جهت نمونه‌برداری از کالاهای مشمول مجوزهای قانونی بر روی وسیله حمل و یا بعد از تخلیه، هماهنگی جهت ارائه مجوزهای ترخیص قانونی از طرف یک مرجع واحد، پذیرش حداقل اسناد و مدارک موردنیاز برای ترخیص کالاها، ترخیص درصدی ارقام مورد مبادله اظهارشده در گمرکات در صورت نیاز، موافقت با ترخیص نسبه و ضمانت‌نامه‌های بانکی و پذیرش گواهی مبدأ مابین کشورهای ذینفع به‌صورت الکترونیکی) نتیجه‌بخش گردد. ♦♦

اتحادیه اقتصادی

اوراسیا شامل

پنج کشور روسیه،

قزاقستان،

بلاروس،

ارمنستان و

قرقیزستان

است که با

توجه به مدت

سه ساله این

توافق نامه امکان

استفاده از تعرفه

ترجیحی برای

۵۰۲ قلم کالا از

طرف اتحادیه

و ۳۶ قلم کالا

از سوی ایران

فراهم شده که در

صورت همکاری

همه نهادها

و سازمان‌ها

و اجرای

موفقیت‌آمیز آن،

در سال‌های

آینده، امکان

تجارت آزاد یعنی

به صفر رسیدن

تعرفه‌ها و وجود

دارد.

دباغی یا رنگ‌رزی، نان‌ها و مشتقات آن‌ها، خرمای خشک و تازه، پلاستیک و اشیای ساخته‌شده از آن، لباس و متفرعات لباس، غیرکشکباف یا غیرقلاب‌باف، فرش و سایر کفپوش‌ها از مواد نسجی، قند، شکر و شیرینی)، قزاقستان (پسته و مغز پسته، خرمای خشک و تازه، کاشی و سرامیک، دانه گل‌رنگ، پلاستیک و اشیای ساخته‌شده از آن و انجیر خشک و تازه)، بلاروس (پسته و مغز پسته، خرمای خشک و تازه) و ارمنستان (پسته و مغز پسته، خرمای خشک و تازه، کاشی و سرامیک، چدن، آهن، فولاد، اکسید و هیدروکسید مولیبدن و ساختمان‌های پیش‌ساخته، مبل و تختخواب، پلاستیک و اشیای ساخته‌شده از آن). اقلام عمده واردات استان کرمان از کشورهای اتحادیه اوراسیا، به این شرح است: کشور روسیه (الیاف سنتتیک یا مصنوعی غیریکسره، خمیر چوب یا سایر مواد الیافی سلولزی، کاغذ یا مقوا برای بازیافت آخال و ضایعات)، قزاقستان (سبزیجات، نباتات، ربشه و غده‌های زیرخاکی خوراکی)، بلاروس (الیاف سنتتیک یا مصنوعی غیریکسره، ماشین‌آلات و دستگاه‌های برقی). از مشکلات توسعه صادرات محصولات استان کرمان به اتحادیه اقتصادی اوراسیا می‌توان به نبود استراتژی بلندمدت در حوزه صادرات، مشکلات برگشت ارز و تعهدات ارزی، مشکلات حمل‌ونقل، ریسک بالای صادرات به عمده کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا و هزینه‌های بالای پوشش ریسک و نبود برنامه جامع کشت محصولات کشاورزی متناسب با صادرات با کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا (کشت قراردادی) اشاره نمود که بایستی توسط دستگاه‌های استانی و ملی مورد پیگیری ویژه قرار گیرد و نسبت به رفع آن اقدام شود که در این راستا، حسب پیشنهاد معاون اقتصادی استانداری و موافقت استاندار محترم، این موضوع به‌عنوان یکی از برنامه‌های ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی استان با محوریت اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان و مشارکت و همراهی تمامی دستگاه‌های اجرایی مربوطه قرار گرفت تا امکان پیگیری ویژه استانی و ملی برای رفع مشکلات اشاره شده و توسعه مرادوات اقتصادی و تجاری با اتحادیه اوراسیا فراهم شود.

شایان ذکر است تاکنون اقداماتی توسط استان برای استفاده از موقعیت توافق‌نامه فی‌مابین ایران و کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا از قبیل تهیه گزارش‌های کشوری اوراسیا، برگزاری همایش و اطلاع‌رسانی به فعالین اقتصادی برای استفاده از موقعیت امضای توافق‌نامه فی‌مابین ایران و اتحادیه اوراسیا، تشکیل کمیته پیگیری توسعه تجارت به کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا، برنامه‌ریزی دعوت از روسای اتاق‌های کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا و بازرگانان فعال برای بازدید از توانمندی‌های تولیدی، سفر سفیران برخی کشورهای اتحادیه اوراسیا به استان و برگزاری جلسات با فعالان اقتصادی، تجاری و بازرگانی استان



غفلت از ظرفیت‌های صنایع کوچک و به رسمیت نشناختن شرکت‌های مدیریت صادرات

جاری برخوردارند. بسیاری از این بنگاه‌های کوچک و متوسط پشتوانه مالی قدرتمندی ندارند. از سوی دیگر، راه‌اندازی، رشد و توسعه آن‌ها می‌تواند نقش بسزایی در کارآفرینی و توسعه اقتصادی داشته باشند. این بنگاه‌های اقتصادی حتی نوپا، در مسیر رشد و توسعه خود با چالش‌های بسیاری مواجه هستند، از جمله مشکلات و محدودیت‌های مالی، محدودیت‌های صادراتی، عدم شناخت صحیح و کامل از وضعیت بازارهای بین‌المللی، عدم توانمندی و تجربه کافی در امور تجاری بین‌المللی مثل ایجاد تقاضا در بازارهای خارجی، تعیین قیمت رقابتی مناسب برای ورود به بازار بین‌الملل و حفظ جایگاه، عدم آگاهی کافی و شرایط برندسازی بین‌المللی و...

بدین ترتیب، یک شرکت مدیریت صادرات بین‌المللی به‌خوبی می‌تواند به بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط در راستای رشد و توسعه، یاری برساند. این یاری‌رسانی، از شناخت و معرفی دقیق ویژگی‌های کیفی و کمی محصول و نوع بسته‌بندی آغاز شده و در تمامی مراحل تجارت مثل

♦ **محمد رضا حیدری پور**

مدیرعامل شرکت مدیریت صادرات آلا تجارت بین‌الملل
امین



مقدمه

صادرات مستقیم بخش مهمی از توسعه تجارت SMEها است و متأسفانه بسیاری از SMEها در برداشتن گام‌های کوچک برای انجام آن مردد هستند. نکته جالب اما بسیار غم‌انگیز، این است که وقتی همه چیز در SMEها به‌خوبی پیش می‌رود خبری از صادرات نیست. صنایع کوچک تنها زمانی که شرایط دشوار می‌شود احساس نیاز به صادرات می‌کنند که کمی دیر شده است.

اهمیت شرکت‌های مدیریت صادرات، بیانگر نقش آن‌ها در توسعه صادرات کالا و خدمات می‌باشد. عموماً بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط که آن‌ها را با عنوان SME نیز می‌شناسیم، از سهم کمتر سرمایه، نیروی انسانی و گردش

و سایر ریسک‌های مرتبط با فعالیت در بازارهای خارجی ایفا می‌کند.

چالش‌های SMEها در صادرات

- مسائل مالی،
- صادرات‌ناپذیری،
- عدم توازن بین رشد صنعتی کشور و توسعه صنعتی جهان،
- عدم شناخت صحیح از وضعیت بازارهای بین‌المللی و تحولات اقتصادی جهانی،
- عدم تجربه و توانمندی در امور بین‌المللی (مانند مسائل حقوقی، فنون مذاکره و عقد قراردادهای و ...).

تعاریف

بنگاه‌های کوچک و متوسط، مؤسساتی هستند که با میزان متفاوتی از سرمایه، نیروی کار و حجم محصولات یا گردش جاری به‌عنوان اجزای حیاتی رشد در اقتصاد جهانی ایفای نقش می‌نمایند. این بنگاه‌ها اغلب بر منابع داخلی متکی بوده و بر روند رشد اشتغال‌زایی کمک می‌نمایند بنگاه‌های کوچک و متوسط در اقتصاد کشورها از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. نقش این بنگاه‌ها نه فقط به جهت تعدد و تنوع فعالیت آن‌ها، بلکه به دلیل مشارکت این‌گونه بنگاه‌ها در کلیه وجوه اقتصادی نظیر مشارکت در توسعه منطقه‌ای، اشتغال‌زایی، نوآوری توسعه صادرات و ایفای نقش مکمل صنایع بزرگ، حائز اهمیت است.

شرکت مدیریت صادرات چیست؟

شرکت مدیریت صادرات یک شرکت کاملاً مستقل است که مانند یک دپارتمان انحصاری فروش صادراتی برای صادرکننده‌ها علی‌الخصوص شرکت‌های صنایع کوچک عمل می‌کند و تعهد این شرکت در قبال حفظ رابطه بلندمدت با تولیدکنندگان، ماهیت شرکت مدیریت صادرات را از سایر واحدهای تجاری متمایز می‌کند. به‌عنوان بخشی از این تعهد، شرکت‌های مدیریت صادرات در زمینه ارتقای ارزش‌افزوده می‌کوشند که این خود یعنی زمینه‌های غیر از بازاریابی بین‌المللی را نیز پوشش می‌دهند. شرکت مدیریت صادرات، خدمات را در راستای شناسایی و انگیزش تقاضای بازارهای بین‌المللی و همچنین نحوه پردازش و پاسخ صحیح به تقاضای بازارهای خارجی و به عبارتی تسهیل تجارت خارجی به بنگاه‌های تولیدی - صادراتی ارائه می‌دهد که در نتیجه بنگاه‌های اقتصادی از ورود به بازارهای جهانی منتفع می‌شوند و شرکت مدیریت صادرات هم از ایجاد رابطه بلندمدت بین صادرکننده و خریدار سود می‌برد و حاصل آن برای کشور هم نیل به یکی از اهداف مهم توسعه، یعنی توسعه صادرات غیرنفتی است. این شرکت نقش بسزایی در از بین بردن خلأ اطلاعاتی، ابهامات، تردیدها

راهکارهای حمایت از SMEها

- تشکیل و حمایت از شرکت‌های مدیریت صادرات،
 - تشکیل و حمایت از شرکت‌های خدمات بازرگانی،
 - تشکیل و حمایت از خوشه‌های صادراتی،
 - تشکیل و حمایت از کنسرسیوم‌ها.
- در اینجا چند مرحله اساسی برای مدیریت موفقیت‌آمیز مراحل ایجاد استراتژی صادرات برای شرکت‌های صنایع کوچک آورده شده است:
۱. شناسایی این‌که محصولات شرکت در کدام کشورها بیشترین پتانسیل را دارد و چرا،
 ۲. جستجو در اینترنت برای یافتن شرکای تجاری بالقوه در کشورهایی که شناسایی شده‌اند،
 ۳. ارزیابی پتانسیل‌های بازار محصولات و خدمات خود در کشورهای شناسایی‌شده و برنامه‌ریزی جهت انجام تحقیقات ویژه بازار و قابل‌دسترس،
 ۴. تهیه مستندسازی بازار و محصول به سبک بین‌المللی،
 ۵. تماس با توزیع‌کنندگان بالقوه که یافتن آن‌ها بسیار دشوار است و مذاکره جهت فروش به آن‌ها،
 ۶. شناسایی مشتری نهایی در کشورهای مربوطه،
 ۷. تحویل سفارش‌های مشتریان بر اساس استانداردهای بین‌المللی،
 ۸. پیگیری دوره‌ای مشتریان تا وصول سفارش جدید و تداوم فعالیت‌ها.
- لازم به ذکر است مراحل و اقدامات در هر یک از موارد بالا آسان به نظر می‌رسد، اما در عمل کار بسیار دشواری است که در توان و تجربه شرکت‌های مدیریت صادرات است و از توان شرکت‌های کوچک کسب‌وکار خارج است. آمال صادراتی بنگاه‌های کوچک جز با مدیریت و نظارت شرکت‌های مدیریت صادرات امکان عملیاتی شدن و تحقق بسیار کمی را خواهد داشت.

- بسیاری از این بنگاه‌های کوچک و متوسط پشتوانه مالی قدرتمندی ندارند. از سوی دیگر، راه‌اندازی، رشد و توسعه آن‌ها می‌توانند نقش بسزایی در کارآفرینی و توسعه اقتصادی داشته باشند. این بنگاه‌های اقتصادی حتی نوپا، در مسیر رشد و توسعه خود با چالش‌های بسیاری مواجه هستند، از جمله مشکلات و محدودیت‌های مالی، محدودیت‌های صادراتی، عدم شناخت صحیح و کامل از وضعیت بازارهای بین‌المللی...

بیان مسئله

این سؤال سالیان سال است که چرا هنوز شرکتهای مدیریت صادرات جایگاه خود را پیدا نکردهاند و غفلتی است که نه تنها باعث بی‌نصیب ماندن صنایع کوچک از درآمدهای صادراتی می‌شود بلکه رسالت و هدف از تشکیل شرکتهای مدیریت صادرات را نیز در حاله‌ای از ابهام نگه می‌دارد.

شرکتهای مدیریت صادرات به‌عنوان کارگزار بخش صادرات برای یک یا چند تولیدکننده کالا یا خدمات عمل کرده، تجارت را به اسم تولیدکنندگان انجام و به ایجاد بازار بین‌المللی برای محصولات دیگر شرکتها کمک شایان توجهی می‌کنند. این شرکتها عموماً در محصولات جانبی یا بازار خارجی یا هر دو تخصص دارند و بهترین شرکتها و بازارهایی را که در آن به شکلی مؤثر عمل می‌کنند شناخته و دارای شبکه‌های مستقر از توزیع‌کنندگان خارجی هستند که همین دسترسی فوری به بازارهای خارجی یکی از دلایل اصلی استفاده از این شرکتها است؛ زیرا برقراری رابطه تولیدی با نماینده خارجی به ویژه برای صنایع نوپا و کوچک ممکن است یک فرایند پرهزینه و طولانی باشد.

چرا خود شرکتها اقدام به راه‌اندازی بخش صادرات نکرده و نقش شرکتهای مدیریت صادرات در این امر چیست؟ از نقش صنایع کوچک و متوسط در اشتغال، تولید و صادرات بسیار سخن گفته شده است. صنعتی که وضعیت آنها به لحاظ وسعت، رونق و رکود بیانگر میزان سلامت اقتصاد یک کشور است و جایگاه بخش خصوصی در اقتصاد و توان اقتصادی برای رشد را نشان می‌دهند. باوجود تمام مزایا، منافع و تأثیرات مطلوب توسعه صنایع کوچک بر اقتصاد کشور، اما موانع و محدودیتهایی بر سر راه پیشرفت این صنایع وجود دارد.

شرکتهای صنایع کوچک و متوسط که در امر صادرات فعال هستند باید کل فرایند از تأمین مواد اولیه تا بازاریابی و صادرات را خود انجام دهند و شاید امکان پیمودن کل این فرایند از سوی همه شرکتها وجود نداشته باشد. در اینجا، وجود شرکتهای مدیریت صادرات می‌تواند مؤثر باشد. شرکتهایی که کالاها را تهیه کرده و با برند خود به بازار عرضه می‌کنند. زمانی که شرکت مدیریت صادرات نقش واسط میان شرکتهای داخلی و خریدار خارجی را ایفا می‌کند، مشکل بنگاه‌های داخلی نیز حل می‌شود.

مزایای همکاری با شرکتهای مدیریت صادرات

به‌عنوان یک شکل از صادرات غیرمستقیم، شرکت مدیریت صادرات کالا و خدمات فشار فعالیت‌های مربوط به

صادرات را به نمایندگی از مشتریان خود برعهده می‌گیرد. شرکتهای مدیریت صادرات می‌توانند به عنوان نمایندگان و یا توزیع‌کنندگان عمل کنند. شرکتهای مدیریت صادرات می‌توانند به صادرکنندگان از طریق موارد زیر کمک کنند:

- تحقیقات بازار خارجی،
- نمایشگاه‌های تجاری و تبلیغات محصولات دیگر در خارج از کشور
- استراتژی‌های بازاریابی برای هدف قرار دادن خریداران برتر،
- توزیع خارجی،
- ایجاد سیستم‌های تدارکات،
- مدیریت و آموزش نیروی فروش خارجی،
- تدارک هر گونه خدمات و تسهیلات اضافی،
- مدیریت پیروی از مقررات.

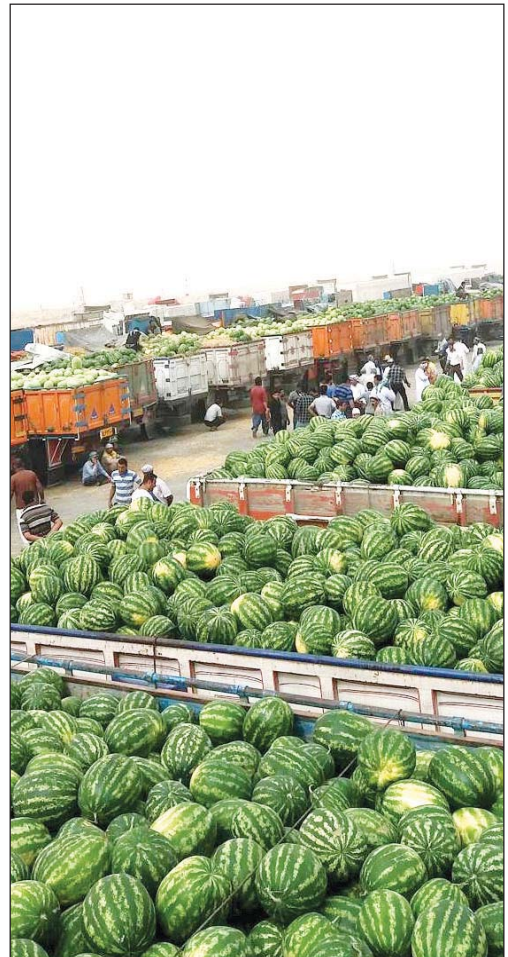
صرف‌نظر از این که شرکت مدیریت صادرات کالا و خدمات چه کاری انجام می‌دهد، لازم است بدانید که هرگز مالکیت قانونی محصولات را برعهده نمی‌گیرند. کسب‌وکاری که به صادرات می‌پردازد، مالکیت قانونی محصولات خود را در طول فرایند صادرات حفظ می‌کند. مزیت واقعی مشارکت با مدیران صادرات در دانش تخصصی فراوان و ارتباطات آنها نهفته است. شرکت مدیریت صادرات کالا و خدمات تقاضاهای بازار واردکننده با صنعت صادرکننده و نوع محصول را تلفیق می‌کند. آنها همچنین مقررات تجارت بین‌المللی مربوط به منطقه را بررسی می‌کنند. به این دلایل، حتی صادرکنندگان باتجربه نیز می‌توانند از انعقاد قرارداد با شرکت مدیریت صادرات کالا و خدمات برای سوق دادن محصولات به بازارهای خارجی خاصی بهره‌مند شوند.

نتیجه‌گیری

با توجه به موارد ذکرشده، توجه به این نکته ضروری می‌نماید که توسعه شاخص تجارت فرامرزی جز در سایه توجه ویژه دولت به این بخش (ظرفیتهای صنایع کوچک و متوسط و توانمندی‌های شرکتهای مدیریت صادرات) ميسر نیست. اگر چه استقرار شرکتهای مدیریت صادرات در شهرک‌های صنعتی پیش‌بینی‌شده ولی در عمل تاکنون نتایج در خور توجهی به دست نیامده است. تعامل بیشتر وزارت اقتصاد و دارایی با سازمان‌هایی نظیر سازمان توسعه تجارت و صندوق ضمانت صادرات در کنار بهره‌مندی از نظرات کارشناسان بخش خصوصی در تدوین قوانین تسهیل‌کننده در تشکیل شرکتهای مدیریت صادرات از جمله راهکارهای تقویت این بخش بسیار مهم و فراموش‌شده در فرایند صادرات غیرنفتی کشور است. ♦♦

شرکتهای صنایع کوچک و متوسط که در امر صادرات فعال هستند باید کل فرایند از تأمین مواد اولیه تا بازاریابی و صادرات را خود انجام دهند و شاید امکان پیمودن کل این فرایند از سوی همه شرکتها وجود نداشته باشد. در اینجا، وجود شرکتهای مدیریت صادرات می‌تواند مؤثر باشد. شرکتهایی که کالاها را تهیه کرده و با برند خود به بازار عرضه می‌کنند. زمانی که شرکت مدیریت صادرات نقش واسط میان شرکتهای داخلی و خریدار خارجی را ایفا می‌کند، مشکل بنگاه‌های داخلی نیز حل می‌شود.

در منطقه جنوب استان کرمان به‌طور متوسط سالانه در حدود ۴/۵ میلیون تن محصولات زراعی و باغی تولید می‌شود که از این مقدار، ۸۰۰ تا یک میلیون تن آن، انواع سبزی و صیفی‌جات را شامل می‌شود. این میزان تولید که از نظر کارشناسان قابلیت افزایش دو برابری دارد، جنوب استان کرمان را یکی از بازیگران مهم این عرصه در کشور و منطقه کرده است، اما برخلاف این قابلیت، فاقد یک پایانه مجهز و مدرن صادراتی میوه، سبزی و صیفی‌جات است که احداث آن یکی از مطالبات مهم و تاریخی فعالان اقتصادی جنوب می‌باشد. احداث پایانه صادراتی نقش بسزایی در رونق تولید و صادرات محصولات گلخانه‌ای، زراعی و باغی خواهد داشت. هیئت‌وزیران با اختصاص دو میلیارد ریال، احداث پایانه را با مشارکت بخش غیردولتی تصویب نمود و پس از آن اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان سرمایه‌گذاری و اجرای طرح احداث پایانه را به شرکت «آرا» پیشنهاد نمود که در حال اجرا است. شرکت پایانه صادراتی گلشن آرای ارم در سال ۱۳۹۲ به ثبت رسیده و جواز تأسیس صنعتی آن در سال ۱۳۹۳ صادر شده است. طرح احداث پایانه ۸۴ درصد پیشرفت فیزیکی داشته و به ۵۷ درصد پیشرفت هزینه‌ای دست یافته است. مدیریت شرکت پایانه صادراتی گلشن آرای ارم در گفت‌وگو با سپهر اقتصاد کرمان به مسائل و محدودیت‌هایی که موجب طولانی شدن اجرای طرح شده نیز پرداخته است. دعوت می‌شود مشروح گفت‌وگو را مطالعه نمایید.



گفت‌وگو با مدیریت شرکت پایانه صادراتی گلشن آرای ارم

پایانه صادراتی منطقه جنوب استان کرمان

بسته‌بندی، نگهداری و هماهنگی حمل به بازارهای صادراتی و داخلی را با ظرفیت تولید ۶۷،۲۰۰ تن محصول در سال فراهم خواهد آورد. همچنین احداث یک واحد سردخانه بالای صفر با ظرفیت ۲۰۰۰۰ تن در محدوده اجرای طرح قرار دارد که برای نگهداری موقت محصولات مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

در فازهای بعدی، سرمایه‌گذاری به منظور افزایش ظرفیت تولیدی طرح، ورود به مدیریت کشت و تأسیس مراکز کوچک جمع‌آوری میوه و صیفی‌جات و توسعه زنجیره ارزش

◆ لطفاً ابتدا در مورد هدف از تأسیس شرکت پایانه صادراتی و مشخصات آن شامل تاریخ تأسیس، نوع شرکت، موضوع فعالیت سهامداران و سرمایه توضیح بفرمایید؟

طرح پیش رو در زمره صنایع تبدیلی بخش کشاورزی قرار دارد و در فاز اول مشتمل بر سرمایه‌گذاری برای احداث یک پایانه صادراتی میوه و صیفی‌جات برای منطقه جنوب استان کرمان در شهر جیرفت می‌باشد. پایانه موردنظر امکان دریافت و جمع‌آوری میوه و صیفی‌جات، انجام فرایند میکروبزایی و شستشو، واکس زنی، درجه‌بندی و سورت،

در صنایع بالادستی و پایین‌دستی نیز مد نظر قرار دارد. شایان ذکر است که کلیه سهامداران پایانه از بخش خصوصی می‌باشند و در حدود ۲۰ درصد از سرمایه‌گذاری شرکت پایانه صادراتی گلشن آرای ارم با استفاده از منابع خارجی صورت پذیرفته است که مربوط به سهامدار عمانی شرکت می‌باشد.

یکی از اهداف اصلی، تکمیل زنجیره ارزش محصولات گلخانه‌ای و افزایش توان چانه‌زنی تولیدکنندگان و همچنین ایجاد اطمینان در آنان به لحاظ بازار و پشتیبانی‌های فنی و لجستیکی است.

♦♦ در خصوص تاریخ صدور پروانه ساخت و مشخصات پروژه پایانه صادراتی منطقه جنوب شرق استان کرمان، حوزه جغرافیایی پایانه، توجیه اقتصادی، مرجع تصویب‌کننده و پیشرفت فیزیکی طرح به‌طور مشروح توضیح دهید.

منطقه جنوب استان کرمان بر اساس آمار غیررسمی به‌طور متوسط سالانه در حدود ۴/۵ میلیون تن محصولات زراعی و باغی تولید می‌کند که از این میزان بین ۸۰۰ هزار تا یک میلیون تن شامل انواع سبزی و صیفی‌جات است. تولید مذکور، جنوب استان کرمان را یکی از بازیگران مهم این عرصه در کشور و حتی منطقه کرده است و از نظر کارشناسان قابلیت افزایش تولید تا میزان دو برابر وجود دارد. علی‌رغم این قابلیت‌ها جنوب استان فاقد پایانه مجهز و مدرن صادراتی، میوه، سبزی و صیفی‌جات است، با این همه باغداران و گلخانه‌داران منطقه بازارهای مهم صادراتی را در کشورهای عراق و روسیه به دست آورده‌اند. به این ترتیب یکی از مطالبات مهم و تاریخی فعالان اقتصادی جنوب استان کرمان احداث پایانه صادراتی مذکور می‌باشد که نقش مهم و بسزایی در رونق امر تولید و صادرات محصولات گلخانه‌ای، زراعی و باغی خواهد داشت. سرانجام هیئت‌وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۶/۰۲/۱۴ که در مرکز استان تشکیل شد، اختصاص مبلغ دو میلیارد ریال از محل جواز و مشوق‌های صادراتی (توسط سازمان توسعه تجارت ایران) جهت احداث و تکمیل پایانه صادراتی استان را با مشارکت بخش غیردولتی تصویب نمود. متعاقباً تولید کار به اتاق بازرگانی صنایع، معادن و کشاورزی استان کرمان محول گردید و اتاق نیز این مهم را به شرکت «آرا» پیشنهاد کرد و شرکت بنا به مسئولیت اجتماعی خود سرمایه‌گذاری و اجرای آن را پذیرفت.

برای تشکیل ساختار حقوقی شرکت، طرح و بهره‌گیری از امکانات بخش خصوصی فراخوانی از طرف اتاق انجام شد که تنها یک نفر اعلام آمادگی برای شراکت کرد. نظر

به ماهیت کار و همچنین اهمیت حضور بخش خصوصی فعال در منطقه شرکت آرا مذاکرات فشرده و متعددی را با گلخانه‌داران جنوب استان صورت داد و موفق شد سه نفر از بزرگان کار را حاضر به مشارکت نماید. در کنار این اقدام شریکی عمانی که حضوری پرسابقه در بازار منطقه دارد نیز به جمع سرمایه‌گذاران پیوست. بدین ترتیب در تاریخ ۹۲/۰۸/۲۷ شرکت پایانه صادراتی گلشن آرای ارم در اداره ثبت شرکت‌های استان کرمان به ثبت رسید. جواز تأسیس صنعتی شرکت نیز به شماره ۹۳/۴۱۵۳۲ در تاریخ ۱۳۹۳/۰۷/۲۳ صادر شده است. در حال حاضر طرح به ۸۴ درصد پیشرفت فیزیکی و ۵۷ درصد پیشرفت هزینه‌ای دست یافته است.

علی‌رغم این

قابلیت‌ها جنوب

استان فاقد

پایانه مجهز و

مدرن صادراتی،

میوه، سبزی

و صیفی‌جات

است، با این

همه باغداران

و گلخانه‌داران

منطقه بازارهای

مهم صادراتی

را در کشورهای

عراق و روسیه به

دست آورده‌اند.

به این ترتیب یکی

از مطالبات مهم

و تاریخی فعالان

اقتصادی جنوب

استان کرمان

احداث پایانه

صادراتی مذکور

می‌باشد که نقش

مهم و بسزایی

در رونق امر

تولید و صادرات

محصولات

گلخانه‌ای، زراعی

و باغی خواهد

داشت.

♦♦ دولت در اجرای این طرح چه نقشی بر عهده دارد و در

جهت ارزیابی آن چه اقداماتی انجام داده است؟

در خصوص نقش نهادهای دولتی در اجرای طرح می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

بخش ثابت- ارزی: تسهیلات مصوب از منابع ارزی صندوق توسعه ملی با عاملیت بانک توسعه تعاون به مبلغ ۲,۱۶۲,۸۳۲ دلار می‌باشد که مبلغ ۱,۴۴۶,۵۵۵ دلار آن بابت تأمین تجهیزات خارجی دریافت شده است. تجهیزات درجه‌بندی توسط سازندگان مربوطه ساخته شده و پس از حمل و ترخیص به سایت پروژه حمل شده‌اند و ۱۴۹,۷۸۵ دلار نیز پس از اتمام نصب و راه‌اندازی ماشین‌آلات به سازنده پرداخت خواهد شد. لازم به ذکر است به علت محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها، امکان استفاده از باقی‌مانده تسهیلات مصوب پروژه فراهم نبوده و با هماهنگی بانک عامل و با اخذ مجوز از وزارت صنعت معدن و تجارت، از مانده تسهیلات انصراف داده شده است. گفتنی است در حال حاضر مراحل اصلاح مبلغ مصوب اولیه در صندوق توسعه ملی در دست اقدام می‌باشد.

بخش ثابت-ریالی: در سال ۱۳۹۸ در بخش ریالی نیز پایانه نائل به دریافت مصوبه استانی تسهیلات به مبلغ ۹۰ میلیارد ریال، باز هم با عاملیت بانک توسعه تعاون گردید. گفتنی است پرونده کلیه مراحل کارشناسی تسهیلات توسط بانک عامل صورت پذیرفته است، اما اعطای تسهیلات منوط به حصول نتیجه از صندوق توسعه ملی در خصوص موارد تمدید دوران مشارکت مدنی تسهیلات ارزی و نیز اصلاح مصوبه ارزی شده است.

♦♦ به نظر شما شیوه‌های مناسب تقویت شرکت در

ایجاد و توسعه پایانه‌های صادراتی و استفاده بهینه از

کلیه طرح‌های جاری سرمایه‌گذاری کشور را با چالش‌های جدی روبه‌رو کرده و زمان بهره‌برداری از این طرح‌ها را دچار تطویل‌های زمانی نموده است. بدیهی است که پروژه پایانه صادراتی گلشن آرای ارم نیز از این قاعده مستثنی نبوده و فرایند اجرایی پروژه را در مقاطعی دچار مسائل و مشکلات زمان‌بر و هزینه‌بر کرده است. در چنین شرایطی رویه‌های به ظاهر عادی در برخی مراجع دولتی، به وقت عمل تبدیل به معضلات لاینحل می‌گردند؛ برای مثال می‌توان به درخواست تأمین مالی بخش ثابت ریالی این شرکت اشاره نمود که علی‌رغم اخذ سه مصوبه دولتی طی سه سال متوالی ۹۶، ۹۷ و ۹۸، هنوز پرونده این شرکت در شبکه، منتج به اخذ مصوبه نگردیده است و در چرخه به ظاهر بی‌پایانی گرفتار آمده است؛ و یا طولانی شدن فرسایشی فرایند ترخیص ماشین‌آلات از گمرک و نیز تحمیل هزینه‌های چشمگیر و ناخواسته به علت مشکلات ناشی از بحران‌های ارزی و به تبع آن صدور بخشنامه‌ها و قوانین پرشمار ثانویه در جهت کنترل سوءاستفاده‌های احتمالی که به خودی خود موجب طولانی شدن فرایندهای عادی گمرکی گردید، اما معطلی یک‌ساله ماشین‌آلات خط تولید پایانه در گمرک و تحمیل استرداد دو دستگاه لیفتراک فوق‌العاده باکیفیت به مبدأ، مسائلی نیستند که بتوان به سادگی از کنارشان عبور کرد.

اما به دور از انصاف است که از همکاری و دلسوزی بی‌مضایقه مقامات استان چه در مجموعه اداره صنایع و چه در شعب کرمان و جیرفت بانک توسعه تعاون سخنی به میان نیارد و قدردان زحمات این بزرگواران نبود. در همه احوالات فوق، مجموعه اتاق بازرگانی همواره با رویکردی مجدانه، در جهت کمک به پایانه قدم برداشته است.

◆ **انتظارات و پیشنهادهای شما در تقویت و حمایت از شرکت و طرح ایجاد و توسعه پایانه و پروژه‌های مربوطه چیست؟**

- تسهیل فرایند تأمین مالی و اخذ تسهیلات بلندمدت ریالی که در حال حاضر در اداره اعتبارات بانک توسعه تعاون در انتظار تعیین تکلیف و کارسازی است،
- اخذ حمایت سازمان‌های ذی‌ربط به منظور کمک به ثبت شرکت به عنوان پایانه صادراتی جهت حصول امکان بهره‌مند شدن منطقه از مزایای پایانه‌های صادراتی از قبیل امکان استقرار گمرک، بانک، استاندارد، قرنطینه، شرکت‌های حمل‌ونقل، اتاق‌های بازرگانی، شرکت‌های بیمه و ... در محل پروژه. ◆◆

منابع در این جهت چیست؟

نظر به این‌که در نظر است اجرای طرح تا اوایل سال ۱۴۰۰ به انجام برسد لذا پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:
- حمایت و پشتیبانی سهامداران، خصوصاً سهامدار خارجی در جهت ورود به بازارهای صادراتی و ارتباط با کانال‌های توزیع محصول در بازارهای مقصد،
- تلاش در جهت جذب سهامدار جدید در راستای توسعه بازار صادراتی و تسهیل ورود در بازارهای هدف که مهم‌ترین و بزرگ‌ترین آن‌ها کشور روسیه می‌باشد و همچنین به منظور تأمین منابع ریالی موردنیاز جهت تکمیل فعالیت‌های اجرایی پروژه،
- مذاکره با بانک‌ها و نهادهای مالی مرتبط به منظور تأمین سرمایه در گردش موردنیاز طرح جهت خرید مواد اولیه،
- تداوم حمایت ارگان‌های مسئول جنوب استان در جهت تسهیل اخذ تسهیلات موردنیاز و نیز پیشبرد امور اداری مرتبط.

◆ **در مورد موانع فرا راه اجرای طرح به‌ویژه مشکلاتی که سبب هزینه‌های اضافی و غیرضروری گردیده است، توضیح دهید.**

- علی‌رغم تکمیل سهم سرمایه‌گذاری سهامداران در موعد زمانی مقرر، تطویل زمانی در دریافت و کارسازی تسهیلات ارزی موجب طولانی‌تر شدن فرایند اجرایی پایانه شده است. گفتنی است تسهیلات ریالی مصوب نیز از این قاعده مستثنی نبوده، چنان‌که تا تاریخ این گزارش هنوز اعطایی صورت نپذیرفته است. بدیهی است موارد فوق، به خودی خود موجب عدم امکان تطابق برنامه‌ریزی و اجزای فعالیت‌های پیمانکاری گردیده است،
- شرایط خاص و دشوار کاری در منطقه جیرفت طی فصول خردادماه تا مهرماه، به علاوه دشواری یافتن پیمانکاران توانا و نیز عدم ایفای مناسب تعهدات از جانب پیمانکاران به دلیل مسائل ناشی از صلاحیت فنی و افزایش نرخ ارز و زبان ده شدن قراردادهای آنان،
- افزایش مهارت‌گسیخته قیمت اقلام خریدنی پروژه ناشی از افزایش نرخ ارز، تورم و از همه مهم‌تر تحریم‌ها و متعاقباً کسری نقدینگی پروژه و سهام‌داران.

◆ **درمجموع ارزیابی شما از چگونگی هماهنگی و همراهی مراجع دولتی و مالی و نیز اتاق بازرگانی در تصویب و اجرای طرح پایانه از ابتدا تاکنون چیست؟**
بر کسی پوشیده نیست که شرایط دشوار کنونی کشور

علی‌رغم
تکمیل سهم
سرمایه‌گذاری
سهامداران در
موعد زمانی
مقرر، تطویل
زمانی در دریافت
و کارسازی
تسهیلات ارزی
موجب طولانی‌تر
شدن فرایند
اجرایی پایانه
شده است.
گفتنی است
تسهیلات ریالی
مصوب نیز از این
قاعده مستثنی
نبوده، چنان‌که تا
تاریخ این گزارش
هنوز اعطایی
صورت نپذیرفته
است. بدیهی
است موارد فوق،
به خودی خود
موجب عدم
امکان تطابق
برنامه‌ریزی
و اجزای
فعالیت‌های
پیمانکاری
گردیده است،

نگرشی مختصر بر صنعت حمل و نقل و لجستیک در ایران

محمد مددی زاده

دکترای کشاورزی و دبیر کمیسیون امور زیربنایی و سرمایه گذاری اتاق کرمان



علی نقوی

عضو هیئت نمایندگان و رئیس کمیسیون امور زیربنایی و سرمایه گذاری اتاق کرمان



مقدمه

تحت عنوان عملکرد لجستیکی معرفی می شود وابسته است. داشتن عملکرد لجستیکی بهتر و تسهیل سازی تجارت به نحو قابل ملاحظه ای با شکوفایی تجارت، تنوع صادرات، جذابیت برای سرمایه گذاری مستقیم خارجی و رشد اقتصادی مرتبط است. صنعت حمل و نقل به عنوان مهم ترین زیر بخش لجستیک

امروزه توانایی یک کشور در تجارت جهانی به دسترسی بخش تجارت آن به شبکه های لجستیکی جابه جایی کالا و مسافر در سطح جهانی وابسته است، همچنین کارایی زنجیره های تأمین یک کشور به ویژگی های مشخصی از اقتصاد داخلی آن کشور که

صنعت حمل و نقل

به عنوان

مهم ترین زیر

بخش لجستیک

(بیش از ۶۰ درصد از خدمات

لجستیکی از نوع

حمل و نقل است)

به دلیل اهمیت

ویژه و جایگاه

مهمی که در

اقتصاد جوامع

بشری دارد یکی

از شاخص های

توسعه یافتگی

کشورها محسوب

می شود و

پیشرفت و توسعه

آن نقش مهمی

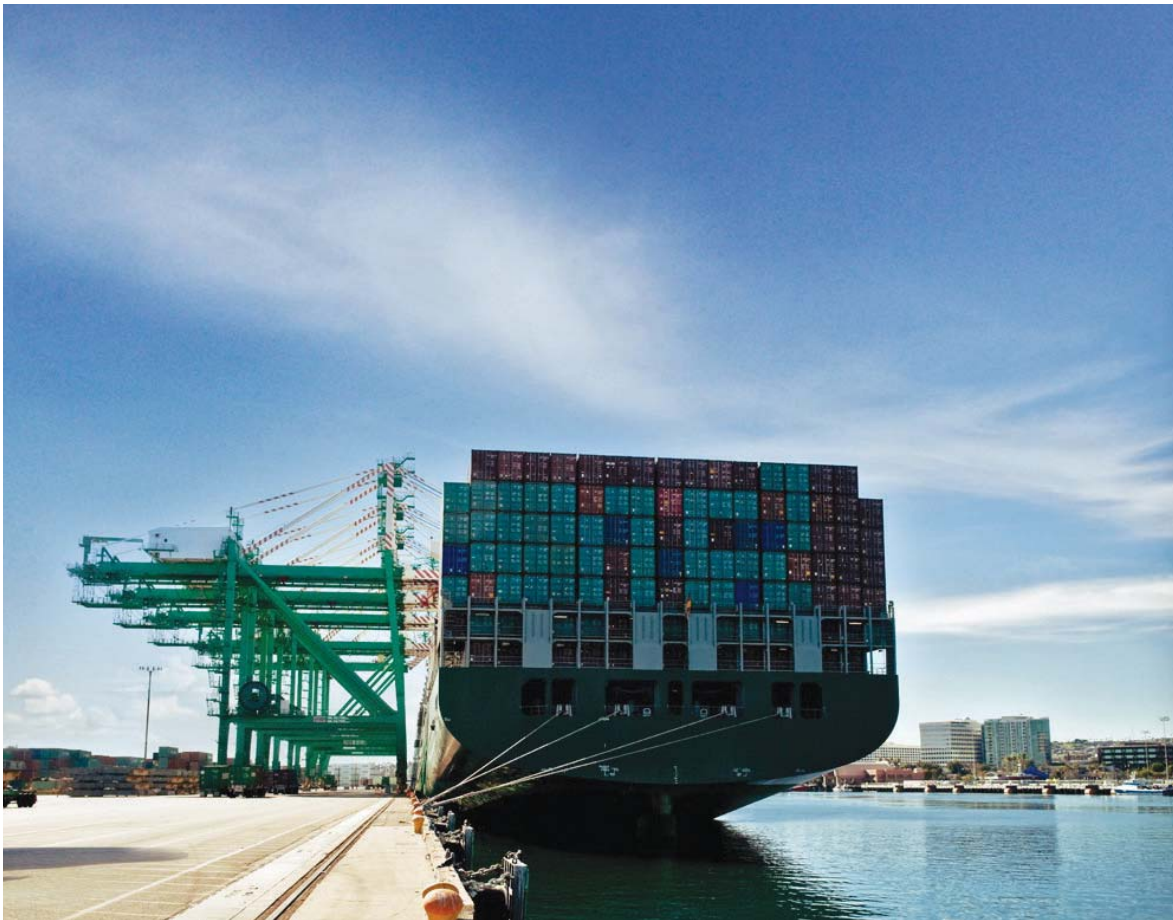
در ایجاد تحول در

سایر بخش های

صنعتی، کشاورزی

و تولیدی ایفا

می کند.



حمل و نقل کشور در گرو توجه همزمان و رشد هماهنگ ابعاد مختلف آن (جنبه‌های اقتصادی، فنی و مهندسی، زیست‌محیطی، قوانین و مقررات، ایمنی و غیره) خواهد بود.

صنعت حمل و نقل به سه بخش حمل و نقل زمینی (جاده‌ای و ریلی)، حمل و نقل هوایی و حمل و نقل دریایی تقسیم‌بندی می‌شود که بیش از ۹۰ درصد جابه‌جایی کالا و مسافر در کشور از طریق حمل و نقل زمینی صورت می‌گیرد.

نگاهی به هدف‌گذاری‌های کلان و برنامه‌های توسعه‌ای کشور در زمینه لجستیک و حمل و نقل

سند چشم‌انداز ۱۴۰۴:

طبق سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور، ایران در سال ۱۴۰۴ باید کشوری دارای جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و

(بیش از ۶۰ درصد از خدمات لجستیکی از نوع حمل و نقل است) به دلیل اهمیت ویژه و جایگاه مهمی که در اقتصاد جوامع بشری دارد یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی کشورها محسوب می‌شود و پیشرفت و توسعه آن نقش مهمی در ایجاد تحول در سایر بخش‌های صنعتی، کشاورزی و تولیدی ایفا می‌کند؛ زیرا بر اساس آخرین آمار هر واحد رشد اقتصادی در کشورها مستلزم ۱٫۵ الی ۲ واحد رشد در بخش حمل و نقل است. بحث جاده با توجه به موقعیت جغرافیایی ایران و میزان عدم توسعه‌یافتگی سایر بخش‌های حمل و نقلی اهمیت بیشتری می‌یابد. از این‌رو ضرورت وجود چشم‌انداز و برنامه منسجم استراتژیک و به تبع آن مدیریت استراتژیک در کنار عملکرد ساختارهای تشکیلاتی مناسب در فعالیت حمل و نقل جاده‌ای بار، به‌منظور تقویت کارایی اقتصادی ملی، افزایش توجه اقتصادی در تولید خدمات حمل و نقل و ارتقاء انگیزه سرمایه‌گذاری و تشکیل سرمایه در این زیر بخش مهم و زیربنایی کشور بیش از هر زمان دیگری احساس می‌گردد. بی‌تردید شکوفایی و رونق صنعت

ضرورت وجود

چشم‌انداز و

برنامه منسجم

استراتژیک و به

تبع آن مدیریت

استراتژیک در

کنار عملکرد

ساختارهای

تشکیلاتی مناسب

در فعالیت

حمل و نقل

جاده‌ای بار،

به‌منظور تقویت

کارایی اقتصادی

ملی، افزایش

توجه اقتصادی

در تولید خدمات

حمل و نقل و

ارتقاء انگیزه

سرمایه‌گذاری و

تشکیل سرمایه

بیش از هر زمان

دیگری احساس

می‌گردد.



مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل باشد. بدون شک تبدیل شدن کشور به هاب لجستیکی منطقه که مهم‌ترین شرط آن توسعه صنعت حمل‌ونقل کشور است را می‌توان یکی از محورهای تحقق جایگاه اول اقتصادی کشور در سطح منطقه دانست.

سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی:

نگاه اجمالی به بندهای ۳، ۵، ۱۰، ۱۱ و ۱۲ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به‌وضوح بر لزوم تقویت عوامل تولید، تأمین زیرساخت‌های لازم برای تولید و صادرات و تسهیل نقل‌وانتقالات داخلی و خارجی و ... تأکید دارد که تحقق این مهم در گام اول جز با ایجاد شبکه حمل‌ونقل کارآمد به‌عنوان زیرساختی پایه‌ای در کشور میسر نخواهد بود.

سیاست‌های کلی نظام در بخش حمل‌ونقل:

در سیاست‌های کلی نظام در خصوص حمل‌ونقل، توسعه و اصلاح شبکه حمل‌ونقل در چندین محور با هدف عمده بهره‌گیری از موقعیت ارزشمند ترانزیتی کشور جهت تبدیل شدن به هاب ترانزیتی و نهایتاً سودآوری ملی تأکید شده است.

برنامه‌های توسعه پنج‌ساله اول تا ششم کشور:

بررسی دیدگاه برنامه‌های توسعه پنج‌ساله کشور در خصوص موضوع حمل‌ونقل، حاکی از آغاز اتخاذ دیدگاه کلان این برنامه‌ها از برنامه چهارم توسعه در قبال صنعت حمل‌ونقل کشور است. مسئله مهم این است که در طول برنامه‌های توسعه کشور بعضاً و به‌صورت مقطعی به مسائل خرد و کلان حوزه حمل‌ونقل به طرق غیرمنسجم پرداخته شده و در هیچ‌کدام از دوره‌ها برنامه مدون و منسجمی برای پوشش تمامی مسائل مربوطه وجود نداشته است.

به‌طور کلی با وجود ضرورت آشکار تجهیز و توسعه صنعت حمل‌ونقل کشور و تأکید سیاست‌های کلی کشور بر این مهم، متأسفانه به‌وضوح می‌توان ادعا نمود علی‌رغم موقعیت خاص جغرافیایی و ظرفیت‌های عظیم لجستیکی، آن‌چنان‌که باید اقدامات شایسته در این زمینه جهت بهره‌مندی از مزایای متعدد این زیرساخت اساسی در کشور صورت نگرفته است.

با توجه به سرعت چشمگیر رشد و توسعه زیرساخت‌های اساسی لجستیکی نظیر حمل‌ونقل در دنیای امروزی، تعلل در تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اقدامات لازم در این زمینه ضمن عقب‌ماندگی از رشد جهانی، هزینه‌های بسیار گزافی را نیز بر سیستم فعلی کشور تحمیل می‌کند.

وضعیت ایران از دیدگاه شاخص جهانی عملکرد لجستیک (LPI)
شاخص عملکرد لجستیک، یک شاخص بین‌المللی است

که توسط بانک جهانی تعریف شده و برای تعیین وضعیت عملکرد لجستیکی (متشکل از میزان کیفیت سیستم حمل‌ونقل، سهولت ارسال و تحویل کالا و ...) کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد. این شاخص به تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران ملی، سیاست‌گذاران، متخصصان لجستیک و تاجران کمک می‌کند تا بتوانند چالش‌ها و موانع لجستیکی پیش روی خود را برای تجارت بین‌المللی شناسایی نموده، عملکرد کلی کشورها را در رابطه با لجستیک تجاری و میزان ارتباط فعالیت‌های تجاری هر کشور با بازارهای بین‌المللی در ابعاد مختلف ارزیابی کرده و از این طریق شرکای تجاری خود را انتخاب کنند. یکی دیگر از دلایل اهمیت این شاخص آن است که پیش‌بینی‌های حمل‌ونقل ترکیبی و تک‌وجهی برای انتخاب مسیرهای عبوری به نوعی از شاخص LPI استفاده کرده و ترجیح می‌دهند با کشورهای تعامل داشته باشند که میزان LPI بالایی دارند. رتبه ایران در عملکرد لجستیک در بین ۱۶۰ کشور مورد بررسی در سال ۲۰۱۶، برابر ۹۶ و این رتبه در سال ۲۰۰۷ از بین ۱۵۰ کشور برابر ۷۸ بود. در حال حاضر کشور آلمان دارای بهترین وضعیت لجستیک در جهان است و از کشور سنگاپور طی دهه اخیر سبقت گرفته است. در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، طی یک دهه اخیر کشور امارات متحده عربی دارای بهترین وضعیت لجستیک است که اخیراً آن را بهبود بخشیده است. همچنین شایان ذکر است کشورهای قطر، مصر و قزاقستان بیشترین تحول را طی یک دهه اخیر در مؤلفه‌های لجستیک خود ایجاد نموده‌اند و جایگاه خود را به نحو قابل توجهی ارتقا بخشیده‌اند.

بررسی مختصر و اشاره به کشورهای موفق در زمینه توسعه لجستیک

برخی از کشورهای پیشرو در حوزه لجستیک و حمل‌ونقل، تنها با دارا بودن نسبتی کمتر از مزیت‌های لجستیکی ایران، خود را به‌عنوان کشوری ممتاز در این حوزه مطرح نموده که در برخی موارد درآمدی بیشتر از درآمد نفتی ایران دارند. برخی کشورهای همسایه با درک صحیحی از شرایط محیطی و آینده‌نگری به‌موقع، به‌طور شایسته‌ای از موقعیت منحصر به فرد منطقه خاورمیانه در راستای توسعه لجستیک و تجارت خود بهره برده‌اند.

امارات متحده عربی: امارات در حال حاضر به‌عنوان یک هاب تجاری و لجستیکی برجسته در سطح منطقه و جهان شناخته می‌شود. ایجاد تنها شهر لجستیکی در دنیا در امارات (شهر لجستیکی دبی)، احداث بزرگ‌ترین بندر ساخت دست بشر (بندر جبل علی)، ساخت یکی از

- بررسی دیدگاه
- برنامه‌های توسعه
- پنج‌ساله کشور در
- خصوص موضوع
- حمل‌ونقل، حاکی
- از آغاز اتخاذ
- دیدگاه کلان این
- برنامه‌ها از برنامه
- چهارم توسعه
- در قبال صنعت
- حمل‌ونقل کشور
- است. مسئله مهم
- این است که در
- طول برنامه‌های
- توسعه کشور
- بعضاً و به‌صورت
- مقطعی به مسائل
- خرد و کلان حوزه
- حمل‌ونقل به
- طرق غیرمنسجم
- پرداخته شده و در
- هیچ‌کدام از دوره‌ها
- برنامه مدون و
- منسجمی برای
- پوشش تمامی
- مسائل مربوطه
- وجود نداشته
- است.

کوچک، متوسط و بزرگ که به‌طور عمده به راه‌آهن متصل می‌باشند، رشد برخی صنایع نظیر صنعت خودرو، صنایع دارویی، صنایع کالاهای مصرفی بی‌دوام، ظهور خرده‌فروشی سازمان‌یافته، افزایش تجارت خارجی و تبدیل هند به هاب تولیدی در سطح منطقه و جهان اشاره نمود.

مهم‌ترین موانع توسعه لجستیک در کشورهای در حال توسعه

بانک جهانی در گزارشی، پنج عامل اصلی را مهم‌ترین موانع توسعه لجستیک و مدیریت سیستم حمل‌ونقل و زنجیره تأمین در کشورهای در حال توسعه معرفی کرده است که در اکثریت موارد موانع موجود در اجرای لجستیک در ایران را تأیید و تصدیق می‌کند.

- مسائل مربوط به زیرساخت‌ها (زیرساخت‌های ضعیف حمل‌ونقل و قوانین متعدد مربوط به آن، سیستم‌های مخابراتی ضعیف، ناوگان حمل‌ونقل فرسوده و ناکافی، شبکه جاده‌ای ضعیف، انبارهای ناکافی، شبکه راه‌آهن قدیمی و غیره)،

- چالش‌های سیستم اقتصادی (درک ضعیف از اقتصاد بازار، ضعف در برنامه‌ریزی اقتصادی واقع‌بینانه و عملی، ضعف در تثبیت مسیر اقتصادی، بازار کوچک داخلی و کمبود اطلاعات در بازار، سیستم بانکی ناکار و نرخ‌های بهره بالا، مشکلات و نارسایی‌ها در حمایت‌های اقتصادی دولت، ناکارآمدی نظام مالیاتی و...)،

- مشکلات سیستم اداری (مدیریت بوروکراتیک و عدم هماهنگی‌های میان سازمانی در زنجیره، عدم انعطاف‌پذیری سیستم، عدم اعتماد بین اجزای زنجیره و طولانی بودن سیستم‌های قضایی جهت رفع دعاوی، کمبود نیروهای صلاحیت‌دار و...)،

- مشکلات مدیریتی (مقاومت در برابر تغییرات، درک ضعیف از تعادل هزینه/خدمت، بی‌اطلاعی از وجوه مشترک امور لجستیکی - بازاریابی و تولید، ضعف در نوآوری و پیشروی، ضعف در تخصص‌گرایی و...)،

- مشکلات کلان (عدم ثبات سیاسی، ضعف در استمرار خط و مشی‌ها، منابع مالی ناکافی، عدم رعایت مقررات).

مشکلات و چالش‌های لجستیک و صنعت حمل‌ونقل در ایران

علی‌رغم وجود پتانسیل‌ها و مزیت‌های عظیم توسعه لجستیک در ایران و تبدیل شدن به هاب لجستیکی منطقه و حتی جهان، شوربختانه این امر در کشور ما مغفول مانده که به صورت مختصر به طرح مهم‌ترین چالش‌های پیش‌رو و دلایل عدم توفیق آن می‌پردازیم.

بزرگ‌ترین فرودگاه‌های دنیا (فرودگاه آل مکتوم) و بسیاری نمونه‌های موفق دیگر سبب شده تا کشور امارات که به لحاظ موهبت‌های خدادادی و طبیعی کمترین مزیت‌های لجستیکی را در خود داشته است، طی دهه‌های اخیر رشد خیره‌کننده‌ای در ایجاد و بهره‌برداری از زیرساخت‌های لجستیکی داشته باشد. کشوری که برخلاف ایران در حوزه حمل‌ونقل زمینی (جاده‌ای و ریلی) هیچ مزیتی نداشته و به علت وسعت اندک و اقلیم نامناسب، زیرساخت‌های مناسب برای حمل‌ونقل زمینی در آن ایجاد نشده و ایجاد آن با سختی و صرف هزینه زیاد ممکن است.

ترکیه: کشور ترکیه با توسعه زیرساخت‌های لجستیکی خود (بنادر، راه‌آهن، شبکه جاده‌ای و ...) و به کارگماردن ناوگان مناسب به یکی از مهم‌ترین کشورهای ترانزیتی منطقه و جهان تبدیل شده است. این کشور به یک هاب ترانزیتی برای حمل کالاهای تجاری و مسافر بین قاره آسیا و اروپا تبدیل شده است.

کره جنوبی: دارای رتبه ۲۴ شاخص عملکرد لجستیکی در بین ۱۶۰ کشور در سال ۲۰۱۶ است. این کشور از دهه ۱۹۹۰ تدوین و اجرای برنامه‌ها و قوانین لجستیکی جامع را در دستور کار خود قرار داده است؛ درحالی‌که پیش از آن، برنامه‌های لجستیکی به صورت مجزا و بر روی تک‌تک مدل‌های حمل‌ونقل تمرکز داشتند (شرایط مشابه روند فعلی توسعه لجستیک و حمل‌ونقل در ایران). از دهه ۲۰۰۰، سیاست‌های لجستیکی این کشور به جای فقط پشتیبانی صنعت، بر روی توسعه خود لجستیک به‌عنوان یک صنعت مجزا و هاب لجستیکی منطقه تمرکز یافت. اقدامات گسترده این کشور در ابعاد مختلف نظیر تدوین سند چارچوب سیاست‌های لجستیک (شامل توسعه فیزیکی تأسیسات و تجهیزات لجستیکی، استانداردسازی در حوزه لجستیک، توسعه قابلیت برای کارایی لجستیک) و تدوین برنامه جامع لجستیک ملی (شامل چشم‌انداز، اهداف و راهبردها در حوزه زیرساخت‌های فیزیکی، زیرساخت‌های غیرفیزیکی، پایداری، جهانی‌سازی و لجستیک داخلی) صورت گرفته است.

هند: (رتبه ۳۵ شاخص عملکرد لجستیک در بین ۱۶۰ کشور جهان در سال ۲۰۱۶) در دهه اخیر عوامل گوناگونی به رشد صنعت لجستیک در کشور هند کمک نموده‌اند که از جمله می‌توان به وجود رقابت و هزینه‌های فزاینده، تمرکز روی برون‌سپاری (توسعه شرکت‌های خدمات لجستیک طرف سوم)، ورود بازیگران خارجی، تغییر در سیستم مالیاتی (حذف سیستم مالیاتی چندلایه و خروج از شبکه بوروکراتیک به‌منظور تسهیل توسعه تجارت)، مشوق‌های دولتی فراوان در زمینه ایجاد پارک‌های لجستیک چندوجهی

برخی از کشورهای

پیشرو در حوزه

لجستیک و

حمل‌ونقل،

تنها با دارا بودن

نسبتی کمتر

از مزیت‌های

لجستیکی ایران،

خود را به‌عنوان

کشوری ممتاز

در این حوزه

مطرح نموده که

در برخی موارد

درآمدی بیشتر

از درآمد نفتی

ایران دارند.

برخی کشورهای

همسایه با درک

صحیحی از

شرایط محیطی

و آینده‌نگری

به‌موقع، به‌طور

شایسته‌ای

از موقعیت

منحصربه‌فرد

منطقه خاورمیانه

در راستای توسعه

لجستیک و

تجارت خود بهره

برده‌اند.

تعیین و یا از ایجاد آن‌ها حمایت نموده و تعریف شفاف‌ی از مشخصات و کارکردهای مختلف انواع این مراکز ارائه دهد،
- عدم وجود برنامه‌ای مشخص در خصوص تعیین تعداد و محل ایجاد این مراکز و شبکه‌های آن‌ها،
- نبود طرح کلان مکان‌یابی مراکز لجستیکی موردنیاز کشور به همراه رویکرد ویژه هرکدام از آن‌ها،
- عدم توسعه شرکت‌های لجستیک طرف سوم در کشور.

۳- عدم استفاده از حمل‌ونقل چندوجهی (حمل‌ونقل بین وجهی) (حمل‌ونقل ترکیبی)

حمل‌ونقل چندوجهی به‌منظور حمل یکسره کالاها از مبدأ به مقصد با قراردادی واحد تعریف می‌شود که نوعی بهره‌برداری ترکیبی از روش‌های مختلف حمل‌ونقل محسوب می‌شود. به‌عبارت‌دیگر روش نظام‌مند حمل‌ونقل چندوجهی سبب می‌شود تا از هزینه‌های سربار کاسته شده و کالا با ضریب ایمنی بالا از مبدأ حمل و به صورت یکدست به مقصد موردنظر برسد. این روش، نوعی شیوه حمل‌ونقل

۱- نبود و یا عدم اجرای صحیح طرح‌های کلان ملی توسعه لجستیک

- نبود آمایش یکپارچه لجستیک در کشور،
- نبود نقشه راه جامع لجستیک کشور،
- نابسامانی زنجیره‌های تأمین صنایع مختلف کشور (عدم وجود مشوق‌ها و زمینه‌سازی‌های لازم توسط دولت به‌منظور توسعه نهادهای غیردولتی ضروری و مرتبط)،
- نبود شاخص ملی سنجش سهم هزینه‌های لجستیکی از تولید ناخالص داخلی،
- عدم هماهنگی بین نهادی در حوزه‌های تجارت و حمل‌ونقل (نبود یک متولی واحد، موازی‌کاری در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها و...).

۲- عدم توسعه مراکز لجستیکی

- عدم تعریف وظایف و نقش نهادها در ایجاد این مراکز در کشور،
- عدم وجود قانون یا طرحی که ضوابط ایجاد این مراکز را



نیست؛ بلکه نظام هماهنگ‌کننده روش‌های مختلف حمل‌ونقل برای محموله‌ها است که در آن بازده مجموع بزرگ‌تر از جمع بازده بخش‌ها به تنهایی است.

۴- عدم مشارکت بخش خصوصی در توسعه لجستیک

۵- عدم توسعه زیرساخت‌های فیزیکی لجستیکی (در چهار بخش حمل‌ونقل جاده‌ای، ریلی، هوایی و دریایی):

- در حمل‌ونقل و جابجایی جاده‌ای عبارت از: نبود زیرساخت‌های جاده‌ای کافی در مسیرهای ترانزیتی کشور، عدم اتصال همه مراکز استان‌ها به شبکه‌های بزرگراهی و مراکز شهرستان‌ها به راه‌های اصلی، فرسودگی ناوگان جاده‌ای کشور و عدم بهره‌برداری اقتصادی از ناوگان و پایین بودن بازدهی سرمایه،

- در حمل‌ونقل و جابجایی ریلی شامل: سهم بسیار پایین حمل‌ونقل ریلی در حمل‌ونقل برون‌شهری کشور، توجه ناکافی به بهره‌برداری در حمل‌ونقل ریلی، نبود سیاست جدی در ارائه خدمات چندوجهی و حمل ترکیبی بار و فقدان حمل‌ونقل سریع‌السیر و مجهز نبودن شبکه به سیستم‌های برقی،

- در حمل‌ونقل و جابجایی هوایی؛ نبود ترمینال‌های کارگو در فرودگاه‌های بین‌المللی کشور، فرسوده بودن ناوگان، سهم ناچیز بخش هوایی از ترانزیت کالای بین‌المللی و سهم پایین فرودگاه‌های استانی با عملکرد بین‌المللی از جابجایی بار هوایی صادره از کشور،

- در حمل‌ونقل و جابجایی دریایی؛ ضعف و ناهماهنگی شبکه‌های پس‌کرانه‌ای، عدم ارائه خدمات پیشرفته دریایی در بنادر منطبق با فناوری‌های بنادر نسل سوم و بالا بودن عمر ناوگان تجاری دریایی.

نبود هاب‌های لجستیکی در ایران

بهره‌گیری از مزیت جغرافیایی و ژئواکونومیک برای تبدیل یک کشور به هاب لجستیکی نیازمند توسعه و ایجاد زیرساخت‌های مناسب است. هاب‌های لجستیکی از مهم‌ترین نیازمندی‌های تبدیل کشور به هاب تجاری هستند؛ چرا که این زیرساخت‌ها مکانی برای تجمع جریان‌های کالایی و سپس تفرق آن‌ها به سمت مقاصد مختلف است که در فاصله بین دریافت تا ارسال آن‌ها توسط هاب لجستیکی، عملیاتی نظیر ذخیره‌سازی، تفکیک و ادغام، انواع عملیات ارزش افزوده مانند مونتاژ سبک یا بسته‌بندی و غیره انجام می‌شود. از نمونه‌های موفق هاب‌های لجستیکی می‌توان به کشورهای هنگ‌کنگ، سنگاپور، آلمان و امارات متحده عربی اشاره کرد.

چالش‌های لجستیک و صنعت حمل‌ونقل در ایران از دیدگاه فعالان بخش ترانزیت و حمل‌ونقل بین‌المللی بر اساس نهادهای ذی‌ربط و به ترتیب اهمیت هر کدام از آن‌ها (وزارت راه و شهرسازی، کارگروه ملی لجستیک، سال ۱۳۹۵)

- تعدد نهادهای نظارتی و مؤثر در حوزه ترانزیت و فرایندهای ورود و خروج کالا (فرابخشی)،

- پایین بودن سرعت سیر تجاری بار و قابلیت اطمینان زمان تحویل بار (شرکت راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران)،

- چندگانگی در نهادهای متولی سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در حوزه لجستیک و حمل‌ونقل (بالاخص وزارت صنعت، معدن و تجارت) (فرابخشی)،

- عدم استفاده از تکنولوژی و تجهیزات نوین کنترل و ردیابی ناوگان در فرایند ترانزیت (ناجا)،

- تضاد برخی از مقررات امور گمرکی با مفاد کنوانسیون‌های بین‌المللی (اخذ عوارض گمرکی از کالاهای از بین رفته و غیرقابل استفاده) (گمرک ایران)،

- نگاه امنیتی برخی ارگان‌ها و نهادها به مقوله ترانزیت (فرابخشی)،

- مشکلات حواله ارزی و دادوستد مالی برای شرکت‌های حمل‌ونقل بین‌المللی (بانک مرکزی ایران)،

- مشکل ۲۴ ساعته نبودن برخی از گمرکات مرزی (گمرک ایران)،

- درخواست برخی مجوزهای غیرضروری و خلاف مقررات برای محموله‌های ترانزیتی (گمرک ایران)،

- عدم توسعه مناسب زیرساخت‌های حمل‌ونقل ریلی در بنادر (سازمان بنادر و دریانوردی)،

- عدم بهره‌گیری از روابط بین‌المللی برای ارتقای نقش کریدورهای ترانزیتی ایران در مجامع بین‌المللی (وزارت امور خارجه)،

- کمبود تجهیزات بازرسی و کنترل‌های مکانیزه مربوط به گمرک در مبادی ورودی و خروجی (X-Ray) (گمرک ایران)،

- عدم انطباق مصادیق قاچاق در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز با قوانین گمرک و ترانزیت (مجلس شورای اسلامی)،

- عدم آشنایی ممیزان مالیاتی با روال کسب‌وکار و جزئیات درآمدها و هزینه‌های شرکت‌های فعال در حوزه حمل‌ونقل و لجستیک (سازمان امور مالیاتی)،

- عدم اجرای بخشنامه معاون اول رئیس‌جمهور در خصوص مرجعیت شورای عالی ترابری در ارتباط با تصمیمات تأثیرگذار بر حوزه ترانزیت (فرابخشی)،

- اقتصادی نبودن سرمایه‌گذاری در بخش حمل‌ونقل (نرخ بالای بهره، مالیات، عوارض ورودی و...) (فرابخشی)،

- عدم وجود مکانیسم‌های رقابتی نمودن عوارض و

بهره‌گیری از مزیت

جغرافیایی و

ژئواکونومیک

برای تبدیل یک

کشور به هاب

لجستیکی نیازمند

توسعه و ایجاد

زیرساخت‌های

مناسب است.

هاب‌های

لجستیکی

از مهم‌ترین

نیازمندی‌های

تبدیل کشور

به هاب تجاری

هستند؛ چرا که

این زیرساخت‌ها

مکانی برای

تجمع جریان‌های

کالایی و سپس

تفرق آن‌ها به

سمت مقاصد

مختلف است که

در فاصله بین

دریافت تا ارسال

آن‌ها توسط

هاب لجستیکی،

عملیاتی نظیر

ذخیره‌سازی،

تفکیک و

ادغام، انواع

عملیات ارزش

افزوده مانند

مونتاژ سبک یا

بسته‌بندی و غیره

انجام می‌شود.

و مشکلات خودمالکی ناوگان حمل‌ونقل بین‌المللی جاده‌ای (سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای)،

- سیستماتیک نبودن فرایند صدور پروانه ورود موقت کامیون‌های خارجی و مشکلات ناشی از آن (گمرک ایران)،
- عدم برنامه‌ریزی برای یکپارچه‌سازی فرایندها و رویه‌های مرتبط با ترانزیت در شقوق مختلف حمل‌ونقل (وزارت راه و شهرسازی)،
- عدم وجود شعب ارزی بانک‌ها در برخی مرزهای جاده‌ای و بنادر کشور (بانک مرکزی ایران)،
- مشکلات ویزای کشورهای آسیای میانه برای رانندگان و تجار ایرانی (وزارت امور خارجه)،
- عدم انجام رویه ترانزیتی در برخی گمرکات مرزی (گمرک ایران)،
- لزوم پیگیری و تصویب لایحه قانونمند شدن سوآپ در هیئت دولت و مجلس شورای اسلامی (فرابخشی)،
- کمبود ظرفیت خطوط ریلی در برخی از کریدورهای ترانزیتی (شرکت راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران)،
- عدم توجه به مقررات مربوط به محدودیت ترانزیت در قوانین مربوطه (ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز)،
- عدم وجود زیرساخت و سامانه‌های اطلاعاتی جهت به اشتراک‌گذاری اطلاعات بین سازمان‌های ذی‌ربط (وزارت راه و شهرسازی)،
- اخذ مالیات بر ارزش افزوده بر قراردادهای بیمه ضمانت شرکت‌های حمل‌ونقل در ترانزیت (سازمان امور مالیاتی و مجلس شورای اسلامی)،
- فقدان مکانیسم تعیین عوارض و تعرفه‌های ترانزیتی به صورت هماهنگ در همه شقوق حمل‌ونقل با هدف افزایش مزیت رقابتی ترانزیت از کشور (وزارت راه و شهرسازی)،
- مشکلات تخلیه و بارگیری واگن‌ها در برخی بنادر (شرکت راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران)،
- ضعف بازاریابی و جذب مناسب کالای ترانزیتی برای حمل از طریق راه‌آهن (شرکت راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران)،
- عدم به رسمیت شناختن سوآپ در قالب ترانزیت،
- عدم برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری و ضوابط قانونی مناسب برای ایجاد شرکت‌های لجستیکی نسل جدید در کشور (وزارت راه و شهرسازی و مجلس شورای اسلامی)،
- عدم به رسمیت شناختن شرکت‌های لجستیکی و حمل‌ونقل ترکیبی (سازمان تأمین اجتماعی)،
- اخذ مالیات بر درآمد از فعالیت‌های ترانزیتی شرکت‌های حمل‌ونقل بین‌المللی (سازمان امور مالیاتی و مجلس شورای اسلامی)،
- عدم توانایی راه‌آهن برای بازگشت کانتینرهای خالی از مبادی

تعرفه‌های خدمات بندری در مقایسه با بنادر رقیب در منطقه (سازمان بنادر و دریانوردی)،

- عدم انطباق و تضاد برخی مقررات و بخشنامه‌های داخلی ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز با کنوانسیون‌ها و مقررات مرتبط با حمل‌ونقل بین‌المللی و ترانزیت (ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز)،
- تبعیض مقررات مالیاتی بین ناوگان خود مالک با ناوگان تحت مالکیت شرکت‌ها (مالیات عملکرد، مالیات نقل‌وانتقال) (سازمان امور مالیاتی)،
- عدم اولویت و پاسخگویی به‌موقع تقاضاهای حمل کالاهای ترانزیتی (شرکت راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران)،
- اخذ مالیات بر ارزش افزوده بر درآمد حاصل از ترانزیت (سازمان امور مالیاتی و مجلس شورای اسلامی)،
- عدم ضوابط قانونی و مقرراتی مناسب برای توسعه مراکز لجستیکی و زیرساخت‌های حمل‌ونقل ترکیبی (وزارت راه و شهرسازی و مجلس شورای اسلامی)،
- تعدد بازرسی‌های وسایل نقلیه حمل کالاهای ترانزیتی در مبادی ورودی و خروجی (وزارت کشور)،
- صدور بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های مربوط به ایجاد محدودیت و ممانعت از ترانزیت، بدون هماهنگی متولیان ترانزیت (وزارت کشور)،
- افزایش غیرمعمول ریسک فعالیت در حوزه ترانزیت به دلیل وجود برخی از مواد قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (مجلس شورای اسلامی)،
- دخالت مقامات محلی و استانی در نحوه فعالیت و تصمیمات تخصصی در مبادی ورودی و خروجی کالا (وزارت کشور)،
- عدم پاسخگویی به‌موقع به شرکت‌های متقاضی ترانزیت محصولات نباتی و دامی (سازمان دامپزشکی و حفظ نباتات)،
- عدم وجود زیرساخت‌های لازم جهت برقراری پهنای باند ارتباطی کافی در برخی از مرزها و مسیرهای ترانزیتی (وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات)،
- عدم استفاده از تکنولوژی‌های نوین برای نظارت و کنترل قرنطینه دامی و نباتی (سازمان دامپزشکی و حفظ نباتات)،
- سرعت پایین و موارد قطعی سامانه هوشمند ترانزیت گمرکی (گمرک ایران)،
- تفسیر سلیقه‌ای از ظن قوی در باز کردن پلمپ کانتینرها (ناجا)،
- عدم سرمایه‌گذاری کافی در توسعه زیرساخت‌های ریلی به‌منظور افزایش ترانزیت ریلی با کشورهای همسایه (شرکت راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران)،
- عدم وجود شرکت‌های توانمند و سازمان‌یافته حمل‌ونقلی

تخصصی این حوزه به واسطه اهرم‌های مختلف تحت اختیار مجموعه‌های یاد شده نظیر ظرفیت‌های قانونی موجود، بررسی و پیشنهاد تصویب قوانین کارساز و کلیدی، پیگیری قوانین و آئین‌نامه‌های مصوب مجلس و دولت، رایزنی‌های فرابخشی با عوامل، نهادها و سازمان‌های تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر در این زمینه و انعکاس نتایج حاصله و ... می‌توانند تأثیر بسزایی در ایجاد تحولات بنیادی و زیرساختی، رفع تنگناهای موجود و توسعه و رونق صنعت لجستیک و حمل‌ونقل کشور داشته باشند. شکی نیست تحقق این مهم در درجه اول مستلزم شناخت کامل ضعف‌ها و کاستی‌های موجود و سپس ارائه‌ی پیشنهادات و استراتژی‌های مناسب بر اساس پتانسیل‌های کشور است. از این‌رو اتخاذ سیاست‌ها و اجرای برنامه‌های ذیل ضروری به نظر می‌رسد:

- تدوین نقشه راه جامع و یکپارچه آمایش لجستیک کشور،
- تدوین نقشه راه جامع لجستیک کشور،
- سامان‌دهی زنجیره‌های تأمین صنایع مختلف کشور،
- طراحی شاخص ملی سنجش سهم هزینه‌های لجستیکی از تولید ناخالص داخلی،
- لزوم هماهنگی بین نهادی در حوزه تجارت و حمل‌ونقل و تعریف متولی واحد برای لجستیک،
- توسعه مراکز لجستیکی در ایران به‌خصوص شرکت‌های لجستیک عامل سوم در کشور،
- ترویج و توسعه شیوه حمل‌ونقل چندوجهی،
- ترویج و توسعه مشارکت بخش عمومی و خصوصی در توسعه لجستیک،
- توسعه زیرساخت‌های فیزیکی لجستیکی در ایران شامل زیرساخت‌های ریلی، جاده‌ای، دریایی و هوایی،
- هدف قرار دادن و برنامه‌ریزی برای تبدیل کشور به هاب لجستیکی منطقه و دنبال کردن این مسئله در توسعه شبکه حمل‌ونقل (حرکت در جهت تبدیل شدن به قدرت اقتصادی منطقه و سودآوری ملی)،
- حل مشکلات لجستیک از طریق نهادهای متولی و ذی‌ربط اعم از فرابخشی، وزارت راه و شهرسازی، شرکت راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران، ناجا، گمرک جمهوری اسلامی ایران، بانک مرکزی و ...،
- اصلاح قوانین موجود (قاچاق کالا و ارز، مالیات بر ارزش افزوده و ...)،
- تصویب قوانین جدید (قانون توسعه مراکز و شرکت‌های لجستیکی نسل جدید و زیرساخت‌های حمل‌ونقل ترکیبی، قانون سوآپ، قانون مشارکت بخش عمومی و خصوصی و ...).

کشورهای آسیای میانه که برای حمل کالاهای ترانزیتی استفاده شده‌اند (شرکت راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران)، - ضعف در جذب سرمایه‌گذاری خارجی و بخش خصوصی به‌منظور توسعه زیرساخت‌های ترانزیتی کشور (وزارت راه و شهرسازی و مجلس شورای اسلامی)،

- عدم برنامه‌ریزی و اولویت‌بندی توسعه زیرساخت‌ها مبتنی بر کردورهای ترانزیتی و استفاده مناسب از فرصت‌های کشور در حوزه ترانزیت (وزارت راه و شهرسازی)، - عدم همکاری جهت تحویل سوخت کافی به کامیون‌های ایرانی حامل محمولات ترانزیتی در حین خروج از کشور (ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق ارز و کالا)،

- ممانعت و محدودیت جهت ترانزیت در مناسبت‌های خاص (نوروز، اربعین، ترانزیت محمولات نفتی) (ناجا)، - عدم وجود بانک تخصصی در حوزه حمل‌ونقل (بانک مرکزی)،

- فقدان مکانیسم نرخ عوارض و تعرفه‌های خدمات بندری با لحاظ نمودن منافع تمامی شقوق حمل‌ونقل (سازمان بنادر و دریانوردی)،

- عدم تناسب هزینه‌های عوارض و تعرفه‌های خدمات بندری با شرایط اقتصادی (سازمان بنادر و دریانوردی)، - کمبود پرسنل متخصص در امر ترانزیت در مبادی ورودی و خروجی (گمرک ایران)،

- کمبود تجهیزات مناسب جهت ترانزیت به کشورهای آسیای میانه (شرکت راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران)، - عدم برنامه‌ریزی و انجام اقدامات موردنیاز جهت معرفی و بازاریابی مناسب فرصت‌های ترانزیتی ایران (وزارت راه و شهرسازی)،

- نامناسب بودن وضعیت راه‌های دسترسی به برخی مبادی مرزی کشور (سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای)،

- عدم وجود محل‌های مناسب جهت توقف کامیون‌های ترانزیتی در برخی مبادی ورودی و خروجی از جمله بندرعباس (سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای)،

- کمبود تیرپارک‌ها و مجتمع‌های خدمات بین‌راهی در برخی از مسیرهای ترانزیتی (سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای).

پیشنهاد راهکارها و سیاست‌های اتخاذی در راستای تحول، توسعه و رونق صنعت لجستیک و حمل‌ونقل کشور

کمیسیون حمل‌ونقل اتاق ایران ضمن هم‌اندیشی، تعامل و همکاری با افراد و مشاوران متناظر در اتاق‌های مشترک با سایر کشورها و اتاق‌های مرزی و استانی و همین‌طور انجمن‌ها و تشکل‌ها و فعالان (حقیقی و حقوقی)

نقش دانشگاه در اقتصاد استان



جریان درآمدی بیشتری را در آینده به وجود آورد. بنابراین، آموزش و افزایش توانایی و مهارت، در واقع به منزله سرمایه‌هایی است که مانند هر سرمایه فیزیکی دیگر بازدهی اقتصادی دارد.

پژوهش یکی از اساسی‌ترین الزامات در تحقق پیشرفت و توسعه همه‌جانبه کشورها است و قدرت و استقلال آن‌ها حتی در زمینه‌های اقتصادی بر پژوهش و تولید علم استوار است؛ به این دلیل نوع و سطح فعالیت‌های پژوهشی یکی از شاخص‌های اصلی توسعه و پیشرفت هر جامعه‌ای محسوب می‌شود.

موفقیت در تمام فعالیت‌های مربوط به توسعه از جمله صنایع، کشاورزی و خدمات به نحوی به گسترش فعالیت‌های پژوهشی وابسته است. پژوهش یکی از محورهای مهمی است که ضامن پیشرفت و

♦ دکتر هادی ثمره صلواتی پور

مدیر امور فناوری، ارتباط با صنعت و کارآفرینی دانشگاه شهید باهنر کرمان



هدف از این مقاله بررسی ارتباط دانشگاه با رشد و توسعه اقتصادی استان است. دانشگاه‌ها به‌عنوان اساسی‌ترین عنصر تربیت نیروی کار متخصص در کشور از سه طریق آموزش، پژوهش و فناوری می‌توانند به اقتصاد استان کمک نمایند.

امر آموزش، از جهات متفاوتی در مسائل مربوط به توسعه اقتصادی موردتوجه قرار می‌گیرد. هر نوع آموزش و مهارتی که فرد در داخل دانشگاه می‌بیند، در وی ظرفیت و قابلیت ایجاد می‌کند که می‌تواند

از منابع، افزایش مهارت‌های تولیدی و بازرگانی و نیز سودآوری اقتصادی گردد که این خود باعث کاهش بیکاری می‌شود. در کل یکی از نقش‌های دانشگاه توسعه مهارت‌های تخصصی و شغلی فرد است که نیاز صنعت و جامعه را برطرف کند.

لازم است در دانشگاه مزیت‌های نسبی جامعه به‌خوبی تشخیص داده شود. استان کرمان از قطب‌های مهم صنعت و کشاورزی در کشور است و ارتباط دانشگاه با این دو بخش می‌تواند تحولات بزرگی در بحث توسعه اقتصادی ایجاد کند.

درون‌زا شدن اقتصاد مستلزم سوق دادن تحقیقات دانشگاه به سمت بازار با مکانیزم تجاری‌سازی یا همان تکمیل زنجیره ارزش فناوری‌های نوظهور در چارچوب شبکه شرکت‌های دانش‌بنیان است. اقتصاد مقاومتی منحصر از مسیر ایجاد، رشد، توسعه و شبکه‌ای شدن شرکت‌های دانش‌بنیان محقق می‌شود؛ یعنی رشد شبکه شرکت‌های دانش‌بنیان است که موجب تولید و توزیع همزمان ثروت خواهد شد.

بی‌تردید هر فناوری ایجادشده در دانشگاه، در سطحی از آمادگی تجاری قرار ندارد که توجهی برای راه‌اندازی یک شرکت دانش‌بنیان داشته باشد. در عین حال، آمارها در خصوص بهترین مدل پیاده شده اقتصاد دانش‌بنیان در سطح بین‌الملل (دره سیلیکون وابسته به دانشگاه استنفورد)، نشان می‌دهد که کمتر از یک درصد شرکت‌های دانش‌بنیان به خود دانشگاه تعلق دارد.

به‌عبارت‌دیگر بهره‌مندی دانشگاه از ثمره تجاری شدن دستاوردهای فناورانه نرم و سخت اساتید و دانشجویان، عمدتاً از راه‌هایی به‌جز بنگاه‌داری؛ یعنی مواردی همچون فروش لیسانس، حق‌الزحمه پژوهش و حق امتیاز شرکت‌ها، خصوصاً شرکت‌های زایشی صورت گرفته است.

در حال حاضر دانشگاه شهید باهنر کرمان با راه‌اندازی مرکز رشد و نوآوری مهندس افضلی پور در داخل دانشگاه، ایده‌های خوبی را جذب نموده است و ادامه روند فعلی با همت والای مدیران دانشگاه، نویدبخش حصول توفیقات مهمی برای استان است و ان‌شاءالله با کسب یافته‌های جدید و تجاری‌سازی آن‌ها در قالب patent و ایجاد شرکت‌های زایشی از درون دانشگاه، در توسعه اقتصادی استان گام مهمی برداشته خواهد شد. ♦♦

توسعه پایدار در هر کشور به شمار می‌آید؛ زیرا دانش محصول پژوهش است و تفاوت در دانش در حال حاضر یکی از دلایل مهم در تفاوت سطح رشد اقتصادی کشورها محسوب می‌شود.

در کنار امر آموزش و پژوهش، امروزه اهمیت نوآوری، توسعه فناوری و گذر از دانشگاه‌های نسل قدیم به نسل سوم در بسیاری از دانشگاه‌ها از اهمیت زیادی برخوردار شده است. دانشگاه فناوری و دانشگاه کارآفرین باعث راه‌اندازی و ایجاد ایده‌های جدید و بازارهای جدید می‌گردد؛ بنابراین به‌صورت یک کاتالیزور برای رشد اقتصادی عمل می‌کند و باعث افزایش فعالیت‌های اقتصادی، ایجاد شغل، ثروت و درآمد گردیده و اقتصاد محلی را با سطوح بالاتر و جهانی پیوند می‌دهد.

ساختار اقتصادی دنیای امروز با گذشته به‌طور اساسی تفاوت دارد. شاخص‌های سخت‌افزاری و دارایی‌های مشهود که دیروز در جایگاه یک بنگاه اقتصادی نقش تعیین‌کننده داشت جای خود را به نوآوری، ابداع، خلق محصولات جدید و دارایی‌های نرم‌افزاری داده است.

اگر دیروز ثروتمندترین افراد دنیا آن‌هایی بودند که منابع مالی بیشتری در اختیار داشتند، نظیر راکفورها، امروز ثروتمندترین مردم دنیا افرادی دانش‌مدار و کارآفرین مانند بیل گیتس مدیر شرکت مایکروسافت در آمریکا است.

لذا توسعه اقتصادی دنیای امروز بر پایه نوآوری و خلاقیت و استفاده از دانش استوار است. دانشگاه می‌تواند با ارائه فناوری‌های متعدد به جامعه ضمن درآمدزایی، باعث تحول در بخش صنعت و ارزش افزوده فراوان آن گردد.

قطعاً امروز یکی از دغدغه‌های اساسی در کشور ایجاد اشتغال مولد برای جوانان است؛ بنابراین باید با برنامه‌ریزی دقیق بستر لازم را فراهم نمود تا یادگیری و خلاقیت در جامعه به یک فرهنگ تبدیل شود.

باید روح کارآفرینی در سراسر کشور گسترده گردد تا جوانان کشور با شور و اشتیاق وارد فعالیت‌های کارآفرینی شوند و خود مولد کار باشند نه به دنبال کار در جامعه سرگردان به سر برند.

در این خصوص دانشگاه کارآفرین می‌تواند به‌مانند یک شبکه پویای اجتماعی از مهم‌ترین منبع نوآوری موجب افزایش مهارت‌های شهروندان، استفاده بهینه

دانشگاه کارآفرین

می‌تواند به‌مانند

یک شبکه

پویای اجتماعی

از مهم‌ترین

منبع نوآوری

موجب افزایش

مهارت‌های

شهروندان،

استفاده بهینه از

منابع، افزایش

مهارت‌های

تولیدی و بازرگانی

و نیز سودآوری

اقتصادی گردد که

این خود باعث

کاهش بیکاری

می‌شود. در کل

یکی از نقش‌های

دانشگاه توسعه

مهارت‌های

تخصصی و

شغلی فرد است

که نیاز صنعت و

جامعه را برطرف

کند.



نیروی انسانی با کیفیت رفتار مولد دارد

مشاغلی را ایجاد کنند که جوانان به کار در آن مشاغل راغب باشند. برخلاف تصور عموم، اداره کار، تعاون و رفاه اجتماعی تنها در زمینه کار فعالیت نمی‌کند بلکه معاونت‌هایی را در برمی‌گیرد که نقش‌های مهمی را در حوزه روابط کار، بازرسی کار، تعاون، امور اجتماعی و اشتغال ایفا می‌نماید. در استان کرمان بیش از ۶۰۰ تشکل کارگری و کارفرمایی وجود دارد و اعتقادمان بر این است که هرچه این تشکل‌ها بیشتر شوند روابط سه‌جانبه کارگر، کارفرما و دولت بهتر خواهد شد.

♦ **رضا اسماعیلی پور**
مدیرکل اداره کار، تعاون و رفاه اجتماعی



بر این باوریم که جوانان قبل از انتخاب رشته و ورود به دانشگاه باید به زمینه‌های شغل آینده آن رشته توجه داشته باشند، همچنین مسئولان نیز موظف هستند که

در اشتغال استان طراحی و به‌عنوان راهبردی در اختیار مسئولین قرار خواهد گرفت.

مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در ضعف یا قوت فرهنگ کار

نقش کلیدی کار در توسعه و بهبود اجتماع غیرقابل‌انکار است و جامعه‌ای که خواهان پیشرفت است باید کار، فرهنگ کار و نیروی انسانی را به‌طور ویژه مورد توجه قرار دهد. وجود فرهنگ کار، مدیریت رفتارهای کارکنان است که با هدایت صحیح می‌توان به بهره‌وری فردی و نهایتاً بهره‌وری سازمانی دست یافت.

دستیابی به توسعه همه‌جانبه‌ی استان، نیازمند نیروی کاری با فرهنگ کار پیشرفته است که بتواند بهره‌وری و کارایی سازمان را ارتقا دهد. فرهنگ کار بالا، رعایت نظم در انجام کارها، سخت‌کوشی و صرفه‌جویی در مصرف کالا است. فرهنگ کار پیشرفته مجموعه‌ای از ویژگی‌ها مانند دقت و سرعت، سازگاری شغلی، انگیزه‌ی کاری، توجه به اهداف سازمانی، تسلط شخصی است و اما فرهنگ کار نامطلوب یا پس‌رونده موجب اتلاف منابع و کاهش بهره‌وری در محیط‌های کاری می‌شود.

روابط متقابل میان کار، سرمایه و محیط اجتماعی سازمان به شکلی که آن‌ها در یک مجموعه متوازن و هماهنگ قرار گیرند حائز اهمیت است. بهبود فرهنگ کار به این امر بستگی دارد که ما چگونه عوامل اصلی سیستم اجتماعی- تولیدی را مشخص می‌کنیم و به کار می‌بریم. اصولاً ارتقاء فرهنگ کار تحت تأثیر عوامل متعددی است که در یک‌طرف آن فرهنگ، ساختار اجتماعی، مسائل فنی محیط‌های کار و در طرف دیگر آن ساختار طبیعی و اقلیمی (با توجه به تنوع در خرده‌فرهنگ‌های مناطق مختلف استان کرمان) وجود دارد.

دو مورد مهم از عوامل مؤثر بر ارتقاء فرهنگ کار در استان کرمان عبارت‌اند از:

* فرهنگ محیط کار مطلوب

یکی از جلوه‌های فرهنگ کار این است که ساعات کار مفید کارکنان مورد توجه قرار گیرد. برای بالا بردن ساعات کار مفید کارکنان، لازم است بر عملکرد کارکنان به شکل منطقی نظارت شود؛ یعنی با اندازه‌پذیر کردن عملکرد، زمینه‌های عملکرد نامطلوب و خلأهای کاری از بین خواهد رفت. یکی از جنبه‌های ضعیف بودن فرهنگ کار بیکاری پنهان کارکنان است که خود منشأ بروز بسیاری از نارسایی‌ها و مشکلات سازمانی است. با سازوکارهای عملیاتی زیر می‌توان به ارتقاء ساعات مفید کار و تقویت فرهنگ کار کمک کرد.

* ارزیابی عملکرد کارکنان و مشخص شدن کار مفید از غیرمفید،



استان کرمان در سال گذشته رتبه اول تعاونی‌ها را در کشور داشته است.

تلاش می‌کنیم که مشاغل ایجاد کنیم تا جوانان به انجام آن کارها راغب باشند. جوانان هم باید قبل از انتخاب رشته تحصیلی به شغل آینده‌شان فکر کنند و در این زمینه تحقیقات لازم را انجام دهند.

پیش‌بینی ورودی بازار کار استان بیش از ۳۵ هزار نفر است، یعنی اگر ما سالانه ۳۵ هزار نفر شغل ایجاد کنیم نرخ بیکاریمان ثابت خواهد ماند. مدل عوامل مؤثر

- ▼ دستیابی
- به توسعه
- همه‌جانبه‌ی
- استان، نیازمند
- نیروی کاری
- با فرهنگ کار
- پیشرفته است که
- بتواند بهره‌وری
- و کارایی سازمان
- را ارتقا دهد.
- فرهنگ کار بالا،
- رعایت نظم در
- انجام کارها،
- سخت‌کوشی
- و صرفه‌جویی
- در مصرف کالا
- است. فرهنگ
- کار پیشرفته
- مجموعه‌ای از
- ویژگی‌ها مانند
- دقت و سرعت،
- سازگاری شغلی،
- انگیزه‌ی کاری،
- توجه به اهداف
- سازمانی، تسلط
- شخصی است
- و اما فرهنگ
- کار نامطلوب یا
- پس‌رونده موجب
- اتلاف منابع و
- کاهش بهره‌وری
- در محیط‌های
- کاری می‌شود.

انگیزه هم‌پایه و هم معیار نهایی موفقیت در يك سیستم مدیریتی است.

در واقع تحرك بخشیدن، هدایت و کنترل تمایل افراد برای کار اهمیت حیاتی در پیشرفت ملت‌ها دارد. کار نقش کلیدی در توازن بخشیدن به ساختارهای اقتصادی و اجتماعی جامعه دارد. می‌توان گفت تمام پیامدهای دیگر زندگی بشر به کار بستگی دارد. از این‌رو دوام يك سیستم اجتماعی و يك تمدن بر اساس قدرت آن در حفظ و هدایت تمایل به کار در جهت هدف‌های مطلوب قرار دارد.

در نهایت آن‌که فرهنگ کار اگرچه در بسیاری از عوامل سازمانی به‌ویژه تولید و سودآوری مؤثر است، لیکن خود در حالت رونق و تولید ارتقا می‌یابد و تقویت می‌گردد.

تحول در فرهنگ کار

برای حرکت شتابنده به سمت شکوفایی اقتصادی استان کرمان، حمایت از فرهنگ کار مطلوب و مثبت موردنیاز است. لذا وضعیت فرهنگ کار بایستی از طریق دخالت در عوامل شناخته‌شده فرهنگ کار متحول گردد و گرایش‌ها، بینش‌ها و دانش لازم نسبت به کار در جامعه و سازمان‌ها ایجاد شود. برای تحول و ارتقای فرهنگ کار استفاده و توجه به شاخص ارزش‌های درونی و بیرونی کار توصیه می‌گردد. در واقع به‌رغم پاره‌ای از نظرات موجود در جامعه، هنوز کار به‌عنوان پدیده‌ای ارزشمند تلقی شده و جا دارد تا از این نگرش به‌عنوان يك فرصت برای تحول استفاده شود و البته این موضوع باید به‌وسیله رسانه‌ها تبیین شود که کار فقط در بخش دولتی تعریف نشده بلکه افراد جویای کار می‌توانند با فراگیری و تقویت مهارت‌های موردنیاز بازار کار نقش ارزنده‌ای در تعادل عرضه و تقاضای بازار کار ایفا نمایند. نکته قابل‌تأمل آن‌که؛ مدیران سازمان‌ها و شرکت‌ها نقش خطیری در تحول فرهنگ کار برعهده دارند. این درست نیست که تا فرهنگ کار در کل جامعه اصلاح نگردد، تغییر در فرهنگ کاری يك سازمان معنی نداشته باشد. تجربه شرکت‌های موفق در استان کرمان نشانگر آن است که به‌رغم تأثیر عوامل محیطی، امکان بسیاری از تحولات مثبت در درون سازمان‌ها وجود دارد و این تحولات خود می‌تواند بسترساز تحولات وسیع‌تری در کل جامعه باشد. فرهنگ کار و نظم‌پذیری در محیط‌های کاری، زمینه‌های استفاده مفید و مؤثر از منابع انسانی و مادی را فراهم می‌سازد و آثار مطلوبی در بعد بهره‌وری و کسب مزیت رقابتی دارد. برای ارزشی کردن تولید و سودآوری، گزیری نیست جز این‌که در سازمان و جامعه فرهنگ، کار پویا رواج پیدا کند. ♦♦

• شناسایی و کنترل گلوگاه‌هایی که در آن بیکاری پنهان وجود دارد.

• اندازه‌پذیر ساختن ساعات کار مفید از طریق شاخص سازی.

• تشویق مؤثر کسانی که ساعات کاری مفید داشته‌اند.

• تفویض اختیار به کارکنان و مسئولیت خواهی در قبال کار.

• تدوین برنامه‌های مشخص کاری برای کارکنان.

• * فرهنگ کار و کیفیت زندگی کاری.

کیفیت زندگی کاری به معنی تصور ذهنی و درک و برداشت کارکنان يك سازمان از مطلوبیت فیزیکی و روانی محیط کار است. برای دستیابی به کیفیت مطلوب زندگی کاری برخی اقدامات برای افراد به شرح زیر باید انجام گیرد:

• پرداخت حقوق مناسب و عادلانه برای انجام گرفتن خوب يك کار.

• وضعیت کاری سالم و ایمن.

• امکان استفاده از مهارت‌های جدید.

• ایجاد انسجام اجتماعی در محیط کار.

• حفظ حقوق فردی و شهروندی.

• تعادل در تقسیم کار و استراحت.

• ایجاد تعهد کاری و سازمانی.

ارکان اصلی شکل‌گیری فرهنگ کار و راهکار ارتقاء آن

فرهنگ کار، بدون کار، مفهومی ندارد و کار هم بدون مهارت، معنا ندارد. کار کردن و فرهنگ کار بایستی نهادینه شود تا از این طریق بتوان بنیادهای فرهنگ کار را بنا نهاد و در جهت تقویت آن گام برداشت. فرهنگ کار به معنای پذیرش اصول، الگوها، رفتارها و قواعد صنعت تولید است که با اعمال سازوکارهایی بایستی آن را ایجاد، مراقبت و کاربردی کرد. بدون تردید ساختار اقتصادی جامعه بر فرهنگ کار مؤثر است.

کارشناسان مسائل نیروی کار برای مشخص کردن ویژگی‌های نیروی انسانی باکیفیت بالا اعتقاد دارند که می‌توان با تقویت احساس تعهد، حساسیت و وفاداری نسبت به سازمان، مهارت‌های ارتباطی خوب، توانایی‌های مشارکتی، تعهد اجتماعی، مهارت‌های فنی و پذیرش تغییر، فرهنگ کار را ارتقا داد. بدون شك می‌توان گفت نیروی انسانی که از کیفیت بالا برخوردار است رفتار مولد دارد. تنها رفتار شغلی کارگر، مهندس یا مدیر است که عملاً سبب می‌شود تا کارها با بهره‌وری بیشتری یا کمتر انجام گیرد. این رفتار به‌نوبه خود نتیجه ترکیبات پیچیده اما کاملاً متمایز ویژگی‌های فردی، سازمانی و غیره است؛ مانند نگرش به کار، دانش، مهارت و فرصت‌ها.



برای حرکت

شتابنده به

سمت شکوفایی

اقتصادی استان

کرمان، حمایت

از فرهنگ کار

مطلوب و مثبت

موردنیاز است. لذا

وضعیت فرهنگ

کار بایستی از طریق

دخالت در عوامل

شناخته‌شده

فرهنگ کار متحول

گردد و گرایش‌ها،

بینش‌ها و دانش

لازم نسبت به

کار در جامعه و

سازمان‌ها ایجاد

شود. برای تحول و

ارتقای فرهنگ کار

استفاده و توجه به

شاخص ارزش‌های

درونی و بیرونی کار

توصیه می‌گردد.

آسیب شناسی صادرات کشور در شرایط امروز

♦ امیرحسین نوریان

معاون بازرگانی و فروش شرکت صنایع مس شهید باهنر



در ابعاد مختلف و خلق ارزش به واسطه برند ملی ایران، از آن نکات مهم و جامانده‌ای است که هر ثانیه تأخیر در شروع برندینگ آن، در بازار ابررقابتهی امروز کار را دشوارتر و مثل هزینه فرصت از دست رفته، ارزش صادرات کالاهای ما را در کوتاه‌مدت و نیز در بلندمدت تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

به نظر می‌رسد هیچ‌گاه در تاریخ اقتصاد ایران، صادرات و تأمین ارز تا این حد اولویت سیاست‌های کشور نبوده است. حالا که تحریم‌های اقتصادی علاوه بر مشمول مرور زمان شدن، به اوج خود رسیده است اهمیت صادرات غیرنفتی بیش از هر زمان دیگری مشهود است. با این حال در همین دوران که حمایت از صادرات و ادعای حمایت از آن به طور مداوم از سوی مسئولان به گوش می‌رسد، توأمان بیشترین ناهماهنگی‌ها و رفتارهای ضد صادراتی نیز دیده می‌شود. حقیقت این است که ما به لحاظ پیشینه تاریخی، اساساً بیشتر از آنکه کشوری تولیدکننده یا تاجر باشیم، کشور مصرف‌کننده‌ای بوده‌ایم. همواره نفت این نعمت خدادادی را از اعماق زمین بیرون کشیده‌ایم، فروخته‌ایم و از طریق آن ارتزاق کرده‌ایم. اما حالا باید روی تولیدات غیرنفتی از جمله مواد معدنی که غالباً به صورت خام فروخته می‌شود، فعالیتی انجام شود و ارزش افزوده ایجاد کرده و حتی به محصول نهایی تبدیل شود تا آن‌ها را در قالب فعالیتی تولیدی - بازرگانی به فروش برسانیم. این همان کاری است که به نظر می‌رسد به صورت کلی راهکار رسیدن به آن را نمی‌دانیم. در این مجال به صورت خلاصه به آسیب‌شناسی عمده‌ترین مشکلات و موانع صادراتی اشاره می‌شود.

عدم توجه به برندسازی ملی

برند ملی که به‌طور ویژه در صادرات کاربرد جدی‌تری دارد، به شکل ناباورانه‌ای مغفول مانده است. اعتبار بخشیدن به جمله «ساخت ایران» که در حال حاضر نسبت به آن استیگما وجود دارد از آن ارزش افزوده‌هایی می‌توانست داشته باشد که مثل یک گارانتی خرید و جذب سفارش سایه‌اش روی تمام محصولات صادراتی ما در تمامی صنایع گسترده باشد. توجه به برند ملی با این حجم از پتانسیل

نگاه کوتاه‌مدت به صادرات

یکی از بزرگ‌ترین مشکلات صادرات، ارسال کالاهای بی‌کیفیت با نگاهی کوتاه‌مدت به فعالیت‌های صادراتی است. حجم قابل توجهی از صادرات توسط بازرگانانی صورت می‌پذیرد که نگاهی کوتاه‌مدت به مقوله صادرات داشته و فکر می‌کنند اگر محصولی را ارزان‌تر یا حتی بیشتر از ارزش واقعی آن بفروشند، یا کالای بی‌کیفیتی را به هر شکل به مشتریان خارجی بدهند، تجارت کرده‌اند و احساس می‌کنند تجارت موفق انجام داده‌اند. این در حالی است که این اقدام سبب مبادلاتی می‌شود که صرفاً برای یک بار اتفاق می‌افتد و در طرف مقابل، بازار بزرگی را برای بلندمدت به محصولات ایرانی بدبین کرده و ورود به آن را تا مدت‌ها دشوار و حتی غیرممکن خواهد کرد.

عدم شناخت از کشور مقصد

همچنان اهمیت آشنایی کامل از جزئیات فرهنگ، بازار، رفتار مصرف‌کننده و قوانین کشور مقصد درک‌نشده و بسیاری از بازرگانان بر اساس ذهنیات خود اقدام به صادرات می‌کنند. به دلیل گران بودن تحقیقات بازاریابی به‌خصوص از سوی شرکت‌های معتبر بین‌المللی بسیاری از شرکت‌ها به دنبال این تحقیقات و مطالعات نمی‌روند و بر اساس شنیده‌ها و حدس و گمان، اقدام به صادرات کالاهای خود می‌کنند. در این خصوص تجارب بسیاری موجود است که متأسفانه لطمات جبران‌ناپذیری به پتانسیل‌های صادراتی کشور وارد شده است. به این موارد عدم آشنایی با قوانین حقوقی و تجاری کشور مقصد را نیز اضافه کنید. نکات ظریف و مهمی وجود دارد که در قراردادهای بین‌المللی رعایت نمی‌شود و خواسته یا ناخواسته باعث به دردمسرت افتادن بسیاری از تاجران می‌شود که علاوه بر ورشکستگی،

یکی از بزرگ‌ترین

مشکلات

صادرات، ارسال

کالاهای بی‌کیفیت

با نگاهی

کوتاه‌مدت به

فعالیت‌های

صادراتی است.

حجم قابل

توجهی از

صادرات توسط

بازرگانانی صورت

می‌پذیرد که

نگاهی کوتاه‌مدت

به مقوله

صادرات داشته

و فکر می‌کنند

اگر محصولی

را ارزان‌تر یا

حتی بیشتر از

ارزش واقعی آن

بفروشند، یا کالای

بی‌کیفیتی را به هر

شکل به مشتریان

خارجی بدهند،

تجارت کرده‌اند و

احساس می‌کنند

تجارت موفقیت

انجام داده‌اند.

در بسیاری از مواقع تحمل حبس و جریمه نقدی و بعضاً جبران خسارت‌های پیش‌بینی‌نشده‌ای را به همراه دارد.

تسویه تعهد ارزی

در حال حاضر نحوه تسویه تعهد ارزی از مشکلات جدی تجار در صنایع و صنوف مختلف است. شرایط یکسانی برای تسویه برای صنایع مختلف با قدرت‌ها، اندازه‌ها و شرایط مختلف و تفاوت‌های فاحش در جنس رفتار بازرگانی در آن صنعت، تجار را دچار چالش‌های جدی کرده است که باعث شده عده‌ای به سمت صادرات غیررسمی یا حتی قاچاق کالا بروند. از سوی دیگر حتی عده‌ای مجبورند برای تسویه صادرات ارز آزاد خود را به نرخ نیمایی با قیمت کمتر به فروش برسانند. به عنوان نمونه صادرات به عراق و افغانستان که دو مقصد مهم و بزرگ صادراتی برای ایران هستند، به دلیل اینکه در غالب موارد صادرات به این دو کشور به صورت ریالی صورت می‌گیرد، صادرکنندگان مجبور به خرید دلار از بازار آزاد و سپس تسویه آن هستند که به جای ایجاد فشار به آن‌ها برای تسویه، باید با کارشناسی در سطح کلان با توجه به واقعیت‌های صادرات به این دو کشور، مسیر صادرات را برای صادرکنندگان تسهیل کرد. در اینکه دولت به صورت جدی نیاز به تامین ارز و مدیریت چرخه اقتصادی کشور در این حوزه دارد شکی وجود ندارد، اما رفتارهای سخت‌گیرانه و بعضاً نامنطبق با شرایط منطقی برخی بازرگانان، مسیر تسویه ارزی را به یک چالش و گاهی مانع در صادرات تبدیل کرده است.

افزایش نرخ ارز

در اغلب مواقع، افزایش قیمت ارز سبب می‌شود برای بسیاری از صنایع، صادرات توجیه‌پذیر و جذاب باشد. در این شرایط شرکت‌ها و افراد به صورت هیجانی اقدام به صادرات می‌کنند و به شکلی بی‌پروا و پرریسک به سمت صادرات هجوم می‌آورند. به همان نسبت که صادرات با ارز گران‌تر برای صادرکننده جذاب‌تر می‌شود، انجام اقدامات ضروری برای صادرات مانند تحقیقات بازاریابی، حضور در کشور مقصد و انجام مذاکرات رو در رو، شرکت در نمایشگاه‌های بین‌المللی و انجام تبلیغات در کشور مقصد نیز گران‌تر می‌شود و این مساله، صادرات هوشمندانه‌تری را طلب می‌کند و نیاز به تجار کارآزموده و زیرک دارد که بی‌توجهی به روی دیگر افزایش جذابیت صادرات به دلیل افزایش نرخ ارز، به آفت‌های صادرات در کوتاه‌مدت دامن می‌زند.

اثرات تحریم

با این همه غیر از عوامل درونی مزبور که ناشی از عدم شناخت ماهیت واقعی صادرات است، عوامل جدی بیرونی نیز نقشی قابل توجه در دشوار شدن شرایط صادرات دارند. مواردی مانند اثرات واقعی تحریم‌ها سهم زیادی از این اثرات را برعهده دارند. به عنوان مثال در این فضا نقل و انتقال پول و دریافت ارز از شرکت‌های خریدار به صورت رسمی در برخی مواقع نشدنی و در بسیاری مواقع با هزینه‌های بالا انجام می‌پذیرد که در اکثر مواقع ریسک‌های جدی به همراه دارد و بسیاری از شرکت‌ها هنوز درگیر پول‌های بلوکه‌شده در بانک‌ها یا صرافی‌ها هستند و امکان دریافت پول به صورت مستقیم برای بسیاری از بانک‌های خارج از ایران وجود ندارد. حتی بسیاری از شرکت‌ها و مشتریانی در دیگر کشورها به خاطر فضای تحریم حاضر به مذاکره نیستند و برخی از آنها هم به دلیل توهم تبعات معامله با ایران و در غالب موارد به دلیل ترس روانی از تحریم، از ایجاد ارتباط و حتی مذاکره صرف‌نظر می‌کنند که اثر این پدیده بر صادرات قابل توجه است. به موارد ذکر شده در دوران تحریم، مشکلات ناشی از اثرات تحریم بر حمل و نقل و هزینه‌های بالای آن، تحریم کشتیرانی جمهوری اسلامی و عدم امکان بیمه کردن محموله‌های صادراتی از سوی مشتریان را نیز اضافه کنید که به صورت طبیعی مشکلات عدیده‌ای را ایجاد می‌کند.

تصمیمات هیجانی

از دیگر مشکلات صادرات، تصویب قوانین ناگهانی با هدف حمایت از بازار داخلی در شرایط دشوار اقتصادی است. مثلاً یک‌شبه صادرات کالاهای خاصی ممنوع می‌شود که این مسئله برای شرکت‌های صادرکننده آن کالا و آن صنعت که مدت‌ها روی آن بازار وقت و هزینه صرف کرده‌اند، اثرات بعضاً غیرقابل جبرانی به همراه دارد. اساساً برگرداندن مشتری از دست‌رفته چندین برابر بیش از ایجاد مشتری جدید نیاز به زمان و هزینه دارد به همین دلیل است که شرکت‌های حرفه‌ای، بر حفظ مشتریان موجود که شناخت کافی از آنها پیدا کرده‌اند، تمرکز بسیار زیادی می‌کنند.

مقطع حساس کنونی

صادرات، از تصمیم‌گیری در لایه کلان استراتژیک، تا نحوه اجرای آن از سوی مجریان گمرکات کشور، با همه عوامل مؤثر بر دو سر این طیف، نیازمند مسیریها و کانال‌های روان است تا قلب صادرات به درستی بتپد. به نظر می‌رسد صادرات ایران در مقطع حساس کنونی به صورت جدی نیاز به جراحی دارد. ♦♦

در اینکه دولت
به صورت جدی
نیاز به تامین ارز و
مدیریت چرخه
اقتصادی کشور
در این حوزه
دارد شکی وجود
ندارد، اما رفتارهای
سخت‌گیرانه و
بعضاً نامنطبق با
شرایط منطقی
برخی بازرگانان،
مسیر تسویه ارزی
را به یک چالش
و گاهی مانع در
صادرات تبدیل
کرده است.

رویدادها



منبع اخبار: روابط عمومی اتاق کرمان



راهکارهای توسعه تجارت کرمان با عمان، عراق و سوریه بررسی شد

در خردادماه ۹۹ نشستی با حضور رئیس اتاق مشترک ایران و عمان، دکتر سید زین العابدین شهرستانی و جمعی از فعالان اقتصادی استان برگزار شد. در این نشست به بررسی راهکارهای توسعه تجارت کرمان با عراق و سوریه پرداخته شد. ضرابی رئیس اتاق مشترک ایران و عمان گفت: درصدد اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌های اقتصادی با همکاری کشورهای عمان، عراق و سوریه هستیم که در این جلسه فرصت استفاده از حضور دکتر شهرستانی با توجه شناخت و اطلاعات وی فراهم است. وی همچنین گفت: پیشنهاد شده برای آغاز همکاری‌ها، تفاهم‌نامه‌هایی تدوین و به امضای دو طرف برسد. در این نشست سید زین العابدین شهرستانی نیز با اشاره به این‌که عراق و سوریه دو کشور جنگ‌زده هستند و به‌شدت به بازسازی و راه‌اندازی و تکمیل زیرساخت‌ها

نیاز دارند، افزود: در سوریه قرار است یک میلیون و ۸۰۰ هزار واحد مسکونی احداث شود که تمامی مجموعه‌های وابسته به صنعت ساختمان در استان کرمان بویژه فعالان حوزه سنگ می‌توانند به‌خوبی از این فرصت استفاده کنند.



تفاهم‌نامه احداث ۱۲۰ مدرسه در استان کرمان امضا شد

در تیرماه سال جاری طی آئینی با حضور نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه کرمان، تفاهم‌نامه احداث ۱۲۰ مدرسه با مجموع ۷۲۰ کلاس درس در استان، بین اتاق کرمان، موسسه خیریه مهر گیتی و اداره کل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس به امضا رسید. در این مراسم حجت‌الاسلام والمسلمین حسن علی‌دادی سلیمانی گفت: ساخت یک مدرسه به معنای جریان‌سازی پویا، فعال و ادامه‌دار است اما فردی که آن را می‌سازد به‌واسطه تربیت انسان‌ها در این مجموعه، از این مدرسه بالاتر و والاتر است. وی اظهار کرد: اتاق بازرگانی کرمان فعالیت‌های ارزشمندی انجام داده و بستر را در زمینه‌های مختلف فراهم کرده که این موضوع مسیر را برای فعالیت همه خیران هموار می‌کند. رئیس اتاق بازرگانی کرمان نیز در این نشست گفت: در انجام مسئولیت‌های اجتماعی هیچ رسالتی مهم‌تر از امید بخشیدن به دانش‌آموزان، آموزش و مدرسه‌سازی نیست؛ زیرا در این زمینه در شرایطی قرار داریم که سرانه فضای آموزشی کرمان کمتر از میانگین کشوری است. طبیب زاده، ضمن قدردانی از خیران موسسه خیریه مهر گیتی که فعالان اقتصادی استان را در ساخت مدرسه همراهی می‌کنند، خاطر نشان کرد: این موسسه تاکنون ۳۷۷ مدرسه خوب و مدرن در کشور احداث کرده و مدیران این مجموعه توانسته‌اند اعتماد فعالان اقتصادی و خیران را جلب کنند که با احداث ۱۲۰ مدرسه در کرمان، مدارس ساخته شده توسط این موسسه به ۵۰۰ مدرسه خواهد رسید. طبیب زاده، با بیان این‌که خیران مدرسه‌ساز از روند کند اجرای برخی فعالیت‌ها در مسیر احداث مدرسه گلایه‌مند هستند، بیان کرد: پیشنهاد می‌شود پنجره واحد ویژه احداث مدارس توسط خیران مدرسه‌ساز راه‌اندازی شود تا به انجام فعالیت‌ها سرعت بخشد. رئیس اتاق کرمان در بخش دیگری گفت: از دیگر فعالیت‌های ضروری در استان که با پشتوانه خیرین و فعالان اقتصادی می‌تواند انجام شود، احداث مرکز تشخیص سرطان و تجهیز آن است. در ادامه آرش علوی، عضو هیئت رئیسه اتاق بازرگانی کرمان ضمن مقایسه سرانه فضای آموزشی در جهان، ایران و کرمان گفت: در ۱۱ شهرستان استان کرمان متوسط سرانه آموزشی کمتر از میانگین کشوری است و در استان کرمان در حال حاضر ۲۱۵ هزار مترمربع کمبود فضای آموزشی وجود دارد. در ادامه مدیرعامل موسسه خیریه مهر گیتی نیز گفت: مدرسه محل اوج انسان‌هاست،

در مدرسه استاندارد، استعداد دانش‌آموزان شکوفا می‌شود، آن‌ها دیده می‌شوند و از نظر عاطفی رشد می‌کنند. او گفت: فعالان اقتصادی باز هم هوشمندانه عمل کردند و مسئولیت اجتماعی خود را در ساخت مدرسه سرمایه‌گذاری کردند که این سرمایه‌گذاری باعث رشد شهر و استان کرمان در سال‌های آینده خواهد شد. در ادامه این آئین معاون وزیر آموزش و پرورش و رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور بیان کرد: سال گذشته از محل صندوق ذخیره ارزی ۴۵ میلیارد تومان برای سه استان سیل‌زده کشور شامل کرمان، هرمزگان و سیستان و بلوچستان اختصاص داده شد. وی با اشاره به اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در کشور گفت: باید مکان‌یابی مدارس انجام و بر اساس تحولات جمعیتی ۵۰ سال آینده این طرح اجرا شود که سامانه این طرح راه‌اندازی و طرح مکان‌یابی مدارس در دو استان به‌صورت پایلوت در حال اجرا است. رخشانی مهر، با بیان این مطلب که در سال گذشته خیرین مدرسه‌ساز حدود یک هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان کمک کرده‌اند، افزود: با اجرای «طرح آجر به آجر» قصد داریم از شیوه‌های نو برای جذب خیرین بهره بگیریم و همه مردم را در امر مدرسه‌سازی مشارکت دهیم.

مشکلات بانکی فعالان کشاورزی استان با حضور مدیرعامل بانک کشاورزی ایران بررسی شد



با برگزاری نشست در تیرماه سال جاری با حضور مدیرعامل بانک کشاورزی ایران، رئیس اتاق کرمان و مدیران بانک‌های کشاورزی شمال و جنوب استان، مسائل و مشکلات بانکی فعالان کشاورزی جنوب استان بررسی شد. در این نشست مدیرعامل بانک کشاورزی ایران از توافقاتی جهت پرداخت تسهیلات برای طرح‌های اولویت‌دار در استان خبر داد و افزود: از جهاد کشاورزی و استانداری خواسته شده تا طرح‌های اولویت‌دار را مشخص نمایند. در ادامه این نشست رئیس کمیسیون بیمه، بانک و مالیات اتاق کرمان، به صندوق بیمه محصولات کشاورزی و عدم تناسب میزان پرداخت‌ها نسبت به میزان خسارت‌ها در آن اشاره کرد و پیشنهادهایی را ارائه نمود.



وعده‌های وزیر کشاورزی در کرمان:

راه‌اندازی شورای راهبردی صادرات و صندوق‌های حمایتی پسته و خرما

وزیر جهاد کشاورزی گفت: بنا به درخواست فعالان بخش خصوصی، راه‌اندازی شورای راهبردی صادرات با هدف پیگیری مشکلات و مسائل این حوزه برنامه‌ریزی شده و تا هفته آینده ابلاغ می‌شود و همچنین صندوق‌های حمایتی از پسته و خرما و فعال شدن ستاد عالی پسته کشور در سطح وزارتخانه را پیگیری می‌کنیم. کاظم خاوازی، در نشست با فعالان و نمایندگان تشکل‌های بخش کشاورزی استان کرمان در تیرماه ۹۹ با اشاره به شیوع ویروس کرونا و آسیب‌های وارد شده به بخش کشاورزی افزود: اگر چه شورای پول و اعتبار در این شرایط دیر ورود کرد اما پس از بررسی‌های صورت گرفته، قرار شد به فعالان پنج رسته در بخش کشاورزی تسهیلات لازم اعطاء شود و برای استمهال پنج‌ساله تسهیلات قبلی نیز تمهیداتی صورت گیرد. وی ادامه داد: تهیه نقشه و الگوی کشت در استان کرمان با توجه به کم‌آبی حاکم بر این منطقه ضرورت دارد و باید کشت هر درخت یا هر محصول با کمترین ریسک و بیشترین بهره‌وری تعیین شود. رئیس اتاق کرمان در ادامه این نشست درخواست فعالان بخش خصوصی را در مورد راه‌اندازی قانونی دو صندوق حمایت از خرما و پسته استان کرمان برای شرایط خاص و حساس مطرح کرد و گفت: عضویت برخی شخصیت‌های قانونی در این صندوق‌ها از جمله محدودیت‌های ایجاد آن‌ها است که امیدواریم این محدودیت‌ها برداشته شود. وی بر صادرات محصولات کشاورزی تأکید کرد و افزود: باید برای تأمین نقدینگی موردنیاز بخش کشاورزی بویژه صادرات این محصولات تدابیری در نظر گرفت زیرا متأسفانه کشاورزی در مباحث صادرات کمتر مورد توجه قرار گرفته و این در حالی است که صادرات محصولات کشاورزی بسیار ارزش‌آور است که باید بانک کشاورزی در بحث صادرات همکاری لازم را داشته باشد. طبیب زاده، در بخش دیگری به توسعه گلخانه‌ها با توجه به کمبود آب و بازدهی بیشتر تأکید و تصریح کرد: حدود ۲۵ درصد آب مصرفی در بخش کشاورزی فقط به دلیل حفظ مالکیت توسط کشاورزان است اما هیچ بهره‌برداری از آن صورت نمی‌گیرد که اگر این آئین‌نامه‌ها اصلاح



و مالکیت کشاورزان بدون سبب بودن زمین‌هایشان حفظ شود، در مصرف آب صرفه‌جویی خواهد شد. در ادامه این نشست مسائل و مشکلات بخش کشاورزی استان کرمان از سوی مدیران کل جهاد کشاورزی شمال و جنوب استان، نایب‌رئیس اتاق کرمان، روسای کمیسیون‌های کشاورزی و بیمه، بانک و مالیات اتاق کرمان، مدیرعامل اتحادیه مرغداران استان و نایب‌رئیس انجمن گلخانه داران جنوب استان مطرح شد.

سیدمهدی طیب زاده:

دستورالعمل تأمین نقدینگی فعالان اقتصادی حوزه کشاورزی استان تدوین می شود

سیدمهدی طیب زاده در نشستی در تیرماه سال جاری با رئیس امور شعب بانک کشاورزی استان و روسای کمیسیون‌های کشاورزی و بیمه، بانک و مالیات اتاق کرمان، گفت: بنا به دستور مدیرعامل بانک کشاورزی ایران، اتاق کرمان به همراه بانک کشاورزی استان دستورالعملی را برای چگونگی تأمین نقدینگی موردنیاز کشاورزان تدوین و به مرکز اعلام می‌کنند. وی ادامه داد: قرار شده در این دستورالعمل در رابطه با امهال بدهی‌های گذشته کشاورزان به بانک کشاورزی، تأمین نقدینگی برای ساماندهی صادرات محصولات باقی مانده در انبارها و همچنین نگهداری باغات و اداره مزارع و مجموعه‌ها در فرآوری کشاورزی، موارد مؤثر و کارگشا در نظر گرفته شود. در ادامه این نشست مدیر امور شعب بانک کشاورزی استان کرمان گفت: پیشنهاد می‌شود اتاق کرمان چند صادرکننده مطرح استان را که می‌توانند حداقل ۷۰ درصد محصولات کشاورزان را خریداری و صادرات کنند، به بانک کشاورزی معرفی کند. اله‌داد محمدی‌مفرد، افزود: با تأمین نقدینگی به‌صورت سرمایه در گردش برای خرید محصولات، کشاورزان و باغداران مجبور نیستند محصولات خود را زیر قیمت بفروشند و از سوی دیگر دغدغه خرید کود و سم و سایر موارد برای نگهداری باغات و مزارع خود را ندارند.



مشکلات مربوط به بازگشت ارز حاصل از صادرات سال ۹۷ برخی از فعالان اقتصادی بررسی شد

در نشستی با حضور رئیس و جمعی از اعضای هیئت نمایندگان اتاق کرمان در تیرماه سال جاری، مشکلات مربوط به بازگشت ارز حاصل از صادرات سال ۹۷ برخی از فعالان اقتصادی بررسی شد.

رئیس اتاق کرمان در این نشست با اشاره به این‌که بخش مهمی از فعالیت‌های کنونی اتاق کرمان در مورد مشکلات پیمان‌سپاری ارزی صادرکنندگان و واردکنندگان است، گفت: این مسائل به‌صورت سیستماتیک از سوی اتاق ایران پیگیری شده و اعضای هیئت رئیسه اتاق کرمان در جلساتی در بانک مرکزی با همین موضوع شرکت داشته‌اند. سیدمهدی طیب زاده گفت: به دلیل مشکلات ارزی کشور باید ارز حاصل از صادرات برگردانده شود. وی ادامه داد: اتاق کرمان همه تلاش خود را برای تسهیل شرایط بازگشت ارز حاصل از صادرات انجام خواهد داد. در ادامه آرش علوی عضو هیئت رئیسه اتاق کرمان و نماینده اتاق ایران در کمیته ارزی کشور، گفت: سال ۹۷ به دلیل بی‌ثباتی و تناقض در سیاست‌های دولت، سال بسیار بدی برای صادرکنندگان بود و ضربه سنگینی را به آن‌ها وارد کرد که البته صدای آن در سال ۹۸ و ۹۹ درآمد. علوی گفت: در هر حال صادرکنندگان بر اساس بخش‌نامه بانک مرکزی در رابطه با صادرات سال ۹۷ خود، ۸۰ درصد ارز حاصل از صادرات خود را با روش‌هایی که بانک مرکزی در بخشنامه‌های خود اعلام کرده به چرخه اقتصادی کشور بازگردانند و افرادی که تاکنون ۷۰ درصد این مهم را انجام داده باشند از



معافیت مالیاتی برخوردار خواهند بود. وی بیان کرد: سامانه امور مالیاتی برای رفع تعهد ارزی سال ۹۷ بسته شده، اما در صورت رفع تعهد ارزی سال مذکور، در حساب مالیاتی سال ۹۸ آن‌ها اعمال خواهد شد اما در هر صورت رفع تعهد ارزی را باید انجام دهند. علوی افزود: مطابق با دستورالعمل‌های بانک مرکزی، صادرکنندگان در صورتی که رفع تعهد ارزی سال ۹۸ خود را تا پایان تیرماه جاری انجام دهند از معافیت مالیاتی برخوردار خواهند بود.



رئیس اتاق کرمان:

سامانه پنجره واحد الکترونیکی سرمایه‌گذاری در کرمان اجرایی می‌شود

با حضور استاندار و رئیس اتاق کرمان و با هدف تسهیل در فرایند دریافت مجوزها و انجام سرمایه‌گذاری از نسخه نمایشی سامانه پنجره واحد الکترونیکی سرمایه‌گذاری در تیرماه ۹۹ رونمایی شد و مقرر شد که تا دو ماه آینده این سامانه به‌صورت رسمی اجرایی شود. در این آیین رئیس اتاق کرمان گفت: اگر فرایند کار توسط دستگاه‌های صادرکننده مجوزها به‌خوبی همراهی شود، راه‌اندازی این سامانه به‌طور قطع در تسهیل فضای کسب‌وکار استان تأثیرگذار خواهد بود. استاندار کرمان با بیان این‌که باید برای حفظ امنیت این سامانه نیز اقداماتی انجام شود، تصریح کرد: به مراحل جدی کار رسیده‌ایم اما یک‌سری اشکالات در عمل پیش می‌آید که باید برطرف شوند. در ادامه این نشست بتول علیزاده، کارشناس مرکز مطالعات و پژوهش‌های اقتصادی اتاق کرمان ضمن ارائه پیشنهادهای جهت تکمیل و اجرایی شدن سامانه از اشتراک‌گذاری ضوابط و بانک‌های اطلاعاتی، یکپارچگی و الکترونیکی شدن استعلامات بین تمامی دستگاه‌ها، احصاء و تدوین فرایندهای صدور مجوزها به‌عنوان برنامه‌های آتی در نظر گرفته‌شده برای این سامانه یاد کرد.



رئیس اتاق کرمان:

شرکت‌های معدنی به‌عنوان معین گردشگری استان معرفی شوند

پنجاه و دومین نشست شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان کرمان در تیرماه سال جاری با موضوع بررسی آسیب‌های واردشده به گردشگری، صنایع‌دستی و فرش استان با حضور استاندار کرمان، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس، رئیس اتاق بازرگانی کرمان و جمعی از فعالان حوزه گردشگری در حالی برگزار شد که مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان کرمان گفت: در سه‌ماهه نخست سال جاری کرونا بیش از ۳۴۶ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان خسارت بر بخش‌های مختلف گردشگری استان وارد کرده که نتیجه آن بیکاری ۵ هزار نفر بوده است. رئیس اتاق کرمان با اشاره به اینکه حوزه گردشگری بیشترین آسیب را از شیوع ویروس کرونا در ایران و جهان پذیرفته است، گفت: با توجه به محدودیت منابع دولتی برای توسعه گردشگری، پیشنهاد می‌شود یکی از شرکت‌های معدنی و یا ترکیبی از شرکت‌های معدنی استان به‌عنوان معین گردشگری و تکمیل زیرساخت‌های این حوزه معرفی شوند. در ادامه این نشست رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی ضمن اشاره به این موضوع که باید شرایط پیش‌آمده به دلیل شیوع بیماری کرونا را پذیرفت و با همین شرایط برای نجات گردشگری و جبران خسارت‌های وارده برنامه‌ریزی و تلاش کرد، از راه‌اندازی فراکسیون اقتصاد گردشگری در مجلس خبر داد.



رئیس اتاق کرمان:

کمک نکردن به تولیدکننده درآمدهای مالیاتی را کاهش می دهد

رئیس اتاق در نشست فعالان اقتصادی با رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور و رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی کرمان که در تیرماه ۹۹ برگزار شد، گفت: اگر دولت بویژه سازمان‌های تأمین اجتماعی و امور مالیاتی و همچنین بانک‌ها به تولید کمک نکنند از تولیدکننده خبری نخواهد بود که درآمدهای این دستگاه‌ها تأمین شود. سیدمهدی طبیب زاده، افزود: ۷۵ درصد از مشکلات فعالان اقتصادی در سه حوزه بانک، بیمه و مالیات است و متأسفانه محدودیت‌های قانونی و شدت پیگیری‌ها در وصول مالیات در کشور، باعث شده مدیران استانی نتوانند آن‌گونه که باید در خدمت فعالان اقتصادی باشند. طبیب‌زاده، با تأکید بر این‌که بخش خصوصی شرایط کشور و وابستگی شدید درآمدهای دولت به مالیات را می‌داند، تصریح کرد: نباید افزایش مالیات مشمول افراد شناسنامه‌دار و با عملکرد شفاف شود بلکه باید افراد با فرار مالیاتی، پایه‌های مالیاتی جدید و زیرزمینی‌ها را یافت و از آن‌ها مالیات دریافت کرد. طبیب زاده اظهار کرد: دولت باید مالیاتی که حق است را دریافت کند و اشکالات در نظام مالیاتی را اصلاح کند تا رابطه متقابل دوستانه و منطقی با فعالان اقتصادی برقرار شود. رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور نیز در این نشست گفت: همواره باید مالیات بر اشخاص حقوقی و تولیدکننده کاهش یابد و برخی مالیات‌های رها شده در کشور پیگیری شود، وی افزود: متوسط افزایش نرخ مالیاتی امسال ۲۸ درصد اعلام شده که در کرمان ۲۲ درصد و تهران ۳۲ درصد خواهد بود که امسال ۳۲ درصد درآمدهای مالیاتی کشور از کرمان تأمین می‌شود و ظرفیت‌های امروز کرمان موجب افزایش درآمد مالیاتی کشور از این استان شده است. پورا برهیمی، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی نیز در ادامه نشست گفت: رویکرد ما در وصول مالیات به دلیل نبودن اطلاعات کافی ممیز محور است

که این رویه باید حذف و رویکرد سامانه محور و بر اساس عملکرد باشد. وی همچنین نسبت به رفع ایرادهای شورای نگهبان به اصلاح قانون مالیات بر ارزش افزوده تا پایان تابستان امسال و اصلاح بندهای قانون مالیات‌های مستقیم با هدف پایه‌های مالیاتی جدید در آینده‌ای نزدیک ابراز امیدواری کرد و گفت: در حال حاضر که نرخ تورم از سود سپرده‌ها بالاتر است، دریافت مالیات از سود سپرده‌ها امکان‌پذیر نخواهد بود. وی افزود: سال گذشته برخلاف قانون، میزان درصد مالیات وصولی از استان‌ها افزایش یافت اما خواسته جدی ما در سال جاری این است که عدد وصول مالیات بیشتر از قانون بودجه قرار نگیرد، متوسط رشد مالیاتی نیز بر مبنای پایه سال ۹۸ در نظر گرفته شود و مازاد درآمدهای مالیاتی به استان‌ها برگردانده شود.

رئیس دفتر نمایندگی اتاق کرمان در جنوب استان:

با پیگیری اتاق کرمان ۱۲ نشان تجاری در جنوب کرمان ثبت شد

در نشست خبری برگزار شده در مردادماه سال جاری، رئیس دفتر نمایندگی اتاق کرمان در جنوب استان گزارشی از عملکرد اتاق به‌عنوان معین اقتصادی در شهرستان‌های جیرفت و عنبرآباد ارائه کرد. وی به برندسازی محصولات جنوب کرمان به‌عنوان مهم‌ترین موضوع در فروش کالاهای باکیفیت اشاره کرد و خاطرنشان کرد که تاکنون ۱۲ برند یا نشان تجاری ثبت شده که ۵ برند آن در بازارهای داخل و خارج فعال هستند. او مهم‌ترین مشکل منطقه را عدم صادرات محصولات به‌صورت مستقیم دانست، به این دلیل که صادرات غیرمستقیم باعث می‌شود تا ارزش افزوده به‌صورت کامل به منطقه برنگردد و لازمه رفع این مشکل را تأسیس نمایندگی گمرک، ایجاد دفتر استاندارد، کاهش هزینه حمل‌ونقل، وجود شرکت‌های تخصصی صادرات و همچنین وجود کامیون عنوان کرد. عباس جبالبارزی در ادامه گفت: وظیفه معین اقتصادی در عنبرآباد ایجاد کارخانه نیست بلکه بهبود فضای کسب‌وکار و پیگیری طرح‌های نیمه‌تمام است. وی به فراهم شدن امکان انتقال هوایی بار به مقاصد صادراتی در جنوب اشاره کرد و افزود: تحقق این مهم مستلزم صدور مجوز مرز هوایی است که روند اداری خود را طی می‌کند و با همکاری استانداری و اداره کل راه و شهرسازی جنوب، دریافت مجوز مرز هوایی به‌طور جدی در حال پیگیری است.



رئیس اتاق کرمان: اصلاح قوانین، رضایت از بانک‌ها را افزایش می‌دهد

در نشست مجمع نمایندگان اتاق کرمان و شورای هماهنگی بانک‌های استان با فعالان اقتصادی که در مردادماه سال جاری برگزار شد، سیدمهدی طبیب زاده با اشاره به این‌که دغدغه اصلی فعالان اقتصادی در مسائل بانکی است، گفت: این‌که عملکرد سیستم بانکی رضایت‌بخش نیست شاید به دلیل ضعف در قوانین و مقررات باشد که اصلاح آن‌ها می‌تواند رضایتمندی مشتریان بانک‌ها را افزایش دهد، وی افزود اتاق کرمان برای حل مشکلات فعالان اقتصادی در این حوزه، سه کتاب چاپ کرده است. جلیل کاربخش، نایب رئیس اتاق کرمان نیز در ادامه این نشست به بیان برخی مشکلات بانکی فعالان اقتصادی پرداخت و گفت: در پی تصمیم شورای پول و اعتبار گشایشی برای واحدهای تولیدی با سررسید تسهیلات معوق شهریورماه، قرار شد این تسهیلات به مدت ۵ سال (۶۰ ماه) و به صورت ۶ ماه تنفس و ۶ ماه تقسیط استمهال شوند.

وی افزود: استان کرمان در سال ۹۷ و ۹۸ کمترین میزان جذب منابع مربوط به رونق تولید و تبصره ۱۸ را در بین استان‌های کشور داشته است که یکی از دلایل آن عدم همکاری بانک‌ها است. در ادامه نشست موسوی ترابی، رئیس کمیسیون کشاورزی گفت: بنا بر مصوبه شورای گفت‌وگویی دولت و بخش خصوصی استان قرار شد با بهره‌مندی از منابع صندوق شرکت‌های معدنی استان کرمان، ۳۰ میلیارد تومان به بخش طیور اختصاص یابد که هنوز این میزان اعتبار اختصاص نیافته و مرغداران پیگیر مسئله هستند. سیدمحمد رضا موسوی ترابی، افزود: در بخش منابع مربوط به اجرای طرح‌های گلخانه‌ای، بانک‌ها در سال ۹۹ برای طرح‌های جدید منابعی را اختصاص ندادند که این موضوع گلایه برخی از فعالان این حوزه را به همراه داشته است.

در ادامه رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی از برگزاری نشست اعضای کمیسیون اقتصادی مجلس با روسای بانک‌های کشور با حضور وزیر اقتصاد خبر داد و درخواست کرد که در فرصت مانده به این نشست با تشکیل تیم کارشناسی، مواردی را که در بانک‌ها به استناد شورای پول و اعتبار، مصوبات و قانون‌های مجلس و بخشنامه‌های بانک مرکزی اجرا نمی‌شود را جمع‌آوری و ارائه نمایند. وی گفت: در ارتباط با عدم اجرای قوانین هیچ عذری از بانک‌ها پذیرفتنی نیست. دبیر شورای هماهنگی بانک‌های استان نیز در ادامه نشست ضمن اشاره بر این‌که استان کرمان در اعطای بسیاری از تسهیلات در کشور رتبه خوبی دارد، گفت: انتظار می‌رود که عملکرد بانک‌ها منصفانه نقد شود.



رئیس اتاق غزنی:

شرکت‌های کرمانی علاقه کمی به حضور در بازار افغانستان دارند

در نشست اتاق بازرگانی مشترک ایران و افغانستان شعبه کرمان که با حضور بازرگانان کرمانی و افغانستانی که در مردادماه سال جاری برگزار شد، رئیس اتاق تجارت و صنایع غزنی افغانستان گفت: در سال‌های اخیر تلاش‌های بسیاری برای افزایش تجارت بین کرمان و افغانستان از سوی دو طرف صورت گرفته، اما شرکت‌های کرمانی علاقه کمی به حضور در بازار افغانستان دارند. وی ادامه داد: به پشتوانه تلاش و برگزاری نشست‌های متعدد در کرمان، در حال حاضر بسیاری از مشکلات تجارت ایران و افغانستان بویژه در مسائل گمرکی، تعرفه‌های صادراتی، سرمایه‌گذاری‌ها، دریافت ویزا و صرافی‌ها حل‌شده و سایر موارد نیز در حال پیگیری است. همچنین وی از هیئت نمایندگان اتاق کرمان و بازرگانان استان دعوت کرد در قالب هیئت تجاری برای شرکت در نمایشگاه‌ها و بررسی بازارهای مختلف، به افغانستان سفر کنند. رئیس هیئت اجرایی اتاق بازرگانی در این نشست با اشاره به این‌که تشکیل این شعبه در کرمان موجب افزایش تجارت کرمان و افغانستان خواهد شد، تأکید کرد که افزایش تجارت بین دو طرف مستلزم همکاری جدی فعالان اقتصادی کرمان و افغانستان است.



رئیس اتاق کرمان در مراسم افتتاح اتاق بازرگانی مشترک ایران و افغانستان شعبه کرمان:

تجارت بزرگی بین کرمان و افغانستان شکل خواهد گرفت

سیدمهدی طیبی زاده در مراسم افتتاح اتاق بازرگانی مشترک ایران و افغانستان که در مردادماه سال جاری برگزار شد، گفت: ترس بازرگانان از ناامنی در افغانستان، تعهدات ارزی، ناهماهنگی‌های بین سازمان‌های مرتبط و گمرک، روند کند اخذ ویزا، بی‌ثباتی در قوانین و مقررات، مسائل حمل‌ونقل و در نظر نگرفتن تجارت برد- برد، اطلاع نداشتن صادرکنندگان از برخی مزایا و جدی نبودن مسئولان در این زمینه از موانع سد راه افزایش تجارت با افغانستان است. وی تأکید نمود که با وجود همه محدودیت‌ها باید اقداماتی انجام داد تا این همه انگیزه، تلاش و علاقه برای تجارت از بین نرود و کمرنگ نشود. در این نشست سیدمحمدرضا موسوی ترابی عضو هیئت نمایندگان اتاق و رئیس کمیسیون مشاوره‌ای به‌عنوان رئیس هیئت اجرایی اتاق مشترک انتخاب شد.





عملیات احداث اولین مدرسه از ۱۲۰ مدرسه فعالان اقتصادی آغاز شد

آئین احداث اولین مدرسه با ۲۴ کلاس درس از ۱۲۰ مدرسه شش کلاسه به محوریت اتاق و با همکاری دولت و موسسه مهر گیتی در استان در محل روستای شرفآباد کرمان در شهریورماه ۹۹ در حالی آغاز شد که رئیس اتاق کرمان خبر کلنگ زنی سه مدرسه دیگر در چند روز بعد را خبر داد. او ضمن اشاره به این که این مدرسه در منطقه‌ای ساخته می‌شود که مهاجران افغانستانی بسیاری حضور دارند، افزود: امیدواریم با کمک تاجران کرمانی، ایرانی و افغانستانی بتوان مدرسه‌ای نمونه و شایسته برای دانش‌آموزان این منطقه بسازیم. وی تصریح کرد: آموزش زیربنایی‌ترین سرمایه‌گذاری در توسعه است و طبق فرمایش رهبر معظم انقلاب این موضوع را یک وظیفه شرعی، اخلاقی و قانونی خود می‌دانیم. در ادامه محمدجواد فدایی استاندار کرمان از احداث هزار کلاس درس با همکاری دولت و خیران تا پایان امسال در استان خبر داد و افزود که ۴۰ درصد از هزینه‌های جاری آموزش و پرورش در سال ۹۸ توسط خیرین پرداخت شده است که نسبت به سال ۹۷ این مشارکت به سه برابر افزایش یافته است. وی با اشاره به تحصیل بیش از ۳۴ هزار دانش‌آموز تبعه خارجی در استان خاطر نشان کرد: نباید هیچ تفاوتی بین دانش‌آموزان افغانی و دانش‌آموزان ایرانی وجود داشته باشد.



رئیس اتاق کرمان:

توسعه تجارت با پاکستان را پیگیری می‌کنیم

رئیس اتاق کرمان در نشست میز پاکستان در شهریورماه ۹۹ با بیان این که صادرات با کشورهای همسایه در اولویت قرار دارد، خاطر نشان کرد که اتاق قصد دارد شبکه‌ای متشکل از ریزنان بازرگانی ایرانی در سایر کشورها را شکل داده تا از تجربیات و اطلاعات آن‌ها در امر صادرات بهره برد. وی پیگیری توسعه تجارت با پاکستان به‌عنوان کشوری با شاخص‌های اقتصادی مناسب را در برنامه کاری اتاق دانست. حاجی یوسفی‌پور، ریزن سابق بازرگانی ایران در پاکستان، ضمن ارائه اطلاعاتی در مورد بازار کشور پاکستان با اشاره به این موضوع که تصویری که از پاکستان در اذهان شکل گرفته با واقعیت همخوانی ندارد و همین امر موجب غفلت از بازار مناسب این کشور شده است، افزود: کشور پاکستان بعد از عراق دومین کشوری است که بیشترین مرز زمینی با ایران را دارد و همین موضوع ظرفیت بسیار خوبی برای مرادده تجاری با این کشور خواهد بود.

دادستان کرمان در پنجاه و سومین نشست شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان

از ۱۰ مانع بهبود فضای کسب‌وکار، ۹ مانع مربوط به حاکمیت است

پنجاه و سومین نشست شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان کرمان با موضوع برنامه‌های تحقق جهش تولید بویژه بررسی فضای کسب‌وکار استان و راهکارهای بهبود آن در شهریورماه سال جاری برگزار شد. سید مهدی طبیب زاده در این نشست گفت: استان کرمان در بهار سال جاری رتبه ۲۹ کشور را داشته که زینده نیست. وی اشاره کرد، اتاق بازرگانی مسئول پایش فضای کسب‌وکار و دستگاه‌های حکومتی و اجرایی، مسئول بهبود این فضا هستند. در ادامه جلسه، محمدجواد فدائی استاندار کرمان تأکید کرد، اگر اقدامات انجام شده مؤثر نبوده باید تغییر روش داد. سالاری دادستان کرمان گفت: از ۱۰ مانع بهبود فضای کسب‌وکار، ۹ مورد مربوط به حاکمیت است که ما باید آن‌ها را برطرف کنیم. وی ادامه داد که به نظر می‌رسد ضمانت اجرایی در خصوص حمایت از تولید وجود ندارد و سازمان متولی تسریع‌کننده در تولید به وظیفه خود عمل نمی‌کند که پیشنهاد می‌شود برخی قوانین بازدارنده برای ترک فعل در مجلس شورای اسلامی تصویب شود. پوراابراهیمی نماینده مردم کرمان و راور و رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس نیز در ادامه جلسه گفت که پیش‌نویس اصلاحیه قانون بهبود فضای کسب‌وکار در کمیسیون اقتصادی مجلس آماده شده است. وی گفت: روند فضای کسب‌وکار در کرمان رو به بهبود نیست باید این موضوع را بپذیریم و معایب و موانع بهبود این فضا را برطرف کنیم.



رئیس اتاق کرمان: فعالان اقتصادی و بازرگانان باید ترس از برخی تصورات در مورد تجارت با کشور افغانستان را کنار بگذارند

در نشستی که در شهریورماه سال جاری به منظور افزایش مناسبات بین استان کرمان و کشور افغانستان با حضور استاندار، رئیس اتاق، رئیس هیئت اجرایی اتاق مشترک ایران و افغانستان و سفیر افغانستان برگزار شد، مهندس طبیب زاده ضمن تحلیل بازار افغانستان خاطر نشان کرد که فعالان اقتصادی و بازرگانان باید ترس از برخی تصورات در مورد تجارت با کشور افغانستان را کنار گذاشته و به فکر رقابت با رقبای فعال این بازار باشند. در ادامه دکتر فدایی، استاندار کرمان با اشاره به سهم یک‌درصدی استان کرمان از مجموع ۲۵ درصد صادرات کالاهای ایرانی به افغانستان، شکل‌گیری اتاق مشترک با این کشور را مثبت ارزیابی کرد تا از این طریق بتوان سهم صادرات استان را حداقل تا ۲۰۰ میلیون دلار برای این کشور افزایش داد. مهندس ترابی موسوی رئیس هیئت اجرایی اتاق مشترک ایران و افغانستان با این خبر که تاکنون ۱۰۰ نفر از تجار ایرانی و افغانستانی برای عضویت در اتاق مشترک اعلام آمادگی کرده‌اند، افزود؛ باید در حوزه واردات از افغانستان از طریق تهاتر کالا ارتباط شکل بگیرد تا سهم دو درصدی واردات از افغانستان نسبت به سهم ۴۲ درصدی کشور هند و ۴۳ درصدی کشور پاکستان افزایش یابد. سفیر افغانستان در ایران نیز در این نشست با بیان این‌که شناخت فعالان اقتصادی ایران از ظرفیت‌های افغانستان اندک است، تصریح کرد که با تسهیل در قوانین و دستورالعمل‌های موجود می‌توان امکان‌ات را مهیا نموده و راه را برای سرمایه‌گذاری در هر دو کشور باز کرد. ضمن این‌که وی کشور افغانستان را در هر شرایطی همراه کشور ایران تلقی نمود.





سفیر بنگلادش:

سرمایه‌گذاری حلقه مفقوده تجارت بین ایران و بنگلادش است

نشست بررسی همکاری‌های اقتصادی استان کرمان و کشور بنگلادش با حضور رئیس اتاق کرمان، «گوسال اعظم سارکر» سفیر کشور بنگلادش در ایران و جمعی از فعالان اقتصادی در شهریورماه سال جاری برگزار شد. در این نشست سفیر بنگلادش در ایران گفت: با وجود ظرفیت‌های بسیار ایران و بنگلادش، عدم سرمایه‌گذاری دو طرف به‌عنوان حلقه مفقوده تجارت بین دو کشور، محسوب می‌شود که باید به این موضوع مهم مغفول مانده بیشتر توجه کرد. سارکر بیان کرد: فرصت‌های سرمایه‌گذاری در بنگلادش برای سرمایه‌گذاران ایرانی و کرمانی بسیار فراهم است و سرمایه‌گذاران می‌توانند صد درصد پول خود را از بنگلادش خارج کنند و از معافیت‌های مالیاتی و گمرکی برخوردار باشند. وی با اشاره به حوزه‌های سرمایه‌گذاری موردنیاز در بنگلادش از برگزاری نمایشگاه تجاری بزرگی در زمستان هر سال در این کشور و همچنین از استفاده از فرصت شرکت در اجلاسی که با حضور ۸ کشور از جمله ایران در سال آینده در بنگلادش برگزار خواهد شد، خبر داد. در ادامه این نشست رئیس اتاق کرمان گفت: با وجود زمینه‌های همکاری متعدد و ظرفیت‌های بسیار کرمان و بنگلادش، صادرات کرمان به این کشور هیچ‌گاه بیش از یک میلیون دلار نبوده است. سیدمهدی طبیب زاده، افزود: توسعه تجاری بین دو طرف بسیار مورد تأکید است که البته این رابطه تجاری باید برد-برد باشد و واردات از بنگلادش نیز متناسب با نیازها صورت گیرد.

نشست مجازی میز استانی روسیه در کرمان برگزار شد

نشست مجازی میز استانی روسیه در کرمان با حضور رئیس اتاق کرمان، «فرهاد پرنده» رایزن بازرگانی سابق ایران در روسیه، فعالان اقتصادی در حوزه‌های خرما، پسته، گیاهان دارویی، مصالح ساختمانی و سنگ‌های تزئینی و همچنین جمعی از مسئولان و روسای سازمان‌های متولی تجارت استان در شهریورماه ۹۹ برگزار شد. در ابتدای این نشست سیدمهدی طبیب زاده رئیس اتاق کرمان، گفت: امیدواریم با برگزاری چنین نشست‌هایی شاهد رشد آگاهی تجاری فعالان اقتصادی استان و رفع موانع باشیم و به سمت عملی کردن افزایش سطح تجاری استان در کشور حرکت نماییم. در ادامه فرهاد پرنده رایزن بازرگانی سابق ایران در روسیه، به ارائه گزارش در مورد ویژگی‌های بازار روسیه و چالش‌های صادرات به این کشور پرداخت و شرکت‌کنندگان در این نشست مجازی پرسش‌های خود را در موضوعات مختلف مطرح و پاسخ‌های لازم را دریافت کردند.



عقود بانکی؛ ماهیت تا عمل

کتاب «عقود بانکی؛ ماهیت تا عمل» با همکاری اتاق کرمان، انتشارات میزان، دادگستری استان کرمان و توسط پژوهشگران عقود و دعاوی بانکی و وکلای پایه یک دادگستری منتشر شد. روزانه حجم قابل توجهی از دعاوی بانکی به دستگاه قضا مطرح می‌شود که اغلب ناشی از عدم پرداخت وام و سودهای مورد نظر بانک‌هاست که صدور تصمیم صحیح و شایسته می‌تواند در رونق اقتصادی مؤثر باشد. در حقیقت این باور وجود دارد که اجرای صحیح قوانین و مقررات پولی و بانکی کشور می‌تواند مؤثر در حمایت از سرمایه‌گذاری باشد. لذا بنا گردید که در راستای منویات مقام معظم رهبری و در سالی که مزین به نام «حمایت از تولید و کالای ایرانی» می‌باشد جهت آگاهی و دسترسی قضات، وکلا، فعالان اقتصادی کشور مجموعه منسجمی از قوانین و مقررات آمره که زمینه‌ساز اجرای صحیح قوانین و مقررات پولی بانکی کشور است گردآوری گردد. این مجموعه بنا به سفارش اتاق بازرگانی کرمان و معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری استان کرمان در سه فصل تدوین شده است که در آن با اشاره به اسناد بالادستی ناظر به نظام پولی و بانکی، قوانین و مقررات نحوه فعالیت بانک‌ها خصوصاً حوزه نظارت و حوزه پول و بانک و نهایتاً جهت شناخت رویه قضایی موجود در محاکم و دکترین حقوقی در این حوزه به ذکر آراء قضایی پرداخته شده است.

مشارکت مدنی بانک، جهت تسویه تسهیلات سابق

کتاب «مشارکت مدنی بانک، جهت تسویه تسهیلات سابق» با همکاری اتاق کرمان، انتشارات میزان، دادگستری استان کرمان و توسط پژوهشگران عقود و دعاوی بانکی و وکلای پایه یک دادگستری منتشر شد.

یکی از معضلات فراروی بخش صنعت و تولید کشور مربوط به محاسبات سود و متفرعات آن دسته از قراردادهای تسهیلاتی است که سرمایه آن هیچ زمان تسلیم تسهیلات گیرنده نشده و در موضوع قرارداد مورد مصرف قرار نگرفته است، بلکه بانک به محض واریز وجه، آن را بابت بازپرداخت بدهی‌های گذشته و معوق برداشت و قرارداد سابق را تسویه می‌نماید، در واقع مبلغ قرارداد اخیر تجمیع اصل، سود و خسارت تأخیر تأدیه قراردادهای سابق است، در نتیجه سود از سود و سود از خسارت تأخیر تأدیه تصاعدی را به دنبال دارد.

به موجب بخش‌نامه شماره م/ب/۳۸۷۶ مورخ ۱۳۸۶/۰۹/۱۱ بانک مرکزی و قسمت اخیر ماده ۶ سیاست‌های پولی، اعتباری و نظارتی نظام بانکی کشور در سال ۱۳۹۰ ممنوعیت انعقاد چنین قراردادهایی اعلان و به کلیه مدیران عامل محترم بانک‌ها ابلاغ شده است، لیکن همچنان شاهد تنظیم چنین قراردادهایی هستیم که بنگاه اقتصادی را به ورطه نابودی می‌کشاند؛ بنابراین به منظور جلوگیری از تعطیلی این گروه از بنگاه‌های اقتصادی، راهی جز اجرای صحیح قوانین پولی و بانکی کشور وجود ندارد.

نظر به تأکید مکرر و متوالی مقام معظم رهبری (حفظ الله تعالی) در چند سال اخیر مبنی بر حرکت در جهت بهبود امور اقتصادی و همچنین نام‌گذاری سال ۱۳۹۸ با شعار محوری «رونق تولید»، به منظور پیشگیری از تعطیلی بنگاه‌های اقتصادی و کمک به حل مشکل مزبور، کتاب «مشارکت مدنی بانک، جهت تسویه تسهیلات سابق» تدوین و توسط بنیاد حقوقی میزان منتشر گردید.

کارشناسی در دعاوی مبتنی بر قرارداد مشارکت مدنی

کتاب «کارشناسی در دعاوی مبتنی بر قرارداد مشارکت مدنی» با همکاری اتاق کرمان، انتشارات میزان، دادگستری استان کرمان و ستاد اجرایی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی دادگستری و توسط پژوهشگران عقود و دعاوی بانکی و وکلای پایه یک دادگستری منتشر شد. اصولاً در دعاوی بانکی، قاضی دادگاه با ارجاع موضوع به کارشناس رسمی دادگستری، نظر تخصصی را در خصوص موضوع دعوی اخذ می‌نماید. این نظر بایستی مطابق با قوانین و مقررات تنظیم گردد و با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی مطابقت داشته باشد. در پرونده‌های متعددی ملاحظه گردیده در ارتباط با این‌گونه دعاوی، به دلیل عدم تسلط کامل کارشناسان، به قوانین و مقررات حاکم بر عقود، گاهی اظهارنظرهای مغایر با قوانین و مقررات و بخشنامه‌های بانک مرکزی، توسط کارشناسان منتخب دادگاه، تدوین و در اختیار مقام محترم قضایی قرار گرفته و در نهایت منجر به تضییع حقوق تسهیلات گیرندگان و فعالان اقتصادی شده است. جهت حل بخشی از این مشکل، کتاب «کارشناسی در دعاوی مبتنی بر قرارداد مشارکت مدنی» به تحریر درآورده شد تا کارشناسان منتخب دادگاه بتوانند در عقود مشارکت مدنی بهتر از گذشته اظهار نظر نمایند.

دور زدن قوانین بانکی ممنوع

کتاب «دور زدن قوانین بانکی ممنوع» با همکاری اتاق کرمان، انتشارات میزان و توسط پژوهشگران عقود و دعاوی بانکی و وکلای پایه یک دادگستری منتشر شد. رهبر انقلاب اسلامی در اسفند ماه ۱۳۷۷ به دور زدن قوانین و مقررات پولی و بانکی کشور اشاره کردند و فرمودند: «گرچه فعالیت‌های بانک‌ها در مقام قانون، کم اشکال است؛ اما در مقام اجرا و عمل، قانون دور زده می‌شود؛ و در اول فروردین ۱۳۹۴ نیز به اقدامات بانک انتقاد کردند و فرمودند: «بعضی از بانک‌ها در سرتاسر کشور با شیوه‌های خاص برخی از بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط را به تعطیلی کشاندند و نابود کردند...»؛ بر اساس فرمایشات مقام معظم رهبری و با هدف پیشگیری از تعطیلی و ورشکستگی بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط کتاب «دور زدن قوانین بانکی ممنوع» گردآوری گردید. همچنین در این مجموعه به مهم‌ترین قواعد ناظر بر عقود بانکی اشاره شده است که عدم اجرای صحیح و یا دور زدن آنان ارتباط مستقیم با ورشکستگی بنگاه‌های اقتصادی دارد. ◆◆





MINOO MEHRJUIE

شرکت مبل پته کرمانیابه مدیرعامله سرکارخانم مینومهرجویه

- زیرمجموعه پارک علم و فناوری استان کرمان
- اولین و تنها شرکت خلاق در حوزه ی صنایع دستی استان کرمان معرفی شده از سوی معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری
- اولین سفیر در حوزه ی صنایع دستی با عنوان سفیر پته کرمان در ایران معرفی شده از سوی باشگاه صنایع دستی یونسکو ایران
- عضویت در ITO سازمان تجارت بین الملل
- عضویت در کمیسیون گردشگری فرش و صنایع دستی اتاق بازرگانی استان کرمان
- عضو هیئت مدیره انجمن صنایع دستی اتاق بازرگانی استان کرمان



PATEH CURTAIN

- Designer Name: Minoo Mehrjuie
- Name of Design: "The Medallion and the Tree of Life"
- Duration of Design Drawing: Two months (240 hours)
- Duration of Sewing: 3 year and 6 months (10.200 hours)
- Raw Materials: Fabric and yarn, 100% made up of sheep wool and herbal dyes
- Density and Number of Stiches in Sewing Each Curtain: 4,310,550
- Beginning date: 2013/01
- Ending date: 2014/09

The middle design consists of two intertwined trees called the "tree of life" and the design belongs to the Qajar era 1794-1925 and is more than 1.5 centuries old.

Internal margin design belongs to Zandieh era 1750-1779

External margin design belongs to Qajar era 1794-1925